



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

بیت المقدس  
درت  
اهل سنت  
فاسیر

محمد یعقوب بشوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# حقوق اهل بیت در تفاسیر اهل سنت

نویسنده:

محمد یعقوب بشوی

ناشر چاپی:

جامعه المصطفی ( صلی الله علیه وآله ) العالمیه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۱	حقوق اهل بیت در تفاسیر اهل سنت
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۵	سخن ناشر
۲۵	پیش گفتار
۲۹	بخش اول: اهل بیت علیهم السلام در قرآن و سنت
۲۹	اشاره
۳۱	۱- اهل بیت علیهم السلام در قرآن
۳۱	اشاره
۳۱	مفهوم آیه تطهیر
۳۲	نگاهی به واژه های مهم آیه
۳۲	اشاره
۳۲	۱- اتما
۳۳	۲- اراده
۳۴	۳- الرجس
۳۵	۴- رجس در لغت
۳۶	۵- اهل البيت
۳۷	۶- تطهیر
۳۷	نزول آیه درباره اهل بیت علیهم السلام
۳۸	سبب نزول
۳۹	سیره پیامبر صلی الله علیه وآله پس از نزول آیه
۴۱	شأن نزول آیه از زبان معصومان
۴۲	شأن نزول آیه تطهیر از زبان صحابه و همسران پیامبر صلی الله علیه وآله

- ۴۳ ..... احتجاج کنندگان به آیه تطهیر
- ۴۴ ..... دیدگاه برخی دانشمندان اهل سنت
- ۴۸ ..... تکرار تلاوت آیه تطهیر
- ۴۸ ..... مراد از اهل بیت علیهم السلام
- ۵۱ ..... رفتار تأمل برانگیز
- ۵۷ ..... آیا ام سلمه از اهل بیت علیهم السلام است؟
- ۵۸ ..... آیا وائله از اهل بیت علیهم السلام است؟
- ۵۹ ..... انحصار اهل بیت علیهم السلام در زنان پیامبر صلی الله علیه وآله
- ۶۷ ..... تأملی در آیات دیگر
- ۶۷ ..... اشاره
- ۶۷ ..... ۱- آیات زنان در سوره احزاب
- ۷۰ ..... ۲- آیات زنان در سوره حجرات
- ۷۲ ..... ۳- آیات زنان در سوره تحریم
- ۸۰ ..... ۲- اهل بیت علیهم السلام در سنت
- ۸۰ ..... اشاره
- ۸۰ ..... اهل بیت علیهم السلام راهنمای بشر تا قیامت
- ۸۲ ..... اهل بیت علیهم السلام کشتی نجات
- ۸۳ ..... اهل بیت علیهم السلام وسیله آمرزش گناهان
- ۸۴ ..... اهل بیت علیهم السلام سبب امان امت
- ۸۶ ..... بخش دوم: حقوق اهل بیت علیهم السلام
- ۸۶ ..... اشاره
- ۸۸ ..... ۱- حق ولایت
- ۸۸ ..... حق در لغت
- ۸۹ ..... حق در قرآن
- ۹۰ ..... اهمیت حقوق اهل بیت علیهم السلام
- ۹۰ ..... آیه ولایت

- ۹۰ ..... اشاره
- ۹۱ ..... ۱- مفهوم آیه
- ۹۱ ..... ۲- سبب نزول آیه
- ۹۳ ..... ۳- راویان شأن نزول آیه
- ۹۵ ..... ولی به معنای اولی به تصرف
- ۹۷ ..... اعلان ولایت از سوی رسول خدا صلی الله علیه وآله
- ۱۰۱ ..... صراحت آیات ولایت بر زعامت علی علیه السلام
- ۱۰۴ ..... آیا آیه ولایت در شأن «عباده بن صامت» نازل شد؟
- ۱۰۷ ..... آیا آیه ولایت در شأن ابوبکر نازل شده است؟
- ۱۰۸ ..... آیا آیه ولایت در شأن عبدالله بن سلام نازل شده است؟
- ۱۰۹ ..... اشکال ابن تیمیه به آیه ولایت
- ۱۱۰ ..... ارزیابی اشکال ابن تیمیه
- ۱۱۸ ..... ۲- حق مودت
- ۱۱۸ ..... اشاره
- ۱۱۸ ..... مفهوم آیه
- ۱۱۹ ..... مدنی بودن آیه
- ۱۲۰ ..... مودت اهل بیت علیهم السلام اجر رسالت
- ۱۲۰ ..... شأن نزول آیه
- ۱۲۴ ..... شواهد تاریخی و روایی
- ۱۳۰ ..... مراد از حسنه چیست؟
- ۱۳۲ ..... ارزیابی برخی دیگر از شأن نزول ها
- ۱۳۲ ..... اشاره
- ۱۳۲ ..... ۱- آیا آیه مودت منسوخ است؟
- ۱۳۸ ..... ۲- آیا آیه مودت خطاب به همه قریش است؟
- ۱۴۱ ..... ۳- آیا مراد از مودت، محبت پیامبر صلی الله علیه وآله است؟
- ۱۴۲ ..... ۴- آیا منظور از مودت، محبت خویشاوندان مؤمن است؟

- ۱۴۴ ..... ۵- آیا مراد از مودت، تقرب به خداست؟
- ۱۴۵ ..... ۶- آیا آیه مودت، خطاب به انصار است؟
- ۱۴۶ ..... شبهات برخی دانشمندان اهل سنت درباره آیه مودت
- ۱۴۶ ..... اشاره
- ۱۴۷ ..... ۱- شبهات ابن تیمیه (م ۷۲۸ ق)
- ۱۵۵ ..... ۲- شبهه ابن کثیر (م ۷۷۴ ق)
- ۱۵۶ ..... ۳- شبهات مودودی (قرن چهاردهم)
- ۱۵۹ ..... ۴- شبهات عبدالکریم خطیب
- ۱۶۱ ..... آیات ناظر به دوستی و ولایت اهل بیت علیهم السلام
- ۱۷۲ ..... ۳- حق صلوات و سلام
- ۱۷۲ ..... اشاره
- ۱۷۳ ..... فرق سلام و صلوات
- ۱۷۴ ..... چگونگی صلوات
- ۱۷۵ ..... صلوات بدون فاصله با علی
- ۱۷۸ ..... صحابه راویان حدیث صلوات
- ۱۷۹ ..... صلوات بر همسران و اصحاب پیامبر صلی الله علیه وآله
- ۱۷۹ ..... اشاره
- ۱۸۰ ..... ۱- روایت ابوحمید ساعدی
- ۱۸۱ ..... ۲- روایت ابوهریره
- ۱۸۲ ..... ۳- روایت امام علی علیه السلام
- ۱۸۳ ..... ۴- روایتی از صحابی پیامبر صلی الله علیه وآله
- ۱۸۴ ..... چرا اهل سنت بر آل محمد صلوات نمی فرستند؟
- ۱۸۴ ..... صلوات ابتر
- ۱۸۹ ..... فایده های صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه وآله در روایات اهل سنت
- ۲۰۸ ..... ۴- حق فیء
- ۲۰۸ ..... اشاره



- ۲۰۸ ..... مفهوم آیه
- ۲۰۹ ..... فیء بودن فدک
- ۲۱۰ ..... فیء در لغت
- ۲۱۰ ..... بیان قرآن درباره فیء
- ۲۱۲ ..... مدنی بودن آیه ذالقربی
- ۲۱۴ ..... فدک در ملکیت فاطمه علیها السلام
- ۲۱۵ ..... فلسفه غصب فدک
- ۲۱۷ ..... قیام فاطمه علیها السلام برای احیاء سه حق
- ۲۱۸ ..... قیام برای بازپس گرفتن ارث
- ۲۱۸ ..... فاطمه علیها السلام به ابوبکر چه گفت ؟
- ۲۱۹ ..... ارزیابی حدیث لانورث
- ۲۲۳ ..... آیا پیامبران ارث نمی گذارند؟! ..
- ۲۲۳ ..... اشاره
- ۲۲۴ ..... ۱- وراثت پیامبران در قرآن ..
- ۲۲۴ ..... ۲- رسیدن ارث سلیمان به داود ..
- ۲۲۴ ..... ۳- رسیدن ارث یحیی به زکریا ..
- ۲۲۶ ..... سرنوشت فدک
- ۲۲۸ ..... فلسفه قیام
- ۲۲۹ ..... علت بازنستاندن فدک در زمان خلافت علی علیه السلام
- ۲۳۰ ..... ۵- حق خمس ..
- ۲۳۰ ..... اشاره
- ۲۳۰ ..... خمس چیست ؟
- ۲۳۱ ..... غنیمت در لغت
- ۲۳۲ ..... علت تشریح حکم خمس
- ۲۳۲ ..... مصداق ذی القربی در آیه ..
- ۲۳۳ ..... صاحبان خمس

- ۲۳۴ ..... خمس در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله
- ۲۳۶ ..... خمس در زمان خلفا
- ۲۳۷ ..... ارزیابی عملکرد خلفا در تقسیم خمس
- ۲۴۰ ..... محرومیت آل محمد از خمس
- ۲۴۲ ..... خمس در غیر غنایم جنگی
- ۲۴۴ ..... دستور پرداخت خمس در نامه های پیامبر صلی الله علیه وآله
- ۲۴۶ ..... فتوای برخی فقها در غیر غنایم
- ۲۴۸ ..... کتاب نامه
- ۲۶۶ ..... درباره مرکز

## حقوق اهل بیت در تفاسیر اهل سنت

### مشخصات کتاب

سرشناسه: بشوی، محمد یعقوب، ۱۹۷۲ -

عنوان و نام پدیدآور: حقوق اهل بیت در تفاسیر اهل سنت [کتاب] / محمد یعقوب بشوی.

وضعیت ویراست: [ویراست ۲]

مشخصات نشر: قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۲۴۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۵-۵۹۹-۳

موضوع: خاندان نبوت -- احادیث اهل سنت

موضوع: خاندان نبوت در قرآن

شناسه افزوده: جامعه المصطفی (ص) العالمیه. مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)

رده بندی کنگره: BP۱۰۴ / خ ۲ ب ۵ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی: ۲۶۴۷۳۹۴

ص: ۱

اشاره



حقوق اهل بیت در تفاسیر اهل سنت

محمد یعقوب بشوی

ص: ۳



با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های نوینی در حوزه علوم انسانی پدید آمد که به نوعی برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که مدیریت همه‌جانبه کشورها براساس دین و سنت، بسیار چالش‌برانگیز می‌نماید. از این رو مطالعه و پژوهش‌های جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، بر اساس معیارهای معتبر جهانی و اصالت اندیشه‌های ناب، امری شایسته و ضروری است. همچنین مسئله مهم جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان حوزه دین، مورد عنایت تمامی بنیان‌گذاران این شجره طیبه، به ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) می‌باشد.

«جامعه المصطفی صلی الله علیه وآله العالمیه» برای تحقق این رسالت خطیر و در مسیر نشر معارف ناب محمّدی صلی الله علیه وآله، «مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه وآله» را تأسیس کرده است.

اثر حاضر که حاصل تلاش فاضل گرامی «محمد یعقوب بشوی» می باشد، کوششی در به ثمر رساندن گوشه ای از این اهداف بلند است.

در پایان، از همه عزیزانی که در مسیر نشر این کتاب سهمی داشته اند، تقدیر و تشکر نموده و تمامی ارباب فضل و معرفت را به یاری خوانده تا ما را از دیدگاه های سازنده خویش بهره مند سازند.

. مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه وآله

ص: ۶



پیش گفتار. ۱۱

بخش اول: اهل بیت علیهم السلام در قرآن و سنت

۱. اهل بیت علیهم السلام در قرآن. ۱۷

مفهوم آیه تطهیر. ۱۷

نگاهی به واژه های مهم آیه. ۱۸

۱. اَنَّمَا. ۱۸

۲. اراده. ۱۹

۳. الرجس. ۲۰

۴. رجس در لغت. ۲۱

۵. اهل البیت. ۲۲

۶. تطهیر. ۲۳

نزول آیه درباره اهل بیت علیهم السلام. ۲۳

سبب نزول. ۲۴

سیره پیامبر صلی الله علیه وآله پس از نزول آیه. ۲۵

شأن نزول آیه تطهیر از زبان معصومان. ۲۷

شأن نزول آیه تطهیر از زبان صحابه و همسران پیامبر صلی الله علیه وآله..... ۲۸

احتجاج کنندگان به آیه تطهیر. ۲۹

دیدگاه برخی دانشمندان اهل سنت. ۳۰

تکرار تلاوت آیه تطهیر. ۳۴



مراد از اهل بیت علیهم السلام. ۳۴

رفتار تأمل برانگیز. ۳۷

آیا ام سلمه از اهل بیت علیهم السلام است؟. ۴۲

آیا واثله از اهل بیت علیهم السلام است؟. ۴۳

انحصار اهل بیت علیهم السلام در زنان پیامبر صلی الله علیه وآله..... ۴۴

تأملی در آیات دیگر. ۵۲

۱. آیات زنان در سوره احزاب. ۵۲

۲. آیات زنان در سوره حجرات. ۵۵

۳. آیات زنان در سوره تحریم. ۵۷

۲. اهل بیت علیهم السلام در سنت. ۶۵

اهل بیت علیهم السلام راهنمای بشر تا قیامت. ۶۵

اهل بیت علیهم السلام کشتی نجات. ۶۷

اهل بیت علیهم السلام وسیله آمرزش گناهان. ۶۸

اهل بیت علیهم السلام سبب امان امت. ۶۹

بخش دوم: حقوق اهل بیت علیهم السلام

۱. حق ولایت. ۷۳

حق در لغت. ۷۳

حق در قرآن. ۷۴

اهمیت حقوق اهل بیت علیهم السلام. ۷۵

آیه ولایت. ۷۵

۱. مفهوم آیه. ۷۶

۲. سبب نزول آیه. ۷۶

۳. راویان شأن نزول آیه. ۷۸

ولی به معنای اولی به تصرف. ۸۰

اعلان ولایت از سوی رسول خدا صلی الله علیه وآله. ۸۲

صراحت آیات ولایت بر زعامت علی علیه السلام. ۸۶

آیا آیه ولایت در شأن «عباده بن صامت» نازل شد؟. ۸۹

آیا آیه ولایت در شأن ابوبکر نازل شده است؟. ۹۲

آیا آیه ولایت در شأن عبدالله بن سلام نازل شده است؟. ۹۳

اشکال ابن تیمیه به آیه ولایت. ۹۴

۲. حق مودت. ۱۰۳

مفهوم آیه. ۱۰۳

ص: ۸

مدنی بودن آیه. ۱۰۴

مودت اهل بیت علیهم السلام اجر رسالت. ۱۰۵

شان نزول آیه. ۱۰۵

شواهد تاریخی و روایی. ۱۰۹

مراد از حسنه چیست؟. ۱۱۵

ارزیابی برخی دیگر از شان نزول ها. ۱۱۷

۱. آیا آیه مودت منسوخ است؟. ۱۱۷

۲. آیا آیه مودت خطاب به همه قریش است؟. ۱۲۳

۳. آیا مراد از مودت، محبت پیامبر صلی الله علیه و آله است؟..... ۱۲۶

۴. آیا منظور از مودت، محبت خویشاوندان مؤمن است؟. ۱۲۷

۵. آیا مراد از مودت، تقرب به خداست؟. ۱۲۹

۶. آیا آیه مودت، خطاب به انصار است؟. ۱۳۰

شباهت برخی دانشمندان اهل سنت درباره آیه مودت. ۱۳۱

۱. شباهت ابن تیمیه (م ۷۲۸ ق). ۱۳۲

۲. شباهت ابن کثیر (م ۷۷۴ ق). ۱۴۰

۳. شباهت مودودی (قرن چهاردهم). ۱۴۱

۴. شباهت عبدالکریم خطیب. ۱۴۴

آیات ناظر به دوستی و ولایت اهل بیت علیهم السلام. ۱۴۶

۳. حق صلوات و سلام. ۱۵۷

فرق سلام و صلوات. ۱۵۸

چگونگی صلوات. ۱۵۹

صلوات بدون فاصله با علی. ۱۶۰

صحابه راویان حدیث صلوات. ۱۶۳

صلوات بر همسران و اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله. ۱۶۴

۱. روایت ابوحمید ساعدی. ۱۶۵

۲. روایت ابوهریره. ۱۶۶

۳. روایت امام علی علیه السلام. ۱۶۷

۴. روایتی از صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله. ۱۶۸

چرا اهل سنت بر آل محمد صلوات نمی فرستند؟. ۱۶۹

صلوات ابتر. ۱۶۹

فایده های صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله در روایات اهل سنت..... ۱۷۴

ص: ۹

۴. حق فیء. ۱۹۱

مفهوم آیه. ۱۹۱

فیء بودن فدک. ۱۹۲

فیء در لغت. ۱۹۳

بیان قرآن درباره فیء. ۱۹۳

مدنی بودن آیه ذالقربی. ۱۹۵

فدک در ملکیت فاطمه علیها السلام. ۱۹۷

فلسفه غصب فدک. ۱۹۸

قیام فاطمه علیها السلام برای احیاء سه حق. ۲۰۰

قیام برای بازپس گرفتن ارث. ۲۰۱

آیا پیامبران ارث نمی گذارند؟! ۲۰۶

۱. وراثت پیامبران در قرآن. ۲۰۷

۲. رسیدن ارث سلیمان به داود. ۲۰۷

۳. رسیدن ارث یحیی به زکریا. ۲۰۷

سرنوشت فدک. ۲۰۹

فلسفه قیام. ۲۱۱

علت بازنستادن فدک در زمان خلافت علی علیه السلام. ۲۱۲

۵. حق خمس. ۲۱۳

خمس چیست؟ ۲۱۳

غنیمت در لغت. ۲۱۴

علت تشریح حکم خمس. ۲۱۵

مصدق ذی القربی در آیه. ۲۱۵

صاحبان خمس. ۲۱۶

خمس در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله. ۲۱۷

خمس در زمان خلفا. ۲۱۹

ارزیابی عملکرد خلفا در تقسیم خمس. ۲۲۰

محرومیت آل محمد از خمس. ۲۲۳

خمس در غیر غنایم جنگی. ۲۲۵

دستور پرداخت خمس در نامه های پیامبر صلی الله علیه وآله..... ۲۲۷

فتوای برخی فقها در غیر غنایم. ۲۲۹

کتاب نامه. ۲۳۱

ص: ۱۰



به یقین تمسک به اهل بیت علیهم السلام حکم قرآن و دستور جاوید پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ زیرا اهل بیت رسول خدا علیهم السلام پلی بین خلق و خالق و نوری در ظلمات فکری، روحی و قلبی انسان و راهی به سوی کمال بی‌نهایت و سعادت ابدی هستند؛ از این رو برای شناخت چنین انسان‌هایی، باید به سراغ معتبرترین منابع، یعنی قرآن و روایات اسلامی رفت.

با تأملی در منابع تفسیری، حدیثی، رجالی و تاریخی برادران اهل سنت، می‌توان صدها آیه با عنوان‌های متعدد در شأن خاندان اهل بیت علیهم السلام به دست آورد. اهل سنت، روایات تفسیری و غیرتفسیری فراوان و باارزشی دارند که با اسناد معتبر، در منابع معتبر آنها وارد شده است؛ به طوری که برخی دانشمندان اهل سنت در مورد بعضی از این روایات، ادعای تواتر و گاهی اجماع کرده‌اند.

قرآن به برخی حقوق بسیار اساسی اهل بیت علیهم السلام اشاره کرده که نجات و سعادت آدمی در گرو شناخت و ادای این حقوق است. این حقوق که برخی مادی و بعضی معنوی‌اند، عبارتند از: حق ولایت و رهبری، حق

مودت و دوستی، حق صلوات و سلام، حق فیء و حق خمس.

متأسفانه پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله، جریانی فضیلت سوز و فضیلت ساز، تمام تلاش خود را صرف کتمان و انکار فضایل اهل بیت علیهم السلام و ساختن فضیلت برای دیگران کرده بود. ابوجعفر اسکافی (م ۲۲۰ ق) در این باره می گوید:

روایت شده که معاویه یک صد هزار درهم به سمره بن جندب پرداخت تا وی آیه وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَ هُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ \* وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ را در شأن علی بن ابی طالب روایت کند و همچنین آیه وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ را در شأن ابن ملجم نقل کند؛ لکن سمره نپذیرفت و معاویه دویست هزار درهم به او پیشنهاد داد، باز هم قبول نکرد، معاویه سیصد هزار درهم پیشنهاد داد، باز هم قبول نکرد، اما معاویه چهارصد هزار درهم به سمره داد، او پذیرفت و این آیات را طبق دستور معاویه روایت کرد. (۱)

در حالی که - طبق نقل برخی مفسران اهل سنت - آیه وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ... در مذمت منافقی به نام «اخنس بن شریق ثقفی»، (۲) و آیه وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ... در شأن حضرت علی علیه السلام نازل شده است که در شب هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بستر حضرت خوابید و جان ایشان را نجات داد. (۳)

ص: ۱۲

۱- (۳) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۷۳.

۲- (۴) فخر رازی، تفسیر الفخر الرازی، ج ۵، ص ۲۱۳؛ جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۱، ص ۵۷۲؛ احمد ثعلبی، الکشف و البیان، ج ۲، ص ۱۱۹.

۳- (۵) همان، ص ۲۲۱؛ الکشف و البیان، ص ۱۲۶..

در زمان معاویه فضیلت سوزی و فضیلت سازی به اوج خود رسیده بود؛ چنان که ابن ابی الحدید - دانشمند اهل سنت - می نویسد:

معاویه گروهی از صحابه و گروه دیگری از تابعان را برگزیده بود تا روایاتی در ذم علی علیه السلام جعل کنند و برای آنان در برابر چنین کاری مزد قرار داده بود. او از صحابه، افرادی همچون ابوهریره، عمرو بن عاص و مغیره بن شعبه، و از تابعان، افرادی همچون عروه بن زبیر را برای این کار معین کرده بود....(۱)

«سیوطی» احادیث ساختگی بسیاری را در شأن خلفا و صحابه نقل کرده و آنان را جعلی، ساختگی و موضوع دانسته است.(۲)

«سید رامی یوزبکی»، هفتصد نفر را نام می برد که حدیث می ساختند و همگی در کتاب های اهل سنت روایت دارند.(۳) وی چهل و یک نفر از مقلوبین(۴) و وضاعین(۵) را نام می برد که حدود چهارصد و هشت هزار و ششصد و هشتاد و چهار حدیث وضع کرده اند.(۶) ابن جوزی هم به برخی احادیث ساختگی درباره خلفاء سه گانه اشاره کرده است.(۷)

جریان فضیلت سازی برای دیگران و فضیلت سوزی اهل بیت علیهم السلام، قرن ها و با همه توان ادامه داشت و حتی آیاتی که طبق نقل روایات متواتر فریقین در شأن اهل بیت علیهم السلام وارد شده بود نیز در امان نماند. با توجه به دست درازی جریان نفاق به فضایل و حقوق مسلم اهل بیت علیهم السلام

ص: ۱۳

۱- (۱) شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۶۳.

۲- (۲) الآلیء المصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، ج ۱، ص ۲۶۳-۴۰۳.

۳- (۳) سید رامی یوزبکی، الوضاعون و احادیثهم الموضوعه، ص ۳۳۵.

۴- (۴) کسانی که در سند و متن حدیث دست می زنند و آنها را زیر و رو می کنند.

۵- (۵) کسانی که حدیث جعل می کنند و به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت می دهند.

۶- (۶) همان، ص ۳۳۸.

۷- (۷) الموضوعات، ج ۱، ص ۳۰۳-۳۰۷..

ضرورت دارد که «حقوق اهل بیت علیهم السلام در قرآن از دیدگاه تفاسیر اهل سنت» بررسی شده و روایات تفسیری آنان به طور مفصل مورد بررسی قرار گیرد تا با گردآوری این روایات و دیدگاه های مفسران اهل سنت، به ارزیابی آنها و پاسخ به شبهات مطرح شده در این باره پردازیم. زیرا اگرچه از دیرباز، دانشمندان فریقین در مورد اهل بیت علیهم السلام کتاب های بسیاری نوشته اند، ولی متأسفانه درباره حقوق اهل بیت علیهم السلام در قرآن از منظر تفاسیر اهل سنت، تحقیقی صورت نگرفته؛ اگرچه درباره برخی حقوق کارهایی جزئی انجام شده و برخی نیز متوجه روایات شیعه شده اند.

امیدواریم که خداوند این تلاش را بپذیرد و به واسطه ادای حقوق اهل بیت علیهم السلام و پیروی از ایشان، ما را به سعادت ابدی برساند.

محمد یعقوب بشوی

قم - مرداد ۱۳۸۴ ش / محرم ۱۴۲۶ ق

ص: ۱۴

بخش اول: اهل بیت علیهم السلام در قرآن و سنت

اشاره

ص: ۱۵



### اشاره

برای شناخت اهل بیت علیهم السلام مهم ترین و معتبرترین منبع نزد فریقین، قرآن و سنت است. ابتدا با شناخت اهل بیت علیهم السلام و استفاده از این دو منبع غنی و معتبر به بررسی حقوق آن بزرگواران می پردازیم. در این باره آیات بسیاری در قرآن وجود دارد که مهم ترین آنها آیه تطهیر است.

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً؛ (۱) جز این نیست که خداوند می خواهد پلیدی را فقط از شما اهل بیت علیهم السلام دور کند و شما را به راستی پاک سازد.

### مفهوم آیه تطهیر

صدها روایت فریقین که از ده ها تن از صحابه و تابعین - در حد تواتر - به ما رسیده، بیانگر آن است که آیه تطهیر در شأن اصحاب کساء نازل شده است. با بررسی و دقت در این روایات به دست می آید که

ص: ۱۷

سبب نزول این آیه، حضرت فاطمه علیها السلام است. این آیه بر طهارت و عصمت اصحاب کساء و دور بودن آنان از هر گونه پلیدی مادی و معنوی دلالت تام دارد و طهارت مادی و معنوی آنان را به صراحت اعلام می دارد. صدها روایت فریقین، تنها اصحاب کساء را مصداق اهل بیت علیهم السلام می دانند. این آیه به تنهایی نازل شده و آیات پیش از آن - که درباره زنان سخن می گویند - شأن نزول جداگانه ای دارند که خواهد آمد.

## نگاهی به واژه های مهم آیه

### اشاره

با بررسی واژه های به کار رفته در این آیه، می توان مقصود آیه را روشن ساخت. این واژه ها عبارتند از:

### ۱- انما

«انما» مفید حصر است. ابن منظور می گوید: اگر به «إن»، «ما» افزوده شود، بر حصر و تعیین دلالت می کند؛ مانند قول خداوند: **إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ ۱** و **(۱)** جوهری نیز چنین گفته است. **(۲)** فیروزآبادی گوید: «انما» مانند «انما» مفید حصر است و هر دو در آیه **قُلْ إِنَّمَا يُوحِي إِلَيَّ أَنَّهَا إِلَهُهُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ ۴** جمع شده است. **(۳)** این قول را ابن هشام نیز برگزیده است. **(۴)**

ص: ۱۸

---

۱- (۲) محمد بن منظور، لسان العرب، ماده (أ، ن، ن).

۲- (۳) اسماعیل جوهری، الصحاح، ماده (أ، ن، ن).

۳- (۵) محمد فیروزآبادی، القاموس، ماده (أ، ن، ن).

۴- (۶) جمال الدین بن هشام، مغنی اللیب، ج ۱، ص ۵۹.



بنابراین «انما» در لغت برای حصر است، ولی با قرینه در غیرحصر به کار می رود که در این صورت استعمال مجازی و بر اساس قرینه خواهد بود.

## ۲- اراده

اراده بر دو قسم است: تکوینی و تشریحی. اراده تکوینی به فعل خود یعنی به تکوین و ایجاد آن تعلق می گیرد؛ اما اراده تشریحی، به فعل دیگری تعلق می گیرد؛ بدین اعتبار که وی آن را به اختیار خود انجام می دهد. (۱) اراده تکوینی، همان *إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ* ۲ است که هیچ گاه تخلف نمی پذیرد. اراده تشریحی، همان امر و نهی خداوند است.

متعلق اراده، «اذهاب» است؛ یعنی خدا، دور کردن «رجس» را از اهل بیت علیهم السلام اراده کرده است؛ پس عمل خدا عنایتی در حق ایشان است تا آنان هرگز به پلیدی نزدیک نشوند. بنابراین، اراده حق، متوجه انجام ندادن گناه نیست، بلکه مراد ایجاد فاصله است تا ایشان پاک بمانند؛ البته دوری بین انسان و گناه، جبر نیست، بلکه توفیق است.

اراده در آیه مورد بحث، تکوینی است؛ زیرا اولاً- اراده تشریحی (مانند تکلیف) به کار دیگران تعلق می گیرد؛ در حالی که اراده در این آیه به «اذهاب رجس» که فعل خدا به شمار می آید، تعلق گرفته و دلیل تشریحی نبودن آن است.

ثانیاً، اراده تشریحی خدا برای دور بودن انسان از پلیدی ها اختصاص به اهل بیت علیهم السلام ندارد، ولی از آیه استفاده می شود که این اراده، تنها مخصوص ایشان است؛ زیرا در ابتدای آیه، کلمه حصر (إِنَّمَا) آمده است.

ص: ۱۹

---

۱- (۱) جعفر مرتضی عاملی، اهل البیت فی آیه التطهیر، ص ۴۸.

ثالثاً، این آیه به گواهی روایات فراوان، اهل بیت پیامبر علیهم السلام را می ستاید؛ در حالی که اگر اراده تشریحی باشد، تمجیدی در بر نخواهد داشت.

اگر گفته شود که «یرید» در آیه، فعل مضارع است و می فهماند که خداوند در آینده، اهل بیت پیامبر علیهم السلام را از پلیدی دور نگه خواهد داشت در پاسخ خواهیم گفت که «یرید» فعل خداست و بر استقبال دلالت ندارد، بلکه مانند آیه یریدُ اللَّهُ لِبَيِّنَاتٍ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سَبِيلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ... وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ...<sup>۱</sup> بر این معنا دلالت می کند که خدا همچنان اراده دارد و این اراده همیشگی است.

### ۳- الرجس

در این جا به کلام برخی مفسران درباره «رجس» اشاره می کنیم:

علامه طباطبایی می فرماید:

کلمه «رجس» صفتی است از ماده «رجا»؛ یعنی پلیدی و قذارت، و پلیدی و قذارت، هیئت است در نفس آدمی که آدمی را وادار به اجتناب و نفرت می نماید، و نیز هیئتی است در ظاهر موجود پلید که باز آدمی از آن نفرت می نماید؛ اولی مانند پلیدی رذایل؛ دومی مانند پلیدی خوک.<sup>(۱)</sup>

«ابن جوزی» پنج قول در معنای رجس آورده است: شرک، گناه، شیطان، شک و معاصی یا عمل زشت.<sup>(۲)</sup> «ابن عربی» (م ۵۴۳ق) می گوید: «رجس»، اثم، شر، شیطان، کارهای ناپسند، اخلاق ذمیمه مانند شح، بخل، حسد، قطع رحم، و کارهای زشت پنهان یا آشکار مانند فواحش را گویند.<sup>(۳)</sup>

ص: ۲۰

۱- (۲) سید محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، ص ۴۶۷.

۲- (۳) عبدالرحمن بن جوزی، زاد المسیر، ج ۶، ص ۲۰۶.

۳- (۴) محمد بن عربی، احکام القرآن، ج ۳، ص ۵۷۱..

«آلوسی» در این باره می گوید: گناه، فسق، شیطان، شرک، شک، بخل، طمع، هوس ها، بدعت ها، عذاب، نجاست، نقص ها؛ رجس در آیه تطهیر، معنای عامی دارد و همه این ها را در بر می گیرد. (۱)

«ابن حیان» نیز معتقد است: رجس، اسمی است که به گناه، عذاب، نجاسات و نقص ها گفته می شود و خداوند همه این ها را از اهل بیت علیهم السلام دور کرده است. (۲)

«قشیری» (م ۴۶۵ ق) می گوید:

رجس، افعال ناپسند و اخلاق پست را گویند؛ افعال زشت مانند فواحش - ظاهری باشد یا باطنی، کم باشد یا زیاد - و اخلاق پست مانند هوس ها و بدعت ها مانند بخل، شح، قطع رحم. خداوند اراده کرده برای اهل بیت علیهم السلام که اخلاق نیکو داشته باشند و صفاتی در آنها تحقق یابد؛ صفاتی چون جود و سخا، ایثار، صله رحم، توفیق، عصمت و تسدید؛ چون او اراده کرده اهل بیت علیهم السلام از گناه و عیب ها پاکیزه باشند. (۳)

#### ۴- رجس در لغت

«راغب» چهار وجه برای رجس معرفی کرده است:

۱. چیزی که طبیعتاً پلید است؛
۲. چیزی که عقلاً ناپاک است؛
۳. چیزی که از نظر شرع پلید است؛
۴. چیزی که از هر سه جهت مذکور ناپاک است؛ مانند مردار. (۴)

ص: ۲۱

- 
- ۱- (۱) محمود آلوسی، روح المعانی، ج ۲۲، ص ۱۰.
  - ۲- (۲) عبدالحق بن عطیه اندلسی، المحرر الوجیز، ج ۴، ص ۳۸۴.
  - ۳- (۳) عبدالکریم قشیری، تفسیر القشیری، ج ۳، ص ۳۸.
  - ۴- (۴) راغب اصفهانی، مفردات، ماده (ر، ج، س) ..

رجس در قرآن (در هشت سوره)، ده مرتبه تکرار شده است و شامل موارد ذیل می شود: شراب، قمار، بت، چوبه های قرعه، (۱) مردار، خون، گوشت خنزیر، (۲) اوثان و پرستش بت ها، (۳) مرض نفاق و شک، (۴) عذاب، (۵) منافقین، (۶) کفر، (۷) ضلالت و گمراهی (۸) و مطلق پلیدی های مادی و معنوی. (۹) بنابراین رجس در قرآن شامل همه اقسام (مادی و معنوی) پلیدی ها و هر نوع گناه و خطایی می شود؛ زیرا «ال» جنس بر سر «رجس» آمده است؛ در نتیجه تطهیر نیز به معنای از بین بردن هر گونه رجس خواهد بود.

## ۵- اهل البیت

مراد از این واژه کسانی هستند که نسب، دین یا چیزی مثل خانه، شهر یا یک بنا آنها را با یکدیگر جمع کرده باشد. پس «اهل البیت» در اصل کسانی هستند که خانه ای واحد آنان را یکجا جمع کرده است؛ سپس این معنا توسعه یافته و در مورد کسانی به کار رفته که نسب خانوادگی وسیله جمع آنهاست. (۱۰)

در قرآن کریم، واژه اهل بیت علیهم السلام در مورد همسر نیز به کار رفته

ص: ۲۲

- ۱- (۱) مائده، آیه ۹۰.
- ۲- (۲) انعام، آیه ۱۴۵.
- ۳- (۳) حج، آیه ۳۰.
- ۴- (۴) توبه، آیه ۱۲۵.
- ۵- (۵) اعراف، آیه ۷۱.
- ۶- (۶) توبه، آیه ۹۵.
- ۷- (۷) یونس، آیه ۱۰۰.
- ۸- (۸) انعام، آیه ۱۲۵.
- ۹- (۹) احزاب، آیه ۳۳.
- ۱۰- (۱۰) مفردات، ماده (ا، ه، ل) ..

است: رَحِمْتُ اللَّهَ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ ۱ پس از نظر قرآن و لغت، «همسر» نیز در معنای اهل بیت علیهم السلام داخل است. ولی در آیه تطهیر - به ادله مختلفی - اهل بیت علیهم السلام از معنای عموم خارج شده و به یک معنا محدود شده است که درباره آن بحث خواهیم کرد.

## ۶- تطهیر

فراهیدی می نویسد: تطهیر، به معنای پاکی و تنزه و خویشتن داری از گناه و معصیت است. (۱) راغب چنین می نویسد: طهارت دو گونه است: طهارت جسم و طهارت نفس که همه آیات قرآن کریم بر این دو معنا حمل می شود. (۲)

کلمه «تطهیراً» در آخر آیه تطهیر، به صورت مصدر ذکر شده و طبق قواعد زبان عرب، بیان کننده نوعی تأکید است و به تطهیر اصحاب کساء مربوط می شود. بنابراین «يُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيراً» نوعی تأکید بر تطهیر جسمی و روحی کامل اصحاب کساء علیهم السلام است.

## نزول آیه درباره اهل بیت علیهم السلام

بسیاری از دانشمندان حدیثی و تفسیری اهل سنت، آیه تطهیر را در شأن اصحاب کساء نقل کرده و روایات شأن نزول آیه را آورده اند؛ از جمله روایتی که ابوسعید خدری از ام سلمه نقل می کند که گفت: آیه... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً ۴ در خانه او نازل شد. او

ص: ۲۳

۱- (۲) خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۲، ص ۹۷.

۲- (۳) مفردات، ماده (ط، ه، ر).

می گوید: من بر در خانه نشسته بودم و به رسول خدا صلی الله علیه وآله گفتم:

انا یا رسول الله! الست من اهل البيت؟ قال: انک إلى خیر انت من ازواج النبی صلی الله علیه وآله. قالت: و فی البيت رسول الله صلی الله علیه وآله و علی و فاطمه والحسن والحسین (رضی الله عنهم) (۱). ای رسول خدا! من هم از اهل بیت علیهم السلام نیستم؟ فرمود: تو بر خیر و نیکی هستی، تو از همسران نبی هستی. ام سلمه گفت: در منزل رسول خدا صلی الله علیه وآله علی، فاطمه، حسن و حسین (رضی الله عنهم) بودند.

## سبب نزول

برخی دانشمندان اهل سنت، سبب نزول آیه را جمع شدن اصحاب کساء در زیر چادر می دانند؛ از جمله حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ ق) که می نویسد:

از عبدالله بن جعفر روایت شده است: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه وآله به رحمت الهی که از آسمان فرود می آمد نظر کرد، فرمود: «برایم فراخوانید، برایم فراخوانید». صفیه گفت: یا رسول الله! چه کسی را فرا خوانیم؟ فرمود: اهل بیت را؛ علی، فاطمه، حسن و حسین را. پس از این که آنان را آوردند، پیامبر صلی الله علیه وآله کسای خویش را بر آنان افکند؛ سپس دست های خویش را بلند کرد و فرمود: خدایا! اینان خاندان من هستند؛ بر محمد و خاندان او درود فرست و سپس خداوند آیه **أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ** را نازل فرمود.

مؤلف پس از نقل این روایت می گوید: «هذا حدیث صحیح الاسناد» (۲). این حدیث، صحیح السند است.

روایات دیگری نیز از صحابه همچون عمر بن ابی سلمه (۳) و ابوسعید

ص: ۲۴

۱- (۱) محمد بن جریر طبری، جامع البیان، ج ۱۲، ص ۷؛ الدر المنثور، ج ۶، ص (در این کتاب این جمله اضافه شده و فی البيت سبعة جبریل ومیکائیل...)؛ احمد طحاوی، مشکل الآثار، ج ۱، ص ۲۲۹؛ المحرر الوجیز، ج ۴، ص ۳۸۴؛ عبدالرحمن شیبانی، تیسیر الوصول إلى جامع الاصول، ج ۳، ص ۱۹۶؛ سلیمان طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲۳، ص ۲۴۹.

۲- (۲) حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۴۸.

۳- (۳) مشکل الآثار، ج ۱، ص ۲۲۹؛ احمد طبری، ذخائر العقبی، ص ۲۱؛ جامع البیان، ج ۱۲، ص ۸.

خدری (۱) نقل شده که آیه تطهیر در خانه ام سلمه و در شأن پنج تن نازل شده است. از این روایات به دست می آید که نه تنها این آیه در شأن اهل بیت علیهم السلام - به ویژه فاطمه علیها السلام - است، بلکه اصحاب کساء بودند که سبب نزول آیه شده اند.

### سیره پیامبر صلی الله علیه وآله پس از نزول آیه

برخی روایات اهل سنت، سیره رسول خدا صلی الله علیه وآله را بعد از نزول آیه بازگویی کنند:

۱. روایت ابن عباس:

شهدنا رسول الله صلی الله علیه وآله تسعة اشهر ياتي كل يوم باب علي بن ابي طالب عند وقت كل صلاة فيقول السلام عليكم ورحمة الله... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً الصلاة يرحمكم الله كل يوم خمس مرات (۲) من شاهد بودم که رسول خدا صلی الله علیه وآله نه ماه تمام هر روز هنگام هر نماز به در خانه علی بن ابی طالب می آمد و می فرمود: درود و رحمت و برکات خدا بر شما اهل بیت علیهم السلام گرامی باد: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً و این عمل را پیامبر صلی الله علیه وآله هر روز پنج بار تکرار می کرد.

۲. روایت انس بن مالک:

ان النبي صلی الله علیه وآله كان يمر ببیت فاطمه سته اشهر كلما خرج إلى الصلاة فيقول: الصلاة اهل البيت إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً (۳) بی شک همانا پیامبر صلی الله علیه وآله

ص: ۲۵

---

۱- (۱) الدرالمنثور، ج ۶، ص ۶۰۴؛ عبدالرحمن بن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ج ۹، ص ۳۱۳۱؛ ابوبکر احمد جصاص، احکام القرآن، ج ۳، ص ۵۲۹؛ جامع البیان، ج ۱۲، ص ۶.

۲- (۲) احمد مراغی، تفسیر المراغی، ج ۲۴، ص ۷؛ الدرالمنثور، ج ۶، ص ۶۰۶.

۳- (۳) جامع البیان، ج ۱۲، ص ۶؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۱، با کمی تغییر الفاظ در الدرالمنثور، ج ۶، ص ۶۰۵..

به مدت شش ماه هر روز هنگام نماز از در خانه فاطمه می گذشت و می فرمود: نماز، ای اهل بیت! إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً.

از ایشان مدت شش ماه در هنگام نماز صبح نیز چنین عملی روایت شده است. (۱) حاکم حسکانی همین روایت را به طرق مختلف آورده است؛

۳. ابی برزه می گوید: هفده ماه همراه رسول خدا صلی الله علیه وآله نماز خواندم. هنگام خروج برای نماز به در خانه فاطمه می آمد و می فرمود:

الصلاة عليكم؛ سلام و درود پیوسته بر شما باد إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً؛ (۲)

۴. ابی الحمراء می گوید: هشت ماه تمام را از رسول خدا صلی الله علیه وآله در مدینه به خاطر دارم که هیچ گاه برای نماز صبح خارج نمی شد، مگر آن که به در خانه علی می آمد و دستانش را بر دو سوی در می نهاد و می فرمود: نماز! نماز!... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً. (۳)

از وی تکرار این عمل به مدت یک ماه، (۴) شش ماه، (۵) هفت ماه، (۶) هفت ماه وقت نماز صبح، (۷) نه ماه (۸) و ده ماه (۹) ذکر شده است؛ همچنین از این عمل در مطلق نماز (۱۰) سخن به میان آمده است.

ص: ۲۶

۱- (۱) اسماعیل بن کثیر دمشقی، تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۴۹۲.

۲- (۲) نورالدین هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۹.

۳- (۳) احمد بن مردویه، المناقب، ص ۳۰۴ و ۳۰۵.

۴- (۴) عزالدین علی ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۵، ص ۶۶.

۵- (۵) الدرالمثور، ج ۶، ص ۶۰.

۶- (۶) تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۴۹۲.

۷- (۷) جامع البیان، ج ۱۲، ص ۶.

۸- (۸) ذخائر العقبی، ص ۲۵.

۹- (۹) شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۵۰.

۱۰- (۱۰) همان..



۵. ابوسعید خدری گوید: «رسول خدا صلی الله علیه وآله چهل روز به در خانه فاطمه می آمد و سلام و رحمت خدا را برای اهل بیت آرزو می کرد و این آیه را می خواند... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً و می فرمود: با هر که دشمنی کنید، دشمنم و با هر که دوستی کنید، دوستم» (۱).

### شأن نزول آیه از زبان معصومان

در منابع فریقین صدها روایت از اهل بیت علیهم السلام نقل شده که آن بزرگواران آیه تطهیر را در شأن خود دانسته اند و با استناد به این آیه، درباره حق خود استدلال کرده اند. معصومانی که به این آیه استناد کرده اند، عبارتند از: ۱. پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله (۲). ۲. فاطمه زهرا علیها السلام (۳). ۳. امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام (۴). ۴. امام حسن مجتبی علیه السلام (۵). ۵. امام حسین علیه السلام (۶). ۶. امام سجاد علیه السلام (۷). ۷. امام محمدباقر علیه السلام (۸). ۸. امام جعفر صادق علیه السلام (۹). ۹. امام موسی کاظم علیه السلام (۱۰). ۱۰. امام علی بن موسی الرضا علیه السلام (۱۱). ۱۱. امام حسن عسکری علیه السلام (۱۲).

ص: ۲۷

- ۱- (۱) المناقب، ص ۳۰۴.
- ۲- (۲) جامع البیان، ج ۱۲، ص ۶.
- ۳- (۳) شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۵۴.
- ۴- (۴) مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۹.
- ۵- (۵) تفسیر القرآن العظیم، ج ۹، ص ۳۱۳۲.
- ۶- (۶) المناقب، ص ۳۰۳.
- ۷- (۷) تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۴۹۵.
- ۸- (۸) محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۲۰۶.
- ۹- (۹) بحار الانوار، ص ۲۱۲.
- ۱۰- (۱۰) موحد ابطحی، آیه التطهیر فی احادیث الفریقین، ج ۲، ص ۷۶.
- ۱۱- (۱۱) بحار الانوار، ص ۲۰۸.
- ۱۲- (۱۲) آیه التطهیر فی احادیث الفریقین، ص ۷۸.

برخی از زنان رسول خدا صلی الله علیه وآله و صحابه حضرت، حدیث مذکور را روایت کرده اند که عبارتند از: ۱. ابن عباس (۱)؛ ۲. انس بن مالک (۲)؛ ۳. ابوسعید الخدری (۳)؛ ۴. ابودرداء (۴)؛ ۵. ابوهریره (۵)؛ ۶. ابی الحمراء (۶)؛ ۷. ابی برزه (۷)؛ ۸. ابی لیلی (۸)؛ ۹. براء بن عازب (۹)؛ ۱۰. ثوبان (غلام پیامبر) (۱۰)؛ ۱۱. جابر بن عبدالله انصاری (۱۱)؛ ۱۲. زید بن ارقم (۱۲)؛ ۱۳. سعد بن ابی وقاص (۱۳)؛ ۱۴. سلمان فارسی (۱۴)؛ ۱۵. صبیح (غلام ام سلمه) (۱۵)؛ ۱۶. صفیه بنت شیبه (۱۶)؛ ۱۷. عبدالله بن جعفر طیار (۱۷)؛ ۱۸. عمر بن ابی سلمه (۱۸).

ص: ۲۸

- 
- ۱- (۱) محمد شوکانی، فتح القدیر، ج ۴، ص ۳۳۹؛ احمد مراغی، تفسیر المراغی، ج ۲۴، ص ۷.
  - ۲- (۲) جامع البیان، ج ۱۲، ص ۶.
  - ۳- (۳) تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، ص ۳۱۳۲.
  - ۴- (۴) محمدباقر محمودی، تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۴۴۰.
  - ۵- (۵) تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۴۹۲؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۹.
  - ۶- (۶) جامع البیان، ج ۱۲، ص ۶.
  - ۷- (۷) مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۹.
  - ۸- (۸) شعیب ارنووط، الموسوعه الحدیثیه، ج ۴۴، ص ۱۱۹؛ موفق بن احمد خوارزمی، المناقب، ص ۲۳.
  - ۹- (۹) شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۶.
  - ۱۰- (۱۰) مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۷۳.
  - ۱۱- (۱۱) شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۶.
  - ۱۲- (۱۲) الدرالمشور، ج ۶، ص ۶۰۵.
  - ۱۳- (۱۳) مشکل الآثار، ج ۱، ص ۲۲۷.
  - ۱۴- (۱۴) سلیمان قندوزی، ینایع الموده، ص ۱۵.
  - ۱۵- (۱۵) مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۹.
  - ۱۶- (۱۶) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم (شرح نووی)، ج ۱۵، ص ۲۰۳.
  - ۱۷- (۱۷) المستدرک، ج ۳، ص ۱۴۸.
  - ۱۸- (۱۸) عبدالرحمن مبارکفوری، تحفه الاحوذی، ج ۱۰، ص ۳۴۳؛ مشکل الآثار، ج ۱، ص ۲۲۹..

۱۹. عطیه؛ (۱) ۲۰. معقل بن یسار؛ (۲) ۲۱. واثله بن اسقع؛ (۳) ۲۲. ام المؤمنین ام سلمه؛ (۴) ۲۳. ام المؤمنین ام سلیم؛ (۵) ۲۴. ام المؤمنین زینب؛ (۶) ۲۵. ام المؤمنین عایشه؛ (۷) ۲۶. ام المؤمنین صفیه. (۸)

### احتجاج کنندگان به آیه تطهیر

در تاریخ شخصیت هایی را می توان یافت که با استدلال بر این آیه سعی کرده اند حق اصحاب کساء را به اثبات برسانند؛ از جمله:

۱. امام علی علیه السلام که در برابر شورا برای اثبات حق خود به آیه تطهیر احتجاج کرد؛ (۹)

۲. امام حسن علیه السلام دو بار به این آیه احتجاج نمود: یکی روز ضربت خوردن خودشان، (۱۰) و بار دیگر پس از شهادت امام علی علیه السلام بود که بالای منبر رفت و به این آیه استناد کرد؛ (۱۱)

۳. امام حسین علیه السلام؛ (۱۲)

۴. امام زین العابدین علیه السلام در مواجهه با مرد شامی؛ (۱۳)

ص: ۲۹

- 
- ۱- (۱) اسد الغابه، ج ۳، ص ۴۱۳.
  - ۲- (۲) محمد بن سوره، سنن الترمذی، ج ۵، ص ۴۶۶.
  - ۳- (۳) تفسیر القرآن العظیم، ج ۹، ص ۳۱۳۲.
  - ۴- (۴) همان.
  - ۵- (۵) ابی الحسن علی واحدی، اسباب النزول، ص ۲۹۵.
  - ۶- (۶) ابراهیم جوینی، فرائد السمطین، ج ۲، ص ۱۹.
  - ۷- (۷) صحیح مسلم، (شرح نووی)، ج ۱۵، ص ۲۰۳؛ سعود فنیسان، مرویات ام المؤمنین عایشه فی التفسیر، ص ۳۱۸.
  - ۸- (۸) المستدرک، ج ۳، ص ۱۴۸.
  - ۹- (۹) مناقب، ص ۲۲۴.
  - ۱۰- (۱۰) مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۷۲؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، ص ۳۱۳۲، ج ۳، ص ۴۹۵.
  - ۱۱- (۱۱) المستدرک، ج ۳، ص ۱۷۲.
  - ۱۲- (۱۲) ینابیع الموده، ص ۱۲۷.
  - ۱۳- (۱۳) تفسیر القرآن العظیم؛ جامع البیان، ج ۱۲، ص ۸.

۵. امام رضا علیه السلام؛ (۱)

۶. ابن عباس (از صحابه)، (۲) در برابر گروهی به آیه تطهیر استدلال کرد؛

۷. سعد بن ابی وقاص، بر معاویه (۳) احتجاج نمود؛

۸. واثله بن اسقع در برابر گروهی که به امام علی علیه السلام دشنام می دادند، (۴) به آیه تطهیر استناد کرد و آنان را بر حذر داشت؛

۹. از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، ام سلمه بود که در اثبات حق اصحاب کساء به آیه تطهیر احتجاج نمود. (۵)

### دیدگاه برخی دانشمندان اهل سنت

بسیاری از دانشمندان و بزرگان تفسیر و حدیث اهل سنت، تنها اهل بیت علیهم السلام را اصحاب کساء می دانند؛ از جمله: جمهور اهل سنت؛ (۶) امام شافعی؛ (۷) مذهب احمد بن حنبل نیز همین بوده است؛ (۸) محمد بن سوره (م ۲۷۹ ق)؛ (۹) امام طحاوی (م ۳۲۱ ق)؛ (۱۰) شوکانی؛ (۱۱) شبلیجی؛ (۱۲) حاکم نیشابوری؛ (۱۳) سخاوی؛ (۱۴)

ص: ۳۰

۱- (۱) ینابیع الموده، ص ۱۲۶.

۲- (۲) احمد بن شعیب نسائی، خصائص نسائی، ص ۵۳.

۳- (۳) خصائص نسائی، ص ۳۴.

۴- (۴) تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۴۹۲.

۵- (۵) احمد شاکر حمزه الزین، المسند للإمام احمد بن حنبل، ج ۱۸، ص ۲۵۸ و ۲۶۴.

۶- (۶) المحرر الوجیز، ج، ص ۳۸۴.

۷- (۷) الكشف والبيان، ج ۸، ص ۳۹.

۸- (۸) همان، ص ۳۹.

۹- (۹) همان، ج ۵، ص ۴۳۴.

۱۰- (۱۰) مشکل الآثار، ج ۱، ص ۲۲۷.

۱۱- (۱۱) همان، ص ۴۱.

۱۲- (۱۲) مؤمن شبلیجی، نورالابصار فی مناقب آل البيت المختار، ص ۱۶۹.

۱۳- (۱۳) المستدرک، ج ۳، ص ۱۴۸.

۱۴- (۱۴) الكشف والبيان، ج ۸، ص ۴۰.

محب الدين طبري، (١) حافظ گنجی، (٢) قسطلانی، (٣) حاکم حسکانی، (٤) توفیق ابو علم، (٥) امام ثعلبی، (٦) احمد بن محمد الشامی، (٧) ابن صباغ، (٨) ابو منصور ابن عساكر الشافعی، (٩) حمزاوی، (١٠) سمهودی، (١١) ملا علی قاری، (١٢) امام مجدالدین فیروز آبادی، (١٣) ابن حجر هیثمی، (١٤) ابوبکر الحضرمی، (١٥) محمد جسوس، (١٦) ابوبکر النقاش، (١٧) ابن مردویه، (١٨) ابن بلبان، (١٩) حکمت یاسین، (٢٠) دکتر بیومی مهران، (٢١) شیخ سندی، (٢٢) رفاعی، (٢٣).

ص: ٣١

- ١- (١) ذخائر العقبی، ص ٣٧.
- ٢- (٢) الكشف و البیان، ج ٨، ص ٤٠.
- ٣- (٣) همان، ص ٣٩.
- ٤- (٤) شواهد التنزیل، ج ٢، ص ١٠.
- ٥- (٥) الكشف و البیان، ج ٨، ص ٤١.
- ٦- (٦) همان، ص ٣٦.
- ٧- (٧) همان، ص ٤١.
- ٨- (٨) همان، ص ٤٠.
- ٩- (٩) همان، ص ٣٩.
- ١٠- (١٠) همان.
- ١١- (١١) همان.
- ١٢- (١٢) همان.
- ١٣- (١٣) همان، ص ٣٨.
- ١٤- (١٤) همان.
- ١٥- (١٥) همان، ص ٣٧.
- ١٦- (١٦) همان، ص ٣٦.
- ١٧- (١٧) همان.
- ١٨- (١٨) احمد ابن مردویه، المناقب، ص ٣٠١.
- ١٩- (١٩) صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، ج ١٥، ص ٤٣٢.
- ٢٠- (٢٠) التفسیر الصحیح، ج ٤، ص ١٢٥.
- ٢١- (٢١) الامامه و اهل البیت، ج ١، ص ١١.
- ٢٢- (٢٢) احمد ثعلبی، همان، ج ٨، ص ٤٢.
- ٢٣- (٢٣) همان..

بسیاری از مفسران، محدثان، رجالیان و بزرگان اهل سنت، بر صحت حدیث کساء اعتراف کرده اند. ابن جریر طبری، طحاوی و احمد طبری هر کدام شانزده روایت، سیوطی پانزده حدیث، ابن مردویه نوزده روایت و ابی حاتم هشت حدیث آورده اند که همگی دلالت می کنند آیه تطهیر درباره اهل کساء نازل شده است.

حدیث کساء را چهل نفر از اهل بیت علیهم السلام و صحابه با مضمون های مختلفی نقل کرده اند. حاکم حسکانی در شواهد التنزیل، از طرق مختلف - تقریباً ۱۳۸ حدیث از چهارده صحابی - این روایت (حدیث کسا) را نقل کرده است؛ به طوری که تنها از ام سلمه (همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله) به ۶۹ طریق مختلف این حدیث را نقل نموده است. در این باره ابن مردویه می گوید: در بیش از صد طریق آمده است که آیه تطهیر درباره علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است. (۱)

امام فخر رازی (م ۶۰۴ ق) (۲) و نیشابوری (م ۷۲۸ ق) (۳) ادعا کرده اند که اهل تفسیر و حدیث بر صحت حدیث کساء اتفاق دارند. ابوبکر حضرمی گفته است: «امت، اجماع دارند که مراد از اصحاب کساء، اهل بیت علیهم السلام است.» (۴) حمد بن سوره (م ۲۷۹ ق) حدیث ام سلمه را صحیح می داند و تأکید می کند «وهو احسن شیء روی فی هذا الباب.» (۵)

ص: ۳۲

---

۱- (۱) المناقب، ص ۳۰۱.

۲- (۲) تفسیر الفخر الرازی، ج ۸، ص ۸۹.

۳- (۳) غرائب القرآن، ج ۲، ص ۱۷۸.

۴- (۴) رشفه الصادی، ص ۴۰.

۵- (۵) سنن الترمذی، ج ۵، ص ۴۶۶.

ابن تیمیه (م ۷۲۸ ق) حدیث عایشه و ام سلمه را آورده و بر صحت آنها اعتراف کرده است و همچنین حدیث ام سلمه را مشهور می داند. (۱) ابوبکر نقاش در تفسیرش گفته است: بیشتر اهل تفسیر اجماع کرده اند که آیه تطهیر درباره علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است. (۲)

حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ ق) چندین حدیث مختلف در این باب را صحیح دانسته، همچون روایت عبدالله بن جعفر از صفیه، (۳) روایت عطاء بن یسار از ام سلمه، (۴) حدیث واثله (بدون تحریف)، (۵) روایت عایشه (۶) و روایت ابن عباس (۷) که ذهبی نیز آن را صحیح دانسته است. (۸)

ابن کثیر (م ۷۷۴ ق) (۹) و شبلنجی بر صحت چندین روایت در این زمینه تأکید کرده اند. (۱۰) شوکانی حدیث کساء را صحیح دانسته است. (۱۱) حمزه احمد الزین، حدیث ام سلمه را صحیح دانسته است. (۱۲) شعیب الارنؤوط نیز حدیث شهر بن حوشب، حدیث ابی لیلی و حدیث دیگر ام سلمه را

ص: ۳۳

- 
- ۱- (۱) احمد ابن تیمیه، منهاج السنه، ج ۴، ص ۲۰؛ ج ۲، ص ۲۵۰.
  - ۲- (۲) الکشف و الیابان، ج ۸، ص ۳۶.
  - ۳- (۳) المستدرک، ج ۳، ص ۱۴۸.
  - ۴- (۴) همان، ص ۱۴۶.
  - ۵- (۵) همان، ص ۱۴۷.
  - ۶- (۶) همان.
  - ۷- (۷) همان، ص ۱۳۴.
  - ۸- (۸) همان، ص ۱۳۴.
  - ۹- (۹) تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۴۹۲-۴۹۴.
  - ۱۰- (۱۰) مؤمن شبلنجی، نورالابصار، ص ۱۷۰.
  - ۱۱- (۱۱) الکشف و الیابان، ج ۸، ص ۴۱.
  - ۱۲- (۱۲) المسند للامام احمد بن حنبل، ج ۱۸، ص ۲۴۴؛ ج ۸۸، ص ۲۶۳.

صحیح می‌داند. (۱) طنجی حدیث عمر بن ابی سلمه و ام سلمه را صحیح می‌داند. (۲) حمزاوی، (۳) ابومنصور این عساکر شافعی (۴) و حافظ گنجی (۵) نیز بر صحت احادیث کساء تصریح کرده‌اند.

### تکرار تلاوت آیه تطهیر

پوشاندن اهل بیت علیهم السلام و تلاوت آیه تطهیر و منحصر کردن عنوان «اهل بیت علیهم السلام» به این افراد در خانه‌های ام سلمه، (۶) حضرت فاطمه علیها السلام، (۷) عایشه، (۸) ام سلیم، (۹) زینب (۱۰) و صفیه (۱۱) و هنگام مباحثه هم تکرار شد. (۱۲)

### مراد از اهل بیت علیهم السلام

همان‌طور که گذشت، بسیاری از مفسران، محدثان و دانشمندان اهل سنت، تنها اصحاب کساء را مصداق «آیه تطهیر» و «اهل بیت» می‌دانند و با استدلال برای این نظریه بر آن اصرار ورزیده‌اند.

در مقابل، دیدگاه دیگری است که اصحاب کساء را همراه با

ص: ۳۴

---

۱- (۱) الموسوعه الحدیثه، ج ۴۴، ص ۱۱۹-۲۱۷، ۳۲۸.

۲- (۲) عبدالله طنجی، تهذیب الترمذی، ج ۳، ص ۵۳۲ و ۵۵۹.

۳- (۳) الکشف و البیان، ج ۸، ص ۳۹.

۴- (۴) همان.

۵- (۵) همان، ص ۴۰.

۶- (۶) جامع البیان، ج ۱۲، ص ۷.

۷- (۷) همان.

۸- (۸) تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۴۹۴.

۹- (۹) اسباب النزول، ص ۲۹۵.

۱۰- (۱۰) فرائد السمطین، ج ۲، ص ۱۹.

۱۱- (۱۱) المستدرک، ج ۳، ص ۱۴۸.

۱۲- (۱۲) محمد زمخشری، الکشاف، ج ۱، ص ۱۹۳.



همسران پیامبر صلی الله علیه وآله مصداق آیه تطهیر می‌داند. اینان اصحاب کساء را به سبب روایات معتبر فراوان، و ازواج را به سبب سیاق آیات، از اهل بیت می‌دانند. چون آیات قبل و بعد از آیه تطهیر در مورد زنان است، از این رو معتقدند که آیه تطهیر، زنان پیامبر صلی الله علیه وآله را نیز در بر می‌گیرد. (۱) این گروه دیدگاه خود را با دو روایت از ام سلمه و واثله تأیید می‌کنند.

برای ارزیابی این دیدگاه، توجه به نکات ذیل ضرورت دارد:

۱. آیاتی که درباره زنان و همسران رسول خدا صلی الله علیه وآله سخن می‌گوید، با عتاب و تهدید همراه است، همچون: *إِنْ كُنْتُمْ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ*، ۲ *يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ ۳ وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى ۴* در حالی که سیاق آیه تطهیر همراه با تمجید و مدح است. با این سیاق متفاوت نمی‌توان هر دو را از یک ردیف تصور کرد.

۲. ضمیرهای به کار رفته در آیات زنان، همه مؤنث است (کنتن، تردن، فتعالین، امتعکن، اسرحکن، تردن، منکن، لها، یقنت، لستن، اتقین، تخضعن، قلن، قرن، بیوتکن، تبرجن، اقمن، اتین، اطعن، اذکرن) ولی ضمیرهایی که در آیه تطهیر آمده، همه مذکر است (عنکم، یطهرکم). همچنین در سیاق آیات زنان، به جای «قل لاهل بیتک»، «قل لازواجک»

ص: ۳۵

۱- (۱) امین شنقیطی، اضواء البیان، ج ۴، ص ۱۸۴؛ محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۴، ص ۱۶۳؛ حسین بغوی، معالم التنزیل، ج ۴، ص ۲۷۳؛ عبدالرحمن ثعالبی، الجواهر الحسان، ج ۲، ص ۵۷۳؛ وهبه زحیلی، التفسیر المنیر، المحرر الوجیز، ج ۱۲، ص ۶۲.

آمده است؛ اگر «اهل بیت» زنان را هم شامل می شد، تعبیر فرق می کرد. در این سیاق، دو بار «یا نساء النبی» آمده است که قابل توجه است و دو بار پیش از آیه تطهیر و پس از آن، لفظ «بیوتکن» آمده است. علاوه بر آن، در آیه تطهیر تعبیر «البيت» آمده است که بر خانه ویژه ای دلالت می کند. همچنین پیش از آیه و پس از آن، لفظ «بیوت» آمده است؛ در حالی که اگر مقصود، زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، مناسب بود که در آیه تطهیر نیز تعبیر «یا اهل البیوت» بیاورد؛ زیرا حضرت در آن هنگام نه زن داشت. (۱)

۳. آیاتی که درباره زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد، شأن نزول مستقلی غیر از شأن نزول آیه تطهیر دارند؛ از این رو و نیز به سبب روایات فراوان، اهل بیت علیهم السلام اشخاصی غیر از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله هستند. همچنین رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله با زنان، دیگر مجالی برای سیاق باقی نمی گذارد. از طرف دیگر با وجود ده ها روایت صحیح السند، استناد به چنین سیاقی جز فرار از واقعیت روشن چیز دیگر نیست. به علاوه، جمهور اهل سنت هم به ضمائث «عنکم» و «یطهرکم» استدلال کرده اند که اگر درباره زنان می بود، «عنکن» و «یطهرکن» می آمد. (۲)

۴. زنان پس از نزول آیه تطهیر از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: آیا ما هم از اهل بیت علیهم السلام هستیم؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله به آنان جواب منفی داد و فرمود: «شما از زنان پیامبرید، نه از اهل بیت علیهم السلام و شما بر نیکی هستید.» این برخورد با ام سلمه، عایشه، ام سلیم و زینب، نشانگر خارج بودن آنان از دایره اهل بیت علیهم السلام است. با توجه به این روایات صحیح السند، پافشاری بر اهل بیت علیهم السلام بودن زنان چه معنایی دارد؟

ص: ۳۶

---

۱- (۱) جامع البیان، ج ۱۱، ص ۱۵۸.

۲- (۲) عبدالرحمن ثعالبی، الجواهرالحسان، ج ۲، ص ۵۷۳؛ المحرر الوجیز، ج ۱۲، ص ۶۲..

جالب این است که رسول خدا صلی الله علیه وآله در خانه، زنان را از زیر کساء بیرون کرده و پس از گرد آمدن پنج تن، آیه تطهیر نازل شده است؛ سپس پیامبر صلی الله علیه وآله در حق ایشان دعا کرده است. همه این موارد قاطعانه توهّم داخل بودن زنان در اهل بیت علیهم السلام را می زداید؛ از این رو می توان گفت سیاقی در کار نیست. به علاوه، وحدت سیاق در جایی مطرح است که وحدت موضوع در کار باشد؛ در حالی که این جا با خبر متواتر و قطعی و صحیح ثابت شده است که آیه تطهیر هیچ ارتباطی با آیات زنان ندارد؛ همچنین ترتیب قرآن هم طبق نزول آن نیست.

### رفتار تأمل برانگیز

طبق روایات، ماجرای اصحاب کساء بارها تکرار شده و در خانه همسران پیامبر صلی الله علیه وآله (ام سلمه، عایشه، ام سلیم، زینب و صفیه) و در منزل دختر رسول خدا، حضرت فاطمه علیها السلام و همچنین هنگام مباحله با نصارای نجران به وقوع پیوسته است.

ماجرای حدیث کساء چنین است که پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله همراه علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام زیر کساء رفتند؛ سپس آیه تطهیر نازل شد و پیامبر صلی الله علیه وآله اهل بیت علیهم السلام خود را در اصحاب کساء منحصر کرد. در این هنگام برخی زنان با دیدن این همه فضیلت آرزو کردند که حضرت آنان را نیز در زمره اهل بیت پیامبر علیهم السلام به شمار آورد؛ ولی ایشان به هیچ کدام از زن های خود اجازه ورود به زیر کساء را نداد و با آنان رفتار تأمل برانگیزی فرمود.

این رفتار حضرت صلی الله علیه وآله سند مهم و تفسیر عملی آیه است و برای همه روشن می کند که مراد از اهل بیت علیهم السلام، تنها اصحاب کساء هستند.

شاید علت این که حضرت در خانه همسران خود، اهل بیت علیهم السلام را با چادر مخصوصی پوشاند، همین باشد که کسی نگوید چون این عمل در خانه فلان همسر صورت گرفته، او هم جزء اهل بیت علیهم السلام است. روایات متعدد این نکته را بیان می کنند؛ از جمله:

۱. ام سلمه پس از ماجرای کساء می گوید:

فقلت يا رسول الله: انا من اهل البيت؟ فقال: ان لك عند الله خيرا. فوددت انه قال: نعم. فكان احب إلي مما تطلع عليه الشمس وتغرب!؛ (۱) من گفتم: ای پیامبر خدا! من از اهل بیت علیهم السلام هستم؟ فرمود: برای تو نزد خداوند نیکی است. دوست داشتم آن حضرت می فرمود: آری و این برایم از آن چه خورشید بر آن طلوع و غروب می کند بهتر بود.

۲. ام سلمه می گوید: من بر در خانه نشسته بودم و گفتم: ای رسول خدا! من از اهل بیت علیهم السلام نیستم؟ فرمود:

انك إلى خير انت من ازواج النبي؛ (۲) تو بر نیکی هستی، تو از همسران نبی هستی.

پیامبر صلی الله علیه وآله در این روایت، «ازواج» را از اهل بیت علیهم السلام جدا دانسته است؛

۳. ام سلمه پس از بازگویی ماجرای کساء به این نکته اشاره می کند که پس از نزول آیه، آن جناب دستش را از کساء بیرون آورد و به سوی آسمان بلند کرد و فرمود:

اللهم هؤلاء اهل بيتي وخاصتي فأذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا.

حضرت این جمله را سه بار تکرار فرمود. در آن هنگام من هم سرم را داخل کساء کردم و گفتم: ای رسول خدا! من هم با شما هستم؟

ص: ۳۸

---

۱- (۱) مشکل الاثار، ج ۱، ص ۲۳۰.

۲- (۲) جامع البيان، ج ۲، ص ۷، الدر المنثور، ج ۶، ص ۶۰۴؛ المحرر الوجيز، ج ۴، ص ۳۸۴، تيسير الوصول إلى جامع الاصول، ج ۳، ص ۱۹۶..

انك إلى خير، مرتين (۱) دو بار فرمود: «تو بر نیکی هستی»، و نفرمود از اهل بیت هستی.

۴. پیامبر صلی الله علیه وآله در پاسخ ام سلمه فرمود:

انت علی مکانک و انک علی خیر؛ (۲) تو بر جای خود و بر نیکی هستی؛

۵. ام سلمه داستان کساء را چنین بیان می کند:

«پس از نزول آیه و دعای پیامبر صلی الله علیه وآله من خواستم کساء را بردارم تا با اهل بیت علیهم السلام همراه شوم. هنگامی که کساء را بلند کردم تا به زیر کساء داخل شوم، پیامبر صلی الله علیه وآله آن را از دستم باز گرفت و فرمود: تو بر خیر هستی.» (۳) شعیب الارنؤوط این حدیث را صحیح می داند؛ (۴)

۶. ام سلمه می گوید: من گفتم: ای رسول خدا! من هم هستم؟

«فوالله ما انعم وقال: انک إلى خیر!؛ (۵) به خدا سوگند: پیامبر صلی الله علیه وآله نفرمود: بلی، و تنها فرمود: تو به سوی نیکی هستی.»

۷. پیامبر صلی الله علیه وآله در روایت دیگر در پاسخ به ام سلمه فرمود

: «اجلسی مکانک فانک علی خیر؛ (۶) بر جای خود بنشین! تو بر خیر هستی.»

۸. همچنین حضرت به ام سلمه فرمود:

قومی فتحنی لی عن اهل بیتی فقیمت فی البیت قریبا فدخل علی...؛ (۷) برخیز و از اهل بیت دور شو؛ پس من برخاستم و در خانه نزدیک به حضرت (بودم) که علی داخل شد...؛

ص: ۳۹

۱- (۱) تفسیر القرآن العظیم، ج ۹، ص ۳۱۳۳.

۲- (۲) الدرالمشور، ج ۶، ص ۶۰۴، جامع البیان، ج ۱۲، ص ۸؛ سنن الترمذی، ج ۵، ص ۴۳۴.

۳- (۳) همان، ج ۶، ص ۶۰۴.

۴- (۴) الموسوعه الحدیثیه، ج ۴۴، ص ۳۲۸؛ ج ۴۶، ص ۲۶۷.

۵- (۵) جامع البیان، ج ۱۲، ص ۸.

۶- (۶) شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۷۹.



۹. هنگامی که ام سلمه می پرسد که آیا او نیز جزو اهل بیت علیهم السلام است یا نه، پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

وانک لعلی خیر وهؤلاء اهل بیتی اللهم اهلی احق؛<sup>(۱)</sup> و تو بر خیر هستی، ولی اینان اهل بیت علیهم السلام من هستند. خدایا! اهل من سزاوارتر هستند.

حاکم این حدیث را صحیح می داند.

۱۰. عایشه می گوید: بی شک، علی، فاطمه، حسن و حسین را دیدم که رسول خدا صلی الله علیه وآله اینان را در زیر پارچه ای جمع کرد و سپس فرمود:

اللهم هؤلاء اهل بیتی وحامتی فاذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهیراً، قالت: فقلت یا رسول الله! وانا من اهلک؟ قال: تنحی فانک الی خیر.<sup>(۲)</sup>

این روایت را مجمع از عایشه نقل کرده و برخورد پیامبر صلی الله علیه وآله با عایشه نیز مانند برخورد ایشان با ام سلمه است. حضرت در جواب عایشه فرمود: دور شو! تو بر خیر هستی.

۱۱. باز هم از عایشه نقل شده که در جریان ماجرای کساء از پیامبر صلی الله علیه وآله می پرسد:

«یا رسول الله! الست من اهلک؟ یا رسول الله! من از اهل شما نیستم؟ و حضرت در پاسخ می فرماید: انک لعلی خیر؛ تو بر نیکی هستی.» سپس عایشه می گوید:

«لم یدخلنی معهم؛<sup>(۳)</sup> مرا با آنان (اصحاب کساء) داخل نساخت.»

۱۲. ام سلیم داستان کساء و نزول آیه تطهیر را در خانه اش ذکر می کند و سپس می گوید:

ص: ۴۰

---

۱- (۱) المستدرک، ج ۲، ص ۴۱۶ (در تفسیر سوره احزاب).

۲- (۲) فرائد السمطين، ج ۱، ص ۳۶۸؛ الکشف و البیان، ج ۸، ص ۴۳؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۴۹۴.

۳- (۳) شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۶۷..

انا معکم یا رسول الله صلی الله علیه وآله؟ قال: انک ایل خیر انک ایل خیر» (۱)

ای رسول خدا صلی الله علیه وآله من هم با شما هستم؟ فرمود: تو به سوی نیکی هستی؛ تو به سوی نیکی هستی.

۱۳. از زینب هم نقل شده که ماجرای کساء و نزول آیه تطهیر در خانه وی بوده و در جریان آن، زینب از رسول خدا صلی الله علیه وآله چنین سؤال می کند:

«انا یا رسول! الله قد عتہم» (۲)

در جریان دیگری، زینب پس از نزول آیه و جریان کساء گفت:

یا رسول الله: انا ادخل معک؟ فقال رسول الله صلی الله علیه وآله: مکانک فانک ایل خیر ان شاء الله» (۳)

۱۴. از صفیه هم نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله به رحمت الهی که از آسمان فرود می آمد، نظر کرد؛ در این هنگام فرمود: «برایم فرا خوانید، برایم فراخوانید اهل بیتم را، علی، فاطمه، حسن و حسین را» سپس داستان کساء و نزول آیه و دعای پیامبر صلی الله علیه وآله را بیان می کند. حاکم، این حدیث را صحیح می شمارد. (۴)

با توجه به عبارت های به کار رفته در این روایات صحیح السند و رفتار پیامبر صلی الله علیه وآله با زنان خود هنگام نزول آیه تطهیر، شکی باقی نمی ماند که زنان حضرت به هیچ وجه داخل در اهل بیت علیهم السلام نیستند.

علاوه بر آن، حضرت در روایتی فرمود:

فاطمه از اهل بیتم! تو اولین کسی هستی که به من می پیوندی، و از همسرانم، زینب، اولین فردی است که به

ص: ۴۱

---

۱- (۱) اسباب النزول، ص ۲۹۵؛ جامع البیان؛ خالد عبدالرحمن، تسهیل الوصول ایل معرفه اسباب النزول، ص ۲۷۴.

۲- (۲) ینابیع الموده، ص ۱۲۷.

۳- (۳) فرائد السمطین، ص ۱۲۷.

۴- (۴) المستدرک، ج ۳، ص ۱۴۸..



من ملحق می شود. (۱)

### آیا ام سلمه از اهل بیت علیهم السلام است ؟

ابو کریب از خالد بن مخلد، او از موسی بن یعقوب، او از هاشم بن هاشم بن عتبه بن ابی وقاص و او از عبدالله بن وهب بن زمعه روایت می کند که ام سلمه به من گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله علی و حسن و حسین را گرد آورد؛ سپس آنان را در زیر پارچه ای داخل کرد؛ آن گاه فرمود:

«هؤلاء اهل بیتی» پس ام سلمه گفت: ای پیامبر خدا! آیا مرا با آنان داخل می کنی؟ حضرت فرمود:

«انک من اهلی». (۲)

ارزیابی

در سند این روایت، خالد بن مخلد و موسی بن یعقوب قرار دارند که عالمان رجالی هر دو را ضعیف شمرده اند.

خالد بن مخلد قطوانی ابوهیثم البجلی: عبدالله بن احمد از پدرش احمد بن حنبل نقل می کند که وی احادیث غیر قابل قبولی دارد. ابن سعد هم گفته است که: وی منکر الحدیث است و ابی حاتم گفته: «احادیث مناکره». از دی هم درباره وی چنین سخن گفته است. ساجی و عقیلی او را در فهرست ضعفا آورده اند. (۳)

موسی بن یعقوب بن عبدالله بن وهب بن زمعه: علی بن مدینی درباره وی می گوید: احادیث او ضعیف و غیر قابل قبول است. (۴) نسائی

ص: ۴۲

---

۱- (۱) متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۰۵؛ ج ۲۱، ص ۳۴۲؛ ج ۱۳، ص ۷۰۳، ح ۳۷۸۰۰.

۲- (۲) جامع البیان، ج ۱۲، ص ۸.

۳- (۳) احمد بن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۱۰۷ و ۱۰۸.

۴- (۴) یوسف مزی، تهذیب الکمال، ج ۱۸، ص ۵۲۳.

گفته است: احادیث او قوی نیست. اثرم گوید: از احمد بن حنبل درباره وی پرسیدم، او را تأیید نکرد. (۱)

بنابراین روایت ضعیف است و توان مقابله با احادیث صریح، صحیح و متواتر را ندارد؛ به علاوه، نقص هایی نیز در متن حدیث وجود دارد؛ لکن بنابر فرض صحت روایت، این حدیث ام سلمه را از اهل بیت علیهم السلام ندانسته، بلکه او را از اهل دانسته است. یعنی تو از اهل بیت علیهم السلام نیستی، بلکه از اهل هستی.

این روایات را شعیب الارنؤوط (۲) و حمزه احمدالزین (۳) ضعیف می دانند.

### آیا وائله از اهل بیت علیهم السلام است ؟

وائله پس از داستان کساء می گوید: از گوشه خانه گفتم: ای رسول خدا! من هم از اهل تو هستم؟ فرمود:

«وانت من اهلی». (۴) و این آرزوی من بود که برآورده شد!

در روایت دیگری از وائله نقل شده است: ... گفتم: ای رسول خدا! [آیا] من هم از اهل بیت علیهم السلام تو هستم؟ فرمود: و تو [هم از اهل بیت هستی]. وائله گفت: به خدا سوگند! این با ارزش ترین چیزی بود که می خواستم. (۵) همین حدیث در منابع دیگر (۶) [بی کم و کاست یا بدون واژه ای افزوده] نقل شده است.

ص: ۴۳

---

۱- (۱) تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۶۹۱.

۲- (۲) الموسوعه الحدیثیه، ج ۴۴، ص ۲۱۹.

۳- (۳) المسند للامام احمد بن حنبل، ج ۱۸، ص ۲۷۳، ۲۷۴، ح ۲۶۶۷۹؛ ص ۲۵۴، ح ۲۶۴۱۹.

۴- (۴) جامع البیان، ج ۱۲، ص ۷.

۵- (۵) همان.

۶- (۶) تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۴۹۲؛ ج ۶، ص ۳۱۳۲..

واثله پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه وآله به شام رفت و در آن جا ماند تا هنگام خلافت عبدالملک مروان در سن یکصد و پنجاه سالگی درگذشت. (۱)

از قول واثله احادیث زیادی در مدح معاویه نقل شده است، از جمله این که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

«الامناء عندالله ثلاثه انا وجبرئیل ومعاویه». (۲) نسائی و ابن حبان می گویند: این حدیث باطل و ساختگی است. (۳)

ارزیابی

در سند این دو روایت که واثله را به نحوی از اهل پیامبر صلی الله علیه وآله معرفی کرده، شداد ابوعمار آمده است. وی غلام معاویه بن ابی سفیان - چنان که بخاری گفته است (۴) - و از دشمنان اهل بیت علیهم السلام بوده است. او با گروهی دیگر به حضرت علی علیه السلام دشنام می داد که واثله خود او را از این کار باز داشت؛ شداد در جواب واثله می گوید: «آنها علی را دشنام دادند، من هم علی را دشنام دادم!». (۵)

اما این دو روایت با روایات متواتر و صحیح در تعارض است و این روایت به سبب وجود شداد در سند، ضعیف بوده و از اعتبار ساقط است.

### انحصار اهل بیت علیهم السلام در زنان پیامبر صلی الله علیه وآله

دلیل این دسته چند روایت است:

۱. روایت ابن عباس: عکرمه از ابن عباس در مورد آیه تطهیر نقل

ص: ۴۴

---

۱- (۱) تهذیب التهذیب، ج ۱۱، ص ۹۰.

۲- (۲) جلال الدین سیوطی، اللئالی المصنوعه، ج ۱، ص ۳۸۱.

۳- (۳) همان.

۴- (۴) محمد بن اسماعیل بخاری، تاریخ الکبیر، ج ۴، ص ۲۲۶.

۵- (۵) تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۴۹۲..

می کند که وی گفت: «(آیه تطهیر) به طور اختصاصی در مورد زنان پیامبر صلی الله علیه وآله نازل شده است».(۱)

ارزیابی روایت ابن عباس: این روایت از طریق عکرمه از ابن عباس نقل شده است. درباره عکرمه دو احتمال است:

احتمال اول: عکرمه فرد خوبی بوده و روایت را به دروغ به او بسته اند.(۲)

احتمال دوم: به روایت عکرمه نمی توان اعتماد کرد زیرا:

اولاً، عکرمه ضعیف است، چون اصحاب رجال درباره او چنین گفته اند: عکرمه (غلام ابن عباس) متهم به هم عقیده بودن با خوارج است. مُسَلِّم و امام مالک از او اجتناب و اعراض کرده اند.(۳) یحیی بن سعید الانصاری وی را کذاب می داند.(۴) ابن المسیب به غلامش (برد) گفت:

«لا تکذب علی کما کذب عکرمه علی ابن عباس.» همین قول از ابن عمر هم نقل شده است.(۵)

علی بن عبدالله، پسر ابن عباس درباره او گفت:

«ان هذا الخبیث یکذب علی ابی.»(۶) ابن ابی ذئب می گوید:

«رأیت عکرمه وکان غیر ثقه.»(۷) محمد بن سعد نیز معتقد است:

«ولیس یحتج بحدیثه.»(۸)

ابن مدینی از یعقوب حضرمی از جدش نقل کرده که گفت:

ص: ۴۵

---

۱- (۱) فتح القدر، ج ۴، ص ۳۳۷، الدر المنثور، ج ۶، ص ۶۰۳ (نزلت فی نساء النبی صلی الله علیه وآله خاصه).

۲- (۲) محمد هادی معرفت، التفسیر والمفسرون، ج ۱، ص ۳۴۸ به بعد.

۳- (۳) احمد ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۹۳-۹۶.

۴- (۴) همان.

۵- (۵) همان.

۶- (۶) همان.

۷- (۷) همان.

۸- (۸) همان..

عکرمه جلوی در مسجد ایستاد و گفت «ما فيه الا- کافر». او رأی اباضیه داشت. (۱) بزرگانی همچون یحیی بن بکیر، ابن المدینی، مصعب الزبیری، علی بن عباس احمد بن حنبل، عطاء بن ابی رباح و... معتقد بودند که او هم عقیده خوارج بوده است. (۲)

خالد بن خدش می گوید:

حماد بن زید را در روزی که از دنیا رفت دیدم. او گفت: برای شما کلامی را نقل می کنم که قبل از این هرگز نگفته ام و من کراهت دارم که با خدا ملاقات کنم و آن را نگویم. از ایوب شنیدم که از عکرمه حرف می زد [و] گفت: عکرمه گفت:

«انما انزل الله متشابه القرآن لیضل به (۳) سلیمان بن معبد السنجی». روایت کرد که عکرمه و کثیر در یک روز مردند. مردم در [تشییع] جنازه کثیر شرکت کردند، اما جنازه عکرمه را رها کردند. (۴)

یحیی البکاء می گوید: از ابن عمر شنیدم که به نافع می گفت:

«اتق الله! ویحک یا نافع! ولا تکذب علی کما کذب عکرمه علی ابن عباس». (۵) در مسئله ای سعید بن جبیر گفت: «کذب عکرمه». (۶) ابو عبدالله می گوید: «عکرمه مضطرب الحدیث». (۷)

بنابراین نمی توان به روایتی که عکرمه آن را نقل کرده، اعتماد کرد. به علاوه

ص: ۴۶

---

۱- (۱) همان.

۲- (۲) همان، ص ۹۶.

۳- (۳) همان، ص ۹۴.

۴- (۴) همان، ص ۹۶؛ تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۱۷۹.

۵- (۵) تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۳۰؛ تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۱۷۳.

۶- (۶) تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۱۷۴.

۷- (۷) همان، ص ۱۷۵..

برخی از مفسران اهل سنت، این روایت ابن عباس را صحیح نمی دانند. (۱)

ثانیاً، در مقابل این روایت، روایتی است که از سندش محکم تر بوده و در آن ابن عباس آیه تطهیر را به اصحاب کساء اختصاص داده است. این حدیث را حاکم (۲) و حافظ ذهبی (۳) هم صحیح می دانند. به علاوه از ابن عباس روایت دیگری نقل شده که در آن به آیه تطهیر در حق اصحاب کساء علیهم السلام احتجاج کرده است. (۴)

۲. روایت عکرمه: او می گفت: «آیه تطهیر درباره زنان پیامبر صلی الله علیه وآله نازل شده است و در این باره هر کس بخواهد، مباحله می کنم». (۵) از طریق علقمه روایت شده که عکرمه در بازار صدا می زد که آیه در خصوص زنان نازل شده است. (۶)

ارزیابی روایت عکرمه: معلوم شد که عکرمه، متهم به دادن نسبت دروغ به ابن عباس بوده است. از این رو، به روایت او اعتنایی نمی شود. به علاوه، وی روایت را از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل نکرده، بلکه در بازار صدا می زد که آیه درباره زنان است و این گفتار او، اجتهاد در مقابل نص و مردود است.

عکرمه از تابعان بوده و هنگام نزول آیه حاضر نبوده است. از این رو نمی توان به گفته وی اعتماد کرد. در مقابل اجتهاد عکرمه، ده ها روایات صحیح السند از صحابه و اهل بیت علیهم السلام روایت شده که همگی بر منحصر

ص: ۴۷

---

۱- (۱) المستدرک، ج ۳، ص ۱۳۴.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) همان، ص ۱۳۴.

۴- (۴) خصائص النسائی، ص ۵۳.

۵- (۵) الدرالمشور، ج ۶، ص ۶۰۳؛ فتح القدير، ج ۴، ص ۳۳۷ (من شاء باهلته انها نزلت فی ازواج النبی صلی الله علیه وآله).

۶- (۶) جامع البیان، ج ۱۲، ص ۸.

بودن این آیه بر اصحاب کساء حکایت دارند.

۳. روایت عروه بن زبیر: **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ** یعنی زنان پیامبر صلی الله علیه وآله. [آیه] در خانه عایشه نازل شد (۱).

ارزیابی روایت عروه بن زبیر: عروه بن زبیر سخنان ناروایی را درباره امام علی علیه السلام نقل می کند. ابن ابی الحدید معتزلی می گوید:

شیخ ما ابو جعفر اسکافی (م ۲۴۰ ق) می گوید: معاویه گروهی از صحابه و گروهی از تابعان را واداشت که درباره علی، اخبار زشتی را که مقتضی طعن و تبری از او باشد، جعل کنند. او برای ایشان پاداشی مقرر داشت که قابل توجه بود. آنان نیز چیزهایی ساختند که او را راضی کند؛ از جمله این اصحاب، ابوهریره، عمروعاص و مغیره بن شعبه هستند و از تابعان، عروه بن زبیر است. (۲)

زهري نقل می کند که عروه بن زبیر گفته است:

عایشه برایم نقل کرد که در خدمت پیامبر صلی الله علیه وآله بودم. که عباس و علی آمدند. در این هنگام پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «ای عایشه! این دو بر ملتی غیر ملت من یا غیر دین من خواهند مرد». (۳)

اسکافی (م ۲۴۰ ق) می گوید: «روایات مکرر رسیده است که عروه بن زبیر هرگاه از علی یاد می کرد، از شدت خشم پره های بینی او تکان می خورد و دست بر هم می زد و به علی دشنام می داد». (۴)

آیا روایت شخصی که غلام معاویه بوده و روایات متعددی درباره امام علی علیه السلام جعل کرده و پیوسته به امام علی علیه السلام دشنام داده است،

ص: ۴۸

---

۱- (۱) الدر المنثور، ج ۶، ص ۶۰۳... **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ**. قال: یعنی ازواج النبی صلی الله علیه وآله نزلت فی بیت عائشه رضی الله عنها.

۲- (۲) شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۶۳.

۳- (۳) همان، ص ۶۴، ۶۹.

۴- (۴) همان..

ارزشی دارد؟ گفته های او، اجتهاد در مقابل نص است. قبول روایت او برابر؛ زیر پا گذاشتن ده ها روایات معتبری است که همگی تأکید دارند مصداق آیه تطهیر، اصحاب کساء هستند و تنها حاکم حسکانی با بیش از ۱۳۸ طریق آنها را آورده است.

عروه که از تابعین است و نمی تواند شأن نزول آیه را بیان کند، در فضیلت تراشی برای خاله اش، (عایشه) گفته است: «آیه تطهیر در خانه وی نازل شده»؛ در حالی که خود عایشه این ادعا را قبول ندارد، بلکه آیه تطهیر را به اصحاب کساء منحصر می کند. (۱)

۴. روایت سعید بن جبیر: واحدی نیشابوری (م ۴۶۸ ق) روایت را این گونه نقل کرده است: از ابوالقاسم عبدالرحمن بن محمد سراج از محمد بن یعقوب، او از حسن بن علی بن عفان، او از ابویحیی الحمانی، او از صالح بن موسی القریشی، او از خصیف و او از سعید بن جبیر نقل می کند که ابن عباس گفت: «آیه تطهیر درباره زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است». (۲)

ارزیابی روایت سعید بن جبیر: سعید بن جبیر - طبق نقل ابن مردویه - این روایت را از عکرمه گرفته است. در طریق این روایت، ابویحیی الحمانی (عبدالحمید) به چشم می خورد. عجلی درباره وی می گوید: «او کوفی، ضعیف الحدیث و پیرو مکتب مرجئه بوده است». ابن معین می گوید: «وی ثقه، ولی ضعیف العقل بود».

ابن سعد و احمد، وی را ضعیف شمرده اند. (۳) نسائی هم گفته که وی قوی نیست. (۴)

ص: ۴۹

---

۱- (۱) الکشف و البیان، ج ۸، ص ۴۳؛ فرائد السمطین، ج ۱، ص ۳۶۸.

۲- (۲) اسباب النزول، ص ۲۹۵، ۲۹۶.

۳- (۳) تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۱۱۰.

۴- (۴) تهذیب الکمال، ج ۱۱، ص ۶۱.



خصیف بن عبدالرحمن الجزری: احمد بن حنبل درباره او چنین می گوید: «او ضعیف الحدیث است». و در جای دیگر بیان می کند که روایت او حجت نیست و در حدیث قوی نبوده است. (۱) مدنی می گوید: یحیی بن سعید وی را ضعیف شمرده است. (۲) ابن معین می گوید: ما از احادیث خصیف پرهیز می کردیم. ابن خزیمه می گفت: حدیث خصیف قابل احتجاج نیست. ابواحمد حاکم گفته است: حدیث وی قوی نیست. (۳)

۵. روایت مقاتل بن سلیمان: مقاتل بن سلیمان (م ۱۵۰ ق) می گوید: «اهل البیت یعنی نساء النبی صلی الله علیه وآله

لأنهن فی بیته!» (۴) اهل بیت علیهم السلام در آیه تطهیر، همان همسران پیامبر صلی الله علیه وآله هستند؛ زیرا زنان در خانه اش هستند».

ارزیابی روایت مقاتل: بسیاری از دانشمندان علم رجال، مقاتل بن سلیمان را کذاب خوانده اند؛ از جمله عمرو بن علی، نسائی، ابوحاتم بن حبان، زکریا بن یحیی ساجی، نعیم بن حماد، وکیع بن جراح (۵) و جوزجانی. (۶) این افراد از کسانی هستند که وی را مورد عتاب قرار داده و بر دروغ گو و کذاب بودن او تصریح کرده اند.

نسائی می گوید: «دروغ گویان شناخته شده که احادیث ساختگی به پیامبر صلی الله علیه وآله نسبت می دادند، چهار نفرند: ابن ابی یحیی در مدینه، واقدی در بغداد، مقاتل در خراسان و محمد بن سعید در شام». (۷)

ص: ۵۰

---

۱- (۱) همان، ج ۵، ص ۴۶۳.

۲- (۲) تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۱۳۰.

۳- (۳) همان.

۴- (۴) مقاتل، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۳، ص ۴۸۹.

۵- (۵) تهذیب الکمال، ج ۱۸، ص ۳۴۷ و ۳۴۸.

۶- (۶) میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۱۷۴.

۷- (۷) همان..

خارجہ بن مصعب نیز می گوید:

جہم و مقاتل نزد ما فاسق و فاجرند و من خون هیچ یهودی و کافر ذمی را حلال نمی دانم؛ ولی اگر بر مقاتل دست می یافتم و کسی مرا نمی دید، حتماً او را می کشتم. (۱) وی در مکه دعوی «سلونی» کرد؛ مردی برخاست و پرسید: به من بگو روده های مورچه کجاست؟ مقاتل ساکت شد. (۲) بخاری وی را منکر الحدیث می دانست. (۳)

وی که هنگام نزول آیه حضور نداشته است، روایات معتبر و صحیح فراوانی را نقل نمی کند، بلکه خودش مصداق اهل بیت علیهم السلام را زنان پیامبر صلی الله علیه و آله می شمرد. این کار او اجتهاد در مقابل نص است، در حالی که هیچ دلیلی برای سخن خود ندارد.

جالب این که در این روایات هیچ استنادی به رسول خدا صلی الله علیه و آله نشده است. از طرف دیگر دلیل خاص (صدها حدیث معتبر) وجود دارد که زنان را از دایره اهل بیت علیهم السلام خارج می کند.

افزون بر این، بزرگانی همچون ابن حیان اندلسی (م ۷۴۵ ق)، (۴) کلبی، (۵) ابن کثیر (م ۷۷۴ ق) (۶) و مودودی (۷) اختصاص آیه تطهیر به زنان را ضعیف می دانند. از زید بن ارقم پرسیدند:

اهل بیت پیامبر علیهم السلام چه کسانی هستند؟ آیا همسران آن حضرتند؟ گفت: نه، به خدا سوگند! زن در دورانی از روزگار با مرد است،

ص: ۵۱

۱- (۱) همان.

۲- (۲) تهذیب الکمال، ج ۱۸، ص ۳۴۵.

۳- (۳) همان، ص ۳۴۸.

۴- (۴) البحر المحیط، ج ۷، ص ۲۳۱.

۵- (۵) کتاب التہلیل، ج ۳، ص ۱۳۷.

۶- (۶) تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۴۹۴.

۷- (۷) تفہیم القرآن، ج ۴، ص ۹۳..

سپس طلاقش می دهد و او به سوی پدر و خویشانش بازمی گردد. اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله اصل و ریشه و خویشان نسبی اویند؛ کسانی که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله صدقه بر آنان حرام شده است. (۱)

## تأملی در آیات دیگر

### اشاره

دقت در آیات دیگر نیز بیانگر آن است که مراد از اهل بیت علیهم السلام زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نیستند که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

### ۱- آیات زنان در سوره احزاب

به نظر می رسد گره اصلی بحث های فراوان درباره آیه تطهیر را، شأن نزول این آیه و آیات نازل شده درباره زنان پیامبر صلی الله علیه و آله باز می کند. این دو دسته کاملاً جدا از یکدیگر نازل شده اند.

متأسفانه نویسندگان و محققان فریقین بدون توجه به شأن نزول این دو دسته از آیات، به بحث های مختلفی پرداخته اند؛ ولی بیان کردیم که روایات صحیح السند از صحابه و همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، آیه تطهیر را در شأن اصحاب کسا علیهم السلام می دانند و کس دیگری را در آن شریک نمی کنند.

- سبب نزول آیات زنان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ إِن كُنْتُمْ تُرْذَنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمْتَعُكُنَّ وَأَسِرُّكُمْ سَرَاةً جَمِيلًا \* وَإِنْ كُنْتُمْ تُرْذَنَ اللَّهُ وَ رَسُولَهُ وَ الدَّارَ الآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا. (۲)

طبری می گوید: این آیه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد؛ زیرا عایشه از رسول خدا صلی الله علیه و آله متاعی دنیوی خواسته بود که نفقه را زیاد کند یا

ص: ۵۲

۱- (۱) صحیح مسلم، ج ۱۵، ص ۲۰۴ و ج ۳، ص ۴۹۴.

۲- (۲) احزاب، آیه ۲۸ و ۲۹..

چیز دیگر. پیامبر صلی الله علیه و آله یک ماه همسران خود را دور کرد و از آنان فاصله گرفت. سپس خدا امر کرد که آنان صبر، رضا و اطاعت خدا را برگزینند یا این که از حضرت جدا شوند. (۱)

در روایت ابی الزبیر از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که به سبب همین رفتار زنان، پیامبر صلی الله علیه و آله برای نماز هم بیرون نیامد!... سپس عمر، حفصه و عایشه را برای رفتارشان با پیامبر صلی الله علیه و آله سرزنش کرد. (۲)

طبق روایت عکرمه و قتاده، سبب نزول این آیه، عایشه بوده است. در آن زمان، پیامبر صلی الله علیه و آله نه زن را سرپرستی می کردند: پنج زن از قریش که عبارتند از: عایشه، حفصه، ام حبیبه بنت ابی سفیان، سوده بنت زمعه، ام سلمه بنت ابی امیه، و چهار زن از غیر قریش که عبارت بودند از: صفیه بنت حی، میمونه بنت الحارث الهلالیه، زینب بنت جحش و جویریة بنت الحارث. (۳)

در روایتی از خود عایشه نقل شده که وقتی آیه خیار - (آیاتی که درباره زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله بود) - نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: می خواهم به تو درباره مسئله ای تذکر دهم، در جواب عجله نکن و با والدین مشورت کن. عایشه گفت: آن چیست یا رسول الله؟ سپس حضرت آیه یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ إِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا را تلاوت فرمود و عایشه را بین طلاق گرفتن و ماندن مخیر ساخت. (۴)

در برخی روایات آمده که حضرت پس از این رفتار زنان، قسم خورد که یک ماه از آنان جدا باشد؛ از این رو بین اصحاب شایع شد که

ص: ۵۳

---

۱- (۱) جامع البیان، ج ۱۱، ص ۱۵۶.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) همان، ص ۱۵۷.

۴- (۴) همان، ص ۱۵۸..

پیامبر صلی الله علیه وآله زنها را طلاق داده است. عمر و ابوبکر نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله رفتند و اجازه ورود خواستند و حضرت اجازه ندادند. این عمل سه بار تکرار شد و حضرت اجازه نداد، ولی سرانجام به آنان اجازه داد. (۱)

ابن ابی حاتم (م ۳۲۷ ق) در تفسیرش آورده که این آیه درباره عایشه و همسران نبی صلی الله علیه وآله نازل شده است. (۲)  
عبدالحق اندلسی (م ۵۴۶ ق) نیز سبب نزول آیه را رفتار عایشه می داند. (۳)

ابن عربی (م ۵۴۳ ق) روایت صحیح مسلم نقل می کند و می گوید: که پیامبر صلی الله علیه وآله به ابوبکر و عمر اجازه دخول در خانه اش را نداد و سپس با اصرار آنها اجازه ورود داد. ابوبکر به طرف عایشه رفت و گردنش را گرفت و عمر به طرف حفصه رفت و همین کار را کرد؛ سپس هر دو به عایشه و حفصه گفتند: آیا شما از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله چیزی را می طلبید که او ندارد؟ پس پیامبر صلی الله علیه وآله آنان را یک ماه رها کرد و سپس آیه تخییر نازل شد. (۴)

ابن عربی (م ۵۴۳ ق) این حدیث را صحیح می داند. مانند همین حدیث را سیوطی (م ۹۱۱ ق) نیز نقل کرد. و در آن آمده است که ابوبکر به سوی عایشه رفت تا او را بزند.... (۵)

نزول آیات زنان به صورت تهدید و یک عکس العمل شدید بود و زنان را بین طلاق گرفتن یا ماندن و اطاعت از خدا مخیر ساخت. رفتار زنان چنان آزار دهنده بود که به سبب آن، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله مجبور می شود قسم بخورد و همه زنان را به مدت یک ماه رها کند؛ حتی به نماز هم نرود و با مردم نیز

ص: ۵۴

- 
- ۱- (۱) الدرالمثور، ج ۶، ص ۵۹۳ و ۵۹۴.
  - ۲- (۲) تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، ص ۳۱۲۶-۳۱۲۸.
  - ۳- (۳) المحرر الوجیز، ج ۴، ص ۳۸۰.
  - ۴- (۴) احکام القرآن، ج ۳، ص ۵۵۱.
  - ۵- (۵) لباب النقول، ص ۲۳۶؛ عبدالرحمن عک، تسهیل الوصول إلى معرفه اسباب النزول، ص ۱۷۳..

ملاقات نکند. در این هنگام بود که حکم خدا نازل و تکلیف را مشخص نمود. خداوند در این آیات زنان پیامبر صلی الله علیه وآله را تهدید می کند: يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ ۚ هَمَّجِنِينَ وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى ۚ

لحن عتاب آمیز این آیات و تند سخن گفتن خدا با زنان پیامبر صلی الله علیه وآله به معنای آن است که خداوند در مقام تهدید و سرزنش آنهاست از این رو، این آیات با آیه تطهیر هیچ تناسبی ندارند. خداوند در آیه تطهیر گروهی خاص را می ستاید و با لحنی حاکی از عنایت و محبت با آنها صحبت می کند. در بین روایات تفسیری آیه تطهیر، حتی یک روایت یافت نمی شود که بگوید این آیه به دنبال آیات مربوط به همسران رسول خدا صلی الله علیه وآله نازل شده است و هیچ مفسری نیز چنین نظری ندارد در نتیجه آیه تطهیر مختص به اهل بیت علیهم السلام است و هیچ ربطی به همسران پیامبر صلی الله علیه وآله ندارد.

## ۲- آیات زنان در سوره حجرات

ادله گوناگونی وجود دارد که همسران پیامبر صلی الله علیه وآله به هیچ روی مصداق آیه تطهیر نیستند. از محکم ترین این دلایل روایات شأن نزول آیه تطهیر و آیاتی می باشد که در شأن زنان رسول خدا صلی الله علیه وآله نازل شده است. از جمله شواهدی که به فهم آیه تطهیر کمک می کند، توجه به آیات و سوره های دیگر قرآن است که پس از سوره احزاب و اعلام طهارت اهل بیت علیهم السلام نازل شده است. یکی از این سوره ها، سوره حجرات است.

سوره حجرات طبق ترتیب فعلی قرآن، چهل و نهمین سوره قرآن است و پس از سوره احزاب قرار دارد. خوشبختانه طبق ترتیب نزول قرآن، سوره احزاب هفتاد و هشتمین سوره و حجرات هشتاد و نهمین سوره است. (۱)

- سبب نزول آیه یازده سوره حجرات

در آیه یازده سوره حجرات خداوند می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ ۚ

این آیه که خطاب به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله است، آنان را از مسخره کردن نهی می کند. قرطبی، مفسر معروف اهل سنت می گوید: مفسران گفته اند که دو نفر از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله، ام سلمه (زن دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله) را به جهت لباس مخصوصی که به تن داشت، مسخره کردند و این آیه به سبب این که عایشه و حفصه، ام سلمه را مسخره کردند، نازل شد. انس و ابن زید گفتند: این آیه به سبب مسخره کردن زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد. آنها ام سلمه را به کوتاهی قد مسخره می کردند.

برخی گفته اند: این آیه درباره عایشه نازل شده است که با دستش به ام سلمه اشاره کرد و گفت: «ای پیامبر خدا! او کوتاه قد است.» (۲) سمرقندی، یکی دیگر از مفسران معروف اهل سنت نقل کرده که این آیه به سبب سخن عایشه درباره ام سلمه نازل شده است. (۳)

معلوم می شود که آیه تطهیر درباره زنان نیست، چون معنا ندارد که

ص: ۵۶

۱- (۱) محمد عزه دروزه، التفسیر الحدیث ترتیب السور حسب النزول، ج ۶، ص ۵.

۲- (۲) الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۶، ص ۳۲۶.

۳- (۳) تفسیر السمرقندی، ج ۳، ص ۲۶۵..

پس از اعلام طهارت آنان از هر گونه پلیدی، دوباره گناه کنند و خداوند درباره آنان آیه نازل کند. مسخره کردن مؤمن حرام است و اگر این فعل را زنان پیامبر صلی الله علیه و آله انجام دهند - طبق آیه عقابشان دو برابر است، به علاوه، آیه تطهیر برتری مخاطبان خود را می‌رساند، در حالی که آیه مورد بحث، بهتر بودن کسان دیگر را از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله اعلام می‌کند عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ خَيْرًا مِّنْهُنَّ ۱ بنابراین، نازل شدن این آیه که پس از آیه تطهیر بیانگر آن است که مراد از آیه تطهیر، زنان نیستند؛ چون سبب نزول این آیه زنان بوده‌اند و این آیه مدت‌ها پس از نزول آیه تطهیر نازل شده است.

### ۳- آیات زنان در سوره تحریم

یکی دیگر از شواهد غیر قابل انکاری که بیان می‌کند مراد از آیه تطهیر، زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نیستند، سوره تحریم است. سوره تحریم طبق ترتیب فعلی قرآن، شصت و ششمین سوره قرآن است و پس از سوره احزاب قرار دارد؛ اما از آن جا که سوره تحریم طبق ترتیب نزول، نودمین سوره قرآن است و احزاب، هفتاد و هشتمین سوره، (۱) سوره تحریم مدت‌ها پس از نزول سوره احزاب نازل شده است. برخی از آیات این سوره در مورد رفتار بعضی از زنان نازل شده است: **إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكُمْ مُّسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا ۳**

ص: ۵۷



این آیات بدین سبب نازل شد که دو نفر از همسران پیامبر صلی الله علیه وآله، حضرت را اذیت کرده و راز وی را افشا نمودند. در این مورد روایات فراوانی در کتاب های معتبر تفسیری و روایی اهل سنت وارد که آن دو نفر را از همسران پیامبر صلی الله علیه وآله، یعنی عایشه و حفصه معرفی کرده اند.

عمر بن خطاب به چند طریق، روایاتی را در شأن نزول این آیه نقل کرده است. ابن عباس گفت: من همواره حریص بودم که از عمر، جریان دو نفر از همسران رسول خدا صلی الله علیه وآله را که آیه إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا (۱) درباره آنان نازل شده پیروم، تا آن که سالی عمر به حج رفت، من نیز با او حج به جا آوردم. در بین راه عمر از جاده منحرف شد (من حس کردم می خواهد دست به آب برساند) مشک آب را گرفتم و با او رفتم؛ دیدم او در نقطه ای نشست؛ ایستادم تا کارش تمام شد؛ سپس آب به دستش ریختم تا وضو بگیرد (یا دست خود را بشوید). آن گاه گفتم: ای امیرالمؤمنین! آن دو زن از زنان رسول خدا صلی الله علیه وآله که خدای تعالی درباره آنان فرمود: إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا.. کیانند؟ گفت: این از تو عجیب است ای ابن عباس! آن دو زن، عایشه و حفصه بودند؛ سپس ماجرا را تعریف کرد... (۲)

ابن عربی (م ۵۳۴ ق) در روایتی آورده است که: به خدا سوگند دو زنی که آیه إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا در حقشان نازل شد، عایشه و حفصه بودند. این دو زن قصد اذیت پیامبر صلی الله علیه وآله را داشتند. (۳)

ص: ۵۸

---

۱- (۱) تحریم، آیه ۴.

۲- (۲) جامع البیان، ج ۱۴، ص ۱۶۱؛ الدرالمثور، ج ۸، ص ۲۲۰؛ صحیح البخاری، ج ۷، ص ۳۶؛ صحیح مسلم، ج ۱۰، ص ۳۴۴ و ۳۴۵.

۳- (۳) احکام القرآن، ج ۳، ص ۵۵۲..

با توجه به این آیات و دقت در سبب نزول آنها و روایات تفسیری، نکات زیر به دست می آید:

۱. عایشه و حفصه، اسرار نبی صلی الله علیه و آله را فاش کردند: **وَ إِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ خَبْرًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ ۖ** چون پیامبر صلی الله علیه و آله مطلبی را به طور سری به بعضی از همسران خود گفت و ایشان آن سر را فاش کردند؛ درحالی که فاش ساختن اسرار نبی از گناهان کبیره است؛

۲. در این آیه نه تنها به این دو زن دستور صریح توبه داده شده است **إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ** بلکه لفظ «إِنْ» به کار رفته که بیانگر تهدید است. در ادامه آیه نیز، عتاب و تهدید شدیدتری دیده می شود: **إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا**؛ چون دل های شما (دو نفر) منحرف شد.

۳. خداوند در ادامه با تهدید و عتاب می فرماید: **وَ إِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ**؛ و اگر همچنان علیه پیامبر صلی الله علیه و آله دست به دست هم بدهید؛ باید بدانید **فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ** خداوند مولای او، جبریل و مؤمنان نیکوکار و فرشتگان هم پس از خدا پشتیبان اویند.

ضحاک درباره آیه **وَ إِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ** می گفت: اگر آنان به مخالفت با رسول خدا صلی الله علیه و آله و اذیت وی ادامه بدهند؛ [\(۱\)](#)

۴. پس از اذیت و آزار برخی زنان پیامبر صلی الله علیه و آله، خداوند این تهدید را به طور مستقیم متوجه آنان می کند: **عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ**؛ امید است پروردگار او - اگر او شما را طلاق دهد - همسرانی بهتر از شما روزی اش کند. و این همسرانی که خداوند بدل از

ص: ۵۹

شما به او می دهد مسلمات، مؤمنات، قانتات، تائبات، عبادات، سائحات، ثیبات و ابکاراً هستند؛ یعنی از جهت اسلام، ایمان، خشوع و اطاعت، توبه، عبادت، روزه، بیوه یا باکره بودن، بهتر از شما هستند.

این آیه شأن عایشه و حفصه را پایین تر از شأن برخی از زنان مؤمن معرفی می کند. توجه به این آیات و الفاظ به کار رفته در آنها نشان می دهد که زنان پیامبر صلی الله علیه وآله قطعاً از دایره اهل بیت علیهم السلام در آیه تطهیر خارجند؛ زیرا آیه تطهیر مصداق خود را دور از هر پلیدی و گناه می داند و بر طهارت مصداق های خود اصرار دارد، در حالی که این آیات از اعمال زشت و گناه همسران پیامبر صلی الله علیه وآله حکایت می کند. از طرف دیگر سوره تحریم مدت ها پس از نزول سوره احزاب نازل شده است؛ از این رو، مصداق حقیقی آیه تطهیر، تنها اصحاب کساء هستند.

- معصوم بودن اهل بیت علیهم السلام

از بحث های گذشته به دست می آید که آیه تطهیر، دلالت تام بر عصمت و طهارت اهل بیت علیهم السلام دارد که در برخی روایات نیز این مطلب بیان شده است، مانند:

۱. ابن عباس در روایتی طولانی از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله نقل می کند که فرمود:

فانا واهل بیتی مطهرون من الذنوب؛ (۱) پس من و اهل بیت علیهم السلام من از همه گناهان پاک و پاکیزه هستیم.

نکته قابل توجه در این روایت آن است که حضرت پس از تلاوت آیه تطهیر این جمله را فرمود؛

ص: ۶۰

۲. در حدیثی دیگر آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند:

ان اهل البيت قد اذهب الله - عزوجل - عنا الفواحش ما ظهر منها وما بطن (۱)

۳. همچنین ایشان در روایت دیگری فرمودند:

انا وعلی والحسن والحسین وتسعه من ولد الحسین مطهرون معصومون (۲)

به طور یقین، یکی از اصحاب کساء، خود پیامبر صلی الله علیه و آله هستند که معصوم می باشند؛ چنان که بسیاری از روایات گذشته، بر عصمت اهل کساء صراحت دارند. وقتی از قتاده درباره معنای آیه تطهیر نقل شد، گفت: «آنان اهل بیتی هستند که خداوند ایشان را از بدی پاک کرده و به رحمت خویش اختصاص داده است». (۳) ضحاک بن مزاحم از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که حضرت مکرر می فرمود:

ما اهل بیتی هستیم که خداوند آنان را از هر گونه پلیدی پاک کرده است. در حالی که این بیت، درخت نبوت، و پایگاه رسالت و محل رفت و آمد فرشتگان و خانه رحمت و سرچشمه معدن علم خداست. (۴)

با توجه به این ادله، دیگر شکی باقی نمی ماند که زنان پیامبر صلی الله علیه و آله، جزو اهل بیت علیهم السلام نیستند. به علاوه، هیچ کس ادعای عصمت همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را نکرده است و همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به اجماع مسلمانان، معصوم نیستند. از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نیز هیچ کس ادعا نکرده که آیه تطهیر در حق آنان نازل شده است و خود حضرت هم برای همسران خویش

ص: ۶۱

---

۱- (۱) شیرویه دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۱، ص ۸۷، ح ۱۴۷.

۲- (۲) فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۳۳.

۳- (۳) همان، ج ۶، ص ۶۰۶.

۴- (۴) الدرالمثور، ج ۶، ص ۶۰۶.

لفظ «اهل بیت» را به کار نبرده است؛ بلکه همواره می‌کوشید تا به امت بفهماند که همسران وی از اهل بیت علیهم السلام جدا هستند.

شواهد تاریخی نیز به روشنی بیان می‌کنند که زنان پیامبر صلی الله علیه وآله سهمی از آیه تطهیر ندارند؛ چنان که بسیاری از دانشمندان اهل سنت در ذیل یکی از آیات مربوط به زنان فی بیوتکنَّ وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجُ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى می‌نویسند: از مسروق روایت شده است هر وقت عایشه این آیه را می‌خواند، چنان گریه می‌کرد که روسری اش تر می‌شد؛ (۱) زیرا تلاوت این آیه عایشه را به یاد آن واقعه می‌انداخت که در آن عده زیادی از مسلمانان کشته شدند.

آلوسی سپس اضافه می‌کند که سبب گریه عایشه آن است که روزی پیامبر صلی الله علیه وآله به همسران پاک خود که عایشه هم از جمله آنان بوده، فرمودند: «گویا می‌بینم که سگ‌های حوآب بر یکی از شما پارس کند». (۲) مودودی می‌گوید: سبب گریه عایشه خطایی بود که در جنگ جمل از او سر زده بود. (۳)

قاضی ابومحمد می‌گوید: گریستن عایشه رحمه الله به سبب سفرش در ایام جمل بود که در آن هنگام عمار به عایشه گفت:

ان الله امرک ان تقری فی بیتک؛ (۴) همانا خداوند به تو امر کرده که در خانه ات بمانی.

ص: ۶۲

- 
- ۱- (۲) روح المعانی، ج ۲۲، ص ۱۰؛ المحرر الوجیز، ج ۴، ص ۳۸۳؛ الکشف والبیان، ج ۸، ص ۳۴.
  - ۲- (۳) روح المعانی، ج ۲۲، ص ۱۰.
  - ۳- (۴) تفهیم القرآن، ج ۴، ص ۹۱.
  - ۴- (۵) المحرر الوجیز، ج ۴، ص ۳۸۳؛ محمد کلبی، کتاب التسهیل لعلوم التنزیل، ج ۳، ص ۱۳۷..

خوارزمی (م ۵۶۸ ق) روایتی را از سالم بن ابی الجعد آورده که وقتی پیامبر صلی الله علیه وآله متذکر خروج برخی زنان خود شد، عایشه خندید. پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «ای حمیرا! مراقب باش که تو نباشی».

البته زنان دیگری هم بودند که به امر خدا پایبند بودند؛ زیرا وقتی به سوده (رضی الله عنها) گفتند: چرا از خانه بیرون نمی آیی؟ در پاسخ گفت:

امرنا الله بأن نفر فی بیوتنا؛<sup>(۱)</sup> خداوند به ما (زنان پیامبر صلی الله علیه وآله) دستور داده است در خانه هایمان بمانیم.

در روایت دیگری نیز آمده است که به ام المؤمنین سوده رحمه الله گفته شد: چرا شما به حج و عمره نمی روید، همان طور که خواهران شما (زنان دیگر پیامبر صلی الله علیه وآله) این کار را کرده اند؟ سوده گفت: من حج و عمره کرده ام و خداوند به من دستور داده است که در خانه ام بمانم. پس سوگند به خدا! هرگز از خانه ام خارج نمی شوم تا این که بمیرم (راوی) گفت: سوگند به خدا او از اطاقش بیرون نرفت تا این که جنازه اش را از خانه بیرون آوردند!<sup>(۲)</sup>

عایشه بر خلاف دستور خدا و رسولش از خانه بیرون آمد و جنگ جمل را علیه امام علی علیه السلام، وصی و جانشین پیامبر صلی الله علیه وآله به راه انداخت و باعث کشته شدن هزاران بی گناه شد. او هر گاه آیه وَقَرْنَ فِی بُیُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّةِ الْأُولَى/۳ را می خواند، به یاد خروجش برای جنگ جمل می افتاد و به شدت می گریست، به طوری که چادرش از اشک تر

ص: ۶۳

۱- (۱) کتاب التسهیل لعلوم التنزیل، ج ۳، ص ۱۳۷.

۲- (۲) المحرر الوجیز، ج ۱۲، ص ۶۰؛ الکشف و البیان، ج ۸، ص ۳۵.

می شد. آیا چنین کسی می تواند مصداق آیه تطهیر باشد؟ در حالی که خداوند اراده کرده هرگونه پلیدی را از آنان دور کند و ایشان را پاک و پاکیزه گرداند؟ از طرف دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله بارها فرموده بود:

انا حرب لمن حاربکم وسلم لمن سالمکم؛ (۱) هر کس با شما (اهل بیت) بجنگد، با من جنگیده و هر که با شما صلح کند، با من صلح کرده است.

همه این روایات بر معصوم نبودن زنان پیامبر صلی الله علیه و آله دلالت می کنند؛ در حالی که آیه تطهیر و روایات صریحاً بر عصمت و طهارت اهل بیت علیهم السلام گواهی می دهند و بیان می کنند که وارث حقیقی شریعت، اهل بیت علیهم السلام هستند؛ زیرا به حقیقت دین کسی جز پاکان دست پیدا نمی کند: لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ<sup>۲</sup> و پاکانی که طبق روایات متعدد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هم جزو آنهاست، تنها اهل بیت علیهم السلام هستند. البته توجه به این نکته بسیار لازم است که اصطلاح اهل بیت در عرف و لغت، شامل زنان نیز می شود، اما در آیه تطهیر به سبب وجود صدها روایت و نص معتبر - که اصطلاح اهل بیت در این آیه را منحصر و منحصر به اصحاب کساء نموده است - زنان را خارج از این آیه می دانیم؛ همچنان که طبق ده ها روایت معتبر اهل سنت، خود پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را خارج از اصطلاح اهل بیت در آیه تطهیر دانسته است.

ص: ۶۴

---

۱- (۱) مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۹، المناقب، ص ۳۰۴.

در منابع تفسیری، حدیثی، تاریخی و رجالی اهل سنت، صدها روایت با عناوین مختلف در شأن اهل بیت علیهم السلام عصمت و طهارت علیهم السلام آمده است. در این اثر تنها به گوشه ای از آن فضایل و مناقب بی شمار اشاره می شود.

### اهل بیت علیهم السلام راهنمای بشر تا قیامت

روایات بسیاری بر رهبری اهل بیت علیهم السلام تأکید دارد؛ از جمله حدیث متواتر «ثقلین»<sup>(۱)</sup> که با اسناد صحیح و معتبر از ده ها نفر از صحابه نقل شده است. در این حدیث پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

انی تارک فیکم ما ان تمسکتهم به لن تضلوا بعدی، کتاب الله جبل ممدود من السماء إلى الارض وعترتی اهل بیتی و لن یترقا حتی یردا علی الحوض فانظروا کیف تخلفونی فیهما؛<sup>(۲)</sup> من در میان شما چیزی می گذارم که اگر به آن تمسک جوئید، پس از من

ص: ۶۵

---

۱- (۱) ابوجعفر اسکافی، المعیار و الموازنه، ص ۴۵.

۲- (۲) الدرالمثور، ج ۷، ص ۳۴۹.



گمراه نمی شوید: کتاب خدا، ریسمانی که بین زمین و آسمان کشیده شده است و عترتم که اهل بیتم هستند. این دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا بر لب حوض پیش من بیایند. ببینید با این دو چگونه رفتار می کنید.

در نقل دیگری فرمودند:

إني تارك فيكم خليفين كتاب الله ممدود ما بين السماء والارض وعترتي اهل بيتي وانهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض؛ (۱)

پس دو جانشین بین شما می گذارم: کتاب خدا، ریسمانی که بین آسمان و زمین کشیده شده و عترتم که اهل بیت علیهم السلام من هستند. این دو هرگز جدا نمی شوند تا نزد حوض (کوثر) پیش من آیند.

طبرانی (م ۳۶۰ ق) پس از نقل حدیث ثقلین جمله ای دیگر از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل می کند که حضرت فرمود:

فلا تقدموهما فتهلكوا ولا تقصروا عنهما فتهلكوا ولا تعلموهم فانهم اعلم منكم؛ (۲) از آنها پیشی نگیرید که هلاک می شوید و از ایشان عقب نمانید که هلاک می شوید و به آنان چیزی نیاموزید، ایشان از شما داناترند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله دو شیء با ارزش را در میان امت اسلامی باقی

ص: ۶۶

- 
- ۱- (۱) احمد بن حنبل، المسند، ج ۵، ص ۱۸۲؛ جلال الدین سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۴۰۲ با کمی تفاوت صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۳؛ یحیی بن شرف نووی، ریاض الصالحین، ص ۲۱۲؛ عبدالرحمن بن جوزی، دفع شبه التشبیه، ص ۱۰۳؛ علی بن جعد جوهری، مسند ابن الجعد، ص ۳۹۷، عبد بن حمید، مسند ابن حمید، ص ۱۱۴؛ بقی بن مخلد قرطبی، ما روی فی الحوض و الكوثر، ص ۸۸؛ محمد بن اسحاق بن خزیمه، صحیح ابن خزیمه، ج ۴، ص ۶۳؛ محمود زمخشری، الفائق فی غریب الحدیث، ج ۱، ص ۱۵۰؛ ابی اسحاق اسفراینی، نورالعین، ص ۳۵؛ علی دارقطنی، العلل الوارده، ج ۶، ص ۲۳۶؛ محمد ابن اثیر، النهایه، ج ۱، ص ۲۱۱؛ شمس الدین سرخسی، المبسوط، ج ۱۶، ص ۶۹؛ محمد شوکانی، نیل الأوطار، ج ۲، ص ۳۲۸.
- ۲- (۲) المعجم الكبير، ج ۳، ص ۶۶..

گذاشت که با تمسک به آنها، امت اسلامی هرگز گمراه نخواهند شد. طبق فرمان پیامبر صلی الله علیه وآله قرآن و اهل بیت علیهم السلام لحظه ای از هم جدا نخواهند شد. پس بر امت لازم است که تا قیامت از قرآن و اهل بیت علیهم السلام دستور بگیرند و از فرمان های این دو سرپیچی نکنند؛ زیرا نجات امت از گمراهی در گرو پیروی از قرآن و اهل بیت علیهم السلام است.

این روایات علاوه بر اثبات ده ها ویژگی اهل بیت علیهم السلام، عصمت قولی و فعلی را نیز برای آنان اثبات می کند؛ زیرا کسی که خوددروغ بگوید، سخنش اعتبار ندارد و کسی خود گناه کند، دیگر نمی تواند الگوی دیگران قرار گیرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در حدیث ثقلین، اهل بیت علیهم السلام را الگویی بدون قید و شرط برای همه بشر تا قیامت قرار داده و فرمان پیروی از آنان را به امت داده است و این امر بدون عصمت امکان پذیر نیست.

### اهل بیت علیهم السلام کشتی نجات

در روایت معروف «سفینه»، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله اهل بیت علیهم السلام خود را به امت معرفی کرده؛ چنان که در روایت ابوذر آمده است:

قال ابوذر: سمعت النبی یقول: الا- انّ مثل اهل بیتی فیکم مثل سفینه نوح من قومه، من رکبها نجا و من تخلف عنها غرق؛ (۱) ابوذر می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیدم که می فرمود: توجه داشته باشید که مثل اهل بیت علیهم السلام من همانند کشتی نوح برای قوم نوح است. هر کس بر کشتی سوار شود، نجات می یابد و هر کس از آن جدا شود، غرق خواهد شد.

ص: ۶۷

---

۱- (۱) المستدرک، ج ۳، ص ۱۵۱؛ ج ۲، ص ۲۴۳؛ عبدالرئوف مناوی، فیض القدر، ج ۲، ص ۶۵۸؛ سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الصغیر، ج ۱، ص ۱۳۹؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۸..

کشتی نوح، قوم نوح را از توفان نجات داد. اهل بیت علیهم السلام نیز امت اسلامی را از گرداب های فکری، دینی و دنیوی نجات خواهند داد. آنان که از سوار شدن به کشتی نوح سر پیچیدند، غرق شدند؛ حتی پسر نوح علیه السلام نیز نجات نیافت. همین طور هر کس در کشتی اهل بیت علیهم السلام سوار نشود و از ایشان پیروی نکند، در گمراهی ها غرق خواهد شد. حاکم، این حدیث را صحیح می داند. (۱)

### اهل بیت علیهم السلام وسیله آمرزش گناهان

در منابع اهل سنت روایات زیادی اهل بیت علیهم السلام را سبب و وسیله آمرزش گناهان می دانند.

امت حضرت موسی علیه السلام برای آمرزش گناهان، مأمور شدند از دری مخصوص وارد شوند و جملات خاصی بگویند؛ ولی آنان این دستور خدا را که حضرت موسی علیه السلام به آنها ابلاغ کرده بود به تمسخر گرفتند و در نتیجه گرفتار عذاب الهی شدند؛ چنان که قرآن مجید می فرماید: **وَ إِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَ قُولُوا حِطَّةً نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَ سَيَتْرِكُنَا الْمُحْسِنِينَ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ.** ۲. بنی اسرائیل مأمور شده بودند که از در مخصوص با خضوع و خشوع وارد شوند و بگویند «حطه» تا گناهان آنان آمرزیده شود. خداوند چگونگی ورود، مکان و ادای جملات و کلمات را برای عبادت مشخص کرده بود و بنی اسرائیل باید آداب آن را رعایت می کردند؛ ولی آنان نه تنها با

ص: ۶۸

خضوع و خشوع وارد نشدند، بلکه به زمین نشست، خیزان خیزان و با تمسخر وارد شدند و به جای این که بگویند «حطه» می گفتند «حنطه» (گندم). خداوند هم به جای آمرزش گناهانشان، بر آنان عذاب نازل کرد و هفتاد هزار نفر آنان را از بین برد. (۱)

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

انما مثل اهل بیتی فیکم مثل باب حطه فی بنی اسرائیل من دخله غفرله؛ (۲) جایگاه اهل بیت در بین شما، همانند جایگاه باب حطه در بنی اسرائیل است که هر کس از آن وارد شود، آمرزیده می شود.

در روایت دیگری حضرت علی علیه السلام می فرماید:

انما مثلنا فی هذه الامه کسفینه نوح و کباب حطه فی بنی اسرائیل؛ (۳) جایگاه ما اهل بیت علیهم السلام در بین امت اسلامی، همانند جایگاه کشتی نوح و باب حطه بنی اسرائیل است.

### اهل بیت علیهم السلام سبب امان امت

اهل بیت علیهم السلام موجب امنیت جامعه بشری هستند و به سبب وجود مبارک ایشان، عذاب هایی که بر امت های گذشته نازل شد، بر این امت نازل نمی شود. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

النجوم جعلت امانا لاهل السماء و ان اهل بیتی امان لامتی؛ (۴) ستارگان وسیله امنیت و امان اهل آسمان ها قرار داده شده اند و اهل بیت علیهم السلام من نیز وسیله امنیت و امان امتم.

ایشان در حدیث دیگری فرمود:

النجوم امان لاهل الارض من الغرق و اهل بیتی امان لامتی من

ص: ۶۹

۱- (۱) الکشاف، ج ۱، ص ۷۰ و ۷۱.

۲- (۲) مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۸؛ المعجم الصغیر، ج ۲، ص ۲۲.

۳- (۳) جامع الصغیر، ج ۱، ص ۱۷۴.

۴- (۴) مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۷۴..

الاختلاف فاذا خالفتها قبيله من العرب اختلفوا فصاروا حزب ابليس؛ (۱) ستارگان سبب امنیت اهل زمین از غرق شدن هستند و اهل بیت علیهم السلام من موجب امنیت امت از اختلافند. بنابراین اگر قبيله ای از عرب با آنان به مخالفت پردازند، اختلاف انداخته و خود از حزب شیطان خواهند بود.

حاکم، این حدیث را صحیح می داند. (۲) همه روایات ذکر شده و دیگر روایات در این زمینه، تأکید بر مسئله رهبری اهل بیت علیهم السلام دارد و مردم را به سوی آن فرا می خواند. این احادیث بیانگر آن هستند که تنها راه سعادت، تمسک به اهل بیت علیهم السلام نبوت است و جدایی از آنان انسان را به گمراهی می کشاند. در روایتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چنین نقل شده است:

معرفة آل محمد براءة من النار وحب آل محمد جواز علی الصراط والولایه لآل محمد أمان من العذاب؛ (۳) شناخت آل محمد، برات از آتش، و دوست داشتن آل محمد، پروانه عبور از صراط، و ولایت آل محمد (موجب) امان از عذاب است.

ص: ۷۰

---

۱- (۱) المستدرک، ج ۳، ص ۱۴۹.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) فرائد السمطين، ج ۲، ص ۲۵۷..

بخش دوم: حقوق اهل بيت عليهم السلام

اشاره

ص: ٧١



ابن منظور، لغت شناس بزرگ اهل سنت می نویسد:

«الحق: نقيض الباطل؛ (۱) حق، ضد باطل است». ابن فارس نیز می نویسد:

حق، الحاء والقاف، اصل يدل على احكام الشيء وصحته، فالحق نقيض الباطل؛ (۲) حق (ح، ق) واژه ای است که براستواری و درستی چیزی دلالت می کند، پس حق، ضد باطل است.

راغب می گوید:

اصل حق، مطابقت و یکسانی و هماهنگی و درستی است. مثل مطابقت پایه در حالی که در پاشنه خود با استواری و درستی می چرخد و می گردد. (۳)

فیروزآبادی می گوید: حق، ضد باطل، صدق، وجود ثابت و غیره

ص: ۷۳

---

۱- (۱) لسان العرب، ماده، (ح، ق).

۲- (۲) معجم مقاییس اللغة، ماده، (ح، ق).

۳- (۳) مفردات، ماده، (ح، ق)..



است. (۱) مرحوم طبرسی در ذیل آیه هفت سوره انفال گفته است: «وقوع الشیء فی موضوعه» (۲) حق آن است که شیء در جایگاه خود واقع شود».

## حق در قرآن

در قرآن مجید حق به دوازده معنای گوناگون به کار رفته است که عبارتند از: خدا، (۳) قرآن، (۴) اسلام، (۵) توحید، (۶) عدل، (۷) راست، (۸) آشکارا، (۹) سزاوار، (۱۰) درست، (۱۱) واجب شدن، (۱۲) وام و قرض (۱۳) و بهره. (۱۴)

لغوی قرآن شناس، آقای «قرشی» پس از بررسی واژه حق می نویسد:

پس معنای حق، مطابقت و وقوع شیء در محل خویش است و آن در تمام مصادیق قابل تطبیق است. (۱۵)

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

لهم خصائص حق الولاية... والآن اذ رجع الحق إلى اهله نُقل إلى

ص: ۷۴

---

۱- (۱) القاموس المحيط، ج ۳، ص ۳۲۲.

۲- (۲) مجمع البیان، ج ۴، ص ۸۰۰.

۳- (۳) مؤمنون، آیه ۷۱.

۴- (۴) قصص، آیه ۴۸.

۵- (۵) انفال، آیه ۸.

۶- (۶) صفات، آیه ۳۷.

۷- (۷) نور، آیه ۲۵.

۸- (۸) انعام، آیه ۷۳.

۹- (۹) بقره، آیه ۱۴۶.

۱۰- (۱۰) توبه، آیه ۱۳.

۱۱- (۱۱) یونس، آیه ۳۰.

۱۲- (۱۲) سجده، آیه ۱۳.

۱۳- (۱۳) بقره، آیه ۲۸۲.

۱۴- (۱۴) معارج، آیه ۲۴.

۱۵- (۱۵) قاموس قرآن، ج ۲، ص ۱۵۹..

منتقله (۱) برای آنان (اهل بیت) ویژگی هایی است چون حق ولایت... هم اکنون حق به اهل آن برگشت و دوباره به جایی که از آن جا منتقل شده بود، بازگشت.

## اهمیت حقوق اهل بیت علیهم السلام

در منابع تفسیری، حدیثی، تاریخی و رجالی اهل سنت، صدها آیه و حدیث با عناوین گوناگون، در شأن اهل بیت علیهم السلام وارد شده است که امت اسلامی را به اهمیت دادن و شناخت حقوق مادی و معنوی آنان فرا می خواند. انسان برای رسیدن به سعادت و کمال، راهی جز شناخت حقوق این بزرگواران ندارد زیرا در روایتی، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

والذی نفسی بیده لا ینفع عبدا عمله الا بمعرفه حقنا (۲) سوگند به آن که جانم در دست اوست، هیچ بنده ای را عملش سود نرساند، مگر در پرتو شناخت و حق ما.

برای پاسداری از فرمان نبی مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، برخی از حقوق اهل بیت نبوت علیهم السلام مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

## آیه ولایت

### اشاره

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ \* وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ (۳) جز این نیست که ولی شما، خدا و رسولش و کسانی که ایمان آورده اند می باشد، آنان که پیوسته نماز به پای می دارند و زکات

ص: ۷۵

۱- (۱) نهج البلاغه ترجمه: دشتی، خ ۲.

۲- (۲) مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۷۲.

۳- (۳) مائده، آیه ۵۵ و ۵۶..

می پردازند، در حالی در رکوع هستند. و هر که خدا و رسولش و کسانی را که ایمان آورده اند، به ولایت گیرد، پس قطعاً حزب خدا پیروز است.

## ۱- مفهوم آیه

این آیه به یکی از حقوق اهل بیت علیهم السلام که همان پذیرفتن ولایت ایشان است، پرداخته و به امت اسلامی بشارت می دهد که سرپرست این امت کسی است که در حال رکوع زکات می دهد. روایات متعدد و معتبر فریقین - از ده ها صحابه و تابعین - چنین فردی را علی بن ابی طالب علیه السلام معرفی کرده اند و این آیه صریح ترین دلیل بر زعامت و امامت ائمه به ویژه حضرت علی علیه السلام است.

«ولی» در این آیه به معنای «اولی به تصرف» است؛ این مطلب از خود آیه و ده ها روایت معتبر فریقین و شواهد متعدد به دست می آید - طبق روایات اهل سنت، هفت آیه با مسئله ولایت حضرت علی علیه السلام ارتباط دارد - از این رو، شأن نزول های دیگر به علاوه ضعف سند، با روایات متعدد و معتبر متعارض است و از اعتبار ساقط می شود؛ چرا که نوعی اجتهاد در مقابل نص است.

## ۲- سبب نزول آیه

ابن ابی حاتم (م ۳۲۷ ق) یکی از مفسران معروف و قابل اعتماد همه اهل سنت است. او درباره سبب نزول آیه از طریق خود با سند متصل از سلمه بن کهیل چنین نقل می کند:

تصدق علی بخاتمه وهو راکع فنزلت إِنَّمَا وَرِيكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (۱) علی در حال رکوع انگشترش را صدقه داد و آیه نازل شد.

ص: ۷۶

---

۱- (۱) تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۱۱۶۲..

وی سپس سه روایت دیگر در این زمینه ذکر می کند.

ابن جریر طبری (م ۳۱۰ ق) یکی دیگر از مفسران و مورخان صاحب نام، پنج روایت با سند متصل را در تأیید این مطلب ذکر می کند. در یکی از این روایات از مجاهد نقل می کند که وی می گفت: **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ**. در شأن علی بن ابی طالب نازل شده است؛ هنگامی که در حال رکوع صدقه داد. (۱)

امام فخر رازی (م ۶۰۴ ق) در تفسیر خود چنین می نویسد:

عطاء از ابن عباس نقل می کند که این آیه درباره علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است. و نیز روایت شده که چون این آیه نازل شد. عبدالله بن سلام به رسول خدا صلی الله علیه وآله گفت: من دیدم علی در حال رکوع، انگشترش را به نیازمند صدقه داد؛ پس ما ولایت وی را می پذیریم.

از ابوذر - رضی الله عنه - نیز روایت شده که گفته است: با رسول خدا صلی الله علیه وآله نماز ظهر گزاردیم. سائلی در مسجد چیزی خواست و کسی به او کمک نکرد. در آن هنگام سائل دستش را به سوی آسمان دراز کرد و گفت: پروردگارا! تو گواه باش که من در مسجد پیامبر صلی الله علیه وآله سؤال کردم و احدی به من چیزی نداد. علی علیه السلام در حال رکوع بود و با انگشت راستش که در آن انگشتر بوده، به سائل اشاره می کند. سائل به سوی علی می آید و انگشتر را در می آورد. پیامبر صلی الله علیه وآله (این حالت را) دیدند و مشغول دعا شدند و این گونه فرمودند:

اللهم ان احی موسی سألک فقال... رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي اِلَى قَوْلِهِ وَ اَشْرِكُهُ فِي اَمْرِي ۲ فانزلت قراناً ناطقاً... سَنَشُدُّ عَضُدَكَ

ص: ۷۷

اللهم وانا محمد نبيك وصفيك فاشرح لي صدرى ويسر لي امرى واجعل لي وزيرا من اهلى علياً اشدد به ظهري.

ابوذر مى گوید: به خدا سوگند! هنوز دعای رسول خدا صلی الله علیه وآله پایان نیافته بود که جبرئیل نازل شد و گفت: یا محمد! بخوان: **إِنَّمَا وَرِثَكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ**. (۱) همین مضمون را نیشابوری هم آورده است. (۲)

بسیاری از مفسران، محدثان، مورخان و دانشمندان اهل سنت، آیه ولایت را درباره حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، نقل کرده اند. دانشمند اهل سنت، حاکم حسکانی (م ۴۷۱ ق) روایات مربوط به آیه ولایت را با ۲۹ طریق مختلف نقل کرده است. (۳) این روایات را بزرگان امت اسلامی از اهل بیت علیهم السلام، صحابه و تابعان نقل کرده اند.

### ۳- روایان شأن نزول آیه

روایان شأن نزول آیه ولایت، تنها بر اساس منابع اهل سنت به سه گروه تقسیم می شوند که عبارتند از:

الف) از اهل بیت: ۱. امام علی علیه السلام (۴) ۲. امام باقر علیه السلام. (۵)

ب) از صحابه: ۱. عبدالله بن عباس (۶) ۲. عبد الله بن سلام (۷) ۳. ابورافع

ص: ۷۸

۱- (۲) تفسیر الفخر الرازی، ج ۱۲، ص ۲۸.

۲- (۳) غرائب القرآن، ج ۲، ص ۶۰۵ و ۶۰۶.

۳- (۴) شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۶۱-۱۸۶.

۴- (۵) شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۷۵.

۵- (۶) همان، ص ۱۶۹.

۶- (۷) همان، ص ۱۶۱-۱۶۴. وی با هشت طریق مختلف این رویداد را از ابن عباس نقل کرده است.

۷- (۸) تفسیر الفخر الرازی، ج ۱۲، ص ۲۸..

مدنی (۱)؛ ۴. عمار بن یاسر (۲)؛ ۵. ابوذر غفاری (۳)؛ ۶. انس بن مالک (۴)؛ ۷. جابر بن عبدالله (۵)؛ ۸. مقداد بن الاسود (۶).

پ) از تابعین: ۱. محمد بن حنفیه (۷)؛ ۲. سلمه بن کُهِیل (۸)؛ ۳. عتبه بن ابی حکیم (۹)؛ ۴. سدی (۱۰)؛ ۵. مجاهد (۱۱)؛ ۶. عطاء (۱۲)؛ ۷. عبدالملک بن جریر مکی (۱۳).

همه اینان تصریح کرده اند که این آیه در شأن امام علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است. برخی روایات اشاره دارد که پس از نزول این آیه، شخص پیامبر صلی الله علیه وآله تکبیر گفت و فرمود:

«ومن يتول الله ورسوله والذين آمنوا فان حزب الله هم الغالبون» (۱۴). در روایت ابورافع آمده که پس از نزول آیه ولایت، پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

«الحمد لله الذي اتم لعلی نعمه، و هیأ لعلی بفضل الله اياه» (۱۵).

ص: ۷۹

۱- (۱) الدرالمشور، ج ۳، ص ۱۰۶.

۲- (۲) جلال الدین سیوطی، لباب النقول، ص ۱۱۷.

۳- (۳) تفسیر الفخر الرازی، ج ۱۲، ص ۲۸.

۴- (۴) شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۶۵.

۵- (۵) همان، ص ۱۷۴.

۶- (۶) همان، ص ۱۷۷.

۷- (۷) همان، ص ۱۶۷.

۸- (۸) لباب النقول، ص ۱۱۷.

۹- (۹) جامع البیان، ج ۴، ص ۲۸۸.

۱۰- (۱۰) همان.

۱۱- (۱۱) همان، ص ۲۸۹.

۱۲- (۱۲) شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۶۸.

۱۳- (۱۳) همان.

۱۴- (۱۴) الدرالمشور، ج ۳، ص ۱۰۶.

۱۵- (۱۵) همان..

«ولی» در این آیه، به معنای «اولی به تصرف» است. این مطلب از روایات شیعه و اهل سنت به دست می آید. در روایات شیعه مطالب فراوانی در این باره وجود دارد که به نقل یک روایت بسنده می کنیم. امام صادق علیه السلام می فرماید:

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا. «إِنَّمَا» یعنی «اولی بکم»، ای:

أحق بکم و بأموالکم و انفسکم و اموالکم؛ (۱) ولی در این آیه کسی است که اولی به شماست؛ یعنی در امورتان و جان و مالتان، سزاوارتر به شماست.

در روایات اهل سنت، شواهد متعدد و فراوانی یافت می شود که ولایت به معنای «اولی به تصرف» است و مراد از آن را امامت حضرت علی علیه السلام دانسته است. امام طبرانی (م ۳۶۰ ق) با سند خود از عمار بن یاسر نقل می کند که می گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله پس از نزول آیه إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ آن را قرائت کرد، سپس فرمود:

«من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه»؛ (۲) از این رو، پیوند غدیر با مسئله ولایت فهمیده می شود. در حدیث

«من كنت مولاه» پیامبر صلی الله علیه وآله پس از نزول آیه فرمود: معنای «مولا» همان اولی به تصرف و امامت امت است؛ چنان که در حدیث متواتر (۳) غدیر تأکید فراوان بر این معنا شده

ص: ۸۰

۱- (۱) محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۹۶.

۲- (۲) المعجم الاوسط، ج ۶، ص ۲۱۸؛ ر. ک: فرائد السمطين، ج ۱، ص ۱۹۴؛ مجمع الزوائد، ج ۸، ص ۱۷.

۳- (۳) برخی دانشمندان اهل سنت حدیث غدیر را متواتر دانسته اند. محمد کتانی، نظم المتناثر، ص ۱۹۴؛ اسماعیل عجلونی، کشف الخفاء، ج ۸، ص ۳۳۵؛ احمد ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۸، ص ۳۳۵؛ عبدالرؤوف مناوی، التیسیر بشرح الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۴۴۲؛ علی بن سلطان قاری، مرقاه المفاتیح، ج ۵، ص ۵۶۸؛ حسن سقاف، ارغام المبتدع، ص ۵۸..

است. زید بن ارقم نقل می کند که پس از حجه الوداع در غدیر خم، پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

ایها الناس! انی تارک فیکم امرین لن تضلوا ان اتبعتموهما، کتاب الله واهل بیتی عترتی ثم قال: اتعلمون انی اولی بالمومنین من انفسهم؟ ثلاث مرات قالوا: نعم: فقال رسول الله صلی الله علیه وآله: من کنت مولاه فعلی مولاه....(۱)

در این روایت، پیامبر صلی الله علیه وآله با تکرار از صحابه اقرار می گیرد: آیا من به جان های مؤمنان سزاوارتر از آنان نیستم؟ در روایت زید بن ارقم چنین آمده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«الستم تعلمون او الستم تشهدون انی اولی بكل مؤمن من نفسه».(۲) همین تأکید در چندین روایت دیگر نیز آمده است.(۳)

بدون شک، نمی توان اولی در این روایات را به معنای دیگری گرفت. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در همه این روایات، امامت و حق تصرف در امور مردم را اراده کرده و از مردم بر این امر اقرار گرفته و بی درنگ ولایت امیرالمؤمنین، حضرت علی علیه السلام را اعلام کرده است.(۴)

ص: ۸۱

- 
- ۱- (۱) المستدرک، ج ۳، ص ۱۱۰.
  - ۲- (۲) مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۳۰.
  - ۳- (۳) اسماعیل بن کثیر دمشقی، البدایه و النهایه، ج ۵، ص ۲۲۸ (وی پس از روایت بریده می گوید: و هذا إسناد جيد قوی رجاله کلهم ثقات)؛ المسند، ج ۵، ص ۳۴۷؛ عبدالرحمن مبارکفوری، تحفه الاحوذی، ج ۱۰، ص ۱۴۷.
  - ۴- (۴) عبدالله بن ابی شیبیه، المصنف، ج ۷، ص ۴۹۵؛ احمد ابن اعرابی، کتاب المعجم، ج ۱، ص ۱۳۹؛ احمد کنانی، زوائد ابن ماجه علی الکتب الخمسه، ص ۴۵؛ محمد رشید رضا، تفسیر المنار، ج ۶، ص ۳۸۳؛ علی بن بلبان، صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۳۷۶؛ عمرو بن ابی عاصم ضحاک، کتاب ابی یعلی، ج ۱، ص ۴۲۹؛ عبد الرحمن رازی، الجرح و التعديل، ج ۹، ص ۴۳۱؛ عبد الله بن عدی، الکامل فی الضعفاء، ج ۳، ص ۸۰؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۳، ص ۶۹؛ ابن حجر عسقلانی، تعجیل المنفعه بزوائد رجال الاثمه، ص ۴۶۴؛ نور الدین هیثمی، موارد الظمان، ص ۵۴۳؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۳۶۹؛ احمد ذهبی، تذکیره الحفاظ، ج ۱، ص ۱۰؛ ر. ک: احمد بن شعیب نسایی، خصائص امیرالمؤمنین، ص ۱۱۹؛ صالح بن حمید، عبدالرحمن بن ملوح، نظره النعیم، ج ۱، ص ۴۰۱؛ نور الدین هیثمی، مجمع البحرین، ج ۶، ص ۲۹۳؛ خطیب تبریزی، مشکاه المصابیح، ج ۴، ص ۴۲۸، ح ۶۰۹۱؛ احمد بن حجر هیثمی، الصواعق المحرقة، ص ۱۲۲..



طبق نقل روایات فریقین، خداوند در آیه ولایت، ولایت خویش، ولایت رسولش و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام را اعلام فرمود و اکنون نوبت رسول خدا صلی الله علیه وآله است که ولایت علی علیه السلام را برای مردم اعلام کند؛ چون تفسیر و تبیین قرآن برعهده آن حضرت است: **وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ**. (۱)

در منابع شیعه روایات فراوانی دیده می شود که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله آیات ولایت را تفسیر کردند؛ از جمله در غدیر خم که با مسئله ولایت گره خورده بود؛ چنان که ابوجعفر کلینی (م ۳۲۸ ق) با سند صحیح از زراره، فضیل بن یسار، بکیر بن اعین، محمد مسلم، برید بن معاویه و ابی الجارود، همگی از امام باقر علیهم السلام نقل می کنند که فرمود: خداوند پیامبرش را به ولایت علی علیه السلام فرمان داد و بر او چنین نازل کرد: **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ**.

خداوند با این بیان، ولایت «اولی الامر» را واجب کرد و چون آنان نمی دانستند این ولایت چیست، پس خداوند به محمد صلی الله علیه وآله فرمان داد که ولایت را برای آنان تفسیر کند؛ همان طور که نماز، زکات، روزه و حج را

ص: ۸۲

تفسیر می کند. چون این فرمان رسید، پیامبر صلی الله علیه وآله دلتنگ شد و نگران مردم بود که از دینشان برگردند و ایشان را تکذیب کنند. حضرت با این دلتنگی، به پرودگارش رجوع کرد (و چاره خواست) پس خداوند چنین وحی فرستاد: **يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ** (۱). پس پیامبر صلی الله علیه وآله به فرمان خدا امر ولایت را آشکار ساخت و به معرفی ولایت علی علیه السلام در روز غدیر خم پرداخت و... به مردم فرمان داد تا حاضران آن را به اطلاع غایبان برسانند. (۲).

روایات دیگری نیز با همین مضمون، از امام علی علیه السلام، (۳) امام باقر علیه السلام (۴) و امام علی النقی علیه السلام نیز آمده است. (۵).

مفسران، محدثان و دانشمندان اهل سنت، نزول آیه ابلاغ یا **يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ** را، در غدیر خم در شأن حضرت علی علیه السلام می دانند و از اهل بیت علیهم السلام، صحابه و تابعان، روایات مختلفی را با طرق گوناگون نقل کرده اند؛ از اهل بیت علیهم السلام همچون امام باقر علیه السلام، (۶) از صحابه همچون ابن عباس، (۷) عبدالله بن مسعود، (۸) عبدالله بن ابی اوفی اسلمی، (۹) براء بن

ص: ۸۳

۱- (۱) مائده، آیه ۶۷.

۲- (۲) محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۹۸، ح ۴.

۳- (۳) ابوالعباس ابن عقده، کتاب والولایه، ص ۱۹۸ و ۱۹۹.

۴- (۴) شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۱.

۵- (۵) احمد طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۵۰.

۶- (۶) الكشف والبیان، ج ۴، ص ۹۲.

۷- (۷) تفسیر الفخر الرازی، ج ۱۲، ص ۲۸؛ عبدالله محمامی در امالی به نقل از عبدالحسین امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۴۲۶.

۸- (۸) روح المعانی، ج ۶، ص ۱۷۲.

۹- (۹) شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۰..

ابوسعید خدری، (۳) و ابوهریره، (۴) و از تابعان همچون زید بن علی، (۵) ابوحمزه ثمالی، (۶) و عطیه بن سعید عوفی، (۷)

برخی مفسران اهل سنت آیه اكمال الیوم اَکْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا. (۸) را هم مربوط به مسئله غدیر خم و ولایت حضرت علی علیه السلام می دانند. به عقیده آنان، این آیه پس از اعلان ولایت علی علیه السلام از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد. (۹)

برخی دانشمندان اهل سنت آیات دیگری را نیز به داستان غدیر و ولایت علی علیه السلام افزوده اند؛ چنان که حسکانی از امام علی علیه السلام با سند متصل نقل می کند که فرمود:

لما نصب رسول الله علياً يوم غدیر خم فقال: من كنت مولاة فعلى مولاة، طار ذلك في البلاد، فقدم على رسول الله نعمان بن حرث الفهري فقال: امرتنا عن الله ان نشهد ان لا اله الا الله وأنك رسول الله، وأمرتنا بالجهاد والحج والصلوة والزكوة والصوم فقبلناها منك، ثم لم ترضى حتى نصبت هذا الغلام فقلت: من كنت مولاة فهذا مولاة. فهذا شيء منك او أمر من عند الله؟ قال: الله الذي لا اله

ص: ۸۴

۱- (۱) تفسیر الفخر الرازی، ج ۱۲، ص ۵۳.

۲- (۲) شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۲.

۳- (۳) اسباب النزول، ص ۱۶۴.

۴- (۴) شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۸۷.

۵- (۵) المناقب، ص ۲۴۰.

۶- (۶) همان.

۷- (۷) ابونعیم به نقل از حسن بن یوسف حلّی، منهاج الکرامه، ص ۱۱۷.

۸- (۸) مائده، آیه ۳.

۹- (۹) شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۵۶-۱۱۶۰ (وی چندین روایت از طریق مختلف از ابن عباس، ابوسعید خدری و ابوهریره نقل کرده است)؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۱۵ (وی در روایت دیگری که از ابوهریره نقل کرده است، نزول این آیه را در ۱۸ ذی الحجه بیان کرده است)؛ الدرالمشور، ج ۳، ص ۱۹..

الا هو إن هذا من الله. قال: فولى النعمان وهو يقول: اللهم ان كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجاره من السماء او ائتنا بعذاب أليم. فرماه الله بحجر على رأسه فقتله فأنزل الله تعالى «سأل سائل» (۱) هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله در روز غدیر خم علی را منصوب فرمود و گفت: هر کس من مولای او هستم، پس علی مولای اوست، این خبر به شهرها رسید و نعمان بن حرث فهری پیش رسول خدا صلی الله علیه وآله آمد و گفت: شما از جانب خداوند به ما دستور دادی که به یکتایی خداوند و رسالت شما گواهی دهیم، جهاد کنیم، حج برویم، نماز بگذاریم، زکات بدهیم و روزه بگیریم؛ ما آنها را از شما پذیرفتیم، سپس این چیزها شما را راضی نکرد تا این که اینک این جوان را منصوب کردی و گفتی: «من کنت مولاه فهذا مولاه» آیا این انتصاب از طرف شما است یا دستوری است از سوی خداوند؟ فرمود: سوگند به خدایی که جز او خدایی نیست! این امر از طرف خدا بوده است. فرمود: پس نعمان برخاست و رفت و می گفت: پروردگارا! اگر این امر (نصب علی علیه السلام به خلافت) از طرف تو حق باشد، بر ما از آسمان سنگ بیار یا بر ما عذاب دردناک نازل کن. پس خداوند بر سرش سنگی نازل کرد و او را کشت؛ سپس آیه «سأل سائل» را نازل فرمود.

حاکم حسکانی، این گونه روایات را با طرق مختلف از امام علی علیه السلام، علی بن حسین، حذیفه بن یمان، ابوهریره، ابن عباس و سعد بن ابی وقاص آورده است. همچنین در سند روایت، امام باقر و امام صادق دیده می شود.

ص: ۸۵

---

۱- (۱) شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۸۶؛ محمد رشیدرضا، تفسیر المنار، ج ۶، ص ۳۸۶؛ الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۸، ص ۲۷۸ و ۲۷۹؛ محمد عمادی، تفسیر ابی السعود، ج ۶، ص ۳۹۴؛ الکشف والبیان، ج ۱۰، ص ۱۵، (وی با کمی اختلاف از امام صادق علیه الیلام آورده است)؛ ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه، ص ۴۱..

نکته قابل توجه این که منابع تفسیری و حدیثی اهل سنت، هفت آیه (مائده، آیات ۳، ۵۵، ۵۶ و ۶۷؛ معارج، آیات ۱، ۲ و ۳) را به غدیر و ولایت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام مختص شمرده اند. دانشمندان اهل سنت این آیات را با روایات فراوانی که همگی صحیح بوده و از اهل بیت علیهم السلام، صحابه و تابعان نقل شده اند، این روایات، بر ولایت حضرت علی علیه السلام دلالت دارند و با تأکید فراوان، شأن نزول آیات ولایت را درباره ایشان اثبات می کنند.

شیعه بر اختصاص آیه ولایت به اهل بیت عصمت و طهارت اجماع دارد. از اهل سنت نیز دانشمندانی همچون نیشابوری<sup>(۱)</sup> و ایجی<sup>(۲)</sup> نزول

این آیه را درباره حضرت علی علیه السلام یک مسئله اجماعی در میان مفسران دانسته اند.

سیوطی برخی طرق این حدیث را آورده، سپس می نویسد: این ها طریق این حدیثند که یکدیگر را تقویت می کنند (و اصل این ماجرا را به اثبات می رسانند).<sup>(۳)</sup> ثعالبی هم این مسئله را مورد اتفاق همه می داند و می گوید:

«ولکن اتفاق مع ذلك ان علی بن ابی طالب علیه السلام اعطی خاتمه وهو راکع».<sup>(۴)</sup>

### صراحت آیات ولایت بر زعامت علی علیه السلام

با ده ها روایات صحیح السند از اهل بیت، صحابه و تابعین ثابت شد که هفت آیه از قرآن کریم درباره غدیر و ولایت حضرت علی علیه السلام است.

ص: ۸۶

---

۱- (۱) غرائب القرآن، ج ۲، ص ۶۰۵، وی در ذیل آیه پیش از آیه ولایت گفته است: «ولان ما بعد هذه الایه (۵۴) نازله فیه (علی) باتفاق اکثر المفسرین».

۲- (۲) المواقف فی علم الکلام، ص ۴۰۵. وی می نویسد: «اجمع ائمه التفسیر ان المراد علی وللاجماع علی غیره غیر مراد».

۳- (۳) لباب النقول، ص ۱۱۷ و ۱۱۸.

۴- (۴) الجواهر الحسان، ج ۱، ص ۴۳۸..

از این آیات چند نکته استفاده می شود:

۱. آیه ولایت با کلمه حصر «انما» شروع شده و این دلالت بر حصر ولایت در خدا، رسول خدا صلی الله علیه وآله و امیرمؤمنان علیه السلام دلالت دارد. خطاب آیه به مؤمنان است و به اصحاب پیامبر صلی الله علیه وآله دستور داده که ولایت خدا، رسول و امیرالمؤمنین را بپذیرند. آیه دوم هم بر همین مطلب تأکید دارد: وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ<sup>۱</sup> در این آیه دو ویژگی برای کسی که ولایت خدا، رسول خدا صلی الله علیه وآله و امیرمؤمنان علیه السلام را بپذیرد، بیان شده است: داخل شدن در حزب الله و پیروزی<sup>۲</sup>

۲. در این آیه - بدون هیچ قید و شرطی - آمده است که ولایت رسول خدا صلی الله علیه وآله و امیرالمؤمنین علیه السلام همان ولایت خداوند است. اگر کسی خواهان شناخت «ولی» است، بداند که او کسی نیست جز همان که نماز می خواند و در حال رکوع زکات می دهد؛ چنین شخصی به گواهی ده ها روایت معتبر اهل سنت، تنها علی بن ابی طالب علیه السلام است<sup>۳</sup>

۳. «ولی» در این آیه به معنای دوست یا ناصر نیست<sup>۴</sup> زیرا قرآن همه مؤمنان را یاور و دوست یکدیگر می داند: وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ<sup>۲</sup> اگر «ولی» در آیه مورد بحث به معنای دوست و یاور باشد، این مفهوم به دست می آید که ناصر یا دوست شما مؤمنان، تنها کسانی هستند که نماز می خوانند و در حال رکوع زکات می دهند. آیا تنها همان کسانی که در حال رکوع زکات می دهند، دوست و یاور ما هستند و بقیه مؤمنان دوست ما نیستند؟! معنای «اولی به تصرف» هم همه مؤمنان را دربر نمی گیرد<sup>۵</sup> چون در این صورت «مولی» و «مولی علیه» یکی

خواهد شد و این با روح آیه سازگار نیست. آیه می گوید عده ای خاص که در حال رکوع زکات می دهند، ولی شما هستند؛

۴. یکی دیگر از آیات مربوط به ولایت حضرت علی علیه السلام آیه «ابلاغ» است. این آیه نیز طبق ده ها روایات معتبر اهل سنت، درباره ابلاغ ولایت امیرالمومنین علیه السلام نازل شده است. خداوند در این آیه خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله می فرماید: يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ۱ طبق روایات معتبر اهل سنت، حضرت پس از نزول این آیه، علی علیه السلام را در غدیر خم به امامت و رهبری امت اسلامی منصوب می کند. نکته قابل توجه این است که تهدید موجود در آیه، با اعلان محبت علی علیه السلام سازگار نیست؛ زیرا پیش از این، دوستی حضرت علی علیه السلام - طبق نقل بسیاری از مفسران اهل سنت - با نزول آیه مودت، بر همه امت واجب شده و پیامبر صلی الله علیه وآله آن را تفسیر و ابلاغ کرده بود. (۱) پس از نصب حضرت به خلافت و زعامت بود که آیه «اکمال» الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا (۲) نازل شد؛ یعنی با اعلان ولایت علی علیه السلام دین کامل شد، نعمت های خداوند به نهایت رسید و خداوند بر این که اسلام را به عنوان دین معرفی کند، راضی شد. این آیه خود بزرگ ترین دلیل است که «ولی» به معنای «اولی به تصرف»، «زعامت امور» و «امامت» است، نه به معنای یاور و دوستی؛

۵. دانشمندان اهل سنت از چندین طریق، قصه نعمان بن حرث فهری

ص: ۸۸

---

۱- (۲) تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۰، ص ۳۲۷؛ الکشاف، ج ۳، ص ۴۰۲؛ الدر المنثور، ج ۷، ص ۳۴۸.

۲- (۳) مائده، آیه ۳..

را نقل کرده اند که وی اولین منکر مسئله غدیر و ولایت بوده است و در همان هنگام گرفتار عذاب الهی شد و سه آیه از سوره معارج در این مورد نازل گردید: **سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ \* لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ (۱)**

۶. بدیهی است که عذاب الهی بر منکر ولایت علی علیه السلام نازل شد و این ولایت، همان خلافت و زعامت امور است و گرنه بر منکر دوستی، عذاب نازل نمی شود. در این آیه، خداوند، منکر ولایت را کافر دانسته (للكافرين) و کسی با انکار دوستی کافر به شمار نمی آید بلکه با انکار ولایت به معنای «اولی به تصرف» به چنین عذابی گرفتار می شود.

در منابع تفسیری اهل سنت، برخی شأن نزول های دیگر هم به چشم می خورد که اکنون مورد بررسی قرار می گیرد.

### **آیا آیه ولایت در شأن «عباده بن صامت» نازل شد؟**

در منابع اهل سنت، تنها سه روایت است که چنین حکایتی را نقل می کند:

۱. عباده بن صامت می گوید: چون بنی قینقاع با رسول خدا صلی الله علیه وآله جنگید، عباده بن صامت که یکی از بنی عوف بن خزرج بود، به سوی رسول خدا صلی الله علیه وآله شتافت و از هم پیمانان خود بیزاری جست و گفت: ولایت خدا، رسولش و مؤمنان را می پذیرم و از بنی قینقاع و ولایت آنان بیزارم **فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ (۲)**

۲. عطیه بن سعد مانند حدیث بالا را درباره عباده بن صامت نقل کرده است **(۳)**

ص: ۸۹

---

۱- (۱) معارج، آیه ۱ و ۲.

۲- (۲) جامع البیان، ج ۶، ص ۸۸.

۳- (۳) همان..



۳. زهری می گوید: آیه لا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ . درباره عبادہ بن صامت نازل شده است. (۱)

ارزیابی

این ادعا به چند دلیل ثابت می شود:

۱. این روایات ضعیف است؛ زیرا در سند هر سه روایت، راویان ضعیف وجود دارند. در سند روایت اول که از خود عبادہ بن صامت نقل شده، یونس بن بکیر و محمد بن اسحاق حضور دارند. نسائی درباره یونس بن بکیر گفته است: «لیس بالقوی» و در جای دیگر او را «ضعیف» دانسته است. (۲) راوی دیگر، محمد بن اسحاق است. مالک بن انس وی را «دجال» نامیده (۳) است. علما به روایات ابن اسحاق احتجاج نمی کردند؛ زیرا او در حدیث تدلیس می کرد. (۴) یعقوب بن شبیه می گوید: «ابن اسحاق احادیث باطل را از مجهولان نقل (۵) می کرد.» یحیی بن معین وی را «ضعیف» خوانده و بار دیگر گفته: محمد بن اسحاق نزد من «سقیم» است. (۶) نسائی درباره او می گوید: «لیس بالقوی» (۷) و وی را از اصحاب زهری شمرده است. (۸)

ص: ۹۰

۱- (۱) همان، در ذیل آیه ۵۱.

۲- (۲) تهذیب الکمال، ج ۲۰، ص ۵۲۸.

۳- (۳) همان، ج ۱۶، ص ۷۵.

۴- (۴) همان، ص ۷۶.

۵- (۵) همان، ص ۷۸.

۶- (۶) همان، ص ۸۰.

۷- (۷) همان.

۸- (۸) همان، ص ۸۲.

بنابراین، این حدیث ضعیف است و قابل احتجاج نیست؛ به علاوه، وی از اصحاب «زهری» بوده و زهری هم یکی از دشمنان امام علی علیه السلام به شمار می رود و احادیث ساختگی زیادی را در ذم حضرت نقل کرده است. (۱)

رجالیهان اهل سنت روایت دومی که عطیه بن سعد آن را نقل کرده است، ضعیف می دانند. عطیه بن سعد از عکرمه روایت

می کرد (۲) و عکرمه، دشمن اهل بیت علیهم السلام و یکی از دروغ گویان بوده است. (۳) احمد درباره عطیه می گوید: «ضعیف الحدیث». (۴) ثوری و هیشم نیز احادیث عطیه را تضعیف می کردند. ابوزرعه نیز درباره وی تعبیر «لین» را به کار می برد. همچنین ابوحاتم، نسائی و ابن حبان، وی را ضعیف دانسته اند. (۵) بنابراین، این روایت هم ضعیف می باشد و قابل اعتنا نیست.

زهری روایت سومی را نیز نقل کرده است. او آیه ۵۱-۶۷ را درباره عبادۀ دانسته است؛ درحالی که بسیاری از مفسران و محدثان اهل سنت، آیه تبلیغ را در شأن حضرت علی علیه السلام دانسته اند. از زهری چنین چیزی بعید نیست؛ زیرا وی یکی از راویان حدیث در مذمت حضرت علی علیه السلام است. (۶) و این روایت از همه ضعیف تر است.

۲. علاوه بر این که در سند این روایات، راویان مجهول، ضعیف و دروغ گو به چشم می خورد، با ده ها روایات صحیح السند فریقین نیز

ص: ۹۱

۱- (۱) شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۶۳.

۲- (۲) تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۹۰.

۳- (۳) ر. ک: بحث آیه تطهیر.

۴- (۴) همان، ص ۹۱.

۵- (۵) همان.

۶- (۶) شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۶۳..

متعارض هستند و تاب مقاومت با آنها را ندارند. همچنین اهل سنت آیه ۵۱ را درباره عبادۀ بن صامت می دانند. (۱)

۳. این روایات با آیه ولایت نیز تعارض دارند؛ زیرا آیه ولایت، ولی مؤمنان را کسی می داند که در حال رکوع زکات می دهد، و هیچ کس نگفته که عبادۀ چنین کاری انجام داده است.

### آیا آیه ولایت در شأن ابوبکر نازل شده است؟

فخر رازی می گوید: «عکرمه گفته است: این آیه درباره ابوبکر نازل شده». (۲) ابن تیمیه نیز چنین نسبتی به ابن عباس داده است. (۳)

ارزیابی

آیه ولایت در شأن ابوبکر نازل نشده است و این ادعا را می توان با چند دلیل به اثبات رساند:

۱. این روایت، خبر مقطوع است و هیچ سندی ندارد؛ زیرا عکرمه که به دروغ گویی معروف است، آن را نقل کرده (۴) و روایت عکرمه اعتبار ندارد؛

۲. این روایت با روایات معتبری که شأن نزول آیه را به حضرت علی علیه السلام اختصاص داده اند، در تعارض است؛ در حالی که برخی دانشمندان اهل سنت نزول این آیه درباره حضرت علی علیه السلام را اجماعی دانسته اند، چنان که گذشت؛

ص: ۹۲

---

۱- (۱) جامع البیان، ج ۶، ص ۲۷۵.

۲- (۲) تفسیر الفخر الرزای، ج ۱۲، ص ۲۸.

۳- (۳) منهاج السنه، ج ۷، ص ۱۴.

۴- (۴) بحث آیه تطهیر..

۳. این روایت بر خلاف خود آیه است. در آیه، ولی مؤمنان کسی معرفی شده که در حال رکوع زکات داده و آن شخص کسی جز علی علیه السلام نیست؛ به علاوه، عکرمه از تابعان است و هنگام نزول آیه به دنیا نیامده بود؛ از این رو نمی تواند شأن نزول را بیان کند. بنابراین سخن او اجتهاد در مقابل نص است؛

۴. روایت منسوب به ابن عباس نیز سند ندارد. همچنین این روایت با روایات معتبر دیگر تعارض داشته و بر خلاف دیگر روایات ابن عباس است. تنها حسکانی به یازده طریق مختلف از ابن عباس روایت کرده که: «آیه در شأن حضرت علی علیه السلام نازل شده، هنگامی که آن حضرت در حال رکوع، به سائل زکات داد».

### آیا آیه ولایت در شأن عبدالله بن سلام نازل شده است؟

ماوردی در تفسیرش می نویسد: «این آیه درباره عبدالله بن سلام و همراهانش نازل شده است».<sup>(۱)</sup>

ارزیابی

استدلال ما بر این ادعا چنین است:

۱. این سخن، تنها ادعایی بدون دلیل است. بسیاری از مفسران اهل سنت این کلام را - حتی به صورت یک دیدگاه - در کتاب هایشان نقل نکرده اند؛

۲. این قول در مقابل نصوص متعدد و معتبر قرار می گیرد؛ از این رو قابل اعتنا نیست و اجتهاد در مقابل نص می باشد؛

ص: ۹۳

---

۱- (۱) النکت و العیون، ج ۲، ص ۴۸..

۳. این ادعا با روح آیه سازگاری ندارد. آیه می گوید: «ولی شما مؤمنان کسی است که در حال رکوع زکات می دهد»، ولی هیچ خبری نقل نشده که عبدالله بن سلام چنین کاری انجام داده باشد، بلکه همه روایات چنین کسی را امام علی علیه السلام دانسته اند. به علاوه این روایت، مخالف روایات دیگر وی می باشد که در آن عبدالله بن سلام به رسول خدا صلی الله علیه وآله عرض می کند: «من دیدم علی در حال رکوع، انگشترش را به نیازمندی صدقه داد؛ پس ما ولایت وی را می پذیریم» (۱).

### اشکال ابن تیمیه به آیه ولایت

ابن تیمیه درباره این آیه می نویسد: این که رافضی (حسن بن یوسف، علامه حلّی) می گوید: دانشمندان اجماع دارند که این آیه درباره علی علیه السلام است، از بزرگ ترین ادعاهای دروغ است؛ بلکه اجماع ناقلان عالم بر این است که این آیه در خصوص علی علیه السلام نازل نشده و او انگشتر خود را در نماز صدقه نداده است. اجماع محدثان عالم نیز بر این است که این داستان ساختگی است.

رافضی (علامه حلّی) از تفسیر ثعلبی نقل کرده است که حدیث ثعلبی با سند خود از ابوذر می گوید: این آیه درباره امام علی علیه السلام هنگام صدقه دادن انگشتر به نیازمند نازل شد؛ اما محدثان عالم معتقدند ثعلبی احادیث ساختگی را در تفسیرش می آورد... از این روست که ثعلبی را هیزم کش در شب می دانند، و «بغوی» که حدیث شناس و آگاه تر از ثعلبی و واحدی نیشابوری است، هرگز در تفسیرش - که مختصر تفسیر ثعلبی است - این احادیث دروغی را که ثعلبی نقل کرده، نیاورده است... با

ص: ۹۴

آن که ثعلبی دین دار است، ولی به درستی و نادرستی احادیث آگاه نیست و در بیشتر موارد بین سنت و بدعت تفاوتی نمی گذارد.

آنان که دانشمندان بزرگ و اهل تفسیرند (مانند محمد بن جریر طبری، بقی بن خلد، ابن ابی حاتم و...) این نوع احادیث ساختگی را نیاورده اند و ابن حمید و عبدالرزاق نیز، این حدیث را نقل نکرده اند. با آن که عبدالرزاق به تشیع گرایش دارد و از فضایل علی علیه السلام زیاد نقل کرده، شأن او برتر از آن است که این دروغ های آشکار را روایت کند.

(افزون بر آن) مفسرانی که رافضی (علامه حلی) از کتاب هایشان نقل کرده و نیز مفسرانی دیگر که از آنان آگاه ترند، روایاتی نقل کرده اند که این اجماع را نقض می کند؛ از جمله ثعلبی از ابن عباس آورده که این آیه درباره ابابکر است و باز او و ابن ابی حاتم از عبدالملک بن ابی سلیمان که می گوید: از ابوجعفر علیه السلام درباره آیه... وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ

الصَّلَاة... پرسیدیم؛ (حضرت) فرمود: مراد «مؤمنان» هستند. گفتم؛ (مردم می گویند) این آیه درباره علی علیه السلام نازل شد. (حضرت) فرمود: «علی علیه السلام از مؤمنان است.» همین معنا را ثعلبی از ضحاک و ابن ابی حاتم از سدی درباره این آیه نقل کرده اند. ابن ابی حاتم هم با سند خود از عبدالله بن عباس چنین می آورد: «کل من آمن فقد تولى الله و رسوله والذين آمنوا... هر کس ایمان دارد، خدا و رسول و مؤمنان را به ولایت می پذیرد»<sup>(۱)</sup>.

### ارزیابی اشکال ابن تیمیه

۱. علامه حلی رحمه الله درباره نزول این آیه در خصوص حضرت علی علیه السلام ادعای اجماع کرده است و همه مفسران و محدثان شیعه چنین

ص: ۹۵

---

۱- (۱) منهاج السنه، ج ۷، ص ۱۱-۱۴..

سخنی دارند؛ به علاوه از اهل سنت نیز دانشمندانی همچون نیشابوری و ایجی، ادعای اجماع کرده اند؛ چنان که گذشت؛

۲. ابن تیمیه ادعای اجماع کرده که این آیه درباره حضرت علی علیه السلام نازل نشده است. او همچنین ادعا کرده که اهل علم بر ساختگی بودن این حادثه اجماع دارند؛ در حالی که پیش از او هیچ کس چنین سخنی نگفته است؛ بلکه برخی دانشمندان اهل سنت همچون نیشابوری و ایجی ادعا کرده اند که اهل علم در خصوص نزول این آیه در حق امام علی علیه السلام اجماع دارند. به علاوه، بسیاری از مفسران، محدثان، رجالیان، مورخان و دانشمندان اهل سنت، صدها سال پیش از ابن تیمیه، احادیث زیادی را در کتاب های خود در مورد نزول این آیه در شأن حضرت علی علیه السلام آورده اند. آنان این روایات را از اهل بیت علیهم السلام، صحابه و تابعان نقل کرده اند که می توان از ابن عباس، عبدالله بن سلام، انس بن مالک، ابورافع، ابوذر غفاری، جابر بن عبدالله، عمار یاسر، مقداد بن اسود، محمد بن حنفیه، مجاهد، سلمه بن کهیل، عتبه بن ابی حکیم، سدی، عطاء و عبدالملک بن جریر مکی نام برد.

برخی از دانشمندان اهل سنت که پیش از تولد ابن تیمیه، این آیه را در شأن امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل کرده اند، عبارتند از: ابوجعفر اسکافی (م ۲۲۰ ق)، (۱) بلاذری (م ۲۷۹ ق)، (۲) ابن جریر طبری (م ۳۱۰ ق)، (۳) ابن ابی حاتم (م ۳۶۰ ق)، (۴) امام طبرانی (م ۳۶۰ ق)، (۵) ابوبکر جصاص

ص: ۹۶

---

۱- (۱) المعیار و الموازنه، ص ۲۲۸.

۲- (۲) انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۸۱.

۳- (۳) جامع البیان، ج ۴، ص ۲۸۸.

۴- (۴) تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۱۱۶۲.

۵- (۵) المعجم الاوسط، ج ۶، ص ۲۱۸.

(م ٣٧٠ ق)، (١) ابن ابى زمين (م ٣٩٩ ق)، (٢) حاكم نيشابورى (م ٤٠٥ ق)، (٣) ابن مردويه (م ٤١٦ ق)، (٤) ماوردى (م ق)، (٥) ثعلبى (م ٤٢٧ ق)، (٦) حسانى (م ٤٧١ ق)، (٧) واحدى (م ٤٦٨ ق)، (٨) ابن مغازلى (م ٤٨٣ ق)، (٩) سمعانى (م ٤٨٩ ق)، (١٠) الكيا طبرى هراسى (م ٥٠٤ ق)، (١١) بغوى (م ٥١٦ ق)، (١٢) زمخشرى (م ٥٢٨ ق)، (١٣) خوارزمى (م ٥٦٨ ق)، (١٤) ابن عساكر (م ٥٧١ ق)، (١٥) ابن عطيه اندلسى (م ٥٤٦ ق)، (١٦) ابن جوزى (م ٥٩٧ ق)، (١٧) فخر رازى (م ٦٠٦ ق)، (١٨) سبط بن جوزى (م ٦٥٤ ق)، (١٩) قرطبى (م ٦٧١ ق)، (٢٠) نسفى (م ٧١٠ ق). (٢١)

ص: ٩٧

- ١- (١) احكام القرآن، ج ٢، ص ٦٢٥.
- ٢- (٢) تفسير ابن ابى زمين، ج ١، ص ٢٠٤.
- ٣- (٣) معرفه علوم الحديث، ص ١٠٢.
- ٤- (٤) المناقب، ص ٢٣٤.
- ٥- (٥) النكت والعيون، ج ٢، ص ٤٩.
- ٦- (٦) الكشف و البيان، ج ٤، ص ٩٢.
- ٧- (٧) شواهد التنزيل، ج ١، ص ١٦١-١٨٦.
- ٨- (٨) اسباب النزول، ص ١٦٢.
- ٩- (٩) المناقب، ص ٢٦٠.
- ١٠- (١٠) تفسير القران، ج ١، ص ٤٤٥.
- ١١- (١١) احكام القران، ج ٣، ص ٨٤.
- ١٢- (١٢) معالم التنزيل، ج ٢، ص ١٦٣.
- ١٣- (١٣) الكشاف، ج ١، ص ٣٤٧.
- ١٤- (١٤) المناقب، ص ١٨٦.
- ١٥- (١٥) تاريخ مدينه دمشق، ج ٤٢، ص ٣٥٧.
- ١٦- (١٦) المحرر الوجيز، ج ٢، ذيل آيه.
- ١٧- (١٧) زاد المسير، ج ٢، ص ٢٢٧.
- ١٨- (١٨) تفسير الفخر الرازى، ج ١٢، ص ٢٨.
- ١٩- (١٩) تذكره الخواص، ص ٢٤.
- ٢٠- (٢٠) الجامع لاحكام القران، ج ٦، ص ٢٢١.
- ٢١- (٢١) عبدالله نسفى، تفسير نسفى، ج ١، ص ٣٢٨..



برخی از دانشمندان هم عصر ابن تیمیه و پس از او نیز، نزول آیه ولایت را در شأن حضرت علی علیه السلام دانسته اند؛ همچون نظام الدین نیشابوری (م ۷۲۸ ق)، (۱) زرنندی (م ۷۵۰ ق)، (۲) عمادی (م ۹۸۲ ق)، (۳) ابن عابدین (م ۱۲۳۲ ق)، (۴) و آلوسی (م ۱۳۲۷ ق). (۵)

ابن تیمیه این احادیث را ساختگی دانسته است، در حالی که بسیاری از این روایات صحیح و معتبرند. در این جا برای اطمینان خوانندگان، به بررسی یکی از این روایات می پردازیم. ابن ابی حاتم چنین نقل می کند: حدثنا ابوسعید الاشج، حدثنا الفضل بن دکین ابونعیم الاحول، حدثنا موسی بن قیس الحصرمی عن سلمه بن کهیل قال: تصدق علی بخاتمه وهو راکع فنزلت إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ. (۶)

در سند این حدیث اشکالی به چشم نمی خورد؛ زیرا راویان آن عبارتند از:

ابوسعید الاشج: ابوحاتم درباره وی گفته: «ثقه، صدوق، امام اهل زمانه»؛ نسائی می گوید: «صدوق». برخی دیگر گفته اند: «ما رأیت احفظ منه». (۷)

فضل بن دکین ابونعیم احول: وی از مشایخ امام بخاری بود. یحیی بن معین راجع به او می گوید: «ما رأیت أثبت من رجلین، ابونعیم و عقیان»؛

ص: ۹۸

---

۱- (۱) غرائب القرآن، ج ۲، ص ۶۰۵ و ۶۰۶.

۲- (۲) نظم درر السمطین، ص ۸۶.

۳- (۳) تفسیر ابی السعود، ج ۲، ص ۵۰۰.

۴- (۴) حاشیه رد المحتار، ج ۱، ص ۷۱۱.

۵- (۵) روح المعانی، ج ۶، ص ۱۷۲.

۶- (۶) مائده، آیه ۵۵. تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۱۱۶۲.

۷- (۷) تهذیب الکمال، ج ۱۰، ص ۱۸۰.

دیگری می گوید: «ما رأیت محدّثا اصدق من ابی نعیم».<sup>(۱)</sup>

موسی بن قیس حضرّمی: یحیی بن معین در مورد وی گفته: «ثقه». ابوحاتم می گوید: «لا بأس به». عبدالله بن احمد بن حنبل از پدرش نقل می کند که درباره او گفته است: «لا اعلم الا خیرا».<sup>(۲)</sup>

سلمه بن کهیل: ابوزرعه درباره او گفته است: «ثقه مأمون ذکی». ابوحاتم هم می گوید: «ثقه متقن».<sup>(۳)</sup>

نتیجه: این حدیث، صحیح است.

۳. چه کسی ثعلبی را «حاطب لیل» خطاب کرده است؟ چه کسی گفته که ثعلبی احادیث ساختگی در تفسیرش آورده است؟ این سخن ابن تیمیه است، چون دانشمندان اهل سنت، ثعلبی را ستوده اند. برای مثال، ابن خلکان (م ۶۸۱ ق) درباره وی می نویسد: «وی (ثعلبی) در دانش تفسیر، یگانه دوران خود بوده و تفسیری بزرگ نوشته که بر تمام تفسیرها برتری دارد». غافر بن اسماعیل الفارسی در کتاب سیاق تاریخ نیشابور، نام ثعلبی را آورده و وی را با این عبارت ستوده است: «هو صحیح النقل موثوق به، او درست گفتار و مورد اعتماد است».<sup>(۴)</sup> تاج الدین سبکی (م ۷۷۱ ق)،<sup>(۵)</sup> صلاح الدین<sup>(۶)</sup> صفدی و سیوطی (م ۹۱۱ ق) نیز، همان تعبیر ابن خلکان را آورده اند و سیوطی می افزاید:

ص: ۹۹

---

۱- (۱) همان، ج ۱۵، ص ۶۹ و ۷۰.

۲- (۲) همان، ج ۱۸، ص ۵۰۲ و ۵۰۳.

۳- (۳) همان، ج ۷، ص.

۴- (۴) وفيات الاعیان، ج ۱، ص ۷۹.

۵- (۵) طبقات الشافعیه، ج ۲، ص ۳۸۰.

۶- (۶) الوافی بالوفیات، ج ۷، ص ۲۰۱.

عالمًا بارعاً في العربية حافظاً موثقاً (۱) دانشمندی چیره دست در زبان عربی و حافظی مورد اطمینان است؛

۴. ابن تیمیه ادعا می کند که بغوی آگاه تر از ثعلبی است و تفسیرش، گزیده تفسیر ثعلبی است، و او احادیث دروغین را نیاورده است! در حالی که بغوی احادیثی درباره امام علی علیه السلام آورده است؛ از جمله:

وقال ابن عباس - رضی الله عنهما - وقال السدی: قوله. وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ، اراد به علی بن ابی طالب علیه السلام، مَرَّ بِهِ سَائِلٌ وَهُوَ رَاكِعٌ فِي الْمَسْجِدِ بِأَعْيُنِ خَاتَمِهِ (۲)

۵. ابن تیمیه باز هم ادعا کرده که محمد بن جریر طبری این احادیث ساختگی را نیاورده است! در حالی که طبری با پنج طریق مختلف، احادیثی در شأن امام علی علیه السلام آورده که آنها را از بزرگانی همچون امام باقر علیه السلام، سدی، عتبه بن حکیم و مجاهد نقل کرده است؛ (۳)

۶. ابن تیمیه ادعا کرده است که ابن حمید و عبدالرزاق این روایات را نقل نکرده اند؛ در حالی که هر دوی آنان این احادیث را نقل نموده اند. سیوطی به نقل از ابن حمید، و عبدالرزاق به نقل از ابن عباس این حدیث را ذکر کرده است؛ (۴)

۷. وی در ادامه می گوید: ثعلبی از ابن عباس نقل می کند که این آیه، درباره ابابکر است. فخر رازی هم از عکرمه نقل کرده که این آیه در شأن ابوبکر نازل شده است. (۵) اما باید گفت که این خبر در مقابل اخبار فراوان

ص: ۱۰۰

۱- (۱) طبقات المفسرین، ص ۱۷.

۲- (۲) معالم التنزیل، ج ۲، ص ۱۶۳.

۳- (۳) جامع البیان، ج ۴، ص ۲۸۸ و ۲۸۹.

۴- (۴) الدرالمثور، ج ۳، ص ۱۰۵.

۵- (۵) تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۷۴.

تاب مقاومت ندارد و ساقط می شود؛ چراکه خیر واحد مرسل است و هیچ سندی ندارد. عکرمه نزد مفسران، محدثان و رجالیان اهل سنت نیز فردی دروغ گو است (۱) و خبر وی مورد اعتماد نیست؛ به علاوه این روایت ضعیف در مقابل روایات صحیح و اجماع - چنان که نیشابوری و ایجی گفته اند - قرار گرفته و از اعتبار ساقط است؛

۸. روایتی را که ابن تیمیه از ابن ابی حاتم از عبدالملک بن ابی سلیمان از ابوجعفر باقر علیه السلام نقل می کند، هرگز نزول آیه را درباره امام علی علیه السلام انکار نمی کند؛ زیرا معلوم نیست که مراد امام از مؤمنان، آیا همه آنان است یا خود ائمه علیهم السلام. در کتاب های رجالی، عبدالملک از روایان امام باقر علیه السلام شمرده نشده است. (۲) همین طور امام باقر علیه السلام از مشایخ او شمرده نشده است. (۳) این خبر، واحد است و نمی تواند با روایاتی که از خود امام باقر علیه السلام در مقابل این روایت آمده و از حیث سند محکم تر و معتبرتر است، مقاومت کند؛

۹. در روایت ابن عباس آمده:

کل من آمن فقد تولی الله ورسوله والذین آمنوا؛ هر کس ایمان دارد، خدا و رسولش و مؤمنان را می پذیرد.

این حدیث ربطی به ادعای ابن تیمیه ندارد؛ زیرا بیانگر این نکته است که هر مؤمنی، باید ولایت خدا و رسول صلی الله علیه وآله و مؤمنان را بپذیرد؛ اما بیان نکرده است که چه کسانی مصداق «وَالَّذِينَ آمَنُوا» هستند؛ ولی در احادیث دیگر، خود ابن عباس با صراحت مصداق «وَالَّذِينَ آمَنُوا» را امام علی علیه السلام دانسته است.

ص: ۱۰۱

۱- (۱) بحث آیه تطهیر درباره عکرمه.

۲- (۲) تهذیب الکمال، ج ۱۸، ص ۳۲۲.

۳- (۳) همان، ج ۲۶، ص ۱۳۸..

به هر حال این آیه طبق دیدگاه های روایی فریقین، در شأن امام علی علیه السلام است که در آن به یکی از حقوق اهل بیت علیهم السلام (حق ولایت) اشاره شده است. بنابراین ما باید ضمن قبول ولایت اهل بیت علیهم السلام در برابر فرمان آنان تسلیم محض باشیم و بدین طریق به این حق احترام بگذاریم.

ص: ۱۰۲

دوستی اهل بیت علیهم السلام یکی از حقوق ایشان بر مسلمانان است. خداوند این حق را در قرآن چنین بیان فرموده است:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسِبْتَنَّهُ نَزِدَ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ. (۱) «بگو من از شما در برابر رسالتم مزدی طلب نمی‌کنم؛ به جز دوستی نزدیکان؛ و کسی که کار نیکویی انجام دهد ما بر نیکی اش می‌افزایم که خدا آمرزنده و قدردان است».

### مفهوم آیه

یکی از حقوق معنوی اهل بیت علیهم السلام، حق مودت است که ادای آن بر هر مسلمانی واجب است. با توجه به سیاق آیه...  
وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ \* ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ

ص: ۱۰۳

أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى ۱ خطاب آیه متوجه مؤمنان است؛ چون خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله امر کرده است که از امت، مودت اهل بیت علیهم السلام را به عنوان اجر رسالت بخواهد و امت هم مکلف به پرداخت آن شده اند.

طبق روایات صحیح و متعدد فریقین، خداوند محبت علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را بر امت واجب کرده و آن را اجر رسالت پیامبر خویش قرار داده است. این دستوری است که از طرف خداوند به رسول خدا صلی الله علیه وآله امر شده، نه این که حضرت آن را از خدا خواسته باشد. بنابراین باید مودت اهل بیت علیهم السلام هم وزن رسالت باشد، چون در غیر این صورت نمی تواند اجر رسالت باشد.

از طرف دیگر، نزدیکان پیامبر صلی الله علیه وآله هم باید معصوم باشند، وگرنه کلام خداوند لغو می شود؛ زیرا اگر آنان معصوم نباشند، خداوند با این دستور، محبت گنه کاران را واجب کرده است. پس این صورت متعارض با آیات و روایاتی خواهد شد که می گویند خداوند دوستی هیچ گناه کاری را واجب قرار نداده است؛ از این رو پس اهل بیت علیهم السلام باید معصوم باشند (گناه نکنند) تا دوستی شان اجر رسالت قرار گیرد.

### مدنی بودن آیه

طبق نقل بسیاری از دانشمندان اهل سنت، این سوره (شورا) مکی است؛ مگر چهار آیه از آن که در مدینه نازل شده اند و اولین آیه قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى است. از صحابه، ابن عباس و از تابعان، قتاده قائل به این قول است. (۱)

ص: ۱۰۴

---

۱- (۲) صدیق حسن خان قنوجی، فتح البیان، ج ۶، ص ۱۸۱؛ طه الدرّه، تفسیر القرآن الکریم، ج ۱۳، ص ۲۱؛ عبدالسلام سلمی، تفسیر القرآن، ص ۵۰۸؛ محمد الامین هرری، تفسیر حدائق الروح والریحان، ج ۲۶، ص ۳۳؛ روح المعانی، ج ۲۴، ص ۹؛ علی خازن، تفسیر الخازن، ج ۴، ص ۹۳؛ الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۶، ص ۲۴؛ ابن حیان اندلسی، البحر المحیط، ج ۷، ص ۵۱۶؛ زاد المسیر، ج ۷، ص ۱۰۸؛ شهاب الدین خفاجی، حاشیه الشهاب علی تفسیر البیضاوی، ج ۷، ص ۴۰۸؛ اسماعیل قنوی، حاشیه القنوی، ج ۶، ص ۷۲؛ عثمان مرغنی، تاج العروس، ج ۲، ص ۱۴۲..

برخی دیگر از دانشمندان اهل سنت، آیه ۲۳ (مودت) تا ۳۷ سوره شورا را مدنی دانسته اند (۱) و برخی دیگر، همه سوره را مدنی می دانند. (۲) علاوه بر روایت معروف ابن عباس، روایات دیگری نیز شاهد بر نزول آیه در مدینه. (۳)

### مودت اهل بیت علیهم السلام اجر رسالت

با بررسی شأن نزول آیه مودت می توان دریافت که خداوند محبت اهل بیت علیهم السلام را اجر رسالت قرار داده است.

### شأن نزول آیه

بسیاری از دانشمندان تفسیری، حدیثی و تاریخی اهل سنت، آیه مودت را در شأن اهل بیت علیهم السلام - به ویژه حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام - می دانند و در ذیل آیه (مودت)، روایات متعددی درباره محبت اهل بیت علیهم السلام نقل کرده اند و معروف ترین آنها روایت ابن عباس است که می گوید:

لما نزلت هذه الاية قل لا أسئلكم عليه أجراً إلا المودة في القربى قالوا: يا رسول الله صلى الله عليه وآله من قرابتك هؤلاء الذين وجبت

ص: ۱۰۵

---

۱- (۱) محمد عبدالمنعم الجمال، التفسير الفريد للقرآن المجيد، ج ۴، ص ۷۸۹.

۲- (۲) احمد يعقوبی، تاريخ يعقوبی، ج ۱، ص ۳۹۱.

۳- (۳) علی ماوردی، النکت و العیون، ج ۵، ص ۲۰۲؛ اسباب النزول، ص ۳۱۲..



مودتهم؟ قال: علی و فاطمه و ولداهما؛<sup>(۱)</sup> هنگامی که آیه... قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى نازل شد، مردم از حضرت پرسیدند: ای پیامبر خدا! نزدیکان تو چه کسانی اند که محبتشان بر امت واجب شده است؟ فرمود: علی، فاطمه و دو پسران او.

در برخی منابع اهل سنت آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در پاسخ به مردم، جمله «علی و فاطمه و ولداها» را سه مرتبه تکرار کرد.<sup>(۲)</sup>

در برخی کتاب های معتبر اهل سنت، روایات زیادی وجود دارد که همگی بر این مطلب تأکید دارند که مراد از «قربی» در آیه، اهل بیت علیهم السلام هستند.

این روایات از خود رسول خدا صلی الله علیه وآله و اهل بیتش (امام علی علیه السلام،<sup>(۳)</sup> امام حسن علیه السلام،<sup>(۴)</sup> و امام زین العابدین علیه السلام)<sup>(۵)</sup> و از صحابه و تابعانی همچون

ص: ۱۰۶

۱- (۱) در برخی روایات «ولداهما» و در برخی «وابناهما» آمده است. الدر المنثور، ج ۷، ص ۳۴۸، زاد المسیر، ج ۷، ص ۱۱۷؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۰، ص ۳۲۷۶؛ الکشاف، ج ۳، ص ۴۰۲؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۱۲۲؛ نظام الدین نیشابوری، غرائب القرآن، ج ۶، ص ۷۴؛ الکشف و البیان، ج ۸، ص ۳۱۰؛ تفسیر الفخر الرازی، ج ۲۷، ص ۱۶۷؛ الجامع لاحکام القرآن، ص ۲۲؛ المحرر الوجیز، ج ۵، ص ۳۴؛ علی واحدی، الوسیط فی تفسیر القرآن المجید، ج ۴، ص ۵۲؛ تفسیر نسفی، ج ۲، ص ۵۱۰؛ البحر المحیط، ج ۷، ص ۵۱۶؛ قاضی محمد ثناء الله، تفسیر المظهری، ج ۸، ص ۳۱۸؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۳۰؛ ناصرالدین بیضاوی، تفسیر البیضاوی، ج ۵، ص ۲۸؛ اسماعیل قونوی، حاشیه القونوی، ج ۱۷، ص ۲۳.

۲- (۲) شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۳۲.

۳- (۳) روح المعانی، ج ۲۵، ص ۲۹.

۴- (۴) المستدرک، ج ۳، ص ۱۷۲؛ شمس الدین محمد سخاوی، استجلاف ارتقاء الغرف، ج ۱، ص ۳۳۱.

۵- (۵) جامع البیان، ج ۱۳، ص ۲۵؛ روح المعانی، ج ۲۵، ص ۲۹؛ ابراهیم بقاعی، نظم الدرر، ج ۶، ص ۶۲۴.

ابن عباس، (۱) جابر، (۲) عبدالله بن مسعود، (۳) سعید بن جبیر، (۴) سدی، (۵) عمر و بن شعیب (۶) نقل شده است.

حدیث معروف ابن عباس را حاکم حسکانی (م ۴۷۱ ق) با هشت طریق مختلف آورده است و در کتاب شواهد التنزیل، در ذیل آیه مودت نقل کرده است.

بسیاری از مفسران و محدثان معتبر اهل سنت، این حدیث را در کتاب های تفسیری و حدیثی خود آورده و آن را پذیرفته اند؛ همچون امام احمد بن حنبل، (م ۲۴۱ ق)، (۷) مفسر بزرگ اهل سنت ابن ابی حاتم (م ۳۶۰ ق)، (۸) امام طبرانی (م ۳۶۰ ق)، (۹) امام واحدی (م ۴۶۸ ق)، (۱۰) حسکانی، (م ۴۷۱ ق)، (۱۱) ابن مغازلی (م ۵۳۸ ق)، (۱۲) زمخشری (م ۵۳۸ ق)، (۱۳) ابن عطیه اندلسی (م ۵۴۶ ق)، (۱۴) ابن جوزی (م ۵۹۷ ق)، (۱۵) فخر رازی

ص: ۱۰۷

- 
- ۱- (۱) تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۱۲۲؛ تفسیر الفخر الرازی، ج ۲۷، ص ۱۶۷؛ المحرر الوجیز، ج ۵، ص ۳۴؛ الکشاف، ج ۳، ص ۴۰۲؛ الدر المنثور، ج ۷، ص ۳۴۸.
  - ۲- (۲) ابی نعیم اصبهانی، حلیه الاولیاء، ج ۳، ص ۲۰۱.
  - ۳- (۳) در حواشی شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۳۱.
  - ۴- (۴) محمد العمادی، تفسیر ابی السعود، ج ۶، ص ۱۶؛ الدر المنثور، ج ۷، ص ۳۴۸.
  - ۵- (۵) شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۳۱.
  - ۶- (۶) جامع البیان، ج ۱۳، ص ۲۵.
  - ۷- (۷) احمد بن حنبل، فضایل الصحابه، ج ۲، ص ۶۶۹.
  - ۸- (۸) تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۰، ص ۳۲۷۶.
  - ۹- (۹) المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۴۷، ح ۲۶۴۱.
  - ۱۰- (۱۰) الوسیط فی تفسیر القرآن المجید، ج ۴، ص ۵۲.
  - ۱۱- (۱۱) شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۳۰.
  - ۱۲- (۱۲) مناقب، ص ۳۰۹.
  - ۱۳- (۱۳) الکشاف، ج ۳، ص ۴۰۲.
  - ۱۴- (۱۴) المحرر الوجیز، ج ۵، ص ۳۴.
  - ۱۵- (۱۵) زاد المسیر، ج ۷، ص ۱۱۷.

(م ۶۰۴ ق)، (۱) قرطبی (م ۶۷۱ ق)، (۲) نسفی (م ۷۱۰ ق)، (۳) نظام الدین نیشابوری (م ۷۲۸ ق)، (۴) بیضاوی (م ۷۹۱ ق)، (۵) قونوی، (۶) و آلوسی (م ۱۲۷۰ ق)، (۷)

برخی از دانشمندان اهل سنت درباره صحت این حدیث سخن گفته و بدان تصریح کرده اند. (۸) برخی دیگر در مورد مودت سخنانی گفته اند که برای رعایت اختصار، از نقل آنها پرهیز می کنیم. (۹)

ابن جریر طبری (م ۳۱۰ ق) در ذیل آیه مودت، روایتی از محمد بن عماره اسدی و محمد بن خلف آورده که گفتند: عبیدالله از اسرائیل و او از ابی اسحاق نقل کرد که گفت: از عمرو بن شعیب درباره آیه قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى . سؤال کردم، وی در پاسخ گفت: «مراد، خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند». (۱۰)

روایاتی که بر محبت اهل بیت علیهم السلام دلالت می کنند، در منابع فریقین از حد تواتر گذشته است و نیازی به بررسی سندی ندارد؛ ولی ما برای

ص: ۱۰۸

- 
- ۱- (۱) تفسیر الفخر الرازی، ج ۲۷، ص ۱۶۷.
  - ۲- (۲) الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۶، ص ۲۲.
  - ۳- (۳) تفسیر نسفی، ج ۳، ص ۲۵۳.
  - ۴- (۴) غرائب القرآن، ج ۶، ص ۷۴.
  - ۵- (۵) تفسیر البيضاوی، ج ۵، ص ۱۲۸.
  - ۶- (۶) حاشیه القونوی، ج ۱۷، ص ۲۳۰.
  - ۷- (۷) روح المعانی، ج ۲۵، ص ۲۹.
  - ۸- (۸) محمد شافعی، مطالب السؤل، ص ۸.
  - ۹- (۹) راشد عبدالله فرحان، هدایه البیان، ج ۴، ص ۸۴؛ روح البیان، ج ۸، ص ۳۱۲؛ عمرنوی جاوی، مراح لبید، ج ۲، ص ۳۷۳؛ امیر عبدالعزیز، التفسیر الشامل للقرآن الکریم، ج ۵، ص ۳۰۱۰؛ ابن عادل حنبلی، اللباب فی علو الکتاب، ج ۱۷، ص ۱۹۰؛ تفسیر الفخر الرازی، ج ۲۷، ص ۱۶۷.
  - ۱۰- (۱۰) جامع البیان، ج ۱۳، ص ۲۵.

اطمینان بیشتر سند روایت بالا را بررسی می کنیم. رجال شناسان درباره راویان این حدیث چنین گفته اند:

محمد بن عماره الاسدی: ثقه <sup>(۱)</sup>.

محمد بن خلف (العسقلانی): ثقه <sup>(۲)</sup>.

عبدالله (بن موسی العبسی): ثقه <sup>(۳)</sup>.

اسرائیل (بن یونس): ثقه <sup>(۴)</sup>.

ابی اسحاق (عمرو بن عبدالله السیعی): ثقه <sup>(۵)</sup>.

عمرو بن شعیب: ثقه <sup>(۶)</sup>.

رجال اسناد این روایت همه مورد وثوق هستند؛ بنابراین، روایت صحیح و معتبر است.

از طریق سعید بن جبیر نیز مانند همین روایت نقل شده است که وی در تفسیر... إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى... گفت: «مراد، نزدیکان رسول خدا صلی الله علیه وآله هستند» <sup>(۷)</sup>.

### شواهد تاریخی و روایی

علاوه بر روایات شأن نزول، به شواهد دیگری هم می توان استناد کرد، از جمله:

ص: ۱۰۹

---

۱- (۱) محمد ابن حبان، کتاب الثقات، ج ۷، ص ۴۳۷.

۲- (۲) تهذیب الکمال، ج ۱۶، ص ۲۵۳.

۳- (۳) همان، ج ۱۲، ص ۲۷۴.

۴- (۴) همان، ج ۲، ص ۱۰۰.

۵- (۵) همان، ج ۱۴، ص ۲۶۹.

۶- (۶) احمد عجلی، تاریخ الثقات، ص ۳۶۵.

۷- (۷) الدرالمشور، ج ۷، ص ۳۴۸؛ تفسیر ابی السعود، ج ۶، ص ۱۶؛ المحرر الوجیز، ج ۵، ص ۳۴..

۱. استشهاد امیرالمؤمنین علی علیه السلام به آیه مودت: ذاذان روایت می کند که علی علیه السلام فرمود: برای ما در سوره حم (شورا)، آیه ای هست که مودت ما را جز مؤمنان نگاه نمی دارند. سپس قرائت کرد: «... قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...» (۱).

۲. استناد امام حسن علیه السلام به آیه مودت: امام زین العابدین علیه السلام روایت می کند که حسن بن علی علیه السلام هنگام شهادت علی علیه السلام برای مردم خطبه ایراد فرمود و پس از حمد و ثنای خداوند فرمود: «... و من از اهل بیتی هستم که خداوند دوستی شان را بر همه مسلمانان واجب قرار داده است، و خداوند به پیامبرش صلی الله علیه وآله فرمود: قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا پس اقراراف حسنه، مودت ما اهل بیت علیهم السلام است.» (۲).

این خطبه با چند طریق دیگر نیز نقل شده است. (۳)

۳. استدلال امام زین العابدین علیه السلام به آیه مودت: بسیاری از مفسران اهل سنت، استدلال امام علی بن الحسین علیه السلام را نقل کرده اند. ابی دیلم می گوید:

وقتی علی بن الحسین - رضی الله عنهما - را به اسیری آوردند و در بالای پله معروف دمشق نگه داشته بودند، مردی از اهل شام برخاست و گفت: حمد خدا را که شما را بکشت و بیچاره تان کرد. علی بن الحسین - رضی الله عنه - در جوابش فرمود: آیا قرآن خوانده ای؟ گفت: آری. فرمود: یا حم را خوانده ای؟ گفت: آری. فرمود: هیچ خوانده ای قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا

ص: ۱۱۰

۱- (۱) روح المعانی، ج ۲۵، ص ۲۹؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۴۲.

۲- (۲) المستدرک، ص ۱۷۲.

۳- (۳) استجلاف ارتقاء الغرف، ج ۱، ص ۳۳۱..

المَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ رَأَى؟ (مرد ناگهان متوجه شد) گفت: شما همان نزدیکان رسول خدا صلی الله علیه وآله هستید؟ فرمود: بله، ما هستیم. (۱)

۴. روایت جابر بن عبدالله درباره مودت اهل بیت علیهم السلام: ابونعیم (م ۴۳۰ ق) در ترجمه جعفر بن محمد الصادق علیه السلام روایتی آورده که سلسله سند آن به امام صادق علیه السلام و از ایشان به پدرش می رسد. آن دو بزرگوار از پدر بزرگوارشان روایت می کنند و ایشان به نقل از جابر می فرماید: «یک اعرابی خدمت پیامبر صلی الله علیه وآله رسید و عرض کرد: ای محمد صلی الله علیه وآله! اسلام را بر من عرضه کن. فرمود: گواهی بده «ان لا اله الا الله وحده لا شریک له وأن محمداً عبده ورسوله».

گفت: شما بر این (چیزها) از من اجر خواستی؟ فرمود: نه، جز دوستی نزدیکان. گفت: مودت خویشاوندان من یا شما؟ فرمود: مودت خویشاوندان من. اعرابی در این هنگام عرض کرد: بیایید تا با شما بیعت بکنم؛ پس کسی که شما و خویشاوندان شما را دوست نداشته باشد، لعنت خدا بر او باد. پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: آمین. (۲)

۵. روایت عبدالله بن مسعود درباره مودت اهل بیت: عاصم بن ابی النجود از زراز عبدالله (بن مسعود) روایتی آورده که وی گفت:

ما همراه پیامبر خدا صلی الله علیه وآله در حال حرکت بودیم که در آن هنگام یک اعرابی به صدای بلند صدا زد: ای محمد! پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود: چه می گویی؟ گفت: ای محمد! مردی قومی را دوست دارد، ولی مانند آن قوم عمل نمی کند؛ درباره او چه می گوئید؟ فرمود: آدم، همراه کسی است که او را دوست دارد.

ص: ۱۱۱

---

۱- (۱) جامع البیان، ج ۱۳، ص ۲۵۳؛ الدر المنثور، ج ۷، ص ۳۴۸؛ نظم الدرر، روح المعانی، ج ۲۵، ص ۲۹؛ الکشف و البیان، ص ۳۱۱؛ موفق بن احمد خوارزمی، مقتل الحسین، ج ۲، ص ۶۹.

۲- (۲) حلیه الاولیاء، ج ۳، ص ۲۰۱..

گفت: ای محمد! به سوی چه دعوت می کنید؟ فرمود: به شهادت ان لا اله الا الله و انی رسول الله، اقامه نماز، دادن زکات، روزه داری ماه رمضان و حج خانه خدا دعوت می کنم.

گفت: آیا شما بر این چیزها اجر می خواهی؟ فرمود: نه؛ جز دوستی نزدیکان اجری نمی خواهم. اعرابی عرض کرد: آیا محبت نزدیکان مرا می خواهی یا دوستی نزدیکان خود را؟ فرمود: مودت نزدیکان خود را می خواهم. در این هنگام اعرابی گفت: دست خودت را جلو بیار تا با شما بیعت بکنم؛ پس خیری نیست برای کسی که شما را دوست بدارد و نزدیکانت را دوست نداشته باشد. (۱)

این دو روایت بیانگر آن است که برخی مردم عصر پیامبر صلی الله علیه و آله فکر می کردند که ایشان برای تبلیغ رسالت خویش مزدی می خواهد؛ از این رو در این باره از حضرت می پرسیدند و رسول خدا صلی الله علیه و آله هم تصریح و تأکید می کرد که اجر وی، دوستی نزدیکانش است. جالب این است که مردم بر ادای این اجر با حضرت محمد صلی الله علیه و آله بیعت می کردند و این نکته در هر دو روایت مذکور آمده است. همچنین بیان شده کسانی که این اجر را ادا نکنند، مورد خشم و لعنت خدا قرار می گیرند؛ چرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی که اعرابی آنان را لعنت کرد، «آمین» گفت.

۶. روایتی دیگر از ابن عباس درباره محبت اهل بیت علیهم السلام: ابن عباس می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: **قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى**. اجری نمی خواهم مگر همین که جانب مرا در اهل بیت رعایت کنید و آنان را به سبب من دوست بدارید. (۲)

۷. روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد محبت اهل بیت علیهم السلام: محب

ص: ۱۱۲

۱- (۱) حواشی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۳۱.

۲- (۲) الدرالمشور، ج ۷، ص ۳۴۸.

طبری (م ۶۹۴ ق) روایت دیگری از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمودند: «بی شک، خداوند اجر مرا بر شما، دوستی اهل بیت قرار داده است و من فردا (قیامت) درباره ایشان از شما سؤال خواهم کرد».<sup>(۱)</sup> این حدیث با روایات دیگری که برخی دانشمندان اهل سنت در ذیل آیه وَ قَفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُؤُونَ<sup>۲</sup> نقل کرده اند، تأیید می شود؛ چنان که ابن حجر هیثمی (م ۹۷۴ ق) نزول این آیه را برای ولایت اهل بیت علیهم السلام دانسته است و سپس به آیه مودت استدلال می کند.<sup>(۲)</sup>

همچنین دانشمندان دیگری از اهل سنت این آیه را مربوط به اهل بیت علیهم السلام دانسته و سؤال از محبت اهل بیت علیهم السلام در قیامت را متذکر شده اند که سمهودی (م ۹۱۱ ق)،<sup>(۳)</sup> و قندوزی (م ۱۲۹۴ ق)<sup>(۴)</sup> از آن جمله اند.

۸. روایتی دیگر از پیامبر صلی الله علیه وآله درباره محبت اهل بیت علیهم السلام: زمخشری (م ۵۲۸ ق) در ذیل آیه مودت می گوید: این آیه نازل شد و پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

من مات علی حب آل محمد مات شهیداً، الا ومن مات علی حب آل محمد مات مغفوراً له، الا ومن مات علی حب آل محمد مات تائباً، الا ومن مات علی حب آل محمد مات مؤمناً مستکماً الایمان، الا ومن مات علی حب آل محمد بشره ملک الموت بالجنه ثم منکر و نکیر، الا ومن مات علی حب آل محمد یزف إلى الجنه کما تزف العروس إلى بیت زوجها، الا ومن مات علی حب آل محمد فتح له فی قبره بابان إلى الجنه، الا ومن مات علی حب آل محمد جعل الله قبره مزار الملائکه الرحمه، الا ومن مات علی حب آل محمد مات علی السنه و الجماعه.

ص: ۱۱۳

---

۱- (۱) ذخائر العقبی، ص ۲۵.

۲- (۳) الصواعق المحرقة، ص ۱۴۹.

۳- (۴) جواهر العقدین، ص ۲۵۲.

۴- (۵) ینایع الموده، باب ۳۷، ص ۱۱۲..



الا-ومن مات علی بغض آل محمد جاء يوم القيامة مكتوب بين عينيه آيس من رحمه الله، الا ومن مات علی بغض آل محمد مات كافرا، الا ومن مات علی بغض آل محمد لم يشم رائحة الجنة؛(۱) هر کس با محبت آل محمد بمیرد، شهید از دنیا رفته؛ آگاه باشید! هر کس با محبت آل محمد از دنیا رود، بخشوده شده است؛ آگاه باشید! هر کس با محبت آل محمد از دنیا رود، با توبه از دنیا رفته؛ آگاه باشید! هر کس با محبت آل محمد از دنیا رود، مؤمن و با ایمان کامل از دنیا رفته؛ آگاه باشید! هر کس با محبت آل محمد از دنیا رود، فرشته مرگ (ملك الموت) او را به بهشت بشارت می دهد و سپس منکر و نکیر به او بشارت دهند؛ آگاه باشید! هر کس با محبت آل محمد از دنیا رود، او را با احترام به سوی بهشت می برند، آن چنان که عروس به خانه داماد می رود؛ آگاه باشید! هر کس با محبت آل محمد از دنیا رود، در قبرش دو در به سوی بهشت گشوده می شود؛ آگاه باشید! هر کس با محبت آل محمد از دنیا رود، خداوند قبر او را زیارتگاه فرشتگان رحمت قرار می دهد؛ آگاه باشید! هر کس با محبت آل محمد از دنیا رود، بر سنت و جماعت اسلام از دنیا رفته.

آگاه باشید! هر کس با دشمنی آل محمد از دنیا رود، روز قیامت در حالی وارد عرصه محشر می شود که در پیشانی او نوشته شده: مایوس از رحمت خدا؛ آگاه باشید! هر کس با دشمنی آل محمد از دنیا برود، کافر از دنیا رفته؛ آگاه باشید! هر کس با دشمنی آل محمد از دنیا برود، بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.

زمخشری این روایت را به طور مرسل آورده است؛ ولی ثعلبی (متولد ۴۲۷ ق) آن را با سند متصل از جریر بن عبدالله بجلی از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل کرده است.(۲)

ص: ۱۱۴

- 
- ۱- (۱) الکشاف، ج ۳، ص ۴۰۳.
  - ۲- (۲) الکشف و البیان، ج ۸، ص ۳۱۴..

قرطبی (م ۶۷۱ ق) مفسر معروف اهل سنت، جمله دیگری به این روایت اضافه کرده است که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

ومن مات علی بغض آل بیتی فلا نصیب له فی شفاعتی؛<sup>(۱)</sup> هر کس با دشمنی اهل بیت از دنیا برود، هیچ سهمی از شفاعتم برای او نیست.

فخر رازی (م ۶۰۴ ق) نیز این حدیث را در تفسیرش بیان کرده است.<sup>(۲)</sup> وی سپس در تأیید سخنان «زمخشری» سه دلیل تفسیری، تواتر روایی و فقهی را جهت تأکید مطلب یادآور می شود و چنین می گوید:

۱. اهل بیت، اولی ترین مصداق «القربی» هستند؛

۲. فاطمه، حسن و حسین، محبوب ترین افراد به پیامبر خدا می باشند؛

۳. آل محمد با پیامبر در تشهد نماز «اللهم صل علی محمد و آل محمد» قرین هستند و این منصب تنها به آنان اختصاص دارد. وی در ادامه به اشعار معروف امام شافعی تمسک می جوید:

یا راكباً قف بالمحصب من منی و اهتف بسا کن خیفها و الناهض سحرا

إذا فاض الحجيج إلى منی فیضاً كما نظم الفرات الفایض

ان كان رفضاً حبُّ آل محمد فليشهد الثقلان أنّی رافضی<sup>(۳)</sup>

### مراد از حسنه چیست ؟

در ادامه آیه مودت خداوند می فرماید: وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ .

خداوند به امت امر کرده که اهل بیت علیهم السلام را دوست بدارند و این

ص: ۱۱۵

۱- (۱) الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۶، ص ۲۳.

۲- (۲) تفسیر الفخر الرازی، ج ۲۷، ص ۱۶۷.

۳- (۳) همان..

دوستی را «حسنه» برای آنان قرار داده است و می فرماید: **وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً وَهَرَكْسَ حَسَنَةً رَا كَسْبَ كُنْدَ، مَا آن رَا بَرَايشَ افزون تر می کنیم.**

این همان سودی است که آیه **قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ** ۱ به آن اشاره دارد؛ یعنی سود دوستی اهل بیت علیهم السلام صددرصد به امت برمی گردد؛ آن هم با زیادت و سودی بسیار بیشتر.

روایاتی از امام حسن مجتبی علیه السلام، (۱) ابن عباس (۲) و سدی (۳) نقل شده که مراد از «کسب حسنه»، محبت آل محمد صلی الله علیه وآله است و خداوند به سبب دوستی اهل بیت، گناهان آنان را می بخشد و از کارهای نیکشان قدردانی می کند. (۴)

این حسنه بسیار با ارزش است؛ به طوری که یک روز آن، بهتر از عبادت یک ساله است. یکی از دانشمندان اهل سنت، روایت جالبی در این باره نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «حب آل محمد يوماً خیر من عبادته سنه». (۵) در این جا مناسب است به کلام مفسر معروف اهل سنت، زمخشری توجه شود که می گوید:... **وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً** از سدی نقل شده که مراد از حسنه، مودت آل رسول الله صلی الله علیه وآله است. (۶)

ظاهر آیه، عام است و همه کارهای نیکو را در بر می گیرد؛ ولی چون «حسنه» پس از **«الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»** آمده، دلیل بر آن است که تنها مودت

ص: ۱۱۶

۱- (۲) المستدرک، ج ۳، ص ۱۷۲.

۲- (۳) الدرالمثور، ج ۷، ص ۳۴۸؛ محمد اطفیش، تیسیر التفسیر، ج ۱۱، ص ۴۸۲.

۳- (۴) شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۴۹؛ ابن مغزلی، مناقب، ص ۳۱۶.

۴- (۵) علی ماوردی، النکت و العیون، ج ۵، ص ۲۰۲.

۵- (۶) الصواعق المحرقة، ص ۱۷؛ الفصول المهمه، ص ۲۷.

۶- (۷) الصواعق المحرقة، ص ۱۷؛ الفصول المهمه، ص ۲۷..

اهل بیت علیهم السلام حسنه است؛ گویا همه نیکی ها پس از دوستی اهل بیت علیهم السلام قرار دارند و تابع آن هستند.

## ارزیابی برخی دیگر از شأن نزول ها

### اشاره

بسیاری از مفسران اهل سنت، این آیه را در شأن اهل بیت علیهم السلام، به ویژه اصحاب کساء می دانند. همه مفسران و محدثان شیعه اجماع دارند که این حدیث از ابن عباس، صحیح است. ایشان مودت اهل بیت علیهم السلام را واجب می دانند و صدها روایت در این باره نقل کرده اند.<sup>(۱)</sup>

برای آگاهی بیشتر، به بررسی برخی دیگر از شأن نزول های آیه خواهیم پرداخت.

### ۱- آیا آیه مودت منسوخ است؟

قول به نسخ آیه مودت را نیز به ابن عباس نسبت داده اند که گفت: این آیه (مودت) در مکه وقتی نازل شد که مشرکان به رسول خدا صلی الله علیه و آله آزار می رساندند. پس خدای تعالی نازل فرمود که ای محمد! به مشرکان مکه بگو لا اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ... یعنی از شما بر چیزی که شما را به

ص: ۱۱۷

---

۱- (۱) محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۹۵؛ محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۸، ص ۶۰-۷۰؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۴۱۰؛ محمد صادقی، تفسیر الفرقان، ج ۲۶، ص ۱۷۶؛ رستگار جویباری، تفسیر البصائر، ج ۳۶، ص ۱۰۷۲؛ فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۴، ص ۳۷۳؛ هاشم بحرانی، البرهان، ج ۷، ص ۸۸-۱۷۷ (وی ۳۱ روایت آورده است)؛ فرات کوفی، تفسیر الفرات، ص ۳۸۹؛ عبد علی حویزی، نور الثقلین، ج ۶، ص ۴۰۴-۱۳۹۶؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۳؛ علی قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۷۶؛ محمد شیخ طوسی، البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۵۸؛ محمد مشهدی، کنز الدقائق، ج ۱۱، ص ۵۰۰-۵۲۱.

سوی آن دعوت می کنم مزدی از دنیا نمی خواهم إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى مگر محبت نزدیکانم.

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه مهاجرت فرمود، خداوند دوست داشت آن حضرت را به انبیا ملحق کند؛ از این رو فرمود:

«لا اسئلكم عليه اجرا فهو لكم ان اجرى الا على الله»، یعنی ثواب و کرامت خداوند در آخرت نصیب من می شود؛ همان طور که نوح فرمود: **وَ مَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ** (۱). هود، صالح و شعیب نیز چنین گفتند؛ بنابراین آیه مودت، منسوخ است. (۲)

ارزیابی

۱. اگرچه این قول به ابن عباس نسبت داده شده است، ولی باروایات دیگر ایشان که از حیث سند و دلالت بسیار قوی است، متعارض می باشد. روایات دیگر وی - چنان که گذشت - به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت داده شده، بر خلاف این قول که به خود وی منسوب شده است. همچنین این قول در مقابل روایات اهل بیت علیهم السلام و صحابه قرار گرفته و از اعتبار ساقط است؛ چراکه اجتهاد در مقابل نص است و حجیت ندارد (۳).

۲. بسیاری از دانشمندان اهل سنت این قول را تضعیف کرده اند؛ از جمله: ثعلبی (متولد ۴۲۷ ق)، (۴) بغوی (م ۵۱۶ ق)، (۵) ابن جوزی

ص: ۱۱۸

---

۱- (۱) شعراء، آیه ۱۰۹.

۲- (۲) الدرالمثور، ص ۳۴۶ و ۳۴۷.

۳- (۳) المیزان، ج ۱۲، ص ۳۸۰؛ محمد هادی معرفت، التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۳۰۷.

۴- (۴) الكشف والبيان، ج ۸، ص ۳۱۳.

۵- (۵) معالم التنزیل، ج ۵، ص ۴۹.

(م ۵۹۷ق)، (۱) قوجوی (م ۹۵۱ق)، (۲) شنقیطی (م ۱۳۹۳ق)، (۳) دهلوی، (۴) عمر الحاجی (۵) و قاضی ثناءالله (۶).

دیدگاه برخی دانشمندان اهل سنت درباره نسخ آیه مودت

امام بغوی (م ۵۱۶ق): وی پس از نقل قول کسانی که آیه را منسوخ دانسته، می گوید: «این قول (نسخ آیه) پسندیده نیست؛ زیرا مودت پیامبر و آل پیامبر صلی الله علیه و آله از فرائض دین است». (۷)

احمد محمد الخضاجی (متولد ۱۰۶۹ق): «به تحقیق، ادله بر حرمت دشمنی و وجوب محبت اهل بیت علیهم السلام دلالت دارند». (۸)

محمد قوجوی (م ۹۵۱ق): «کسی که گمان کرده آیه مودت با آیه قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرِ فَهَوْا لَكُمْ ۹ نسخ شده، بی گمان اشتباه کرده است؛ زیرا صحیح نیست دوستی پیامبر و آل پیامبر منسوخ شود؛ چراکه محبت آنان از واجبات و اصول دین است؛ از این رو نسخ آن به هیچ روی قابل تصور نیست». (۹)

قاضی ثناءالله: وی پس از نقل قول نسخ آیه می گوید: شکی نیست

ص: ۱۱۹

- ۱- (۱) زاد المسیر، ج ۷، ص ۱۱۷.
- ۲- (۲) حاشیه، محی الدین شیخ زاده، ج ۷، ص ۴۲۲.
- ۳- (۳) اضواء البیان، ج ۷، ص ۱۲۳.
- ۴- (۴) احسن التفاسیر، ذیل آیه مودت.
- ۵- (۵) فضایل آل البیت فی میزان الشریعه الاسلامیه، ص ۱۵۰.
- ۶- (۶) التفسیر المظهری، ج ۸، ص ۳۱۸.
- ۷- (۷) معالم التنزیل، ج ۵، ص ۴۹.
- ۸- (۸) فضایل آل البیت فی میزان الشریعه الاسلامیه، ص ۱۵۱.
- ۹- (۹) حاشیه، محی الدین شیخ زاده، ج ۷، ص ۴۲۲.

که مودت رسول خدا صلی الله علیه و آله و نزدیکان وی فریضه محکمی است و احتمال نسخ هم در آن راه ندارد؛ چون انس در حدیثی می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هیچ کس از شما ایمان نیاورده است مگر این که من نزد او، از پدرش، فرزندش و همه مردم محبوب تر شوم. سپس وی ادعا می کند که امت بر دوستی پیامبر و آلش اجماع کرده اند. او برای توضیح واژه «قربی» حدیث معروف ابن عباس رای می آورد که مراد، اصحاب کساء هستند. (۱)

۳. سخن کسانی که ادعای نسخ آیه رای کرده اند، یکسان نیست؛ مثلاً مقاتل بن سلیمان گفته است «آیه مودت با آیه قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ ۚ نَسَخَ اللَّهُ مَا أَنْزَلَ مِنْ آيَاتٍ دُونَ ذَلِكَ لِيُخَوِّفَ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (۲). برخی دیگر معتقدند که آیه مودت با آیات دیگر مانند قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ، (۳) و مَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ۝ ۵ و أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ۶ نسخ شده است. (۴)

ثعلبی (متولد ۴۲۷ ق) پس از نقل این سخنان می گوید: این قول، قوی و حتی پسندیده هم نیست؛ زیرا بنا بر سخنان اهل تأویل، جایز نیست حتی یک آیه از آیات منسوخ باشد؛ همین نکته برای بی اعتباری و پوچی قول کسانی که گمان کرده اند نزدیکی به خدا با اطاعت

ص: ۱۲۰

۱- (۱) تفسیر المظهری، ج ۸، ص ۳۱۸.

۲- (۲) تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۳، ص ۷۶۹.

۳- (۳) ص، آیه ۸۶.

۴- (۴) (۷) الکشف و البیان، ج ۸، ص ۳۱۴.

ودوستی پیامبر و آتش منسوخ است، کافی است. وی سپس بر مدعای خود دلیل اقامه می کند. (۱)

تأملی در آیات ناسخ آیه مودت

این آیات به چند دسته تقسیم می شوند:

دسته اول: قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ . (۲) قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ . (۳)

دسته دوم: قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا . (۴)

دسته سوم: قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ اللَّهِ . (۵)

دسته چهارم: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ . (۶)

مدلول آیات دسته اول - با توجه به موارد فراوان دیگر که در مورد پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله و انبیای الهی علیهم السلام آمده است - نشان می دهد که رسالت، مطلقاً اجر مادی ندارد. این معنا دلیل روشنی بر حقانیت دعوت انبیا است که راه عذر و بهانه را بر مردم نیز می بندد.... يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ \* اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَ هُمْ مُهْتَدُونَ ، (۷) أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ . (۸)

ص: ۱۲۱

۱- (۱) همان.

۲- (۲) ص، آیه ۸۶.

۳- (۳) انعام، آیه ۹۰.

۴- (۴) فرقان، آیه ۵۷.

۵- (۵) سبأ، آیه ۴۷.

۶- (۶) شورا، آیه ۲۳.

۷- (۷) یس، آیه ۲۰ و ۲۱.

۸- (۸) طور، آیه ۴۰..



این آیات، اجری الهی را برای رسالت مطرح می کند که خداوند عالم عهده دار پرداخت آن است و مردم در برابر آن مسئولیتی ندارند.

مدلول آیات دسته دوم با نفی اجر مادی، هدایت مردم را اجر رسالت معرفی می کند. آیات دسته سوم بیان می کند که اگر اجری از مردم درخواست شود، تماماً متعلق به خود آنان است و هر گونه نفع مادی برای پیامبر صلی الله علیه و آله را منتفی می گرداند، بلکه اجر پیامبر را بر عهده خدا می داند.

با توجه به سه دسته آیات ذکر شده و بخش اول آیات دسته چهارم، معلوم می شود که مدلول دسته اخیر نیز با نفی هر گونه اجری مادی، امری را طلب می کند که تنها در جهت خیر دنیا و آخرت مردم است و آن «الموده فی القربی» می باشد.

تعبیر «القربی» در قرآن در همه موارد، صرفاً به معنای خویشاوندی به کار رفته است. «ال» در «القربی» بدل از مضاف الیه است (نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله).

تعبیر «القربی» به جای «ذوی القربی»، مبالغه در خویشاوندی است و شدت پیوند با پیامبر صلی الله علیه و آله را در حوزه معنوی افاده می کند.

تعبیر «الموده فی القربی» به جای «الموده للقربی» یا «موده القربی»، بر استقرار و ثبات مودت به «قربی» دلالت دارد. «قربی» همچون ظرف استقرار دوستی است که علاوه بر مبالغه محبت به «قربی»، محور بودن «قربی» را در محبت مؤمنان افاده می کند. (۱)

نکته قابل توجه این که به جای «فی القربی»، «الا الموده للقربی» یا «موده القربی» نیامده است زیرا مبالغه ای که از استعمال این گونه موارد استفاده می شود، از اضافه کردن یا با لام، فهمیده نمی شود. کلمه «فی» در

ص: ۱۲۲

این مورد، محل و مورد محبت را بیان می کند؛ یعنی می فهماند جایی که باید این محبت قرار گیرد، تنها نزدیکان پیامبر است. زمخشری پس از این که ذوی القربی را به اهل بیت علیهم السلام تفسیر می کند، می گوید:

اگر کسی بگوید چرا خداوند با اضافه یا لام «ذوی القربی» را نیاورده است، و کلمه «فی» را استعمال کرده، در جواب گوئیم: آوردن «فی» بدین جهت است که «ذوی القربی» محل دوستی قرار داده شده اند؛ مانند این که بگویی لی فی آل فلان موده و لی فیهم هوی و حب شدید. (۱)

منظور آن است که من آنان را دوست دارم و ایشان محل محبت من هستند. امتیاز دیگری که کلمه «فی» دارد و «لام» آن امتیاز را ندارد، این است که «لام» به اصطلاح، متعلق به مودت است، اما «فی» متعلق به مودت نیست، بلکه متعلق آن در تقدیر است؛ در نتیجه معنا چنین می شود: محبتی را که پیامبر طلب می کند در «ذوی القربی» ثابت است.

## ۲- آیا آیه مودت خطاب به همه قریش است؟

شأن نزول این آیه همان درخواست محبت اهل بیت علیهم السلام در مقابل اجر رسالت بوده است که گذشت؛ ولی برخی، دیدگاه های دیگری نیز مطرح کرده اند که اکنون به بررسی آنها می پردازیم.

در مورد شأن نزول آیه، روایتی را به ابن عباس نسبت داده اند که گفته است این آیه خطاب به همه قریش بوده و اجری که در آن درخواست شده، دوستی نزدیکان پیامبر از قریش است؛ چنان چه طاووس - از شاگردان ابن عباس - از عبدالله بن عباس پرسید: «الا الموده فی القربی» چه

ص: ۱۲۳

معنایی دارد؟ سعید بن جبیر گفت: «دوست داشتن خویشاوندان آل محمد». ابن عباس گفت: شتاب کردی؛ پیامبر صلی الله علیه و آله با همه گروه های قریش خویشی داشت و گفت: من از شما چیزی نمی خواهم، مگر این که خویشاوندی میان من و شما را رعایت کنید. (۱)

برخی از مفسران اهل سنت همین قول بخاری را برگزیده و آن را صحیح دانسته اند. (۲)

ارزیابی

چند دلیل این ادعا را ثابت می کند:

۱. آیه مدنی بوده و خطابش به مؤمنان است، نه کفار قریش؛ چنان که سیاق آیات بر این امر دلالت دارد: ... وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ \* ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ؛ (۳)

۲. بسیاری از خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله نه تنها ایمان نیاوردند، بلکه همیشه سبب اذیت و آزار حضرت می شدند؛ همچون ابولهب، (عموی پیامبر) که دشمن سرسخت حضرت بود. او هنگام جنگ بدر بیمار بود و نتوانست در جنگ ضد پیامبر صلی الله علیه و آله شرکت کند؛ ولی به کسی پول داد تا از طرف او با حضرت بجنگد. طبق قول برخی وی تا سال هشتم هجرت زنده بود. (۴)

اکنون باید پرسید که چگونه می توان محبت افرادی همچون ابولهب

ص: ۱۲۴

۱- (۱) صحیح البخاری، ج ۶، ص ۱۶۲.

۲- (۲) فتح القدير، ج ۴، ص ۶۴۲، حاشیه کتاب.

۳- (۳) شورا، آیه ۲۲ و ۲۳.

۴- (۴) علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج ۳، ص ۷۹۰..

را اجر رسالت قرار داد؟ آیا معقول است که محبت دشمنان رسول خدا صلی الله علیه وآله مزد رسالت قرار گیرد؟

۳. معنای «اجر» وقتی صدق می‌کند که درخواست‌کننده کاری کرده باشد و در برابر آن اجری طلب کند. در این آیه نیز اجر هنگامی معنا می‌یابد که پیامبر صلی الله علیه وآله قریش را هدایت کرده باشد؛ چون با فرض باقی ماندن در کفر و تکذیب دعوت، حضرت چیزی به ایشان نداده است تا در برابرش اجری بدهند؛

۴. این آیات نمی‌تواند خطاب به مشرکان باشد؛ زیرا بسیار قبیح است که حکیم، مزد رسالت را از کسی بخواهد که خود منکر رسالت است؛ بلکه اجر بر کسی قرار می‌گیرد که مؤمن و معتقد باشد؛

۵. این قول، مخالف روایات معتبر دیگر فریقین است که دوستی رادر آل کساء منحصر می‌دانند. همچنین مخالف دیگر سخنان ابن عباس است؛

۶. این قول از عکرمه و عده ای دیگر از دشمنان اهل بیت علیهم السلام است؛<sup>(۱)</sup>

۷. روایان این حدیث، محمد بن بشار و محمد بن جعفر هستند که برخی رجالیان اهل سنت، هر دو را تضعیف کرده اند؛ محمد بن بشار (ابوبکر بندار) را یحیی بن معین ضعیف دانسته است.<sup>(۲)</sup> به شهادت ابن مدینی، یحیی بن سعید در حدیث بندار از پیامبر که فرمود: «تسحروا فان فی السحور برکه» گفت: «هذا کذب» و به شدت آن را انکار می‌کرد. قواری از او راضی نبوده<sup>(۳)</sup> و فلاس او را تکذیب می‌کرد.<sup>(۴)</sup> همین طور

ص: ۱۲۵

---

۱- (۱) الدرالمثور، ج ۷، ص ۳۴۷؛ جامع البیان، ج ۱۳، ص ۲۴.

۲- (۲) تهذیب الکمال، ج ۱۶، ص ۱۳۴.

۳- (۳) احمد بن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۵۹.

۴- (۴) میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۹۰..

محمد بن جعفر می گوید: معروف بغندر را یحیی بن سعید ضعیف می دانست (۱) و در وی اختلاط (۲) و غفلت بوده است. (۳)

پس این حدیث ضعیف است - نه صحیح - و با احادیث متعدد دیگر، از جمله با دیگر احادیث خود ابن عباس در تعارض است؛

۸. نکته قابل توجه این که در این روایت، هیچ نسبتی به شخص پیامبر صلی الله علیه و آله داده نشده است؛ برخلاف اقوال دیگر که حضرت خود معنای «مودت قریبی» را بیان فرموده است. در سند این حدیث برخی افراد مشکوک وجود دارند و به همین دلیل نسبت دادن آن به ابن عباس ثابت نیست. در همین روایت است که سعید بن جبیر می گوید: «به گفته خالدی، خویشاوندان آل محمد مراد است». جماعتی قول سعید بن جبیر را تأیید کرده اند. (۴)

جایی که خود پیامبر صلی الله علیه و آله معنای آیه را بیان کند، رأی دیگران، اجتهاد در برابر نص است؛ از این رو، قول سعید بن جبیر به سبب قراین و روایات دیگر درست است.

### ۳- آیا مراد از مودت، محبت پیامبر صلی الله علیه و آله است؟

به ابن زید نسبت داده اند که مراد از «موده فی القریبی» دوستی رسول خدا صلی الله علیه و آله است؛ یعنی من از شما مزدی نمی خواهم، ولی مرا دوست داشته باشید؛ همان طور که خویشاوندان را دوست دارید. (۵)

ص: ۱۲۶

---

۱- (۱) تهذیب الکمال، ج ۱۶، ص ۱۷۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۸۲.

۲- (۲) تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۸۲.

۳- (۳) احمد بن حجر عسقلانی، تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۶۳.

۴- (۴) محمدعلی خالدی، صفوه العرفان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۶۳۴.

۵- (۵) زاد المسیر، ج ۷، ص ۱۱۷..

نمی توان گفت که مراد از این آیه، محبت پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ زیرا:

۱. این دیدگاه دلیلی ندارد و تنها به صورت یک نظریه از جانب ابن زید مطرح شده و فاقد هر پشتوانه علمی است؛

۲. در روایات متعددی که از حیث سند معتبر و صحیح هستند، مراد از «موده فی القربی»، دوستی اصحاب کساء است. با وجود روایات متواتر، این دیدگاه، اجتهاد در مقابل نص است و هیچ اعتباری ندارد؛

۳. این ادعا که مؤمنان، پیامبر صلی الله علیه و آله را همانند خویشاوندان خود دوست بدارند، خلاف قرآن است؛ زیرا خداوند می فرماید: لا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ. (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز فرمود: «هیچ کس از شما ایمان نیاورد مگر هنگامی که من نزد وی از پدرش، فرزندش و از همه مردم محبوب تر شوم...»؛ (۲)

۴. این نظریه خلاف صریح همین آیه است؛ زیرا «قربی»، ظرف «موده» است و مودتی خواسته شده که در قربی باشد؛ از این رو بر خود حضرت صلی الله علیه و آله صادق نیست.

#### ۴- آیا منظور از مودت، محبت خویشاوندان مؤمن است؟

در این آیه، صله رحم با خویشاوندان مؤمن درخواست شده است؛

ص: ۱۲۷

۱- (۱) مجادله، آیه ۲۲.

۲- (۲) تفسیر المظهری، ج ۸، ص ۳۱۸، این روایت از انس بن مالک و ابوهریره نیز آمده است؛ عبدالله شبرای، الاتحاف بحب الاشراف، ص ۲۷..

یعنی من از شما مزدی نمی خواهم، ولی با خویشاوندان خود صله رحم کنید و آنان را دوست بدارید. (۱)

ارزیابی

۱. اولاً، معلوم نیست که چه کسی این سخن را گفته است و ثانیاً، همان اشکالات پیشین در این جا نیز صادق است؛

۲. اساساً صله رحم با محبت فرق می کند. ممکن است انسان کسی را دوست داشته باشد که هیچ رابطه رحمی با وی ندارد. همین طور ممکن است انسان کسی را دوست نداشته باشد، ولی به فرمان اسلام و به سبب خویشاوندی با وی، صله رحم کند. «رحم» یک حکم حقوقی اسلام است که هیچ ربطی به دوستی ندارد؛

۳. چگونه ممکن است انسان، خویشاوند کافر را دوست داشته باشد و این دوستی اجر رسالت قرار گیرد؟ محبت مؤمن - چه با صله رحم همراه باشد، چه نباشد - خوب است. در میان خویشاوندان ممکن است کافر هم وجود داشته باشد؛ در این صورت چگونه ممکن است دوستی با کفار، اجر رسالت قرار گیرد؟ قرآن فرموده: «هرگز نمی یابی قومی را که به خدا و روز آخرت عشق بورزند و در عین حال به کسانی محبت داشته باشند که با خدا و رسول او سرتندی و ستیزه دارند؛ اگر چه آنان پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند». (۲)

معلوم می شود که باید با خویشاوندان بی ایمان دشمن باشیم و از آنان دوری بجوییم؛ نه این که آنان را دوست بداریم و این دوستی را اجر رسالت قرار دهیم.

ص: ۱۲۸

---

۱- (۱) روح المعانی، ج ۲۵، ص ۲۹.

۲- (۲) مجادله، آیه ۲۲..

## ۵- آیا مراد از مودت، تقرب به خداست؟

این قول را علاوه بر این که به ابن عباس نسبت داده اند، به حسن بصری نیز نسبت داده اند که در معنای «مودت قربی» گفته است: «عبارت است از دوست داشتن به خدا از راه تقرب جستن به او با اطاعت و عمل صالح»<sup>(۱)</sup>. در این صورت معنای آیه چنین می شود که: من از شما اجری نمی خواهم، مگر این که خدا را دوست دارید و با اطاعت به خدا نزدیک شوید.

ارزیابی

این آیه نمی خواهد نزدیک شدن به خدا را بیان کند؛ زیرا:

۱. این قول با روایات متعدد و صحیحی که همگی «مودت قربی» را همان محبت اصحاب کساء معرفی کرده اند، تعارض آشکار دارد. همچنین برخلاف قول دیگر ابن عباس است و در صورت تعارض دو قول، قول ضعیف ساقط می شود؛ زیرا سخن اول او به رسول خدا صلی الله علیه و آله انتساب پیدا کرده ابن عباس تنها یک راوی است؛ ولی این قول، هیچ نسبتی به پیامبر صلی الله علیه و آله ندارد؛

۲. برخی از دانشمندان حدیثی و رجالی اهل سنت، این سخن را ضعیف دانسته اند<sup>(۲)</sup>.

۳. اطاعت و عمل صالح، نتیجه دوستی است، نه خود مودت، و این با صریح آیه مخالف است؛ زیرا آیه می گوید: من از شما اجری برای رسالت جز مودت به قربی نمی خواهم. «مودت قربی» عمل و اطاعت نیست، بلکه محبت اهل بیت علیهم السلام است. از طرف دیگر مشرکان نیز

ص: ۱۲۹

---

۱- (۱) جامع البیان، ج ۱۳، ص ۲۵.

۲- (۲) احمد بن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۸، ص ۷۲۵.



منکر تقرب به خدا نیستند؛ چنان که قرآن از قول آنان حکایت می کند: **مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ**. (۱)

## ۶- آیا آیه مودت، خطاب به انصار است؟

برخی گفته اند: خطاب آیه به انصار است، نه قریش؛ چون انصار مالی برای حضرت آوردند تا به مصرف شخصی خود برسانند؛ در این جا بود که آیه مورد بحث نازل شد و رسول خدا صلی الله علیه وآله آن مال را رد کرد. حضرت در بین انصار، خویشاوندانی از ناحیه سلمی دختر زید نجاریه، و از جهت مادرش آمنه داشت؛ از این رو، آیه به انصار خطاب کرده که من از شما مزدی نمی خواهم؛ تنها مزدم این باشد که با خویشاوندان من که در بین شما هستید، دوستی کنید. (۲)

ارزیابی

به چند دلیل این آیه نمی تواند خطاب به انصار باشد:

۱. همان طور که گذشت، خطاب آیه به جمع مؤمنان است. این نتیجه از سیاق آیات و روایات متعدد و معتبر فریقین به دست آمده است؛ بلکه خطاب آیه برخی از انصار را که ایمان آورده بودند نیز شامل می شود؛
۲. این دیدگاه، مخالف روایات متعدد و معتبر فریقین است که آیه را در شأن اصحاب کساء معرفی کرده است؛ به علاوه هیچ انتسابی هم به پیامبر صلی الله علیه وآله ندارد؛
۳. بر فرض قبول این قول درباره انصار، بر اساس قاعده «العبره بعموم اللفظ لا بخصوص المورد» اختصاص به انصار نخواهد داشت و این

ص: ۱۳۰

---

۱- (۱) زمر، آیه ۳.

۲- (۲) روح المعانی، ج ۲۵، ص ۲۸..

یک قاعده کلی است که رسول خدا صلی الله علیه وآله از هیچ کس اجر رسالت نخواست و تنها درخواست او «مودت قریبی» است؛

۴. علامه طباطبایی رحمه الله در پاسخ به این دیدگاه می گوید:

علاقه انصار به حدی شدید بود که نیاز به سفارش نداشت. چگونه ممکن است این آیه خطاب به انصار چنین سفارش کند؟ در حالی که آنان از حضرت وقتی که در مکه بود، تقاضا کردند به سرزمینشان، مدینه مهاجرت فرماید و در مدینه او را منزل دادند؛ جان ها و اموال و فرزندان خود را فدای او کرده و در یاری اش به غایت کوشیدند؛ حتی به کسانی که از مکه با آن جناب آمدند، احسان کردند: **وَ الَّذِينَ تَبَوَّؤا الدَّارَ وَ الْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَ لَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَ يُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ. (۱)** محبت انصار به حضرت به این حد است و دیگر معنا ندارد که خدا رسولش را مأمور کند که از ایشان بخواهد به خویشاوندان مادری اش که یک خویشاوندی بسیار دور است، محبت بورزند؟ عرب چندان اعتنایی به خویشاوندان مادری ندارند. این عرب است که می گوید:

بنونا بنوابعنا و بناتنا بنوهنّ ابناء الرجال الابعاد

فرزندان ما فرزندان پسران ما هستند؛ ولی فرزندان دختران ما فرزندان مردان بیگانه اند. (۲)

### شبهات برخی دانشمندان اهل سنت درباره آیه مودت

#### اشاره

بسیاری از مفسران و محدثان اهل سنت، نزول آیه مودت را برای اصحاب کسا علیهم السلام می دانند؛ (۳) ولی برخی دیگر، شبهاتی در مورد این آیه مطرح نموده اند.

ص: ۱۳۱

۱- (۱) حشر، آیه ۹.

۲- (۲) المیزان، ج ۱۸، ص ۶۲.

۳- (۳) بحث شأن نزول..

## ۱- شبهات ابن تیمیه (م ۷۲۸ ق)

یکی از دانشمندان اهل سنت که تعصب بسیاری در مورد اهل بیت علیهم السلام به خرج داده، ابن تیمیه است. او فضایل اهل بیت علیهم السلام را به شدت رد کرده و آن را کذب و موضوع می داند. اکنون دیدگاه وی در مورد این آیه را بررسی می کنیم.

### اشکال اول

او حدیث معروف ابن عباس را که مراد از «قربی» را علی، فاطمه و فرزندانشان می داند، به شدت رد می کند و می گوید: بی شک این حدیث، موضوع و دروغ است به اتفاق همه حدیث شناسان و در کتاب های حدیثی چنین روایتی یافت نمی شود. (۱)

### ارزیابی

۱. برخلاف ادعای ابن تیمیه، این حدیث صحیح السند و معتبر است و دانشمندان شیعه بر صحت آن اتفاق نظر دارند. بسیاری از مفسران و محدثان اهل سنت نیز صدها سال پیش از تولد ابن تیمیه، این حدیث را در کتب تفسیری و حدیثی خود آورده اند و آن را روایتی معتبر می دانند؛ حتی برخی از آنان به این روایت در حق اصحاب کساء استدلال کرده اند، مانند امام احمد بن حنبل (م ۲۴۱ ق)، (۲) ابن ابی حاتم (م ۳۶۰ ق)، (۳) محدث بزرگ اهل سنت، طبرانی (م ۳۶۰ ق)، (۴) امام واحدی (م ۴۶۸ ق)، (۵) ثعلبی (م ۴۲۷ ق)، (۶) حسکانی (م ۴۷۱ ق) -

ص: ۱۳۲

- ۱- (۱) منهاج السنه، ج ۴، ص ۲۸.
- ۲- (۲) فضایل الصحابه، ج ۲، ص ۶۶۹.
- ۳- (۳) تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۰، ص ۳۲۷۶.
- ۴- (۴) المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۴۷.
- ۵- (۵) الوسیط فی تفسیر القرآن المجید، ج ۴، ص ۵۲.
- ۶- (۶) الكشف و البیان، ج ۸، ص ۳۱۰.

که با هشت طریق مختلف این حدیث را نقل نموده است - (۱) ابن مغزلی (م ۴۸۳ ق)، (۲) زمخشری (م ۵۳۸ ق)، (۳) ابن عطیه اندلسی (م ۵۴۶ ق)، (۴) ابن جوزی (م ۵۹۷ ق)، (۵) امام فخر رازی (م ۶۰۴ ق)، (۶) امام قرطبی (م ۶۷۱ ق)، (۷) امام نسفی (م ۷۱۰ ق)، (۸) ونظام الدین نیشابوری (م ۷۲۸ ق)، (۹) بعضی هم بر صحت حدیث تصریح کرده اند. (۱۰).

همچنین روایات دیگری که مراد از «قربی» را اهل بیت علیهم السلام معرفی کرده، از بزرگانی همچون امام علی علیه السلام (۱۱) امام حسن علیه السلام، (۱۲) امام زین العابدین علیه السلام، (۱۳) ابن عباس، (۱۴) جابر بن عبدالله انصاری، (۱۵) عبدالله بن مسعود، (۱۶) سعید بن جبیر، (۱۷) عمرو بن شعیب، (۱۸) و سدی (۱۹) نقل شده است.

ص: ۱۳۳

- ۱- (۱) شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۱۰.
- ۲- (۲) مناقب، ص ۳۰۹.
- ۳- (۳) الکشاف، ج ۳، ص ۴۰۲.
- ۴- (۴) المحرر الوجیز، ج ۵، ص ۳۴.
- ۵- (۵) زاد المسیر، ج ۷، ص ۱۱۷.
- ۶- (۶) تفسیر الفخر الرازی، ج ۲۷، ص ۱۶۷.
- ۷- (۷) الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۶، ص ۲۲.
- ۸- (۸) تفسیر نسفی، ج ۳، ص ۲۵۳.
- ۹- (۹) غرائب القرآن، ج ۶، ص ۷۴.
- ۱۰- (۱۰) محمد شافعی، مطالب السؤل، ص ۸، مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۱۰۳.
- ۱۱- (۱۱) روح المعانی، ج ۲۵، ص ۲۸.
- ۱۲- (۱۲) المستدرک، ج ۳، ص ۱۷۲.
- ۱۳- (۱۳) جامع البیان، ج ۱۳، ص ۲۴.
- ۱۴- (۱۴) تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۱۲۲.
- ۱۵- (۱۵) حلیه الاولیاء، ج ۴، ص ۲۰۱.
- ۱۶- (۱۶) حواشی شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۳۱.
- ۱۷- (۱۷) الدرالمشور، ج ۷، ص ۳۴۷.
- ۱۸- (۱۸) جامع البیان، ج ۱۳، ص ۲۴.
- ۱۹- (۱۹) شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۳۱.

این روایات به نوعی تأکید می‌کنند که دوستی اهل بیت علیهم السلام اجر رسالت است و - طبق نقل روایت جابر و ابن مسعود - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر این امر از مردم بیعت گرفت. این روایات در کتاب‌های فریقین نیز آمده و برخی از آنها - که سندشان را بررسی کردیم - صحیح هستند؛ پس ادعای اتفاق اهل معرفت بر موضوع بودن حدیث و مطرح نشدن آن در کتاب‌های روایی، شعاری بیش نیست.

## اشکال دوم

ابن تیمیه می‌گوید: «این آیه (مودت) در سوره شورا است و سوره شورا به اتفاق اهل سنت، مکی است؛ در حالی که علی در مدینه ازدواج کرده و حسن و حسین در مدینه به دنیا آمدند؛ پس چطور پیامبر اجر رسالت را «مودت قریبی» قرار داده و تفسیر کرده است؛ حال آن که کسی (حسن و حسین را) نمی‌شناسد و هم (ایشان هنوز) به دنیا نیامده اند؟!» (۱).

## ارزیابی

شکی نیست که این سوره مکی است؛ ولی آیه «مودت» مدنی است و در مدینه نازل شده است. (۲).

## اشکال سوم

ابن تیمیه باز هم می‌گوید: «در تفسیر آیه، روایتی از ابن عباس در صحیحین آمده که مراد از قریبی، قریش است.» (۳).

ص: ۱۳۴

---

۱- (۱) منهاج السنه، ج ۴، ص ۲۸.

۲- (۲) بحث مکی یا مدنی بودن آیه.

۳- (۳) شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۳۱.

۱. با بررسی دقیق روایات شأن نزول این آیه، پنج قول به ابن عباس نسبت داده شده است. از این پنج قول، تنها قول اول که «مودت قریبی» راعلی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام معرفی کرده و دوستی آنان را اجر رسالت قرار داده، به رسول خدا صلی الله علیه و آله منتهی می شود و بقیه اقوال به خود او نسبت داده شده است. روایت اول به سبب انتساب به پیامبر صلی الله علیه و آله، بر همه اقوال دیگر مقدم است و بقیه از اعتبار می افتند؛ همچنین ابن عباس آیه را مدنی دانسته است (۱). بنابراین پایه همه اقوال را می توان زد؛

۲. در روایت ابن عباس که در صحیحین آمده، سعید بن جبیر «مودت قریبی» را «دوست داشتن نزدیکان آل محمد» معرفی کرده است. حال چگونه ممکن است محبت قریش که بین آنان دشمنان سرسخت رسالت نیز قرار دارند، اجر رسالت قرار گیرد؟! (۲)

۳. در بین راویان این حدیث دو نفر به نام های محمد بن بشار و محمد بن جعفر قرار دارند که برخی عالمان رجالی اهل سنت این دو راوی را تضعیف کرده اند. (۳)

#### اشکال چهارم

ابن تیمیه می گوید: خداوند در آیه مورد بحث فرموده: «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَ نَفَرَمُودَه: «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» همان طور

ص: ۱۳۵

۱- (۱) فتح البیان، ج ۶، ص ۱۸۱.

۲- (۲) بحث خطاب به جمیع قریش.

۳- (۳) تهذیب الکمال، ج ۱۶، ص ۱۷.

که در جاهای دیگر فرموده: **وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِإِخْوَتِهِ الْقُرْبَىٰ وَ مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِإِخْوَتِهِ الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْبُرُكِيَّةِ** و «فَات ذالقربى حقه و آتى المال على حبه ذوى القربى». در این جا خداوند «قربى» را به شکل مصدر ذکر کرده (قربى)، نه اسم، و این دلیل است که مراد، ذوى القربى نیست. (۱)

ارزیابی

«قربى» در لغت به «ذوى القربى» نیز اطلاق مى شود؛ چنان که ابن فارس مى نویسد:

«القربه و القربى: القرباه (۲) «قربت و قربى» به معنای خویشاوندی است». زمخشرى هم گفته است:

القربى مصدر كالزلفى والبشرى معنى القرباه والمراد اهل القربى (۳) «قربى» مصدرى است بر وزن «زلفى» به معنای قرابت و خویشاوندی، و مقصود از آن در آیه خویشاوندان است.

ابن منظور (م ۷۱۱ ق) مى نویسد:

والقرباه والقربى: الدنؤ فى النسب والقربى فى الرّحم وهى فى الاصل مصدر. (۴)

این واژه در همه جا از قرآن مجید به معنای «خویشاوندی» استعمال شده، ولى در این آیه به معنای «الموده للقربى» یا «لذوى القربى» است؛ زیرا «القربى» به جای «ذوى القربى»، مبالغه در قرابت است که شدت پیوند با پیامبر صلی الله علیه و آله را در حوزه معنوی افاده مى کند. تعبیر «الموده فى القربى» به جای «الموده للقربى» دلالت بر استقرار و ثبات مودت، نسبت

ص: ۱۳۶

۱- (۱) منهاج السنه، ج ۴، ص ۲۸.

۲- (۲) معجم مقاییس اللغه، ماده (ق، ر، ب).

۳- (۳) الكشاف، ج ۳، ص ۴۰۲.

۴- (۴) لسان العرب، ماده (ق، ر، ب).

به «القربی» دارد. «القربی» همچون ظرف استقرار مودت است و مبالغه ای که از استعمال «فی» استفاده می شود، از اضافه یا لام فهمیده نمی شود. «فی» در این مورد محل محبت را بیان می کند و جایی که این محبت قرار گیرد، تنها نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند.

«لام» متعلق به مودت است و «فی» متعلق به مودت نیست، بلکه متعلق آن (ثابت) در تقدیر است؛ یعنی محبتی که در «ذوی القربی» ثابت است. «ال» در «القربی» بدل از مضاف الیه (نزدیکان پیامبر) است.

#### اشکال پنجم

ابن تیمیه می گوید: اگر مراد آیه، دوستی اهل بیت علیهم السلام بود، می فرمود: «الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَى»؛ پس معلوم می شود مراد «ذوی القربی» نیست. (۱)

#### ارزیابی

پاسخ این اشکال در ضمن پاسخ به اشکال چهارم وی مطرح شده است.

#### اشکال ششم

ابن تیمیه می گوید: پیامبر بر تبلیغ رسالت اجری نخواست است، بلکه اجرش بر خداوند است؛ همان طور که فرموده قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ وَ أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ، وَ قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنَّ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ . استثنا در این جا منقطع است. محبت اهل بیت علیهم السلام پیامبر واجب است؛ ولی وجوبش به این آیه ثابت نمی شود و محبتشان نیز اجر پیامبر نیست، بلکه ما به محبت اهل بیت علیهم السلام امر شده ایم؛ همان طور که دیگر عبادات بر ما واجب شده است. در روایت صحیح آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر

ص: ۱۳۷



«اذکر کم الله فی اهل بیتی» و در سنن آمده است که حضرت صلی الله علیه و آله فرموده:

«والذی نفسی بیده لایدخلون الجنة حتی یحبوکم لله ولقرابتی». پس کسانی که محبت اهل بیت علیهم السلام را اجر رسالتش قرار داه اند، خطای بزرگی مرتکب شده اند. (۱)

#### ارزیابی

برای اثبات وجوب محبت اهل بیت، طرق مختلفی وجود دارد و احادیث فراوانی یافت می شوند که بیانگر وجوب محبت آنان است. این آیه به صورت یک حکم ویژه از سوی خداوند نازل شده است و اجر رسالت را دوستی اهل بیت علیهم السلام قرار داده است. آیاتی که ابن تیمیه برای شاهد مثال آورده، اجر مادی را نفی می کنند؛ ولی این جا اجر مادی وجود ندارد، بلکه نفع این اجر برای خود امت است که نشان دهنده نهایت لطف خدا بر امت است. بنابراین کسانی که به این امر قائل شده اند، به حقیقت مطلب رسیده اند؛ چرا که استثنا در این آیه، متصل است؛ چنان که برخی مفسران اهل سنت نیز بدان اعتراف کرده اند. (۲)

#### اشکال هفتم

«القربی» معرّف بالام است؛ پس لازم است که «قربی» نزد مخاطبان معروف باشد؛ حال آن که علی با فاطمه ازدواج نکرده بود و حسن و حسین به دنیا نیامده بودند و مخاطبان آنان را نمی شناختند؛ در حالی که نزدیکان قریشی پیامبر را همه می شناختند. (۳)

ص: ۱۳۸

۱- (۱) همان.

۲- (۲) حاشیه القونوی، ج ۶، ص ۲۲۹.

۳- (۳) ابن تیمیه، همان.

«قربی» نزد مخاطبان معروف بوده اند و همه مسلمانان آنان را می شناخته اند. این آیه در مدینه نازل شده و در آن زمان علی علیه السلام با فاطمه علیها السلام ازدواج کرده بود و حسن و حسین هم به دنیا آمده بودند؛ از این رو، مراد آیه همین ها هستند، نه خویشاوندان قریشی حضرت.

#### اشکال هشتم

ابن تیمیه می گوید: می پذیریم که دوستی علی و ولایتش، واجب است؛ ولی با استدلال به این آیه نمی توان آن را ثابت کرد؛ هرچند که در وجوب محبت و ولایت او چیزی نیست که علی را مختص به امامت و فضیلت کند. (۱)

#### ارزیابی

جناب ابن تیمیه! اگر وجوب محبت علی فضیلت نیست پس چه چیزی می تواند فضیلت باشد؟ آیا فضیلتی برتر از این که محبت کسی بر همه واجب باشد؟ این آیه همراه روایات، عصمت اهل بیت علیهم السلام را ثابت می کند. کسانی که محبتشان به طور مطلق واجب باشد، باید از خطا و گناه در امان باشند. اگر کسی گناه کند، باید از وی دوری جست؛ نه آن که به وی محبت ورزید. ابن تیمیه می گوید: «محبت علی واجب است»، ولی وجوب محبت از این آیه را نفی می کند؛ حال آن که ده ها روایات معتبر اهل سنت بر وجوب محبت، علی از همین آیه دلالت دارند. وجوب محبت، بزرگ ترین فضیلت برای علی علیه السلام است. البته فضیلت

ص: ۱۳۹

علی علیه السلام تنها در این باب نیست، بلکه صدها فضیلت دیگر نیز برای ایشان ثابت است.

## ۲- شبهه ابن کثیر (م ۷۷۴ ق)

ابن کثیر پس از نقل روایت، اسناد آن را ضعیف می داند؛ به این دلیل که در سند حدیث ابهام است. وی چنین می گوید:

معلوم نیست چه کسی از شیخ شیعی، حسین اشقر نقل کرده است و خبر او در این محل مورد پذیرش واقع نمی شود. نزول آیه در مدینه، بعید است؛ زیرا این آیه در مکه نازل شده و در آن هنگام فاطمه فرزندی نداشت؛ زیرا هنوز با علی ازدواج نکرده بود! (۱)

ارزیابی

۱. در این سند ابهام وجود دارد؛ زیرا در سند چنین آمده است:

قال ابن ابی حاتم حدثنا علی بن الحسین حدثنا رجل سماه حدثنا حسین الاشقر...

ولی همین روایت با طرق دیگری نیز در تفاسیر نقل شده است که این ابهام را ندارد. این حدیث تنها در شواهد التنزیل با هشت طریق مختلف آمده است؛

پس ابهامی در آن وجود ندارد؛

۲. ابن کثیر، خبر حسین اشقر را در این محل رد می کند. اگر این کار به سبب شیعه بودن حسین اشقر باشد، باید گفت در صحیحین، بسیاری از راویان شیعه هستند. سخن ابن حجر عسقلانی نیز جالب توجه است که می گوید: «اگر روایت تابعان و دیگران به علت اتهام به شیعه بودن رد شود، همه آثار نبوت از بین خواهد رفت و این یک

ص: ۱۴۰

---

۱- (۱) تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۱۲۲.

فساد آشکار است.»<sup>(۱)</sup> بنابراین، مذهب در وثاقت راوی نقشی ندارد. خود ابن کثیر هنگام نقل این روایت، لفظ «علی» را ساقط می کند؛ حال آن که در منبع اصلی وی لفظ «علی» وجود دارد.<sup>(۲)</sup>

۳. برخی عالمان اهل سنت، حسین اشقر را موثق دانسته اند؛ از جمله ابن حبان،<sup>(۳)</sup> ابن معین<sup>(۴)</sup> و ابن حجر عسقلانی.<sup>(۵)</sup> بنابراین، حدیث صحیح است، نه ضعیف. به علاوه روایات صحیح السند دیگری نیز این حدیث را تأیید می کنند و برخی دانشمندان اهل سنت هم بر صحت این خبر تصریح کرده اند.<sup>(۶)</sup>

### ۳- شبهات مودودی (قرن چهاردهم)

ابوالاعلی مودودی، در تفسیر آیه مودت، سه اشکال مطرح کرده است:

اشکال اول

این سوره در مکه نازل شده است؛ در حالی که آن زمان، ازدواج علی و فاطمه صورت نگرفته بود، چه رسد به این که فرزندی داشته باشند.<sup>(۷)</sup>

ص: ۱۴۱

---

۱- (۱) احمد بن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۶.

۲- (۲) تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۰، ص ۳۲۷۶.

۳- (۳) کتاب الثقات، ج ۸، ص ۱۸۴.

۴- (۴) تهذیب الکمال، ج ۴، ص ۴۶۰. صدوق گفته است.

۵- (۵) تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۱۴. وی هم صدوق گفته است.

۶- (۶) مطالب السؤل، ص ۸.

۷- (۷) تفهیم القرآن، ج ۴، ص ۵۰۱.

طبق نقل دانشمندان فریقین، این سوره مکی است و تنها چهار آیه از آن در مدینه نازل شده است؛ از جمله آیه قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى که اولین آنهاست. (۱)

#### اشکال دوم

مودودی در اشکال دومش می گوید: نزدیکان پیامبر صلی الله علیه وآله تنها در بنی عبدالمطلب نبوده اند، بلکه به خاطر مادر گرامی و همسر محترمش، نزدیکان ایشان در همه خانه های قریش بوده اند. چگونه ممکن است این آیه، همه خویشان پیامبر صلی الله علیه وآله را کنار بزند و تنها بنی عبدالمطلب را برگزیند و فقط محبت آنان را بطلبد؟ (۲)

#### ارزیابی

این اجر، هم وزن رسالت است و باید با رسالت تناسب داشته باشد. در بین نزدیکان پیامبر صلی الله علیه وآله کفار و مشرکان هم وجود داشته اند؛ پس چگونه ممکن است که رسول خدا صلی الله علیه وآله محبت مشرکان را مطالبه کند؛ در حالی که دستور خداوند، دشمنی با مشرکان است؟! این دوستی که آیه بدان تصریح می کند، به بنی عبدالمطلب هم اختصاص نیافته است، بلکه مخصوص علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام است.

#### اشکال سوم

مهم ترین اشکال این که اگر پیامبر صلی الله علیه وآله هنگام دعوت به توحید اجری

ص: ۱۴۲

۱- (۱) بحث مکی با مدنی بودن آیه، ص ۱۰۴.

۲- (۲) همان، ص ۵۰۱.

بخواهد و آن اجر را محبت به خویشان خود قرار دهد، شخصیت خود را پایین آورده است و ذوق سلیم این مطلب را نمی پذیرد.

مودودی پس از بیان این اشکال به آیاتی تمسک می کند که اجر را از انبیا نفی کرده است. (۱)

ارزیابی

۱. این اجر را پیامبر صلی الله علیه وآله نخواست تا این اشکال پیش بیاید؛ بلکه خداوند بدان امر کرده است و کاری که خداوند

فاعل آن باشد، همیشه والاست: ... كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا...؛

۲. نفعی که در پی اجر است، به امت باز می گردد، نه به پیامبر صلی الله علیه وآله و اهل البیت علیه السلام «فهلکم» و محبت اهل بیت علیهم السلام «سبیل» خداست قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا.

در آیه مودت، نکره در سیاق نفی، مفید عموم است و هر اجری را جز مودت نفی می کند. در این آیه نیز نکره در سیاق نفی، مفید عموم است؛ یعنی جز اتخاذ راه خدا، چیزی نمی خواهم؛ پس باید «مودت اهل بیت» و «اتخاذ راه خدا» یکی باشد؛ در غیر این صورت سازش میان دو آیه به وجود نخواهد آمد. این مطلب را در دعای ندبه اینچنین می خوانیم:

ثم جعلت اجر محمد صلواتك عليه وآله مودتهم في كتابك فقلت: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ و قلت: ... ما أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا فكانوا هم السبيل اليك والمسلك إلى رضوانك. (۲)

ص: ۱۴۳

۱- (۱) همان.

۲- (۲) شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای ندبه..

به نظر وی «الموده فی القربی» به معنای «دوستی اهل بیت»، تأویلی بعید است و چند اشکال دارد:

اشکال اول

دوستی مؤمنان، دین آنان است: بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ. اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه وآله نیز از باب اولویت النَّبِيِّ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ... در این دوستی عام داخل هستند؛ پس احتیاجی به ذکر خاص نیست. (۱)

ارزیابی

مودت اهل بیت علیهم السلام، اجر رسالت است و اجری که حضرت صلی الله علیه وآله از امت خواسته، دوستی اهل بیت علیهم السلام است، نه محبت مؤمنان؟ بلکه مؤمن کسی است که برآورده کننده این اجر باشد. محبت اهل بیت علیهم السلام به دلیل اهمیت ویژه اش، از مؤمنان خواسته شده و این آیه حد فاصل بین مؤمنان و اهل بیت علیهم السلام است. محبت مؤمن پسندیده است، ولی واجب نیست؛ اما محبت آل رسول طبق آیه و روایات متواتر فریقین، لازم است.

امام شافعی می گوید:

یا اهل بیت علیهم السلام رسول الله حبکم فرض من الله فی القرآن انزله

کفا کم من عظیم القدر انکم من لم یصل علیکم لاصلوه له (۲)

«ای اهل بیت علیهم السلام رسول خدا! مودت شما از طرف خداوند واجب شده و آن را در قرآن نازل کرده است. در شأن و عظمت مقام شما همان بس که هر کس در نماز بر شما صلوات نفرستد، نماز او باطل است».

ص: ۱۴۴

۱- (۱) التفسیر القرآنی للقرآن، ج ۷، ص ۴۵.

۲- (۲) الصواعق المحرقة، ص ۱۴۸..

امام شافعی در اشعار دیگر خود چنین سروده:

لو فتشوا قلبی لألفوا به سطرین قد خطا بلا کاتب

العدل و التوحید فی جانب وحبّ اهل البیت فی جانب (۱)

اشکال دوم

عبدالکریم خطیب در اشکال دوم خود می گوید: اجر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باید برای دعوت اسلامی باشد، نه حساب شخصی و خویشاوندی. این ادعا، اجر را در این معنا محدود می کند. اجر را پیامبر صلی الله علیه و آله از خدا می خواهد و ما أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲)

ارزیابی

۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دوستی نزدیکان را به عنوان اجر رسالت از امت نخواسته است؛ بلکه این خدا است که به رسول خود دستور داده که محبت اصحاب کسا علیهم السلام را اجر رسالت قرار دهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم طبق فرمان خداوند عمل کرده است؛

۲. آیه مورد استدلال، اجر مادی را نفی کرده است؛ در حالی که دوستی اهل بیت علیهم السلام، اجر معنوی است و سود آن به خود امت بر می گردد، نه به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام.

اشکال سوم و چهارم

عبدالکریم خطیب دو اشکال دیگر نیز مطرح می کند: یکی این که آیه مکی است و دیگر آن که خطاب آیه به مشرکان است. (۳)

ص: ۱۴۵

---

۱- (۱) ینابیع الموده، باب ۸۷، ص ۱۴۲.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) همان..



گفتیم که آیه، مدنی است (۱) و به مؤمنان خطاب می کند، نه به مشرکان. (۲)

### آیات ناظر به دوستی و ولایت اهل بیت علیهم السلام

به چند آیه در قرآن می توان اشاره کرد که حقایق را در مورد اهل بیت علیهم السلام بیان می کنند:

۱. مودت اهل بیت علیهم السلام اجر رسالت

قرآن کریم در آیه مودت می فرماید: ... قُلْ لَا أُشْرِكُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى... (۳) درباره این آیه به صورت مشروح بحث کردیم. (۴)

۲. «سلم» بودن ولایت اهل بیت علیهم السلام

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً ۝ «ای کسانی که ایمان آورده اید، همگی در آشتی درآید». از امام علی بن حسین و محمد باقر علیهم السلام روایت شده که فرمودند: «سلم» ولایت ماست. (۵) همین روایت را قندوزی از امام علی علیه السلام نیز آورده است. (۶)

ص: ۱۴۶

- 
- ۱- (۱) بحث مکی یا مدنی بودن آیه، ص ۱۰۴.
  - ۲- (۲) بحث خطاب به جمیع قریش، ص ۱۲۳.
  - ۳- (۳) شورا، آیه ۲۳.
  - ۴- (۴) آیه مودت.
  - ۵- (۶) ینابیع الموده، باب ۳۷، ص ۱۱۱.
  - ۶- (۷) ابن مردویه (م ۴۱۶ ق) در ذیل آیه ۳۲ زمر وَ كَذَّبَ بِالصَّدْقِ إِذْ جَاءَهُ از علی صلی الله علیه وآله مطلبی روایت کرده که در آن «صدق» را به معنای ولایت اهل بیت دانسته است. (مناقب، ص ۳۱۴)..

۳. دوستی اهل بیت علیهم السلام سبب آمرزش خداوند

در سوره طه می خوانیم: **وَإِنِّي لَعَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ ۱** «و البته بر آن کس که توبه کند و به خدا ایمان آورد و نیکوکار گردد، سپس هدایت را بپذیرد، مغفرت و آمرزش من بسیار است».

حسکانی از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: «ثم اهتدی به دوستی ما اهل بیت» (۱) همچنین فرمود: «بپذیرد ولایت ما اهل بیت علیهم السلام را» (۲) از ابی ذر هم نقل شده که گفت: «طلب هدایت کند به دوستی آل محمد» (۳).

در این زمینه روایاتی از امام علی، امام باقر، امام صادق، امام موسی کاظم علیهم السلام و همچنین از انس بن مالک (۴) و ابی ذر آمده است. برخی دیگر از دانشمندان اهل سنت نیز، این آیه را در شأن اهل بیت علیهم السلام دانسته اند. حضرمی (۵)، سمهودی (م ۹۱۱ ق)، (۶) ابن حجر هیثمی (م ۹۷۴ ق)، (۷) قندوزی (م ۱۲۹۴ ق) (۸) و کشفی، از جمله آنها هستند (۹).

۴. دوستی اهل بیت علیهم السلام سبب اطمینان قلب ها

خداوند در سوره رعد می فرماید:... **أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (۱۰)**

ص: ۱۴۷

۱- (۲) شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۷۵.

۲- (۳) همان، ص ۳۷۶.

۳- (۴) همان، ص ۳۷۷.

۴- (۵) ینابیع الموده، باب ۳۶، ص ۱۱۰.

۵- (۶) رشفه الصادی، ص ۶۲.

۶- (۷) جواهر العقدین، ص ۳۳۵.

۷- (۸) الصواعق المحرقة، ص ۱۵۳.

۸- (۹) همان.

۹- (۱۰) مناقب مرتضوی، ص ۴۳.

۱۰- (۱۱) رعد، آیه ۲۸..

«آگاه باشید که تنها یاد خدا آرام بخش دلهاست».

ابن مردویه (م ۴۱۶ ق) از علی علیه السلام روایتی نقل کرده است که فرمود: «هنگامی که آیه... أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ نازل شد، پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: آیه درباره کسی است که خدا، رسول خدا صلی الله علیه وآله و اهل بیت علیهم السلام را صادقانه دوست داشته باشد.» (۱) نظیر همین روایت را برخی دیگر دانشمندان اهل سنت همچون سیوطی (م ۹۱۱ ق) (۲) و متقی هندی (م ۹۷۵ ق) (۳) نیز آورده اند.

۵. دوستی اهل بیت علیهم السلام سبب نور در قیامت

خداوند با دوستی اهل بیت علیهم السلام انسان را نورانی می کند؛ زیرا خدا در قرآن کریم می فرماید: وَيَجْعَلُ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرَ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۴ «و نوری به شما عطا کند که بدان نور راه پیمایید و از گناه شما درگذرد که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است».

در جایی دیگر حسکانی (م ۴۷۱ ق) از ابن عباس چنین روایت می کند: «به خدا سوگند! بنده ای اهل بیت علیهم السلام مرا دوست نمی دارد، مگر این که خداوند عزیز و جلیل نوری به او عطا می فرماید تا نزد کوثر بر من درآید، و دشمن نمی دارد اهل بیت علیهم السلام مرا بنده ای، مگر (نور) خداوند از او روز قیامت پوشیده می شود.» (۴)

ص: ۱۴۸

۱- (۱) مناقب، ص ۲۶۷ و ۲۶۸.

۲- (۲) الدرالمشور، ج ۴، ص ۶۴۲.

۳- (۳) کنز العمال، ج ۱، ص ۲۵۱.

۴- (۴) همان..

راه اهل بیت علیهم السلام، همان راه خداست و دوستی آنان سبب راهیابی به قرب خدا می شود: قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي ۱ «ای رسول ما! بگو روش من و پیروانم همین است که به سوی خدا، با بصیرت دعوت کنم».

ابن مردویه (م ۴۱۶ ق) این آیه را در شأن اهل بیت علیهم السلام دانسته و از ابی جعفر علیه السلام روایت آورده که «مراد از پیروانم، علی و آل محمدند». (۱) حسکانی (م ۴۷۱ ق) از جعفر بن محمد روایت می کند که فرمود: «به خدا سوگند! این ولایت ما اهل بیت علیهم السلام می باشد؛ انکار نمی کند کسی آن را مگر گمراه، و کوچک نمی شمارد علی را مگر گمراه». (۲) نظیر این حدیث، از زید بن علی نیز نقل شده است. (۳)

۷. نهی از قطع دوستی با اهل بیت علیهم السلام

خداوند در قرآن کریم، مؤمنان را از قطع دوستی با اهل بیت علیهم السلام نهی فرموده است: وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ ۵ «و بترسید از خدایی که به نام او از یکدیگر سؤال می کنید و از قطع رحم بترسید».

حسکانی (م ۴۷۱ ق) در ذیل آیه ۱۷۸ سوره آل عمران، این آیه را آورده و از ابن عباس نقل کرده است که می گفت: «در حق رسول خدا صلی الله علیه و آله

ص: ۱۴۹

۱- (۲) مناقب، ص ۲۶۴.

۲- (۳) شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۸۶ و ۲۸۷.

۳- (۴) همان، ص ۲۸۷.

و اهل بیتش و بستگانش نازل شد و سبیش این بود که هر سبب و نسبی در روز قیامت بریده و بی فایده است مگر سبب و نسب پیامبر» (۱).

#### ۸. دشمنی با اهل بیت علیهم السلام سبب کوری در قیامت

دشمن داشتن اهل بیت علیهم السلام چشم دل را کور می کند و انسان در قیامت نابینا محسور می شود: وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى ۲ حسکانی (م ۴۷۱ ق) از جابر بن عبدالله روایت آورده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای ما خطبه خواند؛ شنیدم که می فرمود: هر کس ما اهل بیت علیهم السلام را دشمن دارد، خداوند او را روز قیامت یهودی محسور می فرماید. (۲)

#### ۹. نیکی بودن دوستی اهل بیت علیهم السلام و بدی بودن دشمنی آنان

قرآن کریم می فرماید: مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَ هُمْ مِنْ فِرْعَ يَوْمِنِذِ آمُنُونَ \* وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ ۴ «اگر کسی نیکی بیاورد، البته برای او بهتر از آن نزد خداوند هست و ایشان از ترس شدید قیامت در امانند، و اگر کسی بدی بیاورد، به رو در آتش جهنم افتد».

حسکانی از امام باقر علیه السلام روایت نقل کرده که فرمود:

ابوعبدالله جدلی بر امیرالمؤمنین داخل شد. حضرت به او فرمود: ای اباعبدالله! آیا خبر ندهم تو را به فرموده خداوند مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ؟ گفت: آری، فدایت شوم! فرمود:

ص: ۱۵۰

---

۱- (۱) شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۳۵.

۲- (۳) همان، ص ۳۷۹.

«حسنة»، دوستی ما اهل بیت علیهم السلام است و «سیئه»، دشمنی ما؛ سپس آیه را قرائت کرد. (۱)

حسکانی به پنج روایات دیگر در مورد دوستی و دشمنی با اهل بیت علیهم السلام نیز اشاره می کند. ابن مردویه (م ۴۱۶ ق) این روایت را از عبدالله جدلی و او از علی علیه السلام نقل کرده است. (۲) سلیمان قندوزی حنفی (م ۱۲۹۴ ق) این روایات را از امام علی و امام جعفر صادق نقل کرده است. (۳) محمد صالح کشفی نیز این روایت را نقل نموده است. (۴) برخی دیگر از صاحبان علم و دانش در ذیل آیه مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۵ «اگر کسی نیکی بیاورد، البته برای او ده برابر آن است و اگر کسی بدی بیاورد، جز به قدر آن کار زشت مجازات نشود و بر آنان هیچ ستمی نخواهد شد»، روایاتی را از امام علی علیه السلام نقل کرده اند.

قندوزی حنفی (م ۱۲۹۴ ق) از امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه روایتی را نقل می کند که آن حضرت فرمود: «ولایت و محبت ما حسنة ای است که هر کس آن را بیاورد، برایش بهتر است و از فرع آن روز در امان است». (۵)

ابن مردویه (م ۴۱۶ ق) ذیل همین آیه، از امام علی علیه السلام روایت کرده است که ایشان فرمود: «حسنة، محبت ما اهل بیت علیهم السلام و سیئه، بغض و دشمنی ماست».

ص: ۱۵۱

---

۱- (۱) شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۲۵ و ۴۲۶.

۲- (۲) مناقب، ص ۲۹۲.

۳- (۳) ینابیع الموده، ص ۹۸.

۴- (۴) مناقب مرتضوی، ص ۶۰.

۵- (۵) ینابیع الموده، ص ۹۸ باب ۲۵..

در روایت دیگری امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

ای عبدالله! آیا خبر دهم تو را از حسنه ای که هرکس آن را بیاورد، خداوند او را داخل بهشت کند و سیئه ای که هرکس آن را انجام دهد، خداوند او را به رو در آتش بیفکند و از وی همراه این سیئه، عملی قبول نکند؟ گفتم: آری. فرمود: حسنه، محبت ما اهل بیت علیهم السلام و سیئه، بغض و دشمنی ماست. (۱)

محمد صالح کشفی هم این روایت را نقل نموده است. (۲)

۱۰. سؤال از محبت اهل بیت علیهم السلام در قیامت

انسان در موقف های قیامت نگه داشته می شود و از وی پرسش هایی می کنند که باید پاسخ دهد: وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ/۳ «و در موقف حساب نگاهشان دارید که در کارشان سخت مسئولند».

ابن حجر هیثمی (م ۹۷۴ ق) این آیه را درباره اهل بیت علیهم السلام دانسته است و می گوید: «مراد، سؤال از ولایت علی و اهل بیت است». سپس به آیه قربی و حدیث معروف ثقلین اشاره می کند. (۳) قندوزی حنفی (م ۱۲۹۴ ق) می گوید: «محمد بن اسحاق (صاحب کتاب المغازی)، اعمش، حاکم و گروهی از اهل بیت علیهم السلام همگی گفتند: «مسئولون عن حب اهل البيت». (۴) سمهودی (م ۹۱۱ ق) آیه را درباره اهل بیت علیهم السلام دانسته و چنین گفته: «از ولایت علی و اهل بیت علیهم السلام پرسیده می شود». (۵)

ص: ۱۵۲

---

۱- (۱) مناقب، ص ۲۲۸.

۲- (۲) مناقب مرتضوی، ص ۶۰.

۳- (۴) الصواعق المحرقة، ص ۱۴۹.

۴- (۵) ینابیع الموده، ص ۱۱۲.

۵- (۶) جواهر العقدين، ص ۲۵۲..

امام رضا از پدرش و ایشان از اجدادش از علی بن ابی طالب - رضی الله عنهم - از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمودند: «هنگامی که قیامت برپا شود، قدم هیچ بنده ای برداشته نمی شود تا این که از او درباره چهار چیز سؤال شود: از عمرش که در چه چیزی و در کجا صرف کرده؛ از جوانی اش که در کجا کهنه کرده؛ از مالش که از کجا جمع کرده و در کجا مصرف نموده و از دوستی ما اهل بیت» (۱).

حسکانی در ذیل آیه ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ۲ «سپس در آن روز هر آینه پرسیده می شود، البته از نعیم» روایتی را از امام جعفر بن محمد علیه السلام آورده که فرمود: مراد از نعیم در آیه، ما هستیم؛ سپس آیه ۳۷ سوره احزاب را خواند: وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ «(۲) حسکانی دو روایت دیگر نیز با همین مضمون آورده است.

البته ثعلبی (م ۴۲۷ ق) در ذیل آیه أَيْحَسِبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدًا ۴ «آیا پندارد احدی او را ندیده»، همان روایت پیامبر صلی الله علیه و آله را درباره قیامت و سؤال از چهار چیز از جمله محبت اهل بیت علیهم السلام، آورده است. این حدیث از امام علی علیه السلام نقل شده، ولی ثعلبی آن را از ابن عباس نقل کرده است (۳).

قندوزی حنفی در ذیل آیه ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ از علی بن موسی الرضا علیه السلام چنین روایت می کند: «نعیمی که در آیه است، ما هستیم». وی از امام کاظم علیه السلام هم روایتی نقل کرده که حضرت فرمود:

ص: ۱۵۳

---

۱- (۱) الکشف و البیان، ج ۱۰، ص ۲۰۸.

۲- (۳) شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۶۸ و ۳۶۹.

۳- (۵) الکشف و البیان، ج ۱۰، ص ۲۰۸.



«نعیم ما هستیم». او از امام باقر علیه السلام نیز این حدیث را نقل می کند که فرمودند: «به خدا سوگند! مراد از نعیم، خوردنی و نوشیدنی (طعام و شراب) نیست، بلکه ولایت و محبت ما است».<sup>(۱)</sup> سؤال از محبت اهل بیت علیهم السلام - به ویژه محبت فاطمه علیها السلام - در روز قیامت، از طریق روایات مختلف فریقین ثابت شده است.

قندوزی سپس اضافه می کند: این روایت را ثعلبی از مجاهد از ابن عباس رحمه الله و موفق بن احمد، از ابی برزه الأسلمی از نبی و حاکم از ابی سعید الخدری رحمه الله نقل کرده اند.<sup>(۲)</sup>

حضر می این آیه را در ردیف سوم از آیات نازل شده در حق اهل بیت علیهم السلام قرار داد و می گوید: امام واحدی درباره آیه وَ قُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُؤُونَ چنین گفته است: یعنی از ولایت علی و اهل بیت علیهم السلام (می پرسد). این حدیث از ابن عباس و مجاهد هم آمده است.<sup>(۳)</sup> همین حدیث را ذهبی (م ۷۴۸ ق) نیز آورده است.<sup>(۴)</sup>

آلوسی (م ۱۲۷۰ ق) چندین قول را ذیل آیه نقل کرده و سپس می گوید: «بهترین قول آن است که مراد از سؤال، سؤال از عقاید و اعمال و در رأس آنها لا اله الا الله و ولایت علی - کرم الله وجهه - است».<sup>(۵)</sup> حسکانی دو روایت همانند این حدیث از ابن سیرین نقل کرده است.<sup>(۶)</sup>

ص: ۱۵۴

- 
- ۱- (۱) ینابیع الموده، ص ۱۱۱ و ۱۱۲.
  - ۲- (۲) همان.
  - ۳- (۳) رشفه الصادی، ص ۵۵.
  - ۴- (۴) لسان المیزان، ج ۴، ص ۷۵۱.
  - ۵- (۵) روح المعانی، ج ۲۳، ص ۷۶.
  - ۶- (۶) شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۱۴ و ۴۱۵..

## ۱۱. قرار گرفتن محبت اهل بیت علیهم السلام در دل مردم

قلب ها در اختیار خداست و او محبت هر کس را که دوست داشته باشد در قلب مردم قرار می دهد: **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا**. (۱) «همانا آنان که به خدا ایمان آوردند و نیکوکار شدند، خدای رحمان آنها را (در نظر حق و خلق) محبوب می گرداند».

حسکانی در ذیل این آیه، از جابر بن عبدالله روایتی را نقل کرده است که می گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی بن ابی طالب فرمود: یا علی! بگو پروردگارا! برای من در سینه مؤمنان دوستی ام را قرار ده. پروردگارا! برای من نزد خودت عهدی قرار ده. پروردگارا! برای من نزد خودت دوستی قرار ده. پس خداوند تعالی نازل فرمود: **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا**. پس برخورد نمی کنی به مرد یا زن با ایمانی، مگر این که در دلش دوستی اهل بیت علیهم السلام است. (۲)

تقریباً مشابه این روایت را محمد بن حنفیه از حضرت علی علیه السلام نقل کرده است. (۳) ابن مردویه (م ۴۱۶ ق) همین را نقل کرده است. (۴) سلیمان قندوزی حنفی این آیه را در شأن اهل بیت علیهم السلام دانسته و سپس حدیث امام علی علیه السلام را آورده است. (۵) حضرمی این آیه را درباره اهل بیت علیهم السلام دانسته و روایت محمد بن حنفیه را درباره آن آورده است. (۶)

ص: ۱۵۵

- ۱- (۱) مریم، آیه ۹۶.
- ۲- (۲) شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۵۹.
- ۳- (۳) همان.
- ۴- (۴) مناقب، ص ۲۷۱.
- ۵- (۵) ینابیع الموده، ص ۳۰۲ باب ۵۹.
- ۶- (۶) رشفه الصاوی، ص ۵۷.

از این آیه و روایات ذکر شده می توان نتیجه گرفت که خداوند محبت فاطمه علیها السلام را به سبب ایمان و عمل صالحش در دل مردم انداخته است. سمهودی (م ۹۱۱ ق) نیز روایت محمد بن حنفیه را آورده و چنین گفته است: «مراد، محبت علی و اهل بیتش است»<sup>(۱)</sup>.

ص: ۱۵۶

---

۱- (۱) جواهر العقدين، ص ۳۲۷..

خداوند در قرآن کریم می فرماید که خود و فرشتگانش بر «نبی» صلوات می فرستند؛ از این رو به مؤمنان دستور داده که آنان نیز از خداوند پیروی کنند و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستند: **إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا**. (۱) «خدا و فرشتگان او بر پیامبر صلوات می فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! شما هم بر او صلوات بفرستید، و آن طور که باید، تسلیم شوید».

یکی دیگر از حقوق معنوی اهل بیت علیهم السلام حق صلوات و سلام است.

سلام و صلوات، یک شعار دینی، دستور خداوند و یک امر شرعی واجب است. جمله «اللهم صل علی محمد و علی آل محمد» متواتر و قدر متیقن در همه روایات است. در برخی منابع «اللهم صل علی محمد و آل محمد» آمده است.

برای صلوات معانی مختلفی ذکر شده که به نظر می رسد معنای

ص: ۱۵۷

جامع صلوات، «توجه و انعطاف» باشد. علامه طباطبایی رحمه الله اصل معنای صلوات را انعطاف می داند که به اختلاف نسبت، متفاوت می شود؛ از این رو، گفته است: صلوات خدا بر پیغمبر به معنای انعطاف او به حضرت است، به وسیله رحمتش؛ انعطافی مطلق، و صلوات خدا و ملائکه همیشه استمرار دارد.

مطلق آمدن سلام و صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله به صورت مطلق به معنای آن است که مؤمنان باید در همه زمان ها - چه در زمان حیات و چه پس از رحلت آن حضرت - بر ایشان صلوات و سلام بفرستند. این یک دستور الهی و از لوازم ایمان است.

صلوات، در قرآن نیز به معنای مختلفی همچون دعا، (۱) تزکیه، (۲) توجه و اهمیت (۳) آمده است. سلام به معنای سلامت (سلامت بر تو باد) آمده که گویا یک نوع دعا است. در تفاسیر شیعه معنای سلام، به تسلیم شدن در برابر فرمان های پیامبر آمده است؛ چنان که در روایتی امام صادق علیه السلام فرمود:

«آثنا علیه و سلموا له» (۴) در تفسیر آیه و در تشریح معنای سلام فرمودند: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را ثنا گوید و به فرمانش گردن نهید و خود را تسلیم آن چه پیامبر صلی الله علیه و آله آورده است، کنید».

### فرق سلام و صلوات

«صلوا» امر به طلب رحمت و صلوات فرستادن بر پیامبر و آل پیامبر است. امام کاظم علیه السلام درباره معنای صلوات می فرمایند:

ص: ۱۵۸

۱- (۱) توبه، آیه ۱۰۳.

۲- (۲) بقره، آیه ۱۵۷.

۳- (۳) احزاب، آیه ۴۳.

۴- (۴) عبد علی حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۰۵..

صلوات خدا بر پیامبر، نوعی رحمت از جانب اوست و صلوات فرشتگان، ستایشی است از آنان نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و صلوات مؤمنان، دعایی است از آنها برای پیامبر. (۱)

«سَلِّمُوا» به معنای تسلیم شدن در برابر فرمان های پیامبر است؛ چنان که در قرآن مجید نیز به همین معنا استعمال شده است.

«تسلیماً» (۲) صلوات خداوند و فرشتگان و مؤمنان پیوسته بر محمد و آل محمد علیه السلام جاری است و وجود مبارک حضرت فاطمه علیها السلام محور «آل» به شمار می رود. صلوات بر ذات فاطمه علیها السلام جریان دارد.

### چگونگی صلوات

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در حیات طیبه خود، بارها چگونگی فرستادن صلوات را به اصحاب آموخت. روایات زیادی در این زمینه - به حد تواتر - به ما رسیده که بیانگر اتفاق نظر همه دانشمندان بر این موضوع است. در این جا برای نمونه به ذکر یک حدیث بسنده می کنیم.

عبدالرحمن بن ابی لیلی می گوید:

لقینی کعب بن عجره فقال: الا اهدی لك هديه؟ ان النبي صلى الله عليه وآله - خرج علينا فقلنا: يا رسول الله! قد علمنا كيف نسلم عليك فكيف نصلي عليك؟ قال: فقولوا: اللهم صل على محمد و على آل محمد كما صليت على ابراهيم انك حميد مجيد؛ (۳) کعب بن عجره مرا دید و گفت: آیا دوست داری حدیثی را به تو هدیه کنم؟ روزی پیامبر صلی الله علیه و آله نزد ما آمد؛ عرض کردیم: یا رسول الله!

ص: ۱۵۹

۱- (۱) همان، ص ۳۰۲.

۲- (۲) نساء، آیه ۶۵.

۳- (۳) صحیح البخاری، ج ۸، ص ۹۵؛ صحیح مسلم، (شرح نووی)، ج ۴، ص ۳۶۷، ح ۶۶؛ محمد ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۸۹؛ عبدالله دارمی، سنن الدارمی، ج ۱، ص ۳۰۹؛ احمد بن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۸، ص ۹۵..

چگونه سلام کردن بر شما را یاد گرفتیم و دانستیم. اما چگونه بر شما صلوات بفرستیم؟ فرمود: بگوئید: اللهم صل علی محمد و آل محمد كما صليت علی ابراهيم انك حميد مجيد.

### صلوات بدون فاصله با علی

در برخی کتب معتبر اهل سنت، روایات صحیح السنندی یافت می شود که در آنها همان صلوات شیعه اثنی عشری، بدون فاصله با علی، یعنی «اللهم صل علی محمد و آل محمد» آمده است. این روایات از بزرگانی چون کعب بن عجره به چندین طریق، بریده الخزاعی، ابن ابی زید، یزید و... نقل شده است؛ دانشمندانی همچون نسائی، ابوداود، بخاری، ابن حجر عسقلانی، خطیب بغدادی، ابن حجر هیثمی، بیهقی، العینی، سید کسروی نیز این روایات را نقل کرده اند.

در سنن نسائی، حدیث کعب بن عجره با همان کیفیت قبلی نقل شده و در آن آمده است «قولوا: اللهم صل علی محمد و آل محمد». (۱)

در حدیث دیگر از کعب بن عجر، حضرت در پاسخ به سؤال او فرمود: «قولوا اللهم صل علی محمد و آل محمد». (۲) در حدیث سوم کعب بن عجره از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

انه كان يقول في الصلاة: اللهم صل علی محمد و آل محمد؛ (۳) حضرت پیوسته در نماز می گفت: اللهم صل علی محمد و آل محمد.

ص: ۱۶۰

---

۱- (۱) سنن النسائی (شرح سیوطی)، ج ۳، ص ۴۸ و ۴۹.

۲- (۲) سلیمان سجستانی ابوداود، سنن ابی داود، ج ۱، ص ۲۵۷؛ محمود بدرالدین عینی، شرح سنن ابی داود، ج ۴، ص ۴۵۸؛ حسن کسروی، إنجاز الوعود بزوائد ابی داود، ج ۱، ص ۱۴۳.

۳- (۳) احمد بن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۱۱، ص ۱۹۶؛ احمد بیهقی، سنن الکبری، ج ۲، ص ۵۱۰..

ابونعیم اصبهانی (م ۴۳۰ ق) حدیث کعب بن عجره را در چندین جای کتاب معروف خود، «صحیح و متفق علیه» (۱) می داند.

ابن حجر عسقلانی نقل کرده که امام احمد چنین گفته است: «در حدیث تشهد، مراد از آل محمد، اهل بیت علیهم السلام پیامبر هستند». (۲)

در حدیث ابن ابی زید نیز، جمله معروف «اللهم صل علی محمد و آل محمد» آمده است. (۳) در حدیث یزید «و بارک علی محمد و آل محمد» (۴) آمده است و در حدیث بریده، چنین آمده است:

قلنا: یا رسول الله! قد علمنا السلام علیک فکیف الصلاه علیک؟ قال: قولوا: اللهم اجعل صلواتک و رحمتک علی محمد و آل محمد كما جعلتها علی آل ابراهیم. (۵)

همه این احادیث، از سؤال چندین صحابه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکایت می کنند؛ چرا که در آنها واژه «قلنا» و «علمنا» به کار رفته است.

در حدیث معروف «صلوات ابتر»، پیامبر صلی الله علیه و آله از نفرستادن صلوات بر «آل»، نهی فرموده و در امر به صلوات کامل، بر صلوات شیعه تأکید فرموده است و به همه اصحاب و مسلمانان امر کرده که صلوات را این گونه ادا کنند، تا آن جا که می فرماید:

بل قولوا: اللهم صل علی محمد و آل محمد؛ (۶) بلکه باید بگویید «اللهم صل علی محمد و آل محمد».

ص: ۱۶۱

---

۱- (۱) حلیه الاولیاء ج ۷، ص ۱۰۸؛ ج ۴، ص ۳۵۶.

۲- (۲) فتح الباری، ج ۱۱، ص ۱۹۲.

۳- (۳) همان، ص ۱۹۱.

۴- (۴) صحیح البخاری، ج ۶، ص ۱۵۱؛ احمد قسطلانی، ارشاد الساری، ج ۱۰، ص ۶۰۸.

۵- (۵) خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۱۴۳.

۶- (۶) الصواعق المحرقة، ص ۱۴۶؛ شهاب الدین حضرمی، رشفه الصادی، ص ۶۸.



السقاف می گوید:

وتجب الصلاة على النبي صلى الله عليه وآله في التشهد الاخير على الصحيح المختار لان اقصر صيغه وردت عن سيدنا رسول الله صلى الله عليه وآله ثبت فيها ذكر الصلاة على آل، ولم ترد صيغه خاليه منه في صيغ تعليم الصلاة.

بنابر قول صحيح و مختار، صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله در تشهد واجب است؛ زیرا در کوتاه ترین جمله صلوات که از مولا یمان رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده، صلوات بر آل نیز ذکر شده است و هیچ جمله ای که برای آموزش صلوات نقل شده، خالی از «آل» نیست.

او سپس برای شاهد مثال، حدیث زید بن خارجه را آورده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

صَلُّوا عَلَيَّ وَاجْتَهِدُوا فِي الدُّعَاءِ وَقُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ؛ (۱) بر من صلوات بفرستید و در دعا بکوشید و بگویید: «اللهم صل على محمد وآل محمد».

در حدیث دیگر از ابوسعید خدری که چگونگی فرستادن صلوات را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می پرسد، حضرت فرمود:

«و بارك على محمد وآل محمد» (۲).

نهبانی، روایتی نقل کرده که در آن نیز همین جمله (۳) ذکر شده است. از جابر بن عبدالله - رضی الله عنه - روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«من اصبح و امسى و قال اللهم يا رب محمد صلى الله عليه وآله و آل محمد...» (۴).

ابن حجر بر جدایی همسران و فرزندان از آل، تأکید و تصریح می کند که این امری، روشن است. (۵).

ص: ۱۶۲

۱- (۱) حسن سقاف، صحیح صفة صلاة النبي، ص ۲۱۴.

۲- (۲) مصطفی عدوی، الصحیح المسند من فضایل الصحابه، ص ۲۵۰.

۳- (۳) یوسف نهبانی، منتخب الصحیحین، ص ۲۷۸.

۴- (۴) عبدالرحمن صفوری، نزهة المجالس، ج ۲، ص ۱۱۱.

۵- (۵) الصواعق المحرقة، ص ۱۴۶..

با جست و جو در منابع اهل سنت، به نام صحابه ای دست یافتیم که از راویان روایات صلوات هستند. این صحابه عبارتند از ۱. امام علی علیه السلام؛ ۲. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام؛ ۳. امام حسن مجتبی علیه السلام؛ ۴. امام حسین علیه السلام؛ ۵. ابن عباس؛ ۶. عبدالله بن مسعود؛ ۷. ابوذر؛ ۸. ابوسعید خدری؛ ۹. ابوهریره؛ ۱۰. ابی مسعود عقبه بن عمرو؛ ۱۱. ابی حمید الساعدی؛ ۱۲. ابی مسعود الانصاری؛ ۱۳. ابی امامه الباهلی؛ ۱۴. کعب بن عجره؛ ۱۵. یونس بن خباب؛ ۱۶. ابراهیم؛ ۱۷. عبدالرحمن بن ابی کثیر؛ ۱۸. طلحه بن عبیدالله؛ ۱۹. انس بن مالک؛ ۲۰. زید بن ابی خارجه؛ ۲۱. بریده بن الحصیب؛ ۲۲. عمر بن خطاب؛ ۲۳. رویف بن ثابت؛ ۲۴. واثله بن الاسقع؛ ۲۵. عبدالله بن جعفر بن ابی طالب؛ ۲۶. زید بن عبد ربّه انصاری؛ ۲۷. حارث بن خزرج؛ ۲۸. موسی بن طلحه؛ ۲۹. محمد بن عبدالله؛ ۳۰. عبدالله بن عمرو بن عاص؛ ۳۱. زینب بنت ابی سلمه؛ ۳۲. ام سلمه؛ ۳۳. عایشه؛ ۳۴. بشیر بن سعد؛ ۳۵. ابی مسعود البدری؛ ۳۶. فضاله بن عبید؛ ۳۷. ربیعہ؛ ۳۸. شعبه؛ ۳۹. زید بن طلحه؛ ۴۰. ابی بن کعب؛ ۴۱. عبد الرحمن بن عوف؛ ۴۲. ابی طلحه؛ ۴۳. عامر بن ربیعہ؛ ۴۴. عمیر الانصاری؛ ۴۵. جابر بن عبدالله انصاری؛ ۴۶. کعب بن علقمه؛ ۴۷. عبدالله بن عمر؛ ۴۸. اوس بن اوس الثقفی؛ ۴۹. حسین بن علی الجعفی؛ ۵۰. سعید بن عمیر الانصاری؛ ۵۱. ابی رافع؛ ۵۲. ابوبکر بن ابی قحافه؛ ۵۳. ابودرداء؛ ۵۴. واثل بن حجر؛ ۵۵. عقبه بن عامر؛ ۵۶. سهل بن سعد؛ ۵۷. عمار بن یاسر؛ ۵۸. ابی برده بن نیار؛ ۵۹. ایوب بن بشر الانصاری؛ ۶۰. عبدالله بن جرادی؛ ۶۱. خالد بن سلمه؛ ۶۲. ابوالحسن البکری؛ ۶۳. ابوعمارہ بن زید المدنی؛ ۶۴. محمد بن اسحاق؛ ۶۵. صفیه

همسر پیامبر  $\text{ؐ}$  ۶۶. براء بن عازب  $\text{ؓ}$  ۶۷. عبدالله بن ابی اوفی  $\text{ؓ}$  ۶۸. عبدالرحمن بن بشیر بن مسعود  $\text{ؓ}$  ۶۹. جابر بن سمره  $\text{ؓ}$  ۷۰. ابوامامه بن سهل بن خیف  $\text{ؓ}$  ۷۱. مالک بن الحویرث  $\text{ؓ}$  ۷۲. عبدالله بن الحارث بن جزء الزبیدی  $\text{ؓ}$  و ۷۳. حبان بن منقذ.

## صلوات بر همسران و اصحاب پیامبر صلی الله علیه وآله

### اشاره

اصحاب با وفا و همسران با ایمان و مطیع پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله، به سبب نزدیکی به حضرت امتیازی دارند که بقیه مسلمانان از آن محرومند؛ البته خود این همسران نیز در رتبه با هم تفاوت دارند: آنان که ایمانی قوی تر و اعمال نیکوی بیشتری داشتند و در برابر فرمان های پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله تسلیم محض بودند، بر دیگر همسران و اصحاب مؤمن برتری داشتند و قابل احترامند، ولی در صلوات شریک نیستند؛ زیرا صلوات دستوری الهی است و خداوند به همسران رسول خدا صلی الله علیه وآله، صحابه و همه مؤمنان دستور داده که بر پیامبر و خاندان آن حضرت صلوات بفرستند، چون این عمل از لوازم ایمان است؛ چنان که از آیه یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا بَرِّمُوا آيِدًا؛ نه این که بر همه مسلمانان، مؤمنان، همسران مؤمن و صحابه صلوات بفرستند.

گفتیم که پیامبر صلی الله علیه وآله در کیفیت صلوات، مشخص فرمود که «بر محمد و آل محمد» صلوات بفرستند. بیش از ۷۳ نفر از صحابه، صدها روایت نقل کرده اند که همه آنها تأکید بر صلوات بر پیامبر صلی الله علیه وآله و آل پیامبر است. در بین این روایات متواتر حتی یک روایت یافت نمی شود که صلوات بر صحابه را هم گفته باشد. البته در کتب اهل سنت در بین صدها روایت - که همگی به نوعی صلوات را منحصر در آل محمد

می کند - چهار حدیث وجود دارد که صلوات بر همسران رسول خدا صلی الله علیه وآله را مطرح کرده اند که عبارتند از:

### ۱- روایت ابوحمید ساعدی

سیوطی ذیل آیه صلوات می نویسد:

واخرج مالك واحمد وعبد بن حميد والبخاري ومسلم وابو داود والنسائي وابن ماجه وابن مردويه عن ابي حميد الساعدي - رضی الله عنه - انهم قالوا: يا رسول الله! كيف نصلي عليك؟ فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: قولوا: اللهم صل على محمد وازواجه وذريته كما صليت على ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد. (۱)

ارزیابی

این روایت مخدوش است؛ زیرا:

۱. در مقابل روایات صحیح و متواتری که صلوات را بر محمد و آل محمد صلی الله علیه وآله منحصر کرده، در تعارض است و توان ایستادگی در برابر آنها را ندارد؛

۲. آل محمد طبق احادیث متواتر و صحیح، تنها اصحاب کساء هستند؛ حتی همسران را حضرت از آل محمد ندانسته است؛ (۲)

۳. حدیث ابوحمید ساعدی با احادیث دیگر او که در آنها از «ازواج» اسمی نمی برند، در تعارض است؛

۴. در همه کتاب های روایی اهل سنت این حدیث را عمرو بن سلیم روایت کرده است. گرچه عمرو بن سلیم توثیق شده، اما برخی علمای

ص: ۱۶۵

---

۱- (۱) الدرالمشور، ج ۶، ص ۶۴۹.

۲- (۲) جامع البیان، ج ۱۲، ص ۷؛ الدرالمشور، ج ۶، ص ۶۰۴؛ مشکل الاثار، ج ۱، ص ۲۲۹؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۴۸؛  
الکشف و البیان، ج ۴، ص ۲۶۳..

اهل سنت گفته اند: «در حدیث او اختلاط و پریشانی است»<sup>(۱)</sup> بنا بر این کسی جز عمرو بن سلیم و این روایت را از ابو حمید ساعدی نقل نکرده است<sup>(۲)</sup> از این رو نمی توان به آن اعتماد کرد<sup>(۳)</sup>

۵. خود عایشه و ام سلمه از روایت کنندگان این حدیث هستند. اگر صلوات بر همسران از رسول خدا صلی الله علیه و آله صادر شده بود، حتماً عایشه و ام سلمه هم از آن خبر داشته و آن حدیث را با کمال افتخار روایت می کردند<sup>(۴)</sup> در حالی که چنین روایتی این دو زن نقل نشده است.

## ۲- روایت ابوهریره

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

من سیره ان یکتال بالمکیال الأوفی اذا صلی علینا اهل بیت علیهم السلام فلیقل: اللهم صل علی محمد النبی وازواجه امهات المؤمنین وذریته و اهل بینه کما صلیت علی آل ابراهیم انک حمید مجید<sup>(۵)</sup> هر کس دوست دارد که (در روز قیامت اعمال صالح او) با ترازوی کامل تر سنجیده شود، هنگام فرستادن صلوات بر ما اهل بیت علیهم السلام (چنین) بگوید: خداوندا! بر محمد و همسران او - که مادران مؤمنان هستند - و اهل بیت و فرزندان او صلوات بفرست.

ارزیابی

۱. این حدیث نیز نمی تواند صحیح باشد<sup>(۶)</sup> چون با روایات متعدد و متواتر دیگر که صلوات را بر محمد و آل محمد علیهم السلام منحصر کرده، در تعارض است<sup>(۷)</sup>

ص: ۱۶۶

۱- (۱) تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۳۸؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۶۳.

۲- (۲) احمد بیهقی، سنن الکبری، ج ۲، ص ۵۱۶.

۲. در سند این روایت، حیان (حَبَّان) بن یسار کلابی آمده است. علمای اهل سنت، احادیث او - به خصوص همین حدیث - را علیل و غیردرست خوانده اند. امام بخاری می گوید: «صلت بن محمد می گفت: من حیان بن یسار را در آخر عمرش دیدم و در او اختلاط مشاهده کردم» (۱). ابوحاتم گفته: «لسن بالقوی». ابن حجر می گوید که ابن عدی گفته است به دلیل اختلاطی که از او نقل شده، حدیث او «فیه ما فیه» است؛ سپس می گوید: «حدیث واحد معطلی از او در صلوات بر نبی نقل شده است» (۲) از این رو این حدیث معلل، تاب مقاومت با احادیث متواتر و متعدد را ندارد؛

۳. همان طور که در بررسی روایت ابی حمید الساعدی گذشت، همسران رسول خدا صلی الله علیه وآله از اهل بیت نبی نیستند؛

۴. این روایت علیل، با روایت متعدد دیگر او که از حیث سند و متن محکم تر و صحیح تر است، در تعارض است؛ از این رو از اعتبار ساقط می شود؛

۵. همسران رسول خدا، روایات متعددی در چگونگی فرستادن صلوات نقل کرده اند، ولی در هیچ یک از آنها از «ازواج» اسمی نبرده اند. اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله «ازواج» را هم در صلوات ذکر می کرد، سند و فضیلت بسیار بزرگی بود و آنان در هر جا و هر سخن آن را با کمال افتخار ذکر می کردند؛ حال آن که چنین نشده است.

### ۳- روایت امام علی علیه السلام

از امام علی علیه السلام روایتی به مضمون حدیث ابوهریره نقل شده است، (۳) به همین دلیل از نقل آن خودداری می کنیم.

ص: ۱۶۷

---

۱- (۱) التاریخ الکبیر، ج ۳، ص ۸۷؛ ابن عدی، الکامل فی ضعف الرجال، ج ۳، ص ۳۴۴.

۲- (۲) تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۱۶۲.

۳- (۳) الکامل فی ضعف الرجال، ج ۳، ص ۳۴۴.

در سند این روایت، حَبَّان بن یسار کلابی است و نقد روایت ابوهریره بر این روایت نیز وارد است. به علاوه، در کیفیت و فواید صلوات، روایات فراوان و صحیح تری از امام علی علیه السلام نقل شده است. این روایت در کتب فریقین ذکر شده است.

#### ۴- روایتی از صحابی پیامبر صلی الله علیه وآله

آخرین روایت در مورد صلوات بر ازواج را شخصی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه وآله نقل می کند:

عن رجل من اصحاب النبی صلی الله علیه وآله کان یقول:

«اللهم صل علی محمد وعلی اهل بینه وعلی ازواجه وذریته کما صلیت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید وبارک علی محمد وعلی اهل بینه وازواجه وذریته کما بارکت علی ابراهیم انک حمید مجید».<sup>(۱)</sup>

ارزیابی

همه اشکالات گذشته بر این روایت وارد است؛ به علاوه، این روایت، ضعیف و مرسل است و معلوم نیست چه کسی آن را نقل کرده است؛ از این رو در برابر همه روایات صحیح قرار دارد. به علاوه، امام شافعی، آل محمد علیهم السلام را «من حرمت علیهم الصدقه» می داند؛<sup>(۲)</sup> در حالی که به اتفاق علمای اهل سنت، صدقه بر همسران رسول خدا حرام نبوده است.

همچنین متقی هندی روایتی آورده که در آن، خود حضرت صلی الله علیه وآله آل و «ازواج» را دو مفهوم جداگانه دانسته و فرموده است:

ص: ۱۶۸

۱- (۱) الدرالمثور، ج ۶، ص ۶۴۷.

۲- (۲) محمد بن ادریس شافعی، احکام القرآن، ج ۱، ص ۷۶.

اول من يلحقني من اهلي انت يا فاطمه و اول من يلحقني من ازواجي زينب (ع) اول کسی که از اهلتم و خاندانم به من ملحق می شود، ای فاطمه شما هستی و اول کسی که از همسرانم به من ملحق می شود، زینب است.

### چرا اهل سنت بر آل محمد صلوات نمی فرستند؟

عموم اهل سنت در کتاب ها و سخنرانی هایشان و هنگام بردن نام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جمله «صلی الله علیه وسلم» را به کار می برند و گاه در صلوات بر آل، اصحاب را هم اضافه می کنند. با بررسی دقیق معلوم شد که حذف «آل» و زیاد کردن «اصحاب» هر دو خلاف سنت بوده و اجتهاد در مقابل نص است.

ما باید در تمام فرمان های پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، مطیع و تسلیم محض باشیم، از سنت وی پیروی کنیم و ملاک عملمان، قرآن و سنت باشد، نه اطاعت از نفس و شیطان.

حال آن که در برخی روایات دیگر صریحاً پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از این گونه صلوات نهی فرموده است.

### صلوات ابتر

از قرائن معلوم می شود عده ای بر خلاف تأکید پیامبر صلی الله علیه و آله، باز هم بر آل، صلوات نمی فرستادند و از فرمان حضرت صلی الله علیه و آله سرپیچی می کردند. به سبب همین تخلف بود که خطاب به اصحاب فرمودند:

لاتصلوا علی الصلاه البتراء فقالوا و ما الصلوه البتراء؟ قال: تقولون: اللهم صل علی محمد و تمسکون، بل قولوا: اللهم صل علی محمد

ص: ۱۶۹



وآل محمد (۱) بر من صلوات ناقص و ابتر نفرستید. اصحاب پرسیدند: یا

رسول الله، صلوات ناقص چیست؟ فرمود: این که بگویید: اللهم صل علی محمد و به همین جا اکتفا کنید؛ بلکه باید بگویید:  
اللهم صل علی محمد و آل محمد.

حضرت از صلوات ابتر و ناقص نهی فرموده و تصریح کرده که این کار سبب قبول نشدن نماز در درگاه الهی است:

من صلی صلاه و لم یصل فیها علی و علی اهل بیتی لم تقبل منه (۲) هر کس نمازی بخواند و در آن بر من و آل من صلوات  
نفرستد، نماز وی قبول نمی شود.

ابومسعود می گوید:

لو صلیت صلاه لا اصلی فیها علی آل محمد ما رایت ان صلاتی تتم (۳) اگر نماز بخوانم و بر آل محمد صلوات نفرستم،  
معتقدم که آن نماز تمام نیست.

همین جمله از امام باقر علیه السلام هم نقل شده است. (۴) جابر نیز گوید:

لو صلیت صلاه لم اصل فیها علی محمد و علی آل محمد ما رأیت انها تقبل (۵) اگر نمازی بخوانم و در آن بر محمد و آل  
محمد صلوات نفرستم، به قبول شدن آن نماز امیدوار نیستم.

امام شافعی در اشعار معروفش می گوید:

یا اهل بیت رسول الله حبکم فرض من الله فی القرآن انزله

کفا کم من عظیم القدر انکم ... من لم یصل علیکم لا صلوه له (۶)

ص: ۱۷۰

---

۱- (۱) الصواعق المحرقة، ص ۱۴۶؛ ابوبکر حصرمی، رشفه الصادی، ص ۶۸.

۲- (۲) علی دارقطنی، سنن الدار قطنی، ج ۱، ص ۳۴۸.

۳- (۳) سنن الدار قطنی؛ حسن سقاف، صحیح صفه صلاه النبی، ص ۲۱۴.

۴- (۴) ابوبکر حصرمی، رشفه الصادی؛ استجلاف ارتقاء الغرف، ص ۲۰۲.

۵- (۵) ذخائر العقبی، ص ۱۹.

۶- (۶) الصواعق المحرقة، ص ۱۴۸؛ رشفه الصادی، ص ۷۱؛ حسن سقاف، صحیح صفه صلاه النبی، ص ۲۱۴؛ استجلاف  
ارتقاء الغرف، ص ۲۰۳.

ای اهل بیت رسول خدا علیهم السلام! محبت ورزیدن به شما از طرف خداوند در قرآن واجب شده است. در منزلت و قدر شما همین بس که هرکس در نمازش بر شما صلوات نفرستد، نماز او هیچ گاه نماز نیست.

فخر رازی گفته است:

صلوات بر خاندان پیامبر صلی الله علیه وآله منصبی بزرگ است؛ به همین جهت آن را در پایان تشهد نماز آورده و گویند:  
اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و ارحم محمدا و آل محمد. (۱)

نیشابوری در ذیل آیه مودت گوید: در شرف و فخر خاندان رسول خدا صلی الله علیه وآله همین بس که تشهد همه نمازها به یاد و درود بر آنها پایان می یابد. (۲) ابن قیم الجوزیه می گوید:

ان الصلوه علی النبی حق له و لآله دون سائر الامه؛ (۳) به یقین صلوات فرستادن حقی است متعلق به خود پیامبر و آل او، نه همه امت؛ یعنی در حق صلوات، امت هیچ سهمی ندارد.

صنعانی در پاسخ نووی و کسانی که صلوات بر آل را مستحب می دانند، می گوید:

الصلاه علیه - صلی الله علیه و سلم - لا تتم و يكون العبد ممثلاً بها حتى يأتي بهذا اللفظ النبوی الذی فیہ ذکر الآل لانه قال السائل: کیف نصلی علیه؟ فاجابه با لکیفیه انها الصلاه علیه و علی آله فمن لم یأت بالآل، فما صلی علیه بالکیفیه التي أمر بها، فلا يكون ممثلاً للأمر، فلا يكون مصلياً علیه - صلی الله علیه و سلم - ومن فرق بين الفاظ هذه الكيفية بإيجاب بعضها وندب بعضها فلا دليل له على ذلك. (۴) صلوات بر پیامبر صلی الله علیه وآله کامل نمی شود و بنده ممثّل به شمار نمی آید تا

ص: ۱۷۱

۱- (۱) تفسیر الفخر الرازی، ج ۲۷، ص ۱۶۷.

۲- (۲) غرائب القرآن، ج ۶، ص ۷۴.

۳- (۳) جلاء الأفهام، ص ۲۲۴.

۴- (۴) سبل السلام، ج ۱، ص ۳۹۱..

این که صلوات را با جمله نبوی که در آن ذکر آل است، به جا آورد؛ زیرا سائل پرسیده است: چگونه بر پیامبر صلوات بفرستیم؟ پیامبر هم در پاسخ، چگونگی صلوات را بیان کرده که بر خودش و بر آلش بفرستد. پس هر کس چنین صلوات بفرستد، بر پیامبر صلوات نفرستاده است و امر رسول خدا را امتثال نکرده و هر کس بین الفاظ این گونه صلوات فرق گذارد و برخی را واجب و برخی را مستحب بداند، دلیلی بر این کار ندارد.

صلوات بر آل، بسیار تأکید شده است. جای تعجب است که بسیاری از مفسران و محدثان اهل سنت چگونگی صلوات را ذکر کرده اند و در همه آنها «آل» به چشم می خورد؛ ولی هنگامی که نام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را می نویسند، واژه «آل» را حذف می کنند. ابن عبدالبر گوید:

واجمع العلماء ان الصلاة على النبي فرض على كل مؤمن لقوله تعالى... يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا. (۱)

او بر وجوب صلوات، ادعای اجماع کرده است. جالب است که سخاوی در کتاب خود، بیش از نود مورد را ذکر می کند که در آنها فرستادن صلوات مطلوب است. (۲)

با وجود همه این روایات که همگی صلوات بر آل محمد را لازم می شمارند، اهل سنت در مقام عمل، آل محمد علیهم السلام را جدا می کنند و به صلوات ابر بکنند؛ در حالی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این عمل را منع کرده است. راز اصلی این عمل، جز تعصب کورکورانه و دشمنی با اهل بیت پیامبر علیه السلام، چیز دیگری نیست.

نووی می گوید: صلوات فرستادن بر آل پیامبر، شعار اهل بدعت

ص: ۱۷۲

---

۱- (۱) شمس الدین سخاوی، القول البدیع، ص ۱۲۴.

۲- (۲) همان، ص ۱۷۵. او یک فصل را تماماً به همین امر اختصاص داده و روایات مختلف را ذکر کرده است..

شده است و ما را از شعار اهل بدعت نهی کرده اند<sup>۱</sup> سپس ابن قیم الجوزیه می گوید:

معنای این کلام آن است که رافضیان هنگام بردن نام ائمه بر آنان صلوات می فرستند و بر غیر ائمه، کسانی که بهتر از ائمه و محبوب تر از آنان به رسول صلی الله علیه و آله هستند، صلوات نمی فرستند<sup>۲</sup> پس باید در این شعار با آنان مخالفت کرد.<sup>(۱)</sup>

این کلام بی اساس است<sup>۳</sup> زیرا ما باید پیرو حق باشیم. اگر صلوات فرستادن بر آل حق است، بر «آل» صلوات بفرستیم<sup>۴</sup> چنان چه خود ابن قیم پذیرفته که صلوات بر نبی حقی است برای پیامبر و آل، و نه برای سائر امت.<sup>(۲)</sup> باید این حق را همان طور که پیامبر صلی الله علیه و آله بیان کرده و به آن دستور داده است، ادا کنیم. رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار تأکید می کرد که باید «آل» در صلوات باشد و از صلوات بدون «آل» منع کرده است. شیعه همان دستور پیامبر صلی الله علیه و آله را اجرا می کند.

در ادامه سخنان نووی آمده: شیعه بر کسانی که بهتر از ائمه و محبوب تر از آنها به رسول خدا هستند، صلوات نمی فرستد. در پاسخ می گوئیم:

صلوات یک دستور الهی است و ما حق اضافه یا کم کردن آن را نداریم. از طرف دیگر کسانی غیر از پیامبر صلی الله علیه و آله را سراغ نداریم که بهتر از ائمه باشند<sup>۵</sup> زیرا در روایتی از جابر نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

علی خیر البشر فمن امتی فقد کفر<sup>(۳)</sup> علی علیه السلام از همه بهتر است و کسی که در آن شک کند کافر شده است.

ص: ۱۷۳

---

۱- (۱) ابن قیم الجوزیه، جلاء الافهام من فضل الصلاه والسلام علی محمد خیر الانام، ص ۴۶۷.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۴۲۱..

در روایت دیگری که اهل سنت آن را نقل کرده اند، ابوالاسود الدؤلی می گوید: من از ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - شنیدم که می گفت:

«علی خیر من طلعت علیه الشمس و غربت بعدی».(۱)

همچنین کسانی غیر از ائمه علیهم السلام را سراغ نداریم که نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله محبوب تر باشند؛ زیرا خلیفه دوم نزد فاطمه علیها السلام رفت و چنین گفت:

یا فاطمه! و الله ما رایت احدا حبّی الی رسول الله صلی الله علیه وآله منک!

ای فاطمه! به خدا سوگند کسی را نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله محبوب تر از تو ندیدم.

حاکم، این حدیث را صحیح می داند.(۲) در روایت دیگری از بریده آمده است:

«کان احب النساء الی رسول الله صلی الله علیه وآله فاطمه و من الرجال علی». حاکم و ذهبی این حدیث را نیز صحیح دانسته اند.(۳)

### فایده های صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه وآله در روایات اهل سنت

خداوند و فرشتگان او پیوسته بر محمد و آل محمد صلی الله علیه وآله صلوات و سلام می فرستند و رحمت بی پایان خدا همواره شامل ایشان است. صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه وآله فواید بسیاری برای فرستنده صلوات دارد که با استناد به کتب اهل سنت، برخی از آنها را ذکر می کنیم.(۴)

#### ۱. صلوات الهی

زید بن طلحه می گوید: پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: کسی از طرف پروردگارم

ص: ۱۷۴

۱- (۱) لسان المیزان، ج ۶، ص ۷۸.

۲- (۲) المستدرک، ج ۳، ص ۱۵۵.

۳- (۳) همان.

۴- (۴) در منابع شیعه ۲۶۴ اثر برای صلوات ذکر شده است..

نزد آمد و به من گفت:

ما من عبد یصلی علیک صلاه إلا صلی الله علیه بها عشرا؛<sup>(۱)</sup> هیچ بنده ای بر شما صلوات نمی فرستد، مگر این که خداوند در مقابل یک صلوات، ده بار بر او صلوات می فرستد.

۲. صلوات فرشتگان

ربیعہ می گوید: از پیامبر صلی الله علیه وآله شنیدم که می فرمود:

من صلی علی صلاه لم تزل الملائکه تصلی علیه ما صلی علیّ؛<sup>(۲)</sup> کسی که بر من صلوات بفرستد، تا وقتی که بر من صلوات می فرستد ملائکه بر او درود می فرستند.

۳. درود و سلام خداوند

عبدالرحمن بن عوف گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله به من فرمود: به یقین جبرئیل به من گفت که به شما بشارت می دهم، بی شک خدای عز و جل می فرماید:

من صل علیک صلیت علیه و من سلم علیک سلمت علیه؛<sup>(۳)</sup> هر کس بر شما صلوات بفرستد من هم بر او درود می فرستم و هر کس به شما سلام می کند، من هم به او سلام می کنم.

۴. درود و سلام دهگانه خداوند

ابی طلحه روایت می کند: روزی رسول خدا صلی الله علیه وآله در حالی که شادی در صورتشان دیده می شد، تشریف آوردند. به ایشان عرض کردند: ای رسول خدا صلی الله علیه وآله! چه شده؟ ما سرور را در صورت مبارک شما می بینیم؟ فرمود: فرشته ای نزد آمد و گفت: ای محمد! آیا راضی نیستی که پروردگارت می فرماید:

لا یصلی علیک احد من امتک الا صلیت علیه عشرا و لا یسلم علیک

ص: ۱۷۵

۱- (۱) تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۵۱۸.

۲- (۲) همان، ص ۵۱۷.

۳- (۳) همان، ص ۵۱۸.

احد من امتك الا سلمت عليه عشرا؟ قلت: بلى؛ (۱) از امت تو کسی بر شما صلوات نمی فرستد، مگر این که ده بار بر او صلوات می فرستم و کسی از امت تو بر شما سلام نمی کند، مگر این که ده بار بر او سلام می کنم؛ آیا راضی هستی؟ گفتم: آری.

۵. نوشتن ده حسنه

ابی طلحه انصاری روایت می کند: یک روز صبح به رسول خدا صلی الله علیه وآله که شادی در صورتش دیده می شد، گفتند:

ای رسول خدا! شب را شادمان به صبح رساندی و در صورت شما سرور دیده می شود؛ فرمود: از جانب پروردگارم ملکی آمد و گفت:

من صلی علیک من امتک صلاه کتب الله له بها عشر حسنات...؛ (۲) اگر کسی از امتت بر تو صلوات بفرستد، خداوند برای او در مقابل یک صلوات ده حسنه می نویسد.

۶. نابودی ده گناه

«و محاه عنه عشر سیآت؛ (۳) و از او ده گناه را محو می کند».

۷. بالا بردن ده درجه

«ورفع له عشر درجات. (۴) ورد علیه مثلها؛ و او را ده درجه بالا می برد و مانند او بر وی صلوات می فرستد».

۸. هفتاد صلوات خدا و فرشتگان

عبدالله بن عمر گوید:

من صلی علی رسول الله صلی الله علیه وآله صلاه صلی الله علیه وملائکته لها سبعین صلاه؛ (۵) کسی که بر رسول خدا صلی الله علیه وآله صلوات بفرستد

ص: ۱۷۶

---

۱- (۱) همان، ص ۵۱۹.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) همان.

۴- (۴) همان.





خداوند و فرشتگانش در مقابل یک صلوات، هفتاد صلوات بر او می فرستند.

#### ۹. سبب قبولی نماز

من صلی صلاه ولم یصیل فیها علی وعلی اهل بیتی لم تقبل منه؛<sup>(۱)</sup> هر کس نمازی بخواند و در آن بر من و آل من صلوات نفرستد، نماز وی قبول نمی شود.

از عایشه هم نقل شده:

«لا تقبل صلاة الا بطهور و بالصلاه علی».<sup>(۲)</sup>

#### ۱۰. سبب قبولی دعا

از علی - رضی الله عنه - روایت شده که فرمود:

کل دعاء محجوبٌ عن السماء حتی یصلی علی محمد وعلی آل محمد.<sup>(۳)</sup>

از عمر هم در حدیث صحیحی آمده است: «دعا بین زمین و آسمان متوقف می شود و چیزی از آن بالا نمی رود تا این که بر نبی صلوات بفرستد».<sup>(۴)</sup>

#### ۱۱. دعای فرشته و آمین خدا و فرشتگان

ام انیس بنت حسن بن علی از پدرش روایت نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آیا تو قول خداوند **إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ** را دیده ای؟ گفت: آن که مکتوم است. اگر شما از من درباره آن سؤال نمی کردید، به شما خبر نمی دادم. بی شک خداوند دو فرشته را بر من مأمور کرده است که هرگاه نزد بنده مسلمانی نام من بیاید و بر من

ص: ۱۷۷

۱- (۱) الصواعق المحرقة، ص ۱۴.

۲- (۲) سنن الدار قطنی، ج ۱، ص ۳۴۸.

۳- (۳) کنز العمال، ج ۲، ص ۲۶۹.

۴- (۴) همان، ح ۳۹۸۵.

صلوات بفرستد، آن دو فرشته می گویند: خداوند تو را بیخشد و خداوند و فرشتگانش در پاسخ آن دو فرشته می گویند:  
آمین. (۱)

۱۲. جاری بودن صلوات تا هنگام بقای نام پیامبر صلی الله علیه وآله

ابن عباس روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

من صلی علیّ فی کتاب لم تزل الصلاه جاریه له مادام اسمی فی ذلك الكتاب (۲) هر کس بر من در نوشته ای صلوات بفرستد، صلوات بر آن شخص جاری است مادامی که اسم من در آن نوشته باقی است.

۱۳. استغفار فرشتگان تا هنگام بقای اسم پیامبر صلی الله علیه وآله

از ابوهریره روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

من صلی علیّ فی کتاب لم تزل الملائکه تستغفرله مادام اسمی فی ذلك الكتاب (۳) هر کس بر من در کتاب (نوشته ای) صلوات فرستد، تا هنگامی که اسم من در آن کتاب باشد، فرشتگان همواره برای او طلب آمرزش می کنند.

۱۴. نور در قیامت

از علی بن حسین نقل شده که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

من صلی علیّ یوم الجمعہ مائه مره جاء یوم القیامه ومعه نور لوقسّم بین الخلق کلهم لوسعهم (۴) هر کس در روز جمععه بر من صدبار صلوات بفرستد، در قیامت نوری همراه اوست که آن را اگر بین همه مخلوقات تقسیم کند، همه را در برمی گیرد.

ص: ۱۷۸

---

۱- (۱) تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۵۲۳.

۲- (۲) همان، ص ۵۲۴.

۳- (۳) کنز العمال، ج ۲، ص ۵۰۷.

۴- (۴) همان..

از ابن عمر هم روایت شده که فرمود:

«زَيَّنُوا مَجَالِسَكُمْ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ عَلَيَّ نَوْرٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (۱).

۱۵. نوشتن نام فرستندگان صلوات

از علی روایت شده است:

ان الله تعالى ملائكة خلقوا من النور لا يهبطون الا ليله الجمعة و يوم الجمعة بأيديهم اقلام من ذهب و دوى من فضه و قراطيس من نور لا يكتبون الا الصلاه على النبي (۲).

بی شک خدای تعالی فرشتگانی دارد که از نور خلق شده و در شب و روز جمعه به زمین فرود می آیند، در حالی که در دستانشان قلم هایی از نقره و دوات هایی از نقره و کاغذهایی از نور است. این فرشتگان جز صلوات بر نبی، چیز دیگری نمی نویسند.

۱۶. جواب سلام

از ابوهریره روایتی نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

ما من احد يسلم عليّ الا ردّ الله عليّ روحى حتى اردّ عليه السلام (۳) هر کس بر من سلام کند خداوند روحم را بر من بر می گرداند تا پاسخ سلام کننده را بدهم.

۱۷. پاکیزگی

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

صلوا عليّ فان صلاتكم عليّ زكاه لكم (۴) بر من صلوات بفرستید زیرا صلوات شما بر من سبب پاکیزگی برای شماست.

ص: ۱۷۹

---

۱- (۱) محمد ملاح، فضل الصلاه و السلام على سيد الانام، ص ۱۵.

۲- (۲) كنز العمال، ج ۲، ص ۵۰۶.

۳- (۳) همان، ص ۴۹۱.

۴- (۴) همان، ص ۴۹۲..

۱۸. شفاعت پیامبر صلی الله علیه وآله

رویف بن ثابت روایت کرده که حضرت محمد صلی الله علیه وآله فرمود:

من صلی علی محمد و قال اللهم انزله المقعد المقرب عندك يوم القيامة، وجبت له شفاعتی؛ (۱) هر کس بر محمد صلوات بفرستد و بگوید: «اللهم انزله المقعد المقرب عندك يوم القيامة» شفاعت من برای او واجب می شود.

۱۹. برآورده شدن صد حاجت

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

من صلی علی فی یوم مائه مره قضی الله له مائه حاجه سبعین منها لآخره و ثلاثین منها لدنياه؛ (۲) هر کس روزی صدبار بر من صلوات بفرستد، خداوند برای او صد حاجت برآورده می کند؛ هفتاد حاجت در آخرت، و سی حاجت در دنیا.

۲۰. بشارت بهشت

از انس روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

من صلی علی فی یوم الف مره لم یمت حتی یشرب بالجنه؛ (۳) هر کس در روز بر من هزار بار صلوات بفرستد، نمی میرد تا این که بشارت بهشت به او داده می شود.

۲۱. نزدیک شدن به پیامبر صلی الله علیه وآله

از ابی امامه روایت شده که حضرت صلی الله علیه وآله فرمود:

اکثروا من الصلاه علی فی کل یوم جمعه فان صلاه امتی تعرض علی فی کل یوم جمعه، فمن کان اکثرهم علی صلاه کان اقربهم منی منزله؛ (۴) در هر روز جمعه بر من زیاد صلوات

ص: ۱۸۰

---

۱- (۱) همان، ص ۴۶۹.

۲- (۲) همان، ص ۵۰۵.

۳- (۳) همان.

۴- (۴) همان، ص ۴۸۸.

بفرستید؛ زیرا که صلوات اتم در هر روز جمعه بر من عرضه می شود؛ پس هر کس زیاد بر من صلوات فرستاد، جایگاهش به من نزدیک تر است.

۲۲. شفاعت و شهادت پیامبر صلی الله علیه وآله در قیامت

از انس روایت شده که حضرت فرمود:

اکثروا من الصلاه علیّ فی یوم الجمعہ ولیله الجمعہ فمن فعل ذلك کنت له شهيدا و شافعا یوم القیامه؛ (۱) در روز و شب جمعه بر من زیاد صلوات بفرستید، پس هر کس این چنین کرد من در روز قیامت برای او شهید و شافع هستم.

۲۳. آمرزش گناهان

از حسن بن علی روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

اکثروا الصلاه علیّ فانّ صلاتکم علیّ مغفره لذنوبکم؛ (۲) بر من زیاد صلوات بفرستید؛ زیرا صلوات شما بر من موجب آمرزش گناهانتان است.

۲۴. نور در صراط

از ابوهریره روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

الصلاه علیّ نور علی الصراط...؛ (۳) صلوات بر من نوری است بر صراط.

۲۵. آمرزش گناهان

... فمن صلی علیّ یوم الجمعہ ثمانین مره غفرت له ذنوب ثمانین عاماً؛ (۴) پس هر کس در روز جمعه بر من هشتاد بار صلوات بفرستد گناهان هشتاد سال او بخشیده می شود.

ص: ۱۸۱

---

۱- (۱) همان، ص ۴۸۹.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) همان، ص ۴۹۰.

۴- (۴) همان..

از علی روایت شده است: «هرکس بر پیامبر در روز جمعه صد بار صلوات بفرستد، روز قیامت در صورتش نوری خواهد بود» (۱).

۲۷. آمرزش گناهان دویست سال

از ابوذر روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «هرکس روز جمعه بر من دویست بار صلوات بفرستد، گناهان دویست سال او بخشیده شود» (۲).

۲۸. عرضه صلوات بر پیامبر صلی الله علیه وآله

ابودرداء گفت: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

بر من در روز جمعه زیاد صلوات بفرستید؛ زیرا جمعه شاهد است [و] ملائکه آن را می بینند و هیچ کس بر من صلوات نمی فرستد، مگر این که پیش از به پایان بردن آن صلواتش بر من عرضه می شود. راوی می گوید: من گفتم: و پس از مرگ هم؟ فرمود: خداوند بر زمین حرام کرده که بدن های انبیا را بخورد؛ پس نبی خدا زنده است و روزی می گیرد (۳).

۲۹. نزدیک ترین فرد به رسول خدا صلی الله علیه وآله

عبدالله بن مسعود از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل می کند که حضرت فرمود:

اولی الناس بی یوم القیامه اکثرهم علیّ صلاه (۴) از میان مردم، کسی که بر من زیاد صلوات فرستاده در روز قیامت به من نزدیک تر خواهد بود.

۳۰. نزدیک ترین فرد به پیامبر صلی الله علیه وآله در موقف های آخرت

از انس روایت شده که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

ص: ۱۸۲

۱- (۱) همان، ج ۲، ص ۲۷۱.

۲- (۲) همان، ج ۱، ص ۵۰۷.

۳- (۳) تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۵۲۲.

۴- (۴) همان، ص ۵۱۷ و ۵۱۸.

ان اقربکم فی یوم القیامه فی کل موطن اکثرکم علیّ صلاه فی الدنیا...؛(۱) بی شک نزدیک ترین شما نزد من در همه موقف های آخرت، کسی است که در دنیا بر من زیاد صلوات فرستد....

۳۱. نوشتن نام انساب

... من صلی علیّ یوم الجمعه و ليله الجمعه مائه مره قضی الله له مائه حاجه سبعین من حوائج الاخره و ثلاثین من حوائج الدنیا ثم یوکل الله بذلک ملکاً یدخله فی قبری کما یدخل علیکم الهدایا لیخبرنی بمن صلی علیّ باسمه و نسبه إلی عشره، فائتبه عندی فی صحیفه بیضاء؛(۲) ... و هرکس در روز جمعه و شب جمعه بر من صدبار صلوات بفرستد، خداوند صد حاجت او را برآورده می کند: هفتاد حاجت در آخرت و سی حاجت در دنیا؛ سپس خداوند فرشته ای را مأمور می کند که صلوات را در قبرم داخل کند و نزد من آورد - همان طور که برای شما هدیه می آورند - تا نام فرستنده صلوات و نسبش را تا ده پشت به من خبر دهد؛ سپس آن را در نامه ای سفید در نزد من ثبت می کند.

۳۲. رضایت خدا

از عایشه روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

من سرّه ان یلقى الله غداً راضياً فلیکثر الصلاه علیّ؛(۳) هر که خوشحال می شود که فردای قیامت خدا را در حالی دیدار کند که از او راضی باشد، پس بسیار بر من صلوات فرستد.

۳۳. سنجیدن اعمال

از ابوهریره روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

من سرّه ان یتکال بالمکیال الا وفی اذا صلّی علینا اهل البیت؛ هرکس دوست دارد که (در روز قیامت اعمال صالح او را) با

ص: ۱۸۳

۱- (۱) همان.

۲- (۲) الدرالمشور، ج ۶، ص ۶۵۴.

۳- (۳) سنن الکبری، ج ۲، ص ۵۱۶..

ترازوی کامل تر بسنجند، هنگام صلوات فرستادن بر ما اهل بیت (چنین) بگویند: خداوندا! بر محمد پیامبر و اهل بیت علیهم السلام او صلوات بفرست. (۱)

۳۴. قیراط

از علی علیه السلام روایت شده است

«من صلی علیّ صلاه کتب الله له قیراطا والقیراط مثل احد». (۲)

۳۵. محبوب ترین عمل

از علی علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: از جبرئیل پرسیدم:

ای الاعمال احب إلى الله عز و جل؟ قال: الصلاه علیک یا محمد! و حب علی بن ابی طالب (۳) محبوب ترین اعمال نزد خداوند عز و جل کدام است؟ گفت: ای محمد! صلوات فرستادن بر شما و محبت علی بن ابی طالب. (۴)

۳۶. پاکیزگی قلب از نفاق

کسی که بر محمد صلوات فرستد، قلبش از نفاق پاکیزه می شود؛ همان طور که لباس از آب پاکیزه می شود. (۵)

۳۷. هزار صلوات از طرف خدا

از ابن مسعود روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله از قول خداوند متعال فرمود: «کسی که بر تو در روز و شب صدبار صلوات بفرستد، من بر او هزار صلوات می فرستم...». (۶)

ص: ۱۸۴

۱- (۱) همان.

۲- (۲) کنز العمال، ج ۱، ص ۴۹۲.

۳- (۳) القول البدیع، ص ۱۳۴.

۴- (۴) همان.

۵- (۵) همان، ص ۱۳۸.

۶- (۶) همان، ص ۱۳۰.



۳۸. بر آوردن هزار حاجت

«و هزار حاجت او را بر آورده می کنم

که آسان ترین آن، رهایی از آتش است»<sup>(۱)</sup>.

۳۹. امان از عطش قیامت

خداوند به موسی علیه السلام فرمود:

یا موسی! احب ان لا ینالک من عطش یوم القیامه؟ قال: الهی نعم. قال: فأكثر من الصلاه علی محمد<sup>(۲)</sup>.

۴۰. در کنار حوض کوثر

حضرت فرمود: در کنار حوض کوثر مردمانی بر من وارد می شوند که من آنان را تنها به سبب فراوانی فرستادن صلوات می شناسم<sup>(۳)</sup>.

۴۱. در سایه عرش خدا

از علی علیه السلام نقل شده که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

در روز قیامت سه گروه مخصوص در سایه عرش خدا قرار می گیرند؛ حال آن که آن روز جز سایه خدا سایه ای در کار نیست: ... گروهی که بر من زیاد صلوات می فرستند<sup>(۴)</sup>.

۴۲. امان از عذاب الهی

از علی علیه السلام روایت شده است: از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیدم که می فرمود: «جبرئیل گفت: ای محمد! بی شک خداوند (عزوجل) می فرماید: کسی که بر شما ده بار صلوات بفرستد، او را از عذابم ایمن می کنم»<sup>(۵)</sup>.

ص: ۱۸۵

---

۱- (۱) همان.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) همان، ص ۱۲۹.

۴- (۴) همان.

۵- (۵) همان، ص ۱۲۸.

۴۳. اطاعت امر خدا

خداوند به بندگان فرموده است: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَاسَلِّمُوا تَسْلِيمًا و فرستادن صلوات بر پیامبر صلی الله علیه وآله سر نهادن به امر خداست. (۱)

۴۴. همراهی با خدا

با توجه به آیه یاد شده، کسی که بر پیامبر صلی الله علیه وآله صلوات می فرستد، با خدا همراهی می کند. (۲)

۴۵. همراهی با فرشتگان

طبق آیه فوق، فرستنده صلوات با جمع فرشتگان همراه می شود. (۳)

۴۶. نورانی شدن قبر

از ابن عمر روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

اكثروا من الصلاة علي فانها نور في القبر (۴) بر من زیاد صلوات بفرستید چراکه صلوات، قبر را نورانی می کند.

۴۷. صلوات نور در بهشت است

در ادامه حدیث پیشین چنین آمده است:

«... و نور في الجنة (۵) و صلوات، نوری در بهشت است.»

۴۸. گواهی همه چیز بر صلوات

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند:

من صلی صلاه و جهر بها شهد له کل حجر و مدر و رطب و یابس (۶)

ص: ۱۸۶

---

۱- (۱) فضل الصلاه و السلام علی سیدالانام، ص ۱۵، ۲۲.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) همان.

۴- (۴) همان.

۵- (۵) همان.

٦- (٦) عبدالرحمن صفوري، نزّهه المجالس، ج ٢، ص ١٠٨..

هر کسی که صلوات بفرستد و آن را با صدای بلند بگوید، هر سنگ و کلوخی و خشک و تری برای او گواهی می دهد.

۴۹. خَلق فرشته ای عجیب الخلقه با صلوات

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند بر قبر من فرشته ای را مأمور کرده که سرش زیر عرش و پایش در عمق زمین هفتم است؛ او هشتاد هزار پر دارد و در هر پر و بال هشتاد هزار ریشه و در زیر هر ریشه هشتاد هزار زغبه، (جانوری مانند موش) (۱) و در زیر هر زغبه زبانی است که خدا را تسبیح می کند و سپاس می گوید و برای کسی که بر من صلوات فرستاده است، طلب آمرزش می کند.» (۲)

۵۰. صلوات از طرف خدا

پیامبر فرمود: «کسی که در روز جمعه بر من یک صلوات بفرستد، خداوند و فرشتگانش بر او هزار هزار صلوات می فرستند...» (۳)

۵۱. هزار هزار حسنه

در ادامه حدیث پیشین چنین آمده است: «... و برای او هزار هزار حسنه می نویسد...» (۴)

۵۲. محو گناه

حدیث بالا چنین ادامه یافته است: «... و از او هزار هزار گناه را محو می کند...» (۵)

ص: ۱۸۷

---

۱- (۱) المنجد، ج ۱، ماده (ز، غ، ب).

۲- (۲) نزهة المجالس، ج ۲، ص ۱۲.

۳- (۳) همان، ص ۱۰۷.

۴- (۴) همان.

۵- (۵) همان..

در ادامه حدیث پیشین می خوانیم: «... و برای او هزار هزار درجه بلند می کند».(۱)

۵۴. سبب نجات از نفاق

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس بر من ده بار صلوات بفرستد، خداوند بر او صد مرتبه صلوات می فرستد، و هر کس بر من صد مرتبه صلوات بفرستد، خداوند بر او هزار مرتبه صلوات می فرستد و خداوند بین دو چشم او می نویسد: «براه من النفاق؛ آزاد شده از نفاق».(۲)

۵۵. همراه شدن با شهدا در قیامت

حدیث پیشین چنین ادامه یافته است: «و در قیامت او را همراه شهدا منزل می دهد».(۳)

۵۶. استغفار همه مخلوقات

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

من اکثر من الصلاه علی فی حیاته امر الله جمیع المخلوقات ان یستغفروا له فی مماته؛(۴) کسی که هنگام زنده بودنش بر من زیاد صلوات بفرستد، خداوند به همه مخلوقات حکم می کند که پس از مرگش برای او طلب آمرزش کنند.

۵۷. درختی در بهشت

علی علیه السلام فرمود: خداوند در بهشت درختی را آفریده است که میوه اش بزرگ تر از سیب و کوچک تر از انار، نرم تر از سرشیر، شیرین تر

ص: ۱۸۸

---

۱- (۱) همان.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) همان.

۴- (۴) همان، ص ۱۱۰..

از غسل و خوشبوتر از مشک است و شاخه های آن از لؤلؤی تازه و تنه هایش از طلا و برگ های آن از زبرجد است. از آن درخت کسی نمی خورد، مگر آن که که بر محمد صلی الله علیه و آله زیاد صلوات بفرستد. (۱)

۵۸. بخشش پدر و مادر

از جابر بن عبدالله روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «... خداوند به سبب صلوات، فرستنده صلوات و پدر و مادر او را می بخشد...». (۲)

۵۹. محشور شدن با محمد و آل محمد علیهم السلام

در ادامه حدیث پیشین چنین آمده است: «... و با محمد و آل محمد محشور می شود». (۳)

۶۰. سبب آمرزش پیش از تغییر حالت

از انس - رضی الله عنه - روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

من قال: اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و کان قاعدا، غفرالله له قبل ان یقوم، و ان کان قائما، غفرالله قبل ان یقع. (۴)  
هر کس بگوید: «اللهم صل علی محمد و علی آل محمد» در حالی که نشسته است، پیش از این که بلند شود، خداوند او را بخشیده و اگر هنگام ایستادن چنین گوید، پیش از نشستن، خداوند او را بخشیده است.

۶۱. قابل حساب نبودن ثواب صلوات

ابوالحسن بکری، ابوعمار بن زید المدنی و محمد بن اسحاق مطلبی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده اند: رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد بود که مردی

ص: ۱۸۹

۱- (۱) همان، ص ۱۰۶.

۲- (۲) همان، ص ۱۱۱.

۳- (۳) نزهة المجالس، ج ۲، ص ۱۱۱.

۴- (۴) همان، ج ۲، ص ۱۱۰..

آمد و سلام کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله او را در میان خودش و ابوبکر جای داد. پس ابوبکر به اعرابی نگاه کرد و گفت: ای رسول خدا! شما او را بین من و خودت جا دادی و من روی زمین کسی را نمی شناسم که محبوب تر از من نزد شما باشد. حضرت صلی الله علیه و آله به ابوبکر گفت: جبرئیل از اعرابی به من خبر داده که او بر من صلواتی فرستاده که پیش از او احدی بر من چنین صلواتی نفرستاده است. ابوبکر گفت: ای رسول خدا! او چگونه بر شما صلوات فرستاده تا من هم مثل او بر شما صلوات بفرستم؟

فقال النبي يا ابا بكر! انه يقول: اللهم صل على محمد و على آل محمد في الاولين و الآخريين و في الملاء الاعلى إلى يوم الدين.

سپس ابوبکر از رسول خدا صلی الله علیه و آله ثواب این صلوات را می پرسد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

يا ابا بكر! لقد سألتني عمي لأقدر ان احصيه فلو كانت البحار مداداً و الأشجار اقلاماً و الملائكة كتاباً، يكتبون لفني المداد و انكسرت الاقلام و لم يبلغ الملائكة ثواب هذه الصلاة (1) ای ابوبکر! از من درباره چیزی سؤال کردی که نمی توانم ثواب آن را حساب کنم؛ پس اگر دریاها جوهر و درختان قلم بشوند و فرشتگان بنویسند، جوهر تمام می شود و قلمها می شکنند، در حالی که فرشتگان نمی توانند ثواب این صلوات را بنویسند.

ص: ۱۹۰

---

۱- (۱) همان، ص ۱۰۷؛ القول البدیع، ص ۵۶.

یکی از حقوق مادی مسلم برای اهل بیت علیهم السلام «حق فیء» است و خداوند در آیه «ذا القربی» بر ادای این حق تأکید کرده است: وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ... (۱) «حق خویشاوندان را بده».

#### مفهوم آیه

در این آیه خداوند بر ادای حق خویشاوند تأکید می کند. مراد از «ذا القربی» همان هایی هستند که در آیه مودت آمده و منظور، قرابت رسول خدا صلی الله علیه و آله است. بر اساس روایات شیعه و سنی، هنگامی که این آیه نازل شد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فاطمه زهرا علیها السلام را فراخواند و فدک را که از اموال شخصی ایشان بود، به دختر خود بخشید.

بسیاری از مفسران و دانشمندان اهل سنت، روایاتی را در کتاب هایشان از صحابه با طرق متعدد نقل کرده اند که وقتی آیه وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ...

ص: ۱۹۱



نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه وآله فاطمه علیها السلام را خواست و به او فدک را بخشید؛ از جمله ابوسعید می گوید:

«لما نزلت وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ.. دعا رسول الله صلی الله علیه وآله فاطمه فأعطاهها فدک» (۱).

ابن عباس - رضی الله عنهما - می گوید:

«لما نزلت وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ... أقطع رسول الله صلی الله علیه وآله فاطمه فدکا» (۲).

### فیء بودن فدک

بسیاری از مفسران اهل سنت در ذیل آیه و ما أفاء الله علی رسوله منهم فما أوجفتم علیه من خیلٍ ولا ركابٍ و لكن الله یسلطُ رُسُلَهُ علی من یشاء/۳ درباره فدک بحث کرده اند.

طبری ذیل این آیه، روایتی نقل کرده که فدک با مصالحه مردمش و بدون جنگ به تصرف پیامبر صلی الله علیه وآله درآمده و به او اختصاص داشته است و هیچ یک از مسلمانان در آن بهره ای نداشته اند. (۳) سیوطی هم در روایتی دیگر آورده است که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله با اهل فدک و روستاهای دیگر مصالحه کرد... (۴)

فخر رازی می نویسد:

این آیه درباره فدک نازل شده است؛ چراکه اهل فدک از آن جا کوچ کردند؛ پس همه روستاها و اموالشان بدون جنگ در

ص: ۱۹۲

---

۱- (۱) تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۳۹؛ الدرالمثور، ج ۵، ص ۲۷۳؛ روح المعانی، ج ۱۵، ص ۵۸؛ فتح القدر، ج ۳، ص ۲۷۰؛ کنز العمال، ج ۳، ص ۷۶۷، ح ۸۶۹۶؛ مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۴۹؛ موفق بن احمد خوارزمی، مقتل الحسین، ج ۱، ص ۱۱۳.

۲- (۲) الدرالمثور، ج ۵، ص ۲۷۳؛ فتح القدر، ج ۳، ص ۲۷۰.

۳- (۳) جامع البیان، ج ۱۴، ص ۳۸.

۴- (۴) الدرالمثور، ج ۸، ص ۹۹..

دست پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفت، و چون پیامبر وفات یافت، فاطمه ادعا کرد که پدرش آن را به او هبه کرده است. ولی ابوبکر گفت: من گفته تو را درست نمی دانم. پس ام ایمن و یکی از غلامان پیامبر صلی الله علیه و آله برای فاطمه گواهی دادند! (۱)

از این روایات به دست می آید که فدک از فیه است. روایت بخاری نیز به همین معنا اشاره دارد:

وقد ارسلت فاطمه تسأله میراثها من رسول الله مما أفاء الله عليه بالمدينة وفدك.... (۲)

### فیء در لغت

ابن منظور می گوید: «چیزی که بدون جنگ و پیکار از اموال کفار به دست آید، فیه است». (۳) و فدک هم بدون جنگ به دست

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رسیده است.

### بیان قرآن درباره فیه

صرف نظر از روایات، قرآن مجید «فیه» را حق ذی القربی می داند ما أفاء الله علی رسولیه من أهل القرى فلیه و للرسول و لذی القربی و الیتامی و المساکین و ابین السبیل ۴ «آن چه خدا از اموال مردم آن سرزمینها (فدک و اطراف آن) به رسول خود برگردانید، از آن خدا و رسول او و از آن خویشان رسول و یتیمان و مسکینان و در ماندگان در راه است».

سید قطب می نویسد: «حکم فیه این است که همه برای خدا،

ص: ۱۹۳

۱- (۱) تفسیر الفخر الرازی، ج ۲۹، ص ۲۸۵.

۲- (۲) صحیح البخاری، ج ۵، ص ۱۷۷.

۳- (۳) لسان العرب، ماده (ف، ی، ء).

رسول خدا صلی الله علیه وآله، «ذی القربی»، یتیمان، مسکینان و درماندگان در راه است و پیامبر صلی الله علیه وآله در همه این ها تصرف می کند، و «ذوالقربی» که در دو آیه ذکر شده، خویشاوندان رسول خدا صلی الله علیه وآله هستند». (۱)

از ابی دیلم نیز چنین روایت شده است: «علی بن الحسین علیه السلام به مردی از اهل شام فرمود: آیا قرآن خوانده ای؟ عرض کرد: بلی، فرمود: آیا در [سوره] بنی اسرائیل نخوانده ای که فرمود وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ... مرد گفت: مگر شما از آنها بید که خدا امر کرده حقشان داده شود؟ فرمود: آری». (۲)

در این آیه، خداوند به پیامبر صلی الله علیه وآله خطاب می کند که حقوق نزدیکان خود را که از غنیمت بر ایشان واجب شده، ادا کند. (۳) حسن نیز گفته: «آیه وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى... درباره خویشان رسول نازل شده است. (۴) از سدی هم نظیر همین روایت نقل شده است. (۵) از امام سجاده علیه السلام درباره آیه وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ... روایت شده که می فرمایند: آنها نزدیکان پیامبر هستند که به پیامبر دستور داده شده تا حقوقشان را پرداخت نماید. (۶) مراد از «یتامی» و «مساکین» و «ابن السبیل»، یتیمان، مسکینان و در راه ماندگان اهل بیت علیهم السلام هستند؛ چنان چه علی بن الحسین علیه السلام فرموده است. (۷)

ص: ۱۹۴

- 
- ۱- (۱) فی ضلال القرآن، ج ۶، ص ۳۵۲۳.
  - ۲- (۲) جامع البیان، ج ۹، ص ۷۲؛ الکشف و البیان، ج ۶، ص ۹۵؛ الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۷۱.
  - ۳- (۳) علی خازن، تفسیر الخازن، ج ۳، ص ۱۲۸؛ ابن عادل حنبلی، اللباب فی علوم الکتاب، ج ۱۲، ص ۲۶۲.
  - ۴- (۴) البحر المحیط، ج ۶، ص ۲۹.
  - ۵- (۵) زاد المسیر، ج ۵، ص ۲۱.
  - ۶- (۶) الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۰، ص ۲۴۷.
  - ۷- (۷) جامع البیان، ج ۵، ص ۸؛ المیزان، ج ۱۹، ص ۳۶۲..

برخی از مفسران اهل سنت آیه «ذالقربی» را مکی می دانند و به سبب مکی بودن سوره، در روایاتی که فدک را حق فاطمه علیها السلام می دانند، تشکیک می کنند؛

زیرا فدک پس از جنگ خیبر، در سال هفتم هجرت به دست آمد. ابن کثیر می نویسد: از ابی سعید چنین روایت شده است:

لما نزلت وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ... دعا رسول الله صلى الله عليه وآله فاطمه فأعطاهها فدك.

سپس ادامه می دهد: اگر اسناد این حدیث صحیح باشد، مشکل است؛ زیرا آیه مکی است و فدک با (جنگ) خیبر در سال هفتم هجری فتح شده و این دو چگونه با هم جمع می شود؟ (۱) آلوسی نیز مکی بودن آیه را مطرح کرده است. (۲)

بنابر تحقیق، این آیه در مدینه نازل شده و از آیات مدنی است، نه مکی؛ چنانچه برخی از مفسران تفسیر اهل سنت این آیه را جزء چند آیه دیگر می دانند که در مدینه نازل شده است؛ همچون حسن - که از آلوسی روایت کرده - (۳) سعید حوی، (۴) سید قطب، (۵) زمخشری و.... (۶)

پس با این بیان، شبهه رد می شود. به علاوه باید دانست که در بسیاری از سوره های مکی، آیات مدنی و در سوره های مدنی، آیات مکی یافت می شود و این یک امر مسلم بین فریقین است.

ص: ۱۹۵

۱- (۱) تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۳۹.

۲- (۲) روح المعانی، ج ۱۵، ص ۵۸.

۳- (۳) همان، ص ۲.

۴- (۴) الاساس فی التفسیر، ج ۶، ص ۳۰۲.

۵- (۵) فی ضلال القرآن، ج ۵، ص ۵.

۶- (۶) الکشاف، ج ۲، ص ۶۴۶..

برخی محدثان اهل سنت، حدیث ابوسعید را به دلیل وجود عطیه در سلسله سند، ضعیف می دانند؛<sup>(۱)</sup> و عبدالرزاق المهدی، محققان تفسیر شوکانی،<sup>(۲)</sup> چنین عقیده ای ابراز کرده اند.

این حدیث با هفت طریق مختلف در شواهد التنزیل از ابوسعید نقل شده است و برخی دانشمندان رجالی اهل سنت، عطیه را ثقه می دانند؛ چنان چه ابن حجر گفته: «او ثقه بود - انشاء الله - و برایش حدیث های صالح و خوبی است.»<sup>(۳)</sup> او در جای دیگر عطیه را «صدوق»<sup>(۴)</sup> می داند. یحیی بن معین او را «صالح» می شمارد.<sup>(۵)</sup> بنابراین او فردی موثق در حدیث است. البته ضعف او، مقدم داشتن علی علیه السلام بر دیگران است؛ چنان چه ساجی چنین گفته است؛<sup>(۶)</sup> هر چند که این یک مسئله عقیدتی است و به وثاقت راوی هیچ ربطی ندارد؛ لذا این اشکال بی مورد است و این روایت با آیه کاملاً منطبق است. به علاوه، روایات دیگری هم از برخی بزرگان به طرق مختلف نقل شده است؛ همچون روایت ابن عباس<sup>(۷)</sup>

و روایت امام علی بن الحسین که ایشان آیه را بر خود منطبق نموده و به آن احتجاج کرده است.<sup>(۸)</sup>

از روایات متعدد و سیره مستمر اهل بیت علیهم السلام به دست می آید که این آیه در مدینه نازل شده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از نزول آیه، فدک را به فاطمه علیها السلام داده است. همچنین روایاتی که شأن نزول آیه را درباره

ص: ۱۹۶

۱- (۱) مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۴۹.

۲- (۲) فتح القدير، ج ۳، ص ۲۷۰.

۳- (۳) تهذيب الكمال، ج ۱۳، ص ۹۲.

۴- (۴) تقريب التهذيب، ج ۱، ص ۶۷۸.

۵- (۵) تهذيب الكمال، ج ۱۳، ص ۹۱.

۶- (۶) همان، ص ۹۲.

۷- (۷) الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۷۳؛ فتح القدير، ج ۳، ص ۲۷۰.

۸- (۸) جامع البيان، ج ۹، ص ۷۲؛ الكشف و البيان، ج ۶، ص ۹۵؛ الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۷۱.

نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله می دانند - مانند حدیث حسن، (۱) سدی (۲) و حدیث امام علی بن الحسین علیه السلام (۳) - همگی بر درستی روایت عطیه گواهی می دهند.

### فدک در ملکیت فاطمه علیها السلام

از روایات ابن عباس و ابوسعید خدری به دست می آید که فدک در دست فاطمه علیها السلام قرار گرفته بود. این مطلب را امام علی علیه السلام در نامه خود به عثمان بن حنیف نوشته و فرموده است:

... بلی کانت فی ایدینا فدک من کل ما اظلتہ السماء... (۴) آری، از آن چه آسمان بر آن سایه افکنده، تنها فدک در دست ما بود....

در روایت دیگری عمر بن خطاب می گوید: «هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رحلت کرد، من و ابوبکر نزد علی آمدیم و گفتیم: درباره آن چه از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله باقی مانده چه می گویی؟ فرمود: ما به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سزاوارتریم. عمر گفت: حتی آن چه در خیبر است؟ فرمود: بلی، حتی آن چه در خیبر است. عمر گفت: حتی آن چه در فدک است؟ فرمود: آری، حتی آن چه در فدک است. عمر گفت: به خدا قسم! چنین کاری نخواهد شد، مگر آن که گردن های ما با اژه قطع شود!». (۵)

در این روایت که عمر آن را نقل کرده و ابوبکر هم همراه او بود، سخنی از حدیث ساختگی «لانورث ما ترکناه صدقه» به میان نمی آید و امام علی علیه السلام نیز حق مسلم خود را در فدک و غیر آن اعلام می کند.

ص: ۱۹۷

۱- (۱) البحر المحیط، ج ۶، ص ۲۹.

۲- (۲) زاد المسیر، ج ۵، ص ۲۱.

۳- (۳) الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۰، ص ۲۴۷.

۴- (۴) شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۰۸.

۵- (۵) مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۳۹ و ۴۰..

این جاست که عمر و ابوبکر با سوگند و تهدید، نیت خودشان را آشکار می کنند و اعلام می دارند که به هیچ وجه فدک را به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله نمی دهند. عمر و ابوبکر در این روایت سخنی از قرآن و حدیث به میان نمی آورند؛ چراکه روایتی وجود ندارد تا فدک را حق آنان بدانند. حال اگر امیرالمؤمنین علیه السلام با شمشیر، فدک و غیر آن را می گرفت، باید با توسل به زور، خلافت را نیز باز می ستاند، چون حق مسلم وی بود. ولی امام علیه السلام که محافظ دین است برای جلوگیری از قتل و فتنه ای عظیم سکوت اختیار کرد و سلامت دین و مسلمانان را در نظر گرفت.

### فلسفه غصب فدک

پیامبر صلی الله علیه و آله ارث فراوانی به جای گذاشت: طبق وصیت، مخیریق، هفت باغ، اراضی بنی نضیر، فدک، سهمش از خیر و... جزء اموال حضرت صلی الله علیه و آله بود. (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فدک را در حال حیات و طبق دستور خداوند به حضرت فاطمه علیها السلام بخشیده بود. پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام برای به دست آوردن فدک و سهم «ذی القربی» در چند مرحله تلاش کرد: در مرحله اول قاصدی را نزد ابوبکر فرستاد و از او حق خود را طلبید. (۲) وی هنگامی که پاسخ رد شنید، آرام ننشست و بار دوم خود همراه زنان به مسجدالنبی رفت و خطبه ای آتشین ایراد کرد. (۳)

در جریان مطالبه فدک، ابوبکر می خواست فدک را به فاطمه

ص: ۱۹۸

---

۱- (۱) علی حلبی، سیره حلبیه، ج ۳، ص ۳۶۲.

۲- (۲) صحیح البخاری، ج ۵، ص ۱۷۷.

۳- (۳) شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۱..

برگرداند؛ از این رو ابوبکر نوشته ای برای فاطمه درباره فدک تنظیم کرد. هنگام نوشتن ابوبکر، عمر داخل مجلس شد و پرسید این چیست؟ ابوبکر گفت: این نوشته ای است که برای فاطمه درباره میراث پدرش نوشتم. عمر گفت: «از کجا خرج مسلمانان را تأمین می کنی، در حالی که عرب با تو در حال جنگند؛ سپس نوشته را گرفت و آن را پاره کرد»<sup>(۱)</sup>.

از این روایت برمی آید که علت اصلی غضب فدک، درآمد زیاد آن بوده که می شد با درآمد آن، مخارج یک لشکر را تأمین کرد؛ بنابراین، مصادره فدک، به مصلحت خلافت و برای تحکیم پایه های حکومت در برابر مخالفان بود. قرار گرفتن فدک در دست فاطمه علیها السلام، جنبه حیاتی برای خلافت علی علیه السلام داشت.

ابن ابی الحدید از استاد بزرگ و مدرس بغداد، علی بن الفارقی، چنین نقل می کند: «به استاد گفتم: آیا زهرا در ادعای خود راست گو بوده است؟ گفت: بلی. گفتم: خلیفه می دانست که او زنی راست گو است؟ گفت: بلی. گفتم: چرا خلیفه حق مسلم او را در اختیارش نگذاشت؟ در این هنگام استاد لبخندی زد و با کمال وقار گفت: اگر در آن روز سخن او را می پذیرفت و به این جهت که او زنی راست گوست، بدون درخواست شاهد، فدک را به وی باز می گرداند، فردا او (زهرا) از این موقعیت به سود شوهر خود، علی استفاده می کرد و می گفت که خلافت متعلق به علی است و در آن صورت، خلیفه ناچار بود خلافت را به علی تفویض کند؛ چراکه وی را راست گو می دانست؛ ولی برای این که باب تقاضا و مناظرات بسته شود، او را از حق مسلم خود محروم ساخت»<sup>(۲)</sup>.

ص: ۱۹۹

---

۱- (۱) سیره حلبیه، ج ۳، ص ۳۶۲.

۲- (۲) شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۸۴..



ابوبکر سه حقی را که خداوند برای حضرت فاطمه علیها السلام قرار داده بود، انکار کرد و در مقابل روایات و آیات فراوان در این باره، تنها به حدیث موهن و واحدی که خودش راوی آن بوده استناد جست؛ حال آن که آیه تطهیر(۱) بر طهارت و عصمت فاطمه علیها السلام(۲) دلالت می کند. عایشه درباره وی می گوید:

ما رأیت احداً قطّ اصدق من فاطمه غیر ابیها؛ به تحقیق کسی را - جز پدرش - راست گوتر از فاطمه ندیدم.

از این رو فاطمه علیها السلام، راست گوترین انسان پس از رسول خدا صلی الله علیه وآله است اما ابوبکر گواهی علی مرتضی علیه السلام و ام ایمن (زن بهشتی)، رباح، (غلام پیامبر)، حسن و حسین علیهم السلام، ام کلثوم و اسماء بنت عمیس را هم در این مورد نپذیرفت؛ حال آن که علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام از کسانی هستند که در مباحله به عنوان گواه رسالت در مقابل نصاری نجران حاضر شدند و وقتی مسیحیان به صداقت آنان پی بردند از مباحله سر باز زدند.(۳) محبت علی، فاطمه، حسن و حسین، اجر رسالت قرار گرفته و مودتشان بر امت واجب شده است.(۴)

ص: ۲۰۰

---

۱- (۱) احزاب، آیه ۳۳.

۲- (۲) جامع البیان، ج ۱۲، ص ۷؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۶۰۴؛ المحرر الوجیز، ج ۴، ص ۳۸۴؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ۹، ص ۴۹۲، ص ۳۱۳۱؛ مشکل الاثار، ج ۱، ص ۲۳۰؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۴۳۴؛ ابی نعیم اصبهانی، حلیه الاولیاء، ج ۲، ص ۴۱ و ۴۲.

۳- (۳) تفسیر الفخر الرازی، ج ۸، ص ۸۹؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۳۳؛ جامع البیان، ج ۳، ص ۳۰۱؛ اسباب النزول، ص ۹۰؛ صحیح المسلم، ج ۱۵، ص ۱۸۵؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۵۰.

۴- (۴) الدر المنثور، ج ۷، ص ۳۴۸؛ عبدالرحمن بن حوزی، دفع شبه التشبیه، ج ۷، ص ۱۱۷؛ البحر المحیط، ج ۷، ص ۵۱۶؛ المحرر الوجیز، ج ۵، ص ۳۴؛ الوسیط فی تفسیر القرآن المجید، ج ۴، ص ۵۲؛ غرائب القرآن، ج ۶، ص ۷۶؛ تفسیر الفخر الرازی، ج ۲۷، ص ۱۶۷؛ روح المعانی، ج ۲۵، ص ۱۹؛ الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۶، ص ۲۲؛ الکشاف، ج ۳، ص ۴۰۲؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۰، ص ۳۲۷..

طبق نقل ابن ابی الحدید معتزلی، فاطمه علیها السلام، حق پایمال شده خود را یک بار به عنوان میراث و بار دیگر به عنوان «نحله» خواسته بود<sup>(۱)</sup> و برای احیای آن قیام کرد که هرکدام بحث مستقلی دارد.

### قیام برای بازپس گرفتن ارث

امام بخاری می نویسد:

وقد ارسلت فاطمه تسأله میراثها من رسول الله صلی الله علیه وآله مما أفاء الله علیه بالمدينة و فدک و ما بقى من خمس خیبر... فابی ابوبکر ان یدفع إلی فاطمه منها شیئا فوجدت فاطمه علی ابی بکر فی ذلک فهجرته فلم تکلمه حتی توفیت و عاشت بعد النبی سته اشهر فلما توفیت دفنها زوجها علی لیلا- و لم یؤذن بها ابابکر و صلی علیها<sup>(۲)</sup> فاطمه علیها السلام به سوی ابوبکر قاصدی فرستاد و از او سهم خویش از میراث رسول خدا صلی الله علیه وآله (چیزهایی که خداوند از فیء به رسول خدا بخشیده بود، آن چه از مدینه و فدک و آن چه از خمس خیبر باقی مانده بود) را مطالبه نمود و ابوبکر از پرداخت آنها به فاطمه علیها السلام امتناع کرد. پس فاطمه علیها السلام بر ابوبکر غضبناک شد و با او سخن نگفت تا این که رحلت نمود. او پس از پیامبر صلی الله علیه وآله شش ماه بیشتر زنده نماند و هنگامی که از دنیا رفت، همسرش علی علیه السلام در شب بر وی نماز خواند و شبانه او را دفن کرد و به ابوبکر اجازه حضور در مراسم نداد.

### فاطمه علیها السلام به ابوبکر چه گفت ؟

از ابی سلمه روایت شده که فاطمه علیها السلام به ابوبکر فرمود: «وقتی مُردی وارث تو کیست؟ ابوبکر گفت: فرزند و خاندانم. فاطمه فرمود: پس چرا

ص: ۲۰۱

۱- (۱) شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲- (۲) صحیح البخاری، ج ۵، ص ۱۷۷..

ما ارث پیامبر صلی الله علیه وآله را نمی بریم؟ ابوبکر گفت: از پیامبر صلی الله علیه وآله شنیدم که پیامبر ارث برده نمی شود...» (۱).

از ابوالطفیل روایت شده که گفت: «چون رسول خدا صلی الله علیه وآله از دنیارفت، فاطمه [قاصدی] نزد ابوبکر فرستاد که: تو وارث رسول خدایی یا اهلش؟ ابوبکر گفت: نه، بلکه اهلش. فاطمه گفت: پس سهم رسول خدا صلی الله علیه وآله کجاست؟ ابوبکر گفت: من از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیدم که می گفت: خداوند عزوجل هرگاه طعمه ای را به پیامبری داده و سپس آن پیامبر را قبض روح فرمود، آن طعمه را برای جانشین او قرار می دهد پس من رأیم این شد که آن را به مسلمانان رد کنم...» (۲).

### ارزیابی حدیث لائورث

۱. این حدیث، باطل است؛ چنان چه ذهبی می نویسد: عبدان گوید: من به ابن خراش گفتم: درباره حدیث «لائورث ما ترکنا صدقه...» چه می گویی؟ گفت: باطل است (۳).

۲. این روایت، خبر واحدی است که جز ابوبکر از دیگری نقل نشده؛ چنان چه ابن ابی الحدید می نویسد: «مشهور آن است که حدیث «نفی ارث» را کسی جز ابوبکر روایت نکرده است». او در ادامه بحث می گوید: بیشتر روایات بیانگر آن است که این حدیث را جز ابوبکر کسی نقل نکرده؛ بلکه اجماع فقها در اصول فقه بر قبول خبر واحد

ص: ۲۰۲

---

۱- (۱) المسند، ج ۱، ص ۱۰.

۲- (۲) همان، ج ۱، ص ۴.

۳- (۳) لسان المیزان، ج ۳، ص ۴۴۴.

صحابی است و دلیلشان نیز همین روایت است» (۱).

ابن حجر از عایشه روایتی آورده است که در آن عایشه می گوید: ... مردم درباره میراث پیامبر صلی الله علیه وآله اختلاف کردند و هیچ کدام در این بابت علمی نداشت. در این هنگام ابوبکر گفت: من از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیدم که فرمود:

«انا معاشر الانبياء لانورث ماتركنا صدقه» (۲).

طبق صریح گفتار عایشه، غیر از ابوبکر هیچ کس درباره به ارث نگذاشتن انبیا آگاهی نداشت. این حدیث با حدیث دیگر عایشه که در آن «لانورث» را نقل کرده در تعارض است؛

۳. این حدیث، خلاف قرآن است، چنان که خواهد آمد؛

۴. طبق نقل حدیث ثقلین (۳) - که بین فریقین متواتر است -، اهل بیت رسول الله علیهم السلام یکی از دو ثقل و یادگار پیامبر صلی الله علیه وآله است و هرگز از قرآن جدا نمی شود. رسول خدا صلی الله علیه وآله در این روایت به امت دستور داده که به اهل بیت علیهم السلام تمسک کنند؛ از این رو آنان پیوسته با حدیث «لانورث» مبارزه می کرده اند و آن را بر خلاف قرآن و ساختگی دانسته اند (۴) و همواره به خلفا گوشزد می کردند؛ چنان که امام علی علیه السلام به عمر می فرماید: یقیناً پیامبر صلی الله علیه وآله در زمان حیات خود فدک را به فاطمه و فرزندانش بخشیده بود؛ (۵)

۵. ابوبکر، راوی این حدیث، وقتی با فاطمه علیها السلام اختلاف پیدا کرد، این حدیث را مطرح نمود. این نکته از ارزش این حدیث می کاهد؛ زیرا

ص: ۲۰۳

۱- (۱) شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۲۱، ۲۲۷.

۲- (۲) احمد بن حجر هیمثی، الصواعق المحرقة، ص ۳۴.

۳- (۳) المستدرک، ج ۳، ص ۱۴۸؛ مجمع البحرین، ج ۶، ص ۳۳۱.

۴- (۴) شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۲.

۵- (۵) لسان العرب، ماده (ف، د، ک) ..

هیچ کس غیر از او چنین سخنی را روایت نکرده؛ درحالی که او با فاطمه علیها السلام درباره فدک نزاع داشت؛

۶. با فرض پذیرش صحت حدیث، باز هم فدک را شامل نمی شود؛ زیرا فدک را پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در حیات مبارک خود به فاطمه علیها السلام بخشیده بود و ارث نبوده تا درباره آن بحث شود؛ بلکه فدک از موضوع حدیث خارج بوده است؛ از این رو استدلال به این حدیث بی معنا است؛

۷. اگر فدک صدقه بوده، چرا ابوبکر نوشته ای برای فاطمه علیها السلام تنظیم کرد تا او بتواند در آن تصرف کند؟ طبق اخبار اگر عمر به مجلس وارد نشده بود، قضیه به پایان می رسید؛ او بود که نامه را گرفت و پاره کرد. (۱)

اگر این حدیث صحیح است، کار خلیفه درست نیست؛ اگر فعل خلیفه درست باشد، حدیث صحیح نیست؛ در این صورت در قول و فعل خلیفه تضاد است؛

۸. ابوبکر در پاسخ فاطمه علیها السلام گفت: «از رسول خدا شنیدم که می گفت: خداوند عزوجل هر گاه طعمه ای را به پیامبری داد و سپس آن پیامبر را قبض روح فرمود، آن طعمه را برای جانشین او قرار می دهد؛ پس من رأیم این شد که آن را به مسلمانان رد کنم»؛ (۲) ولی در پاسخ خلیفه باید گفت:

اولاً: جانشین پیامبر از «ذوالعشره» (۳) تا «غدیر» (۴) امام علی علیه السلام است و احادیث متواتر، بر این مطلب گواهی می دهند؛

ثانیاً: در این خبر، خلیفه از روایت حرفی نمی زند؛ بلکه رد کردن

ص: ۲۰۴

---

۱- (۱) سیره حلبیه، ج ۳، ص ۳۶۲.

۲- (۲) فضایل الصحابه، ج ۱، ص ۴.

۳- (۳) معالم التنزیل، ج ۴، ص ۱۶۱، ابن عادل حنبلی، اللباب فی علوم الکتاب، ج ۱۵، ص ۹۳.

۴- (۴) محمد کتانی، نظم المتناثر فی الحدیث المتواتر، ص ۱۹۴ و ۱۹۵..

فدک را رأی شخصی خودش می‌داند، نه حدیث پیامبر. در این صورت این رأی خلیفه، اجتهاد در مقابل نص است؛ زیرا قرآن و روایات، هر دو گواهی می‌دهند که فدک حق فاطمه علیها السلام است؛

۹. عجیب تر از همه این است که خلیفه از یک طرف، حدیث

«لأنورث ما ترکنا صدقه» را بیان می‌کند و از طرف دیگر از فاطمه علیها السلام گواه می‌خواهد. اگر حدیثی در کار است، دیگر خواستن گواه چه معنا دارد؟ گواه خواستن، دلیل جعلی بودن حدیث است.

هنگامی که فاطمه علیها السلام، امام علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام، ام کلثوم علیها السلام، ام ایمن و اسماء بنت عمیس را برای شهادت دادن می‌آورد - چنانچه خواهد آمد - ابوبکر گواهی آنان را نمی‌پذیرد و فدک را پس نمی‌دهد. گویا این هفت نفر به جعلی بودن حدیث اعتقاد داشته‌اند؛ حال آن که مسیحیان نجران، گواهی علی، حسن و حسین علیهم السلام را پذیرفته بودند؛

۱۰. خلیفه در موارد بسیاری، تنها با ادعای مالکیت، اموالی را به دیگران داد و از آنان گواهی نمی‌خواست. در صحیح بخاری آمده است: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در گذشت، اموالی به وسیله علا بن حضرمی در اختیار ابوبکر قرار گرفت. او به مردم گفت: هر کس از پیامبر طلبی دارد یا به او از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله وعده ای داده شده است، بگوید. جابر می‌گوید: من گفتم: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وعده فرمود که به من فلان مبلغ عطا کند. وقتی خلیفه حرفم را شنید، سه بار پانصد (درهم یا دینار) شمرد و در دست من گذاشت. (۱)

چرا خلیفه از دیگران برای صدق ادعایشان گواهی نخواست، در حالی که از فاطمه علیها السلام، راست‌گوترین انسان گواهی طلبید و پس از گواهی هفت نفر، باز هم حق فاطمه علیها السلام را به وی باز نگرداند. این عمل

ص: ۲۰۵

به چه منظور از وی سر زده است؟ این پرسشی تاریخی است که پیروان خلفا باید به آن پاسخ دهند؛

۱۱. اگر پیامبر صلی الله علیه وآله ارث نمی گذارد و هر چه هست صدقه است، چرا زنان پیامبر در خانه وی ماندند و خانه های زنان به صدقه نرفت و خلیفه آنها را تخلیه نکرد؟ معلوم می شود این حدیث تنها دستاویزی برای محروم کردن فاطمه علیها السلام بوده است و بس.

همسران پیامبر صلی الله علیه وآله همه از این حدیث بی خبر بودند. آنان حتی پس از مطرح شدن حدیث

«لانورث ما ترکنا صدقه» به این روایت اعتماد نکردند؛ بلکه با در اختیار داشتن حجره های پیامبر صلی الله علیه وآله، عثمان (خلیفه سوم) را نزد ابوبکر فرستادند تا از ارث پیامبر صلی الله علیه وآله سهم خودشان را مطالبه کنند؛<sup>(۱)</sup>

۱۲. با یک گواه و قسم هم می شد قضیه را خاتمه داد؛ چرا خلیفه از فاطمه علیها السلام قسم نخواست؛ حال آن که در زمان پیامبر صلی الله علیه وآله حضرت با یک گواه و قسم حکم می فرمود؛ چنان که عمر بن دینار از ابن عباس نقل کرده است: «بی شک رسول خدا به یک قسم و یک گواه حکم فرمود».<sup>(۲)</sup>

## آیا پیامبران ارث نمی گذارند؟!

### اشاره

هیچ مکتب و ملتی یافت نمی شود که به «ارث نگذاشتن پیامبران» معتقد باشد. در میان مسلمانان نیز شیعه قایل به ارث گذاشتن انبیاء است. در اهل سنت، تنها حدیثی که در این زمینه به آن استناد می کنند، همان حدیث ابوبکر است. وقتی که حضرت فاطمه علیها السلام پس از غصب فدک آن را از خلیفه طلب کرد و سهم ذی القربی و ارث پیامبر صلی الله علیه وآله را از او خواست، خلیفه با

ص: ۲۰۶

۱- (۱) شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۲۳.

۲- (۲) صحیح مسلم (شرح نووی)، ج ۱۲، ص ۲۴۴.

سخنان متضادی آنها را انکار کرد و حدیث «لانورث» را پیش کشید؛ اما حضرت فاطمه علیها السلام این حدیث را مردود دانست و با آن به شدت برخورد کرد.

### ۱- وراثت پیامبران در قرآن

قرآن مجید در مورد ارث، آیات زیادی (۱) دارد که خطاب به پیامبر و امت است و هیچ استثنایی در آنها دیده نمی شود. از این آیات استفاده می شود که باید همه پیامبران و پیروان آنان از خود ارث باقی بگذارند. اکنون دو آیه را به صورت اجمالی مورد بررسی قرار می دهیم.

### ۲- رسیدن ارث سلیمان به داود

وَ وَرَثَ سُلَيْمَانَ دَاوُدَ. (۲) «و سلیمان، وارث داود شد».

از حسن روایت شده است که مراد از وراثت در این آیه، «مال» است. (۳) در روایت دیگر، حسن تصریح می کند که مراد از وارثت، مال است؛ زیرا نبوت چیزی است که خداوند از ابتدا عطا می کند و نبوت ارث برده نمی شود؛ یعنی نبوت ارثی نیست که برده شود، بلکه اعطایی است. (۴)

### ۳- رسیدن ارث یحیی به زکریا

وَ إِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَ كَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا \* يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَ اجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا ۝۵ «من از بعد خویش از

ص: ۲۰۷

---

۱- (۱) نساء، آیه ۱۱.

۲- (۲) نمل، آیه ۱۶.

۳- (۳) غرائب القرآن، ج ۵، ص ۲۹۸.

۴- (۴) تفسیر الفخر الرازی، ج ۲۴، ص ۱۸۶.



وارثانم بیم دارم، و زخم نازا است. مرا از نزد خود فرزندی عطا کن تا از من و از خاندان یعقوب ارث ببرد، پروردگارا! او را پسندیده گردان.»

در روایتی ابن عباس چنین آمده است: «زکریا بچه دار نمی شد، از خدا درخواست کرد که پروردگارا! به من از جانب خودت یک ولی عطا کن که از من و از آل یعقوب ارث ببرد.» و منظورش این بود که از من، مال مرا و از یعقوب، نبوت را ارث ببرد. (۱)

از حسن روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خدا رحمت کند برادرم زکریا را! ورثه می خواست چه کند و خدا رحمت کند برادرم لوط را که با داشتن خدا، آرزوی داشتن رکن شدیدی می کرد. (۲)

ابوصالح در روایتی مربوط به آیه: *يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ*، می گوید: «یرث مالی ویرث من آل یعقوب النبوه». (۳)

از قتاده نیز روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خدا رحمت کند برادرم زکریا را، ورثه مال می خواست چه کند». (۴)

نیشابوری می نویسد: «مفسران) همچنین درباره ورثه اختلاف کردند. از ابن عباس، حسن و ضحاک روایت شده که مراد، ورثه مال

است. از آنها همچنین روایت شده که مراد «یرثی المال ویرث من آل یعقوب النبوه» است. (۵)

آلوسی می نویسد: از ابن عباس، مجاهد، عکرمه و ابی صالح روایت شده است که آنها گفتند: «در این آیه مراد، ارث مالی است». (۶) همین طور

ص: ۲۰۸

---

۱- (۱) الدرالمشور، ج ۵، ص ۴۸.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) جامع البیان، ج ۹، ص ۴۷.

۴- (۴) همان، ص ۴۸، تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۱۸.

۵- (۵) غرائب القرآن، ج ۴، ص ۴۷۰.

۶- (۶) روح المعانی، ج ۱۶، ص ۵۹.

بسیاری (۱) از مفسران اهل سنت روایات «یرثنی مال» را آورده اند. مایه تعجب است که تفاسیر اهل سنت همه این روایات را نادیده می گیرند و تنها به همان روایت «لانورث» استناد می کنند؛ روایتی که ابن خراش آن را «باطل» قرار داده است. (۲) قرطبی نیز گفته است که این روایت حجتی ندارد؛ زیرا یک نفر از طرف خودش اخبار گروهی را می دهد. (۳)

این روایت، روایت واحدی است که بر خلاف قرآن، سخن اهل بیت علیهم السلام و کلام رسول خدا صلی الله علیه وآله است، در مقابل این روایات، جبهه گرفته است؛ (۴) اما روایات برخی دیگر از صحابه و تابعان همچون ابن عباس، حسن، مجاهد، قتاده، ابوصالح، عکرمه و ضحاک، در مقابل این روایت ایستاده اند و تصریح کرده اند که انبیاء میراث مالی می گذارند و برخی بزرگان اهل سنت نیز آن را «باطل» اعلام کرده اند. با این حال، آیا باز هم تمسک جستن به این روایت، جز تعصب چیز دیگری است؟

### سرنوشت فدک

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله پس از نزول آیه وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُۥۤ فاطمه علیها السلام را خواست و فدک را به دخترش داد؛ (۵) اما پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله، ابوبکر، فدک را از فاطمه علیها السلام گرفت و با وجود گواهی امام

ص: ۲۰۹

- 
- ۱- (۱) علی ماوردی، النکت و العیون، ج ۳، ص ۳۵۵؛ زاد المسیر، ج ۵، ص ۱۲۴؛ معالم التنزیل، ج ۳، ص ۳۵۵؛ تفسیر الفخر الرازی، ج ۲۱، ص ۱۸۳.
  - ۲- (۲) لسان المیزان، ج ۳، ص ۴۴۴.
  - ۳- (۳) الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۱، ص ۸۱.
  - ۴- (۴) سیره حلبیه، ج ۳، ص ۳۶۱.
  - ۵- (۵) الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۷۳؛ روح المعانی، ج ۱۵، ص ۵۸؛ فتح القدیر، ج ۳، ص ۲۷۰؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۳۹؛ کنز العمال، ج ۳، ص ۷۶۷..

علی علیه السلام (۱) امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام، ام کلثوم علیها السلام، (۲) ام ایمن، (۳) ربیع (غلام پیامبر) (۴) و اسماء بنت عمیس (۵) آن را به فاطمه پس نداد و گواهی آن جمع را نپذیرفت.

عثمان، فدک را در زمان خلافتش به مروان بن حکم، پسر عمو و دامادش بخشید (۶) سپس معاویه فدک را بین سه نفر (مروان، عمرو بن عثمان و پسرش یزید) تقسیم کرد (۷) اما عمر بن عبدالعزیز در زمان خلافتش به رد فدک به فرزندان فاطمه علیها السلام حکم کرد. (۸) وقتی یزید بن عبدالملک خلیفه شد، دوباره فدک را غصب کرد تا این که ابوالعباس السفاح خلیفه شد. او دوباره فدک را به حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب برگرداند. وقتی منصور خلیفه شد، فدک را دوباره از فرزندان فاطمه علیها السلام پس گرفت. سپس مهدی بن منصور، فدک را پس داد. در هنگام خلافت موسی الهادی، فدک برای چندمین بار غصب شد و تا زمان مأمون، در غصب بود. اما او آن را به محمد بن یحیی بن الحسین بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب و محمد بن عبدالله بن الحسین بن علی بن ابی طالب برگرداند.

ص: ۲۱۰

- 
- ۱- (۱) سیره حلبیه، ج ۳، ص ۳۲۶.
  - ۲- (۲) عبد الرحمن بن احمد ایجی، المواقف، ص ۴۰۲؛ سیره حلبیه، ج ۳، ص ۳۶۲.
  - ۳- (۳) تفسیر الفخر الرازی، ج ۲۹، ص ۲۸۵.
  - ۴- (۴) همان.
  - ۵- (۵) عبدالفتاح عبدالمقصود، فاطمه الزهراء علیها السلام، ج ۲، ص ۳۰۸.
  - ۶- (۶) سنن الکبری، ج ۹، ص ۴۳۷؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۹۸.
  - ۷- (۷) شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۶.
  - ۸- (۸) یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۱۷..

دعبل، شاعر بزرگ و معروف، در این زمینه شعری سرود:

اصبح وجه الزمان قد ضحكا برد مأمون هاشم فدکا(۱)

### فلسفه قیام

مهم ترین سؤال این است که چرا ملکه آیه تطهیر و پیکره عصمت و طهارت (حضرت زهرا علیها السلام)، برای بازپس گیری فدک که از مال دنیا است، قیام کرد؟ مگر فدک چه ارزشی داشت که فاطمه علیها السلام برای بازستاندن آن به دربار خلافت رفت و خطبه آتشین خواند و تا آخر عمر از خلفا ناراضی بود؟

در پاسخ باید گفت: فدک چیزی نبود که دختر رسول الله صلی الله علیه و آله برای آن اقدامی کند؛ بلکه قیام فاطمه علیها السلام برای این بود که سه حق مسلم قرآنی دگرگون شده بود و حق و باطل در هم آمیخته بود. قرآن می فرماید: وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَ رسول خدا صلی الله علیه و آله به دستور خداوند، فدک را به فاطمه علیها السلام بخشیده بود.

اگر فاطمه علیها السلام قیام نمی کرد، این آیه به تمام معنا ساقط می شد و این با حیات جاودانی قرآن سازگاری نداشت. اگر فاطمه علیها السلام بر نمی خواست، سهم «ذی القربی» که یکی از مهم ترین فرمان های قرآنی است وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِأَيِّ الْقُرْبَىٰ فراموش می شد و پیام جاودانی آن به گوش کسی نمی رسید. اگر فاطمه علیها السلام قد علم نمی کرد، ارث نگذاشتن انبیا به حقیقت می پیوست و آیات ارث در قرآن تحریف می شد. حضرت علیها السلام با قیام خود آیات قرآنی را زنده کرد و سه حق مسلم قرآنی را نجات داد.

ص: ۲۱۱

همچنین به فاطمه علیها السلام ظلم شده و او مظلوم واقع شده بود. در حقیقت این قیام برای مال دنیا نبود؛ بلکه برای پاسداری از حق بود. خیزش علیه ظلم، وظیفه هر مسلمانی است و حضرت فاطمه علیها السلام به این وظیفه عمل کرد.

غصب فدک، ضربه اقتصادی سنگینی بر علی علیه السلام وارد می کرد و فاطمه علیها السلام که علی علیه السلام را جانشین برحق و بلافصل پیامبر صلی الله علیه و آله می دانست، به آینده می نگریست. او در ضمن قیام برای بازستاندن فدک، از ولایت و امامت هم دفاع کرد و در این راه به شهادت رسید و اولین شهید راه ولایت بود.

### **علت بازستاندن فدک در زمان خلافت علی علیه السلام**

یکی از سؤال های مهم درباره فدک، این است که چرا علی علیه السلام در زمان خلافت خود فدک را پس نگرفت؟ اگر فدک حق فاطمه علیها السلام بود، حتماً امام علی علیه السلام آن را باز می ستاند؛ از این رو سکوت امام علی علیه السلام دلیلی بر حق نبودن قضیه فدک است.

پاسخ این است که امام علی علیه السلام حکومت را به اصرار زیاد مردم پذیرفت که در این مدت کوتاه، سه جنگ داخلی رخ داد و سرانجام حضرت جام شهادت را نوشید. امام علی علیه السلام در آشوب داخلی با منافقان روبه رو شده بود و در این حال نمی توانست فدک را پس بگیرد؛ زیرا به تصریح برخی دانشمندان اهل سنت، عثمان در زمان خلافت خویش فدک را به دامادش مروان بخشیده بود.<sup>(۱)</sup>

ص: ۲۱۲

---

۱- (۱) شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۹۸؛ سنن الکبری، ج ۹، ص ۴۳۷..

خداوند در سوره انفال، خمس را حق اهل بیت علیهم السلام بر می شمارد و می فرماید:

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ. (۱)

«و بدانید آن چه را که سود می برید، پنج یک آن برای خدا است و برای رسول و خویشاوند او و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان، اگر به خدا ایمان آورده اید».

### خمس چیست ؟

یکی دیگر از حقوق مادی برای اهل بیت علیهم السلام حق خمس است. خمس یک دستور اکید قرآنی است. اگرچه این آیه در جنگ بدر نازل شد، اما مورد نزول، حکم آن را تخصیص نمی زند و این یک حکم عام برای هر غنیمتی است. اسلام، زکات و صدقه را برای مردم عادی

ص: ۲۱۳

و نیازمند قرار داده است، ولی آن دو را بر فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله حرام کرده و به جای آن خمس را قرار داده است، زیرا زکات و صدقه، چرک مال است.

خمس در زمان حیات پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بین خاندان حضرت تقسیم می شد و ولی پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، خلفای سه گانه، خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله را از آن محروم کردند. گفتنی است که خمس، مربوط به همه چیز است و تعبیر «من شیء» در آیه، بر این مطلب دلالت می کند. همچنین واژه «غنیمت» نیز مفهوم وسیعی دارد.

### غنیمت در لغت

راغب می گوید: «الْغَنْمُ» رسیدن به گوسفند و دسترسی یافتن به آن را گویند و سپس درباره هر غنیمتی که از دشمنان و غیرایشان در دسترس قرار گیرد و به دست آید، به کار رفته است که وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ بِهِ هَمِينَ مَعْنَا اسْت» (۱) «به دست آوردن چیزی بدون زحمت، غنیمت است» (۲) در تاج العروس (۳) و لسان العرب (۴) نیز همین معنا آمده است.

در روایات و برخی فتوهای فقهای اهل سنت نیز غنیمت اعم از غنیمت های جنگی است که بیان خواهیم کرد. در نامه های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به قبیله ها و شخصیت ها که در آنها بر پرداخت خمس تأکید شده، خمس در همین معنا به کار رفته است.

ص: ۲۱۴

---

۱- (۱) مفردات، ماده (غ، ن، م).

۲- (۲) سعید شرتونی، اقرب الموارد، ج ۴، ص ۷۳، ماده (غ، ن، م).

۳- (۳) مرتضی زبیدی، تاج العروس، ج ۹، ص ۷، ماده (غ، ن، م).

۴- (۴) لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۳۳، ماده (غ، ن، م)..

درباره علت تشریح حکم خمس، روایات زیادی در منابع فریقین وارد شده که مهم ترین علت تشریح آن را بی نیازی خاندان پیامبر صلی الله علیه وآله از امت دانسته است.

از علی علیه السلام روایت شده که فرمود: «خداوند صدقه را بر رسول خود حرام کرد و در عوض آن، سهمی از خمس برایش قرار داد و همچنین در میان همه مسلمانان صدقه را تنها بر اهل بیت پیغمبرش حرام کرده و در عوض آن، سهمی با رسول خدا برایشان تعیین کرد»<sup>(۱)</sup>.

از ابن عباس - رضی الله عنه - نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «من آب چرکین دست مردم را برای شما اهل بیت علیهم السلام نپسندیدم؛ چون یک پنجم خمس، شما را بی نیاز می کند و برای شما بس است»<sup>(۲)</sup>.

از مجاهد روایت شده که می گفت: «خداوند می دانست که در بین بنی هاشم فقیرانی هستند؛ پس برای بنی هاشم به جای صدقه، خمس را قرار داد»<sup>(۳)</sup>.

از این روایات و مانند آنها برمی آید که فلسفه خمس، تشکیل یک نظام اقتصادی مستقل برای خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است تا آنان به سوی مردم دست دراز نکنند و عزتشان خدشه دار نشود.

## مصدق ذی القربی در آیه

ابن دیلمی می گوید: علی بن حسین - رضی الله عنه - به فردی شامی

ص: ۲۱۵

۱- (۱) الدرالمشور، ج ۳، ص ۱۸۶.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) جامع البیان، ج ۶، ص ۵.



فرمود: آیا شما در (سوره) انفال نخوانده ای و اَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ؟ گفت: بله. سپس مرد شامی پرسید: آنها شما هستید؟ فرمود: بله. (۱)

مجاهد گوید: «مراد از «ذی القربی» همان نزدیکان رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند که صدقه برای ایشان حرام است». (۲)  
از این دو روایت بر می آید که «ذی القربی» همان آل محمد هستند که صدقه بر ایشان حرام شده است. طبری می نویسد: «برخی می گویند ذی القربی همان نزدیکان رسول خدا صلی الله علیه و آله از بنی هاشم هستند». (۳) همین نظریه را امام مالک، ثوری، اوزاعی و غیره پذیرفته اند». (۴)

### صاحبان خمس

مجاهد می گوید: «صدقه برای آل محمد حلال نبود؛ از این رو خمس را برای ایشان قرار داد». (۵)  
نیشابوری، مفسر بزرگ اهل سنت می نویسد: گفته شده که همه خمس برای قرابت است؛ از این رو از علی علیه السلام روایت شده که آن حضرت در پاسخ به قول «الیتامی والمساکین» فرموده است که «مراد، شیعیان ما و مساکین ما است». (۶)

از امام زین العابدین علیه السلام نیز روایت شده که فرمود: «به یقین خمس

ص: ۲۱۶

۱- (۱) همان.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) همان.

۴- (۴) الجامع لاحکام القرآن، ج ۸، ص ۱۲؛ فتح القدير، ج ۲، ص ۳۷۷.

۵- (۵) جامع البيان، ج ۶، ص ۵.

۶- (۶) غرائب القرآن، ج ۳، ص ۴۰۲.

برای ما است». به حضرت گفته شد که خداوند می فرماید وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ فرمود: «مراد، شیعیان ما، فقیران ما و در راه ماندگان ما هستند».(۱)

از این روایات به دست می آید که همه خمس به آل محمد علیهم السلام تعلق دارد و حق آنان است.

در روایت دیگری از علی بن ابی طالب علیه السلام درباره آیه وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ آتَاهُ اللَّهُ فرمود: «این خمس مخصوص ما است و برای ما در صدقه سهمی را نگذاشت به سبب کرامت. خداوند به پیامبرش و آلش و به ما عزت بخشید و از چرک دست مردم دور نگه داشت».(۲)

منهال بن عمرو می گوید: «از عبدالله بن محمد بن علی و علی بن الحسین پرسیدم که خمس برای کیست؟ گفتند: خمس برای ما است. من به علی گفتم: خداوند می فرماید: وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ گفت: مراد، یتیمان و فقیران ما هستند».(۳)

در صحیح بخاری نیز چنین آمده است: «حضرت فاطمه علیها السلام از ابوبکر، خمس خیر را طلبید و ابوبکر انکار کرد و فاطمه علیها السلام ناراحت شد و تا دم مرگ با ابوبکر صحبت نکرد».(۴)

### خمس در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

روایات معتبر زیادی در کتب اهل سنت یافت می شود که حضرت صلی الله علیه و آله

ص: ۲۱۷

- 
- ۱- (۱) فتح القدير، ج ۲، ص ۳۷۶؛ محمد رشید رضا، تفسیر المنار، ج ۱۰، ص ۱۴؛ الجامع لاحکام القرآن، ج ۸، ص ۱۰.
  - ۲- (۲) شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۱۹.
  - ۳- (۳) جامع البیان، ج ۶، ص ۸؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۳۲۴؛ الکشاف، ج ۲، ص ۱۳۷.
  - ۴- (۴) صحیح البخاری، ج ۵، ص ۱۷۷..

خمس را طبق آن چه در آیه قرآن آمده است، تقسیم می کرد. ابوعلیه ریاحی می گفت: غنیمت را نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آوردند پس حضرت از آن غنیمت خمس را گرفت و به پنج قسمت تقسیم کرد: سهم خدا، سهم رسول، سهم نزدیکان، سهم یتیمان، سهم فقیران و در راه ماندگان. (۱)

ابن عباس می گوید: «خمس به شش قسمت تقسیم می شد: دو سهم برای خدا و رسول خدا، و سهمی برای نزدیکان پیامبر حتی پیامبر (بر همین روش) از دنیا رحلت فرمود». (۲)

همه روایات اهل سنت تصریح دارند که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره سهم ذی القربی داده می شد و خمس - بر طبق آیه - به شش قسمت تقسیم می شد و این سنت و روش پیامبر صلی الله علیه و آله بود تا این که از دنیا رحلت کرد.

ابن عباس در روایتی دیگر می گوید: «بی شک خمس در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بر پنج قسمت تقسیم می شد: برای خدا و رسول یک سهم، بین ذی القربی یک سهم، و بقیه سه سهم بین یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان تقسیم می شد. سپس ابوبکر و عمر و عثمان - رضی الله تعالی عنهم - خمس را به سه قسمت تقسیم کردند و سهم پیامبر و سهم ذی القربی را ساقط نمودند و باقی سه سهم، یعنی سهم یتیمان، مسکینان و در راه ماندگان را برقرار کردند». (۳)

ص: ۲۱۸

- 
- ۱- (۱) جامع البیان، ج ۶، ص ۴؛ الدر المنثور، ج ۴، ص ۶۶؛ تفسیر الفخر الرازی، ج ۱۵، ص ۱۷۱؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۳۲۳. در برخی منابع آمده است که حضرت خمس را به شش قسمت تقسیم کرد.
  - ۲- (۲) الکشاف، ج ۲، ص ۱۳۷؛ غرائب القرآن، ج ۳، ص ۴۰۲؛ تفسیر نسفی، ج ۱، ص ۶۴۶.
  - ۳- (۳) ابویوسف، کتاب الخراج، ص ۱۹..

در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خمس به ذی القربی داده می شد و این موضوع بدون هیچ تغییری تا زمان رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا ادامه داشت. پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این اجتهاد ابوبکر و عمر بود که خمس را از فاطمه علیها السلام و بنی هاشم گرفتند و آن منع کردند.<sup>(۱)</sup>

### خمس در زمان خلفا

از ابن عباس روایت شده است که خمس بر شش سهم بود: سهم خدا، سهم رسول خدا، سهم ذی القربی، تا زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفت. پس از آن، ابوبکر خمس را تنها بر سه سهم دیگر قرار داد (یعنی یتیمان، مسکینان و در راه ماندگان) و عمر و خلفای بعدی چنین رفتار می کردند.<sup>(۲)</sup> روایت شده که ابوبکر، بنی هاشم را از خمس منع کرد.<sup>(۳)</sup> در روایت دیگر آمده: ابوبکر، فاطمه و بنی هاشم را از خمس منع کرد.<sup>(۴)</sup>

ابن ابی الحدید معتزلی از انس بن مالک روایتی را نقل کرده که چنین می گفت: «فاطمه نزد ابوبکر آمده و فرمود: از ستم و ظلمی که به ما اهل بیت علیهم السلام شده، آگاه هستی: اینک سهم ذی القربی را از آن چه که خدا در آیه وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ نَصِيبٌ ما فرموده، تحویل بده. ابوبکر پاسخ داد: آری، من هم (این آیه را) از کتاب خدا خوانده ام؛ چنان که تو می خوانی؛ ولی علم من از آن (آیه) به آن جا نرسیده که بدانم سهم ذی القربی را از خمس باید کاملاً تسلیم شما کنم!

ص: ۲۱۹

۱- (۱) شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۳۱.

۲- (۲) الکشاف، ج ۲، ص ۱۳۷؛ تفسیر نسفی، ج ۱، ص ۶۴۶؛ غرائب القرآن، ج ۳، ص ۴۰۲.

۳- (۳) الکشاف، ج ۳، ص ۱۳۷.

۴- (۴) شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۳۱..

حضرت فاطمه فرمود: پس آیا این سهم از آن تو و خویشاوندان توست؟

ابوبکر جواب داد: نه، بلکه مقداری از آن را به شما می‌دهم و بقیه را در مصالح مسلمانان مصرف می‌کنم!

حضرت فاطمه فرمود: این حکم خدا نیست.

ابوبکر پاسخ داد: همین حکم خدا است! (۱).

این روایت با روایت دیگر او در تعارض است؛ چنان که ابن عباس روایت می‌کند که پس از وفات پیامبر صلی الله علیه وآله، ابوبکر سهم ذی القربی را برای مسلمانان قرار داد؛ زیرا پیامبر خدا فرمود:

«لا نورث ما ترکنا صدقه» (۲).

### ارزیابی عملکرد خلفا در تقسیم خمس

۱. خمس ذی القربی از دستورات مهم قرآن است و آن را بدون دلیل نمی‌توان تخصیص زد. عمومات قرآن را تنها روایات قطعی می‌توانند تخصیص بزنند؛ حال آن که این روایت را تنها ابوبکر روایت کرده (۳) است و خبر واحد است؛

۲. سهم ذی القربی ربطی به ارث پیامبر صلی الله علیه وآله ندارد. آیا ارث میت شامل ملکیت های نزدیکان می‌شود؟

۳. اگر خمس شامل ارث پیامبر صلی الله علیه وآله بشود، چرا ابوبکر تصمیم گرفت مقداری را به فاطمه بدهد؟ زیرا این کار به عقیده آنها صدقه است و صدقه هم بر آل محمد صلی الله علیه وآله حرام است؛ (۴)

ص: ۲۲۰

---

۱- (۱) همان، ص ۲۳۰.

۲- (۲) جامع البیان، ج ۶، ص ۵.

۳- (۳) شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۲۱، ۲۲۷.

۴- (۴) جامع البیان، ج ۶، ص ۵.

۴. این روایت با روایات دیگر - که در آنها خود ابوبکر پذیرفت که به فقیران خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله از خمس پرداخت کند - در تعارض است؛ چنان که روایت شده است: ابوبکر بنی هاشم را از خمس منع کرد و گفت: از این خمس برای فقیران شما و ازدواج کنیزانتان و کسی از شما که خادم ندارد... می پردازم. (۱)

اگر خمس از صدقه باشد، چطور آن را برای خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله جایز می دانند؟ حال آن که در روایات زیادی آمده است که صدقه و زکات، چرک دست مردم است و به همین علت خداوند خمس را برای آل محمد صلی الله علیه و آله قرار داد. (۲) همچنین ابن ابی الحدید در روایاتی آورده است که ابوبکر اقرار کرد مقداری از سهم ذی القربی را به حضرت فاطمه علیها السلام بدهد. طبق حدیث دوم (ما ترکناه صدقه)، چطور ابوبکر صدقه را به فاطمه می دهد؛ پس معلوم می شود که سهم ذی القربی ربطی به صدقه ندارد؟

۵. خمس در مقابل زکات و صدقه است - چنان چه در بسیاری از روایات آمده است (۳) - چیزی که جانشین چیز دیگر قرار گرفته، نباید حکم اولی را داشته باشد. خمس یک نظام مستقل مالی و اقتصادی برای خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است؛ همان طور که زکات یک نظام مستقل مالی و اقتصادی برای امت است. پس خمس نه صدقه است، نه ارث پیامبر صلی الله علیه و آله، بلکه دستور خداوند است و به فرض صحیح بودن این حدیث، باز هم ربطی به خمس ندارد؟

۶. طبق صریح برخی روایات، امام علی علیه السلام با این نظریه خلفا مخالف

ص: ۲۲۱

---

۱- (۱) غرائب القرآن، ج ۳، ص ۴۰۲.

۲- (۲) الدرالمشور، ج ۳، ص ۱۸۶.

۳- (۳) همان؛ جامع البیان، ج ۶، ص ۵..

بود و آن را حق اهل بیت علیهم السلام می دانست؛ در این باره محمد بن اسحاق از امام باقر علیه السلام می پرسد: «نظر علی - کرم الله وجهه - درباره خمس چه بوده است؟ فرمود: نظرش همان نظر اهل بیت علیهم السلام بوده است» (۱).

۷. عمر بن عبدالعزیز، یکی از عادل ترین دولت مردان بنی امیه است. او در زمان حکومت خود سهم پیامبر و ذوی القربی را برای بنی هاشم فرستاد. (۲) اگر استدلال خلیفه اول درست است، پس او حتماً طبق سیره عمر عمل می کرد؛

۸. ابوداود از جبیر بن مطعم چنین روایت کرده است: ابوبکر خمس را مانند رسول خدا صلی الله علیه وآله تقسیم می کرد، ولی سهم نزدیکان رسول الله صلی الله علیه وآله را - آن گونه که پیامبر می داد - به آنان پرداخت نکرد. (۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به خویشاوندان از خمس می داد، ولی ابوبکر از آن سرپیچی کرد؛ پس چگونه ادعا می شود که او خمس را مانند پیامبر صلی الله علیه وآله تقسیم می کرد؟

۹. ابوبکر و دیگر خلفا چطور حق ذی القربی را در بین دیگر مسلمانان تقسیم کردند؛ حال آن که در زمان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله خمس مخصوص بنی هاشم بوده و حضرت عملاً - پرداخت خمس را به دیگران منع کرده بود؛ چنان چه جبیر بن مطعم روایت کرده است: «رسول خدا صلی الله علیه وآله سهم ذی القربی را میان بنی هاشم و بنی عبدالمطلب تقسیم کرد؛ آن گاه گفت: من و عثمان بن عفان به راه افتادیم و به حضورش رسیدیم و عرض کردیم: یا رسول الله صلی الله علیه وآله! بنی هاشم از برادران تو هستند؛ فضل آنان به جهت موقعیتی که خداوند از میان

ص: ۲۲۲

---

۱- (۱) کتاب الخراج، ص ۲۰.

۲- (۲) همان، ص ۲۱.

۳- (۳) سنن ابی داود، ج ۳، ص ۱۴۵..

آنان به تو داده، قابل انکار نیست؛ آیا به برادران ما از بنی مطلب می دهی و به ما نمی دهی، با این که ما و ایشان از جهت خویشاوندی در یک رتبه هستیم؟ فرمود: آنان هم در جاهلیت و هم در اسلام هرگز از ما جدا نبودند» (۱).

با وجود این روایات و سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله آیا منع خمس از «ذی القربی» اجتهاد در مقابل نص نیست؟

### محرومیت آل محمد از خمس

در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله سهم ذی القربی از خمس معلوم بود و خود حضرت صلی الله علیه و آله تا هنگام وفات همواره سهم ذی القربی را از خمس می پرداخت.

ابن قدامه، فقیه بزرگ اهل سنت می نویسد: «پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، ابوبکر و عمر - رضی الله عنهما - سهم ذی القربی را در فی سبیل الله قرار دادند. از ابن عباس روایت شده که یقیناً ابوبکر و عمر - رضی الله عنهما - خمس را بر سه قسمت قرار دادند. او سپس می نویسد: وقتی به احمد بن حنبل گفته شد: «ابابکر و عمر - رضی الله عنهما - سهم ذی القربی را در فی سبیل الله قرار دادند» سکوت کرد و سرش را تکان داد و تأیید کرد؛ ولی این مذهب را ترک کرد. او (احمد بن حنبل) درباره سهم ذی القربی، قول ابن عباس و موافقانش را بهتر از دیگران موافق کتاب خدا و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله دید؛ زیرا هنگامی که از ابن عباس درباره سهم ذی القربی پرسیده شد، گفت: ما گمان می کردیم سهم ذی القربی برای ما است؛ ولی قوم ما سهم ذی القربی را برای ما انکار کرد».

ابن قدامه می نویسد: شاید مراد ابن عباس از جمله «فابی ذلک علینا قومنا» این است که ابوبکر و عمر - رضی الله عنهما - و کسانی که از این دو

ص: ۲۲۳



پیروی کردند، سهم ذی القربی را در فی سبیل الله قرار دادند و قول ابن عباس سزاوارتر و موافق کتاب و سنت است. (۱) این فقیه بزرگ اهل سنت در جایی دیگر می نویسد: «پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله سهم ذی القربی ثابت است. خداوند در قرآن سهم ذی القربی را ذکر کرده و این مطلب ثابت است که بی شک پیامبر صلی الله علیه و آله به ذی القربی عطا می کرد»؛ او سپس حدیث مطعم را ذکر کرده و می گوید: «برای این آیه نسخی نیامده و این حکم تغییر نیافته است. پس سهم ذی القربی و عمل طبق این حکم واجب است». (۲)

ابن قدامه بر خلاف بسیاری از فقهای اهل سنت به وجوب خمس برای ذی القربی و وجوب عمل به این حکم اعتقاد دارد. صحابه حق تصرف و تغییر در حکم شرع را ندارند و این کار با وجود نص صریح آیه و سنت متواتر و مستمر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هیچ ارزش و جایگاه شرعی و علمی ندارد؛

بلکه اجتهاد در مقابل نص است.

پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله نه تنها خمس را از ذی القربی منع کردند، بلکه در مصداق ذی القربی هم دست بردند؛ چنان چه از سعید المقبری نقل شده است که نجده به ابن عباس نامه نوشت و از او درباره ذی القربی پرسید: ابن عباس در پاسخ او نوشت: «ما می گفتیم ذی القربی ما هستیم و قوم ما این مطلب را انکار کردند و گفتند: قریش کلها ذوالقربی»؛ (۳) همه قریش ذوالقربی هستند».

دقت در این روایات به خوبی نشان می دهد که تعارض بسیاری در سیره صحابه و سخنان آنان وجود دارد. قاضی ابویوسف می نویسد:

ص: ۲۲۴

---

۱- (۱) المغنی، ج ۶، ص ۴۰۶ و ۴۰۷.

۲- (۲) همان، ص ۴۱۰.

۳- (۳) جامع البیان، ج ۶، ص ۶.

«خمس در زمان پیامبر بر پنج سهم تقسیم می شد که برای خدا و رسول یک سهم، برای ذی القربی سهمی و برای یتیمان، مسکینان و در راه ماندگان هم سهمی بود. سپس ابوبکر، عمر و عثمان - رضی الله عنهم - با تقسیم خمس به سه قسمت، سهم رسول و ذوی القربی را ساقط کردند»<sup>(۱)</sup>.

امام شافعی سهم ذی القربی را می پذیرد. امام فخر رازی می نویسد: «بدانید ظاهر آیه مطابق قول شافعی است و در آن صریح است پس عدول از آیه جایز نیست، مگر با دلیل منفصل و قوی دیگر از آیه؛ چطور چنین چیزی ممکن است، در حالی که در آخر آیه گفته:... إِنَّ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ. یعنی اگر شما به خدا ایمان دارید، به این قسمت حکم کنید. این دلیل بر آن است که تا هنگام حکم نکردن به این قسمت، ایمان حاصل نخواهد شد»<sup>(۲)</sup>.

از توجه به روایات وارده در این باب نتیجه می شود که غاصبین خمس، به خاطر مصلحت های سیاسی، آل محمد صلی الله علیه و آله را از این حق محروم نمودند.

### خمس در غیر غنائم جنگی

حسن می گوید: «در عنبر و لؤلؤ، خمس است زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله در «زکات» خمس قرار داده است»<sup>(۳)</sup>. مالک و ابن ادریس نیز می گفتند: «زکات مربوط به چیزهایی است که در زمان جاهلیت دفن شده است - زیاد باشد یا کم - و پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده در زکات، خمس است»<sup>(۴)</sup>.

ص: ۲۲۵

---

۱- (۱) کتاب الخراج، ص ۱۹.

۲- (۲) تفسیر الفخر الرازی، ج ۱۵، ص ۱۷۰ و ۱۷۱.

۳- (۳) صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۵۹ و ۱۶۰.

۴- (۴) همان، ص ۱۶۰..

ابوهریره گفته: پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

«و فی الزکات الخمس». برخی مردم می گویند، معدن، زکات دارد، مانند آن چه در جاهلیت دفن شده. (۱)

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: در زکات خمس است.

پرسیده شده ای رسول خدا! زکات چیست؟ فرمود: طلا و نقره ای که خداوند در روز خلقت در زمین قرار داده است. (۲)

در نامه پیامبر خدا صلی الله علیه وآله به وائل بن حجر آمده: «و فی السیوب الخمس». ابن اثیر می نویسد: «السیوب، جمع سیب است و پیامبر صلی الله علیه وآله از سیب، مال مدفون در زمان جاهلیت یا معدن را اراده کرده است زیرا این از فضل خدای متعال و عطای او است، به هر که برسد». (۳)

از انس بن مالک خادم پیامبر صلی الله علیه وآله روایت شده است که گفت: «رسول خدا صلی الله علیه وآله وقتی به سوی خیبر به راه افتاد، یکی از همراهانمان به ویرانه ای داخل شد تا قضای حاجت کند پس خشتی برداشت تا خود را با آن پاک کند پس طلایی زیر آن نمایان شد و او آن را نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله آورده و داستان را گزارش داد. رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: این زکات (گنج) است و در آن خمس است». (۴)

مردی از (مزینه) مسائلی را از رسول خدا صلی الله علیه وآله پرسید. یکی آن بود که ما در ویرانه ها و زیر سنگ هایی که برای علامت و نشانی روی هم انباشته ایم، گنج می یابیم؟ حکمش چیست؟ فرمود: «در آن و در زکات، خمس است». (۵)

ابن اثیر می نویسد: «زکات نزد اهل حجاز، گنج های مدفون شده در

ص: ۲۲۶

---

۱- (۱) همان.

۲- (۲) کتاب الخراج، ص ۲۲.

۳- (۳) النهایه فی غریب الاثر، ج ۲، ص ۴۳۲.

۴- (۴) مجمع الزوائد، ج ۳، ص ۷۷.

۵- (۵) المسند، ج ۲، ص ۱۸۶..

زمین در زمان جاهلیت است و نزد اهل عراق، معادن است»<sup>(۱)</sup>.

در روایت جابر آمده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: در زکات، خمس است. شعبی گفته است: «الزکاه الکنز العادی»<sup>(۲)</sup>. در روایت عبدالله بن مسعود هم آمده است که حضرت صلی الله علیه وآله فرمود: «در زکات، خمس است»<sup>(۳)</sup>. همین مضمون را اصحاب دیگر مانند ابی ثعلبه الخشنی، ابوهریره و زید بن ارقم، از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل کرده اند<sup>(۴)</sup>.

### دستور پرداخت خمس در نامه های پیامبر صلی الله علیه وآله

رسول خدا صلی الله علیه وآله به قبیله ها و شخصیت هایی که اسلام می آوردند یا عهد و پیمان می بستند، امر می کردند از تمام فایده ها خمس پردازند. نمونه هایی از این نامه ها را به اختصار ذکر می کنیم.

۱. بخاری می نویسد: از قبیله عبدالقیس یک وفدی به خدمت رسول خدا صلی الله علیه وآله رسید و گفت: بین ما و شما، مشرکان زندگی می کنند و ما نمی توانیم در غیر ماه های حرام نزد شما بیاییم؛ پس به ما دستوری بدهید که به سبب عمل به آن داخل بهشت شویم و مردم قبیله خودمان را هم به آن دعوت کنیم. حضرت صلی الله علیه وآله فرمود: «شما را به انجام چهار چیز امر می کنم و از چهار چیز باز می دارم: به خدا ایمان بیاورید که شهادت لا اله الا الله است، نماز بپا دارید، زکات بدهید و از فایده هایی که می برید، خمس پردازید»<sup>(۵)</sup>.

ص: ۲۲۷

---

۱- (۱) النهایه فی غریب الاثر، ج ۲، ص ۲۵۸.

۲- (۲) مجمع الزوائد، ج ۳، ص ۷۸.

۳- (۳) همان.

۴- (۴) همان.

۵- (۵) صحیح البخاری، ج ۹، ص ۱۹۷..

در این روایت، مراد از «فایده‌ها» غنیمت‌های جنگی نیست؛ زیرا سؤال‌کننده کسی است که در غیر ماه‌های حرام، از ترس مشرکان جرأت نداشت از سرزمین خود بیرون برود و در ماه‌های حرام هم که جنگ حرام است؛ پس بی‌شک مراد، غنیمت به معنای عام است که هر نوع فایده‌ای را شامل می‌شود؛

۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله به سعد هدیم، از قضاعه و جذام نامه نوشت و در آن واجبات صدقه را تعلیمشان داد و آنان را به پرداختن زکات و خمس امر فرمود. (۱)

واضح است قبیله جذام و سعد با کفار نجنگیده اند تا غنیمت جنگی مطالبه کنند؛ چون مالک بن احمد جذامی که اسلام را پذیرفت، از حضرت صلی الله علیه و آله خواست نامه‌ای بنویسد و قومش را به اسلام دعوت کند.

پس ایشان نامه‌ای نوشت و آنان را به دوری از مشرکان و پرداخت خمس از فایده‌ها امر فرمود؛ (۲)

۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به بنی جویین نامه نوشت: «کسی از آنان که به خدا ایمان آورده، نماز پسا دارد، و زکات پردازد، از مشرکان دوری بجوید، و از خدا و رسولش اطاعت کند و از فایده‌ها خمس خدا و سهم نبی را پردازد»؛ (۳)

۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به بنی معاویه بن جرویل، نامه‌ای به مضمون نامه بالا نوشت؛ (۴)

۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله به جناده الازدی، قوم او و کسانی که از آنان

ص: ۲۲۸

---

۱- (۱) محمد ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۸۴.

۲- (۲) لسان المیزان، ج ۳، ص ۲۰.

۳- (۳) طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۸۳ و ۱۸۴.

۴- (۴) همان، ص ۱۸۴..

پیروی کنند، نامه ای شبیه نامه بالا نوشت؛ (۱)

۶. رسول خدا صلی الله علیه و آله به عمرو بن معبد الجهنی و بنی حرقه از جهینه و بن جرمز و کسانی که از آنان اسلام آورند، نامه ای به مضمون نامه پیشین نوشت؛ (۲)

۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله به نهشل بن مالک و همراهانش از بنی وائل نیز چنین نامه ای نوشته است؛ (۳)

۸. از محمد پیامبر به بنی زهیر بن اقیس حی بن عکل: شهادت لا اله الا الله محمد رسول الله را بگویید، از مشرکان دوری بجویید، خمس در غنایمتان را بردارید و به سهم نبی اقرار کنید. (۴)

### فتوای برخی فقها در غیر غنایم

قاضی ابویوسف (م ۱۸۲۲ ق) می گوید: «غنیمت به چیزهایی گفته می شود که در جنگ با مشرکان و چیزهایی که (بدون جنگ) از معادن (مانند طلا، نقره، آهن، مس و سرب) به دست می آید. این موارد خمس دارد و فرقی نمی کند که معادن در زمین های عرب به دست آید یا عجم».

او در ادامه می گوید: «هر چیزی که از معادن به دست انسان افتاد - کم باشد یا زیاد - خمس دارد؛ گرچه شخصی از معدن، کم تر از دویست درهم وزن نقره یا کم تر از بیست مثقال وزن طلا به دست آورد» (۵).

ص: ۲۲۹

۱- (۱) همان.

۲- (۲) همان، ص و ۱۹۴.

۳- (۳) همان، ص ۱۹۴.

۴- (۴) همان.

۵- (۵) کتاب الخراج، ص ۲۱..



١. قرآن كريم.
٢. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتي، انتشارات امام علي عليه السلام، قم، ١٣٦٩ ش.
٣. ابطحي، موحد، آيه التطهير في احاديث الفريقين، قم، ١٤٠٥ ق.
٤. ابن ابي الحديد، عزالدين، شرح نهج البلاغه، داراحياء التراث العربي، بيروت، ١٩٦٧ م.
٥. ابن ابي حاتم، عبدالرحمن، تفسير القرآن العظيم، المكتبه العصريه، بيروت، ١٩٩٩ م.
٦. ابن ابي زمنين، محمد، تفسير ابن ابي زمنين، دارالكتب العلميه، بيروت، ٢٠٠٣ م.
٧. ابن ابي شيبه، عبدالله، المصنف، دارالفكر، بيروت، ١٩٩٤ م.
٨. ابن اثير، علي، اسد الغابه، اسماعيليان، تهران.
٩. ابن اثير، مجد الدين مبارك بن محمد، النهايه في غريب الحديث والاثر، المكتبه العلميه، بيروت.
١٠. ابن اعرابي، احمد، كتاب المعجم، دارابن الجوزيه، رياض، ١٩٩٧ م.
١١. ابن الجعد، علي بن محمد بن جعد، مسند ابن الجعد، دارالكتب العلميه، بيروت.
١٢. ابن القيم الجوزيه، شمس الدين محمد، جلاء الافهام من فضل الصلاه والسلام على محمد خير الانام، دارالعروبه، كويت، ١٩٨٧ م.
١٣. ابن تيميه، احمد، تفسير كبير، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٩٩٨ م.
١٤. -----، منهاج السنه النبويه، مكتبه ابن تيميه، قاهره، ١٩٩٨ م.
١٥. ابن جوزي، سبط، تذكره الخواص، مؤسسه اهل البيت عليهم السلام، بيروت، ١٩٨١ م.
١٦. ابن جوزي، عبدالرحمن، الموضوعات، دارالكفر، بيروت، ٢٠٠١ م.
١٧. -----، دفع شبهه التشبيه بأكف التنزيه، دارالامام النووي، عمان، ١٤١٣ ق.



١٨. ----- زادالمسير، دارالكتب العلميه، بيروت، ٢٠٠١ م.

١٩. ابن حبان، محمد، كتاب الثقات، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٩٩٨ م.

٢٠. ابن حميد، ابى محمد عبد، المنتخب من مسند عبد بن حميد، مكتبه النهضه العربيه، ١٩٩٨ م.

٢١. ابن خلکان، احمد، وفيات الاعيان، دارصادر، بيروت.

٢٢. ابن سعد، محمد، طبقات كبرى، دارالفكر، بيروت، ١٩٩٤ م.

٢٣. ابن صباغ مالکى، الفصول المهمه، مؤسسه الاعلمى لمطبوعات، بيروت، ١٩٩٨ م.

٢٤. ابن عابدين، حاشيه رد المحتار، دارالفكر، ١٤١٥ ق.

٢٥. ابن عبدالبر، يوسف، الاستيعاب فى معرفه الصحابه، دارالجيل، بيروت، ١٩٩٢ م.

٢٦. ابن عدى، عبدالله، الكامل فى الضعفاء الرجال، دارالفكر، بيروت، ١٤٠٩ ق.

٢٧. ابن عربى، محمد، احكام القرآن، دارالفكر، بيروت.

٢٨. ابن عساکر، على، تاريخ مدينه دمشق، دارالفكر، ١٤١٥ ق.

٢٩. ابن عقده، ابوالعباس، كتاب الولايه، دليل، قم، ١٣٧٩ ش.

٣٠. ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللغه، دارالكتاب العربيه، بيروت.

٣١. ابن قدامه، عبدالله، المغنى، داراحياء التراث العربى، بيروت.

٣٢. ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، دارالكتب العلميه، بيروت.

٣٣. ابن مردويه، احمد، المناقب، دارالحديث، قم، ١٣٨٠ ش.

٣٤. ابن مغزلى، على، مناقب، المكتبه الاسلاميه، تهران، ١٤٩٤ ق.

٣٥. ابن منظور، محمد، لسان العرب، ادب الحوزه، قم، ١٤٠٥ ق.

٣٦. ابن هشام، جمال الدين، مغنى اللبيب، منشورات سيدالشهداء، قم، ١٤٠٦ ق.

٣٧. ابن بلبان، على، صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، مؤسسه الرساله، ١٩٩٣ م.

٣٨. ابوداود، سليمان بن اشعث سجستاني، سنن ابي داود، داراحياء التراث العربي، بيروت.
٣٩. ابوريه محمود، اضواء على السنه المحمديه، مؤسسه الانصاريان لطباعه و النشر، قم، ١٩٩٩ م.
٤٠. ابو علم، توفيق، فاطمه الزهراء، امير كبير، تهران، ١٣٦٤ ش.
٤١. ابويوسف، قاضي، كتاب الخراج، دارالمعرفه، بيروت، ١٣٠١ ق.
٤٢. احمد بن حنبل، المسند، دارصادر، بيروت.
٤٣. -----، فضائل الصحابه، مؤسسه الرساله، بيروت، ١٩٨٣ م.
٤٤. ارنووط، شعيب، الموسوعه الحديثيه (مسند امام احمد حنبل) مؤسسه الرساله، بيروت، ٢٠٠١ م.
٤٥. اسكافي، ابو جعفر، المعيار و الموازنه، دارالمعرفه والهدى، تهران، ١٩٨١ م.

٤٦. اصبهانی، ابی نعیم، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، دارالکتاب العربی، بیروت، ١٩٨٧ م.

٤٧. اصفهانی، راغب، المفردات، ذوالقربی، ١٩٩٦ م.

٤٨. اطفیش، محمد بن یوسف، تیسیر التفسیر للقرآن الکریم، ١٩١٨ م.

٤٩. امیر عبدالعزیز، التفسیر الشامل للقرآن الکریم، دارالسلام، قاهره، ٢٠٠٠ م.

٥٠. امینی، عبدالحسین، الغدیر، مرکز الغدیر للدرسات الاسلامیه، قم.

٥١. اندلسی، ابن حیان، البحر المحیط، دارالکتب العلمیه، بیروت، ١٩٩٣ م.

٥٢. اندلسی، ابن عطیه، المحرر الوجیز، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ١٩٩٦ م.

٥٣. ایجی، عبدالرحمن بن احمد، المواقف فی علم الکلام، عالم الکتب، بیروت.

٥٤. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القران العظیم والسبع المثانی، انتشارات جهان، تهران.

٥٥. بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ١٩٩٩ م.

٥٦. بخاری، محمد بن اسماعیل، تاریخ الکبیر، دارالفکر، بیروت.

٥٧. -----، صحیح بخاری، دارالجلیل، بیروت.

٥٨. بروسوی، اسماعیل حقی، تفسیر روح البیان، دارالتراث العربی، بیروت، ٢٠٠١ م.

٥٩. بشوی، محمد یعقوب، شخصیت حضرت زهرا علیها السلام در قرآن از منظر تفاسیر اهل سنت (پایان نامه کارشناسی ارشد)، مرکز جهانی علوم اسلامی، ١٣٨٤ ش.

٦٠. بغوی، ابی محمد حسین، معالم التنزیل فی التفسیر و التأویل، دارالفکر، بیروت، ٢٠٠٢ م.

٦١. بقاعی، ابی الحسن ابراهیم، نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور، دارالکتاب العلمیه، بیروت، ١٩٩٥ م.

٦٢. بلاذری، احمد، کتاب جمل من انساب الاشراف، دارالفکر، بیروت، ١٩٩٦ م.

٦٣. بیضاوی، ناصرالدین، تفسیر البیضاوی، دارالفکر، بیروت، ١٩٩٦ م.

٦٤. بیومی، مهران، الامامه واهل البیت، دارالنهضة العربیه، بیروت، ١٩٩٥ م.

٦٥. بيهقي، احمد، دلائل النبوه، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٩٨٥ م.

٦٦. -----، سنن الكبرى، دارالفكر، بيروت، ١٩٩٦ م.

٦٧. پورفر، نقى، بررسى شخصيت اهل بيت عليهم السلام در قرآن، تهران، مركز آموزش مديريت دولتى، ١٣٨٠ ش.

٦٨. تبريزى، خطيب، مشكاه المصاييح، دارالكتب العلميه، بيروت، ٢٠٠٢ م.

٦٩. ثعالبى، عبدالرحمن، الجواهر الحسان فى تفسير القرآن، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٩٩٦ م.

٧٠. -----، الجواهر الحسان فى تفسير القرآن، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٩٩٦ م.

ص: ٢٣٣

٧١. ثعلبي، احمد، تفسير الكشف و البيان، داراحياء التراث العربي، بيروت، ٢٠٠٢ م.
٧٢. جاوي، عمر نووي، مراح لبيد لكشف معنى القران المجيد، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٩٩٧ م.
٧٣. جصاص، احمد، احكام القرآن، المكتبه التجاريه، مكه.
٧٤. الجمال، محمد عبدالمنعم، التفسير الفريد لقران المجيد.
٧٥. جوهري، اسماعيل، الصحاح، دارالعلم للملايين، بيروت، ١٩٨٧ م.
٧٦. جويني، ابراهيم، فرائد السمطين، مؤسسه المحمودى للطباعه والنشر، بيروت، ١٩٧٨ م.
٧٧. حاجي، عمر، فضائل آل البيت فى ميزان الشريعه الاسلاميه، دارالمكتبي، دمشق، ١٩٩٩ م.
٧٨. حسكاني، حاكم، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، بيروت.
٧٩. حزمي، ابوبكر، رشفه الصادى من بحر فضائل النبي الهادى، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٩٩٨ م.
٨٠. حكيم بن ياسين، التفسير الصحيح موسوعه الصحيح المسبور من التفسير بالماثور، دارالمآثر، مدينه، ١٩٩٩ م.
٨١. حلي، على، سيره الحلييه، داراحياء التراث العربي، بيروت.
٨٢. حلى، حسن بن يوسف، منهاج الكرامه، تاسوعا، مشهد، ١٣٧٩ ش.
٨٣. حموى، ياقوت، معجم البلدان، دارالكتب العلميه، بيروت.
٨٤. حنبلي، ابن عادل، اللباب فى علوم الكتاب، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٩٩٨ م.
٨٥. حوى، سعيد، الاساس فى التفسير، دارالسلام، قاهره، ١٩٩٩ م.
٨٦. حويزى، عبد على، نورالثقلين، مؤسسه التاريخ العربى، بيروت، ٢٠٠١ م.
٨٧. خازن، علاء الدين على، تفسير الخازن، دارالكتب العلميه، بيروت.
٨٨. خالدى، محمد على، صفوه العرفان فى تفسير القرآن، احسان، تهران، ١٣٧٨ ش.
٨٩. خضاجى، شهاب الدين، حاشيه الشهاب على تفسير البيضاوى، داراحياء التراث العربى، بيروت.
٩٠. خطيب بغدادى، على ابوبكر، تاريخ بغداد، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤١٧ ق.

٩١. خطيب، عبدالكريم، التفسير القرآني للقرآن، دارالفكر.

٩٢. خوارزمي، موفق بن احمد، المناقب، مكتبة نينوى الحديثه، تهران.

٩٣. -----، مقتل الحسين، دارانوار الهدى، قم، ١٤١٨ ق.

٩٤. دارقطنى، على، العلل الوارده فى الاحاديث النبويه، دار طيبه، رياض، ١٤٠٩ ق.

٩٥. دارمى، عبدالله، سنن الدارمى، دارالفكر، بيروت.

٩٦. الدرّه، محمد على طه، تفسير القرآن الكريم و اعرابه و بيانه، دارالحكمه، بيروت، ١٩٩٠ م.

ص: ٢٣٤

٩٧. دروزه، محمد عزه، التفسير الحديث ترتيب السور حسب النزول، دارالغرب الاسلامي، بيروت، ٢٠٠٠ م.
٩٨. دمشقى، اسماعيل بن كثير، البدايه و النهايه، داراحياء التراث العربى، بيروت، ١٤٠٨ ق.
٩٩. -----، تفسير القرآن العظيم، دارالمعرفه، بيروت، ١٩٨٧ م.
١٠٠. دهخدا، على اكبر، لغت نامه دهخدا، تهران، شماره مسلسل ٨٦، ١٣٤٢ ش.
١٠١. دهلوى، احمد حسن، احسن التفاسير، المكتبه السلفيه، لاهور، ١٩٩٣ م.
١٠٢. ديلمى، شيرويه، فردوس الاخبار، دارالكتاب العربى، بيروت، ١٩٨٧ م.
١٠٣. ذهبى، احمد، تذكره الحفاظ، مكتبه الحرم المكي.
١٠٤. -----، سير اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بيروت، ١٤١٣ ق.
١٠٥. ذهبى، محمد بن احمد، ميزان الاعتدال، دارالفكر، بيروت.
١٠٦. رازى، عبدالرحمن، الجرح و التعديل، داراحياء التراث العربى، بيروت، ١٣٧٣ ق.
١٠٧. رازى، فخر الدين، التفسير الكبير و مفاتيح الغيب، دارالفكر، بيروت، ١٩٨٥ م.
١٠٨. رستگار جوييارى، يعسوب الدين، تفسير البصائر، المطبعه الاسلاميه، قم، ١٣٥٧ ش.
١٠٩. رشيد رضا، محمد، تفسير المنار، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٩٩٩ م.
١١٠. زيدي، محمد مرتضى، تاج العروس، المكتبه الحياه، بيروت.
١١١. زحيلي، وهبه، تفسير المنير فى العقيدة و الشريعه و المنهج، دارالفكر، دمشق، ١٩٩١ م.
١١٢. زرندى، محمد، نظم درر السمطين، من مخطوطات مكتبه الامير المؤمنين العامه، ١٩٥٨ م.
١١٣. زمخشري، محمود، الفائق فى غريب الحديث، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤١٧ ق.
١١٤. -----، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، دارالمعرفه، بيروت.
١١٥. سبكي، تاج الدين، طبقات الشافعيه الكبرى، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٩٩٩ م.
١١٦. سخاوى، شمس الدين محمد، القول البديع فى الصلاه على الحبيب الشفيح، دارالكتاب العربى، بيروت، ١٩٨٥ م.

١١٧. -----، استجلاف ارتقاء الغرف بحب اقرباء الرسول و ذوى اشرف، دارالشائر الاسلاميه، بيروت، ٢٠٠٠ م.

١١٨. سرخسى، شمس الدين، المبسوط، دارالمعرفه، بيروت، ١٤٠٦ ق.

١١٩. سفرائنى، ابواسحاق، نورالعين فى مشهد الحسين، المنار، تونس.

١٢٠. سقاف، حسن، ارغام المبتدع الغبى بجواز التوسل بالنبى، دارالامام النووى، ١٩٩٢ م.

١٢١. -----، صحيح صفه صلاه النبى، دارالامام النووى، عمان، ١٩٩٣ م.

١٢٢. سلمى، عبدالسلام، تفسير القرآن، دارابن حزم، بيروت، ٢٠٠٢ م.

١٢٣. سمرقندى، ابراهيم، تفسير السمرقندى المسمى بحر العلوم، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٩٩٣ م.

ص: ٢٣٥



١٢٤. سمهودى، نورالدين على، جواهر العقدين فى فضل الشرفين، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٩٩٥ م.
١٢٥. سهيلى، عبدالرحمن بن ابى الحسن، الروض الانف، مكتبه الكليات الازهرية، مصر.
١٢٦. سيوطى، جلال الدين، الثغور الباسمه فى مناقب فاطمه، دارالصحابه للتراث، بطنطا، ١٩٩١ م.
١٢٧. -----، الجامع الصغير، دارالفكر، بيروت، ١٤٠١ ق.
١٢٨. -----، الدرالمنثور فى التفسير المأثور، دارالفكر، بيروت، ١٩٩٣ م.
١٢٩. -----، اللئالى المصنوعه، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٩٩٦ م.
١٣٠. -----، طبقات المفسرين، دارالكتب العلميه، بيروت.
١٣١. -----، لباب النقول فى اسباب النزول، دارالمعرفه، بيروت، ١٩٩٨ م.
١٣٢. شافعى، محمد بن ادريس، احكام القرآن، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٩٨٠ م.
١٣٣. -----، مطالب السؤل فى مناقب الرسول، مؤسسه البلاغ، بيروت، ١٩٩٩ م.
١٣٤. شاكرا، احمد وحمزه الزين، المسند للامام احمد بن حنبل، دارالحديث، قاهره، ١٩٩٥ م.
١٣٥. شبرواى، عبدالله، الاتحاف بحب الاشراف، مؤسسه دارالكتاب الاسلامى، ٢٠٠٢ م.
١٣٦. شبلنجى، مؤمن، نورالابصار فى مناقب آل رسول، دارالكتب العلميه، بيروت.
١٣٧. شرتونى، سعيد الخورى، اقرب الموارد، دارالاسوه للطباعه والنشر، تهران، ١٤١٦ ق.
١٣٨. شنيطى، محمد امين، اضواء البيان فى ايضاح القرآن بالقران، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٩٩٦ م.
١٣٩. شوكانى، محمد، فتح القدير الجامع بين فنى الروايه من علم التفسير، دارالمعرفه، بيروت، ١٩٩٦ م.
١٤٠. -----، نيل الأوطار من الاحاديث سيد الاخبار، دارالجيل، بيروت.
١٤١. شيبانى، عبدالرحمن بن على، تيسير الوصول إلى جامع الاصول فى حديث الرسول، دارالفكر، بيروت، ١٩٩٧ م.
١٤٢. صادقى، محمد، تفسير الفرقان، انتشارات فرهنگى اسلامى، تهران، ١٤٠٦ ق.
١٤٣. صالح بن حميد، عبدالرحمن بن ملوح، نظره النعيم، دارالوسيله، جده، ١٩٩٨ م.

١٤٤. صفدى، صلاح الدين، الوافى بالوفيات، داراحياء التراث العربى، بيروت، ٢٠٠٠ م.

١٤٥. صفورى، عبدالرحمن، نزّهه المجالس و منتخب النفائس، دارالايما، دمشق.

١٤٦. صنعانى، محمد، سبل السلام شرح بلوغ المرام من جمع ادله الاحكام، دارالكتاب العربى، بيروت، ١٩٩٧ م.

ص: ٢٣٦

١٤٧. ضحاک، عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنه، المکتب العلمی، بیروت، ١٩٩٣ م.
١٤٨. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
١٤٩. طبرانی، سلیمان، المعجم الاوسط، دارالحرمین.
١٥٠. -----، المعجم الصغیر، دارالکتب العلمیه، بیروت.
١٥١. -----، المعجم الکبیر، داراحیاء التراث العربی.
١٥٢. طبرسی، احمد، احتجاج، نشر المرتضی، مشهد، ١٤٠٣ ق.
١٥٣. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، دارالمعرفه، بیروت، ١٩٨٨ م.
١٥٤. طبری، احمد، ذخائر العقبی، دارالمعرفه، بیروت.
١٥٥. طبری، محمد بن جریر، و خالد بن عبدالرحمن، تسهیل الوصول إلى معرفه اسباب النزول، دارالمعرفه، بیروت، ١٩٩٨ م.
١٥٦. طبری، محمد، جامع البیان عن تاویل آیه القرآن، دارالفکر، بیروت، ١٩٨٨ م.
١٥٧. طحاوی، احمد، مشکل الآثار، دارالکتب العلمیه، بیروت، ١٩٩٥ م.
١٥٨. طنجی عبدالله، تهذیب الترمذی، دارالمعرفه، مغرب.
١٥٩. طوسی، شیخ محمد، التبیان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
١٦٠. عاملی، جعفر مرتضی، اهل البیت فی آیه التطیهر، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ١٣٧٩ ش.
١٦١. عبدالمقصود، عبدالفتاح، فاطمه الزهراء، شرکت سهامی انتشار، تهران، ١٣٨١ ش.
١٦٢. -----، کشف الخفاء، مؤسسه الرساله، بیروت، ١٤٠٥ ق.
١٦٣. عجلونی، محمد، کشف الخفاء و مزیل الالباس، دارالکتب العلمیه، ١٤٠٨ ق.
١٦٤. عجلی، احمد، تاریخ الثقات، دارالکتب العلمیه، بیروت، ١٩٨٤ م.
١٦٥. عدوی، مصطفی، الصحیح المسند فی فضائل الصحابه، دارابن عفان، ١٩٩٥ م.
١٦٦. عسقلانی، احمد ابن حجر، تعجیل المنفعه بزوائد رجال الائمہ الاربعه، دارالکتب العربی، بیروت.

١٦٧. -----، تقريب التهذيب، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٩٩٥ م.
١٦٨. -----، تهذيب التهذيب، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٩٩٤ م.
١٦٩. -----، فتح البارى فى شرح صحيح بخارى، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٩٩٧ م.
١٧٠. -----، لسان الميزان، داراحياء التراث العربى، بيروت، ١٩٩٥ م.
١٧١. عقيلى، الضعفاء الكبير، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤١٨ ق.
١٧٢. عمادى، محمد، ارشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٩٩٩ م.
١٧٣. عياشى، محمد، تفسير العياشى، المكتبه العلميه الاسلاميه، تهران.

١٧٤. عيني، محمود بدرالدين، شرح سنن ابي داود، مكتبة الرشد، رياض، ١٩٩٩ م.
١٧٥. فراهيدى، خليل بن احمد، كتاب العين، اسوه، قم، ١٤١٤ ق.
١٧٦. فرحان، راشد عبدالله، هدايه البيان فى تفسير القرآن، جمعيه الدعوه الاسلاميه العالميه، ٢٠٠٠ م.
١٧٧. فنيسان، سعود، مرويات ام المؤمنين عايشه فى التفسير، مكتبة التوبه، رياض، ١٩٩٢ م.
١٧٨. فيروزآبادى، مجدالدين محمد بن يعقوب، القاموس المحيط، دار احياء التراث العربى، بيروت، ١٩٩١ م.
١٧٩. قارى، على بن سلطان، مرقاه المفاتيح شرح مستكاه المصاييح، دار احياء التراث العربى، بيروت.
١٨٠. قرشى، على اكبر، قاموس قرآن، دارالكتب الاسلاميه، تهران، ١٣٧١ ش.
١٨١. قرطبي، بقى بن مخلد، ماروى فى الحوض و الكوثر، مكتبة العلوم و الحكم، مدينه، ١٤١٣ ق.
١٨٢. قرطبي، محمد بن احمد، الجامع لاحكام القرآن، داراحياء التراث العربى، بيروت.
١٨٣. قسطلانى، احمد، ارشاد السارى لشرح صحيح البخارى، دارالفكر، بيروت، ١٩٩٠ م.
١٨٤. قشيري، عبدالكريم، تفسير القشيري المسمى لطائف الاشارات، دارالكتب العلميه، بيروت، ٢٠٠٠ م.
١٨٥. قطب، محمد، فى ظلال القرآن، دارالشروق، قاهره، ١٩٩٢ م.
١٨٦. قمى، على، تفسير قمى، نجف، ١٣٨٧.
١٨٧. قندوزى، سليمان، ينايع الموده، منشورات مكتبه بصيرتى، قم، ١٩٦٦ م.
١٨٨. قنوجى، صديق حسن خان، فتح البيان فى مقاصد القرآن، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٩٩٩ م.
١٨٩. قنوى، اسماعيل، حاشيه القنوى، دارسعادت، استنبول.
١٩٠. قوجوى، محمد، حاشيه محى الدين شيخ زاده على تفسير البيضاوى، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٩٩٩ م.
١٩١. قونوى، اسماعيل، حاشيه القونوى على تفسير البيضاوى، دارالكتب العلميه، بيروت، ٢٠٠١ م.
١٩٢. كاشانى، فتح الله، تفسير منهج الصادقين، كتاب فروشى علميه اسلاميه، تهران.
١٩٣. كاشانى، فيض، تفسير الصافى، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٩٨٢ م.

١٩٤. كٲانى؁ محمد؁ نظم المتناثر فى روايات المتواتر؁ دارالكتب السلفه؁ مصر.

١٩٥. كسروى؁ حسن؁ انجاز الوعود بزوائد ابى داود؁ دارالكتب العلميه؁ بيروت؁ ١٩٩٩ م.

١٩٦. كشفى؁ محمدصالح؁ مناقب مرتضىوى؁ روزنه؁ ١٣٨٠ ش.

ص: ٢٣٨

١٩٧. كلبى، محمد، كتاب التسهيل لعلوم التنزيل، دارالكتاب العربى، بيروت، ١٩٧٣.
١٩٨. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، دارالكتب الاسلاميه، تهران، ١٣٨٨ ق.
١٩٩. كنانى، احمد، زوائد ابن ماجه على الكتب الخمسه، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٩٩٣ م.
٢٠٠. كوفى، فرات، تفسير الفرات الكوفى، موسسه الطبع والنشر التابعه لوزاره الثقافه والارشاد الاسلامى، تهران.
٢٠١. ماوردى، على، النكت والعيون، البيئه المصريه العامه للكتاب، ١٩٧٩ م.
٢٠٢. مباركفورى، عبدالرحمن، تحفه الاحوذى، دارالفكر، بيروت، ١٩٩٥ م.
٢٠٣. مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بيروت، ١٩٨٣ م.
٢٠٤. محمد بن سوره، سنن الترمذى، دارالكفر، بيروت، ١٩٩٤ م.
٢٠٥. محمودى، محمد باقر، تاريخ دمشق (ترجمه الامام على بن ابى طالب)، موسسه المحمودى للطباعه، بيروت، ١٩٨٠ م.
٢٠٦. محى الدين، يحيى بن حزم، تهذيب الاسماء واللغات، دارالفكر، بيروت، ١٩٩٦ م.
٢٠٧. مراغى، احمد، تفسير المراغى، داراحياء التراث العربى، بيروت، ١٩٨٥ م.
٢٠٨. مرغنى، محمد عثمان، تاج التفاسير، دارالفكر.
٢٠٩. مزى، يوسف، تهذيب الكمال فى اسماء الرجال، دارالفكر، بيروت، ١٩٩٤ م.
٢١٠. مشهدى، محمد، تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، موسسه الطبع والنشر لوزاره الثقافه، تهران، ١٩٩١ م.
٢١١. معرفت، محمد هادى، التفسير والمفسرون فى ثوبه القشيب، منشورات الجامعه الرضويه للعلوم الاسلاميه، مشهد، ١٤١٨ ق.
٢١٢. مقاتل بن سليمان، تفسير مقاتل بن سليمان، داراحياء التراث العربى، ٢٠٠٢ م.
٢١٣. مكارم شيرازى، ناصر، تفسير نمونه، دارالكتب الاسلاميه، قم، ١٣٦٩ ش.
٢١٤. ملاه، محمد، فضل الصلاه والسلام على سيد الانام، مكه، ١٤١٣ ق.
٢١٥. مناوى، عبدالرئوف، التيسير بشرح الجامع الصغير، مكتبه الامام الشافعى، رياض.
٢١٦. -----، فيض القدير، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٩٩٤ م.

٢١٧. مودودي، ابوالاعلى، تفهيم القرآن، ترجمان القران، لاهور، ١٩٩٣ م.

٢١٨. موصلى، احمد ابى يعلى، مسند ابى يعلى، دارالمأمون لثراث.

٢١٩. النبهانى، يوسف، منتخب الصحيحين من كلام سيدالكونين، شركه مكتبه، مصر، ١٩٦٤ م.

٢٢٠. نسائى، احمد بن شعيب، خصائص اميرالمؤمنين، مجمع احياء الثقافه الاسلاميه، ١٤١٩ ق.

٢٢١. -----، سنن النسائى، دارالفكر، بيروت، ١٩٩٥ م.

٢٢٢. نسفى، عبدالله، مدارك التنزيل و حقائق التأويل، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٩٩٥ م.

٢٢٣. نووى، يحيى بن شرف، رياض الصالحين من حديث سيدالمرسلين، دارالفكر، ١٤١١ ق.

ص: ٢٣٩



٢٢٤. -----، شرح صحيح مسلم، دارالقلم، بيروت، ١٩٨٧ م.
٢٢٥. نيشابورى، حاكم، المستدرک على الصحيحين، دارالمعرفه، بيروت.
٢٢٦. -----، معرفه علوم الحديث، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٩٧٧ م.
٢٢٧. نيشابورى، مسلم بن حجاج، صحيح مسلم (شرح نووى)، دارالقلم، بيروت، ١٩٨٧ م.
٢٢٨. -----، صحيح مسلم، دارالفكر، بيروت.
٢٢٩. نيشابورى، نظام الدين، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٩٩٦ م.
٢٣٠. واحدى، ابى الحسن على، اسباب النزول، دارالثقافه الاسلاميه، رياض، ١٩٨٤ م.
٢٣١. -----، الوسيط فى تفسير القرآن المجيد، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٩٩٤ م.
٢٣٢. هاشمى، مهدى، فاطمه الزهرا در كلام اهل سنت، انتشارات حر، قم، ١٣٧٦ ش.
٢٣٣. هزاسى، الكياطبرى، احكام القرآن، دارالكتب العلميه، بيروت، ٢٠٠١ م.
٢٣٤. هررى، محمد الامين، تفسير حدائق الروح والريحان فى روايى علوم القرآن، دار طوق النجاه، بيروت، ٢٠٠١ م.
٢٣٥. هندى، متقى، كنز العمال، موسسه الرساله، بيروت، ١٩٨٩ م.
٢٣٦. هيشمى، احمد بن حجر، الصواعق المحرقة، مكتبه القايره، قاهره، ١٩٦٥ م.
٢٣٧. هيشمى، نورالدين، مجمع البحرين فى زوائد المعجمين، مكتبه الرشد، رياض، ١٩٩٥ م.
٢٣٨. -----، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالكتاب العربيه، بيروت، ١٩٩٨ م.
٢٣٩. -----، موارد الضمان إلى زوائد ابن حبان، دارالكتب العلميه، بيروت.
٢٤٠. يعقوبى، احمد ابن واضح، تاريخ يعقوبى، شركت انتشارات علمى و فرهنگى، تهران، ١٣٧٨.
٢٤١. يوزبكى، سيد رامى، الوضاعون و احاديثهم الموضوعه، مركز الغدير للدراسات الاسلاميه، ١٩٩٩ م.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

